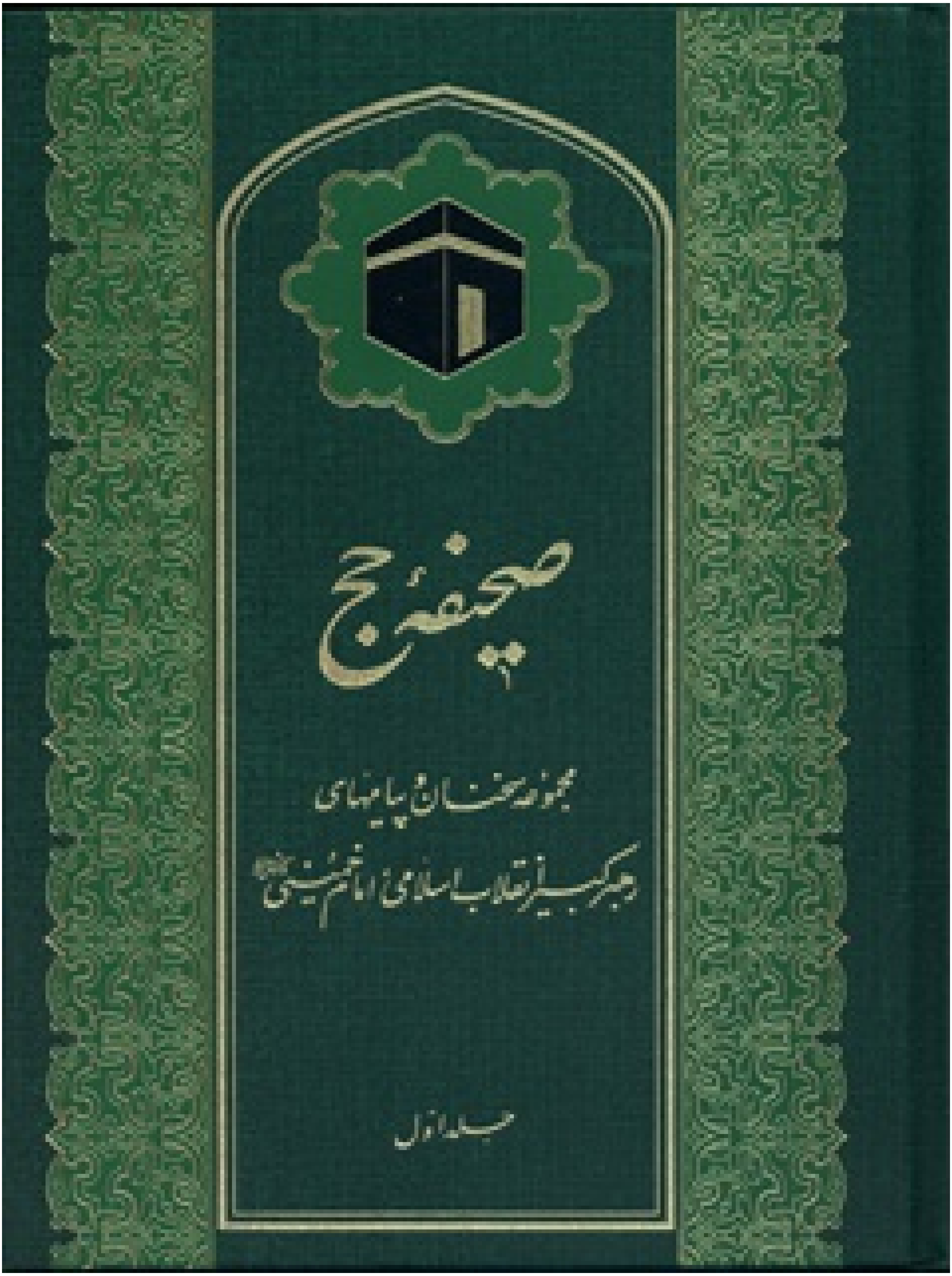

صحیفهٔ حج
مجموعه سخنان و پیامهای
رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی
جلد اول

بسم الله الرحمن الرحیم

صحیفه حج

نویسنده:

مرکز تحقیقات حج

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

صحیفه حج – جلد ۱

مشخصات کتاب

سرشناسه : خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸ - ۱۲۷۹

عنوان و نام پدیدآور : صحیفه حج

مشخصات نشر : تهران: مشعر، - ۱۳۸۲.

شابک : ۲۰۰۰۰ریال:(ج.۱) ؛ ۲۰۰۰۰ریال:(ج.۱)

وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی

یادداشت : نمایه

مندرجات : ج. ۱. مجموعه سخنان و پیام های رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی (ره)

موضوع : خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸ - ۱۲۷۹ -- نظریه درباره حج

موضوع : حج

رده بندی کنگره : DSR۱۵۷۴/۵ /ح۳ ص۳ ۱۳۸۲

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۲-۲۷۷۱۴

ص: ۱

اشاره

مقدّمه

بسم اللَّه الرحمن الرحيم

«مراتب معنوی حج که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج بطور صحیح و شایسته مو به مو عمل شود».

حضرت امام خمینی قدس سره

حجّ نمایشی پرشکوه، از اوج رهایی انسان موحّد از همه چیز جز او، و عرصه پیکاری فرا راه توسن نفس، و جلوه بی مانندی از عشق و ایثار، و آگاهی و مسؤولیت، در گستره حیات فردی و اجتماعی است. پس حجّ تبلور تمام عیار حقایق و ارزشهای مکتب اسلام است.

مؤمنان گرچه با این عبادت الهی، آشنایی دیرینه دارند، و هر سال با حضور شورانگیز از سراسر عالم، زنگار دل، با زلال زمزم توحید می زدایند، و با حضرت دوست تجدید میثاق می کنند، و گرچه میراث ادب و فرهنگ ما، مشحون از آموزه های حیاتبخش حجّ است، امّا هنوز ابعاد بی شماری از این فریضه مهمّ، ناشناخته و مهجور مانده است.

پیروزی انقلاب اسلامی، در پرتو اندیشه های تابناک امام خمینی- رضوان اللَّه تعالی علیه- حجّ را نیز همچون سایر معارف و احکام اسلامی، در جایگاه واقعی خویش نشاند، و

سیمای راستین و محتوای غنی آن را نمایاند. امّا هنوز راهی دراز در پیش است، تا فلسفه و ابعاد و آثار و برکات حجّ، شناخته و شناسانده شود، و مؤمن حجّ گزار با آگاهی و شعور دینی، بر آن مواقف کریمه، و مشاعر عظیمه، که محلّ هبوط ملائکه اللّٰه، و توقّف انبیا و اولیا بود، گام بگذارد.

در راستای تحقق این هدف بزرگ، بعثه مقام معظّم رهبری با الهام از اندیشه های والا و ماندگار امام راحل، احیاگر حجّ ابراهیمی- قدّس سرّه الشّریف- و بهره گیری از رهنمودهای ارزشمند رهبر عزیز انقلاب اسلامی حضرت آیهاللّٰه خامنه ای- مدّ ظلّه- با تأسیس معاونت آموزش و پژوهش، تلاش می کند فصل جدیدی فرا راه اندیشمندان مسلمان، و علاقمندان به فرهنگ حجّ، و زائران و راهیان حرمین شریفین بگشاید. از این رو در عرصه تحقیق و تألیف و ترجمه، آثار گوناگون پیرامون حقایق و معارف حجّ، آشنایی با اماکن مقدسه، تاریخ و سرگذشت شخصیتهای بزرگ اسلام تبیین عقائد شیعه و پاسخگویی به شبهات وهابیان، بررسی رویدادها و عرضه خاطرات و بویژه آموزش مسائل و آداب حجّ تلاشهایی را آغاز کرده است.

آنچه اینک پیش روی خواننده قرار دارد برگ سبزی است از این دفتر.

بی گمان راهنمایی و همراهی اندیشوران، از نارساییها خواهد کاست، و در این راه معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظّم رهبری، از همکاری همه علاقمندان استقبال کرده، و دست آنان را به گرمی می فشارد.

از مؤسسه حفظ و نشر آثار حضرت امام خمینی قدس سره الشریف که در تهیه و تنظیم این اثر ارزشمند ما را یاری دادند، صمیمانه سپاسگذاری می نماییم.

و من اللّٰه التوفیق و علیه التکلان

معاونت آموزش و پژوهش

بعثه مقام معظم رهبری

پیام

زمان: بهمن ۱۳۴۹/ ۱۳۹۰

مکان: نجف

موضوع:

هشدار به مسلمین جهان در مورد فلسطین و افشای جنایتهای رژیم شاه

مناسبت: برگزاری مراسم حج

مخاطب: زائران بیت اللَّه الحرام

هشدار به مسلمین جهان در مورد فلسطین و ...

بسمه تعالی

خدمت عموم زائرین بیت اللَّه الحرام

- ایّدهم اللَّه تعالی

بعد از ابلاغ سلام و تحیات وافره اکنون که به واسطه سستی و سهل انگاری ملتهای اسلامی، چنگال خبیث استعمار تا اعماق سرزمینهای بزرگ ملت قرآن فرو رفته و تمام ثروت و مخازن بزرگ ما در قشر ملی بودن به کام آنان فرو می ریزد، فرهنگ مسموم استعمار تا اعماق قصبات و دهات ممالک اسلامی رخنه کرده فرهنگ قرآن را عقب زده و نوباوگان ما را فوج فوج در خدمت بیگانگان و مُسْتَعمِرین درمی آورد، و هر روز با نغمه تازه با اسامی فریبنده جوانان ما را منحرف می کند، بر شما ملت عزیز اسلام که برای ادای مناسک حج در این سرزمین وحی اجتماع کرده اید لازم است از فرصت استفاده کرده به فکر چاره باشید. برای حل مسائل مشکله مسلمین تبادل نظر و تفاهم کنید.

باید توجه داشته باشید که این اجتماع بزرگ که به امر خداوند تعالی در هر سال در این سرزمین مقدس فراهم می شود، شما ملتهای مسلمان را مکلف می سازد که در اهداف مقدسه اسلام، مقاصد عالیه شریعت مطهره و در راه ترقی و تعالی مسلمین و اتحاد و پیوستگی جامعه اسلامی کوشش کنید. در راه استقلال و ریشه کن کردن سرطان استعمار، همفکر و هم پیمان شوید. گرفتاریهای ملل مُسْلِم را از زبان اهالی هر مملکت شنیده و در راه حل مشکلات آنان از هیچ گونه اقدامی فروگذار نکنید. برای فقرا و

مستمندان کشورهای اسلامی فکری کنید. برای آزادی سرزمین اسلامی فلسطین از چنگال صهیونیسم، دشمن سرسخت اسلام و انسانیت، چاره اندیشی کنید. از مساعدت و همکاری با مردان فداکاری که در راه آزادی فلسطین مبارزه می کنند غفلت نورزید.

بر دانشمندانی که در این اجتماع شرکت می کنند، از هر کشوری که هستند، لازم است برای بیداری ملتها بیانیه های مستدلی با تبادل نظر صادر کرده و در محیط وحی بین جامعه مسلمین توزیع نمایند، و نیز در کشورهای خود پس از مراجعت، نشر دهند؛ و در آن بیانیه ها از سران کشورهای اسلامی بخواهند که اهداف اسلام را نصب عین خود قرار داده اختلافات را کنار گذاشته برای خلاصی از چنگال استعمار چاره بیندیشند.

اگر سران کشورهای اسلامی از اختلافات داخلی دست بردارند و با اهداف عالیه اسلام آشنا شوند و به سوی اسلام گرایش پیدا کنند، اینگونه اسیر و ذلیل استعمار نمی شوند. این اختلافات سران کشورهای اسلامی است که مشکله فلسطین را به وجود آورده نمی گذارد حل شود. اگر هفتصد میلیون مُسْلِم، (۱) با این کشورهای عریض و طویل، رشد سیاسی داشتند و با هم متحد و متشکل شده در صف واحد قرار می گرفتند، برای دولتهای بزرگ استعمار ممکن نبود که در ممالک آنها رخنه کنند تا چه رسد به مشتی یهود که از عمال استعمارند.

در این اجتماع بزرگ حج که باید به نفع اسلام و مسلمین بهره برداری شود، با کمال تأسف دیده می شود که بعضی قلمهای مسموم عمال استعمار برای تفرقه صفوف مسلمین سالهاست که برخلاف مقاصد صاحب وحی در مرکز وحی اوراقی را به اسم الخطوط العریضه و امثال آن نشر می دهند (۲) و به مُسْتَعْمِرین کمک می نمایند، و می خواهند با دروغ و افترا یک جمعیت قریب صد و پنجاه میلیون نفری (۳) را از صفوف مسلمین جدا کنند. جای تعجب است که حکومت حجاز چگونه اجازه می دهد این اوراق گمراه کننده در مرکز وحی پخش شود!

۱- جمعیت مسلمانان جهان در زمان صدور پیام.

۲- جزواتی که عمال وهابی سعودی، علیه تشیع منتشر می ساختند.

۳- منظور، شیعیان جهان است.

بر ملتهای اسلامی لازم است که از این گونه کتابها و نشریات تفرقه انگیز و استعماری اجتناب کنند، و این اشخاص مخالف وحدت مسلمین را طرد نمایند. و در این اجتماع مقدس حج، اولًا در مسائل اساسی اسلام، و ثانیاً در مسائل خصوصی کشورهای اسلامی تبادل نظر کرده ببینند که در داخل کشورها با دست استعمار و عمال آن بر برادران مسلمان آنان چه می گذرد. اهالی هر کشوری باید در این اجتماع مقدس گرفتاریهای ملت خود را به مسلمین جهان گزارش دهند.

اینک اینجانب به حکم وظیفه، شمه ای از گرفتاریهای ملت مظلوم ایران را تذکر می دهم تا مسلمین جهان بدانند که به مردم بی پناه این کشور اسلامی چه می گذرد. آثار شوم استعمار در این مملکت از سایر ممالک اسلامی بیشتر به چشم می خورد. اسرائیل که امروز دشمن شناخته شده اسلام و مسلمانهاست و مدتهاست که با ملل مُسْلم در حال جنگ است، به دست دولت خبیث ایران در تمام شئون اقتصادی، نظامی و سیاسی دخالت دارد؛ و باید گفت ایران به صورت پایگاه نظامی اسرائیل و در واقع امریکا درآمده است. اجانب در این کشور به تمام معنی مصونیت دارند ولی علما، دانشمندان، فرهنگیان و سایر طبقات از هیچ ظلمی مصون نیستند. بازرگانان محترم، یکی پس از دیگری، ورشکست شده؛ ظلم و فشار دستگاه حاکمه بشدت هر چه تمامتر گلوی این ملت مظلوم را می فشارد. اختناق، حبس و زجر قرون وسطایی حکومت می کند. با اسم سپاه دانش و سپاه بهداشت و دیگر اسامی فریبنده، مقاصد شوم استعمار، همزمان با اشاعه فحشا- در اعماق قصبات و دهات در جریان است. مبارزه با علم و فرهنگ با شدت هر چه بیشتر ادامه دارد و می خواهند ملت بدبخت را به دستور استعمارگران عقب مانده نگه دارند. با ادعای اسلام و تظاهر به مسلمانی کمر به نابودی اسلام بسته و احکام مقدسه قرآن را یکی پس از دیگری محو و نابود می کنند. علمای اعلام و محصلین علوم اسلامی در تحت فشار عمال استعمار دست و پا می زنند. مدارس علوم دینیه، مساجد و محافل اسلامی را می خواهند قبضه کنند و این برنامه را مقداری عملی کرده اند. با بهانه های بی اساس به دانشگاهها حمله می کنند و جوانان ارجمند را از دانشگاه به زندان و سربازخانه می کشانند. حوادث اخیر دانشگاههای ایران و یورش وحشیانه و بی رحمانه

دستگاه جبار به دانشجویان، سخت ما را متأسف ساخته. این روش غیر انسانی نمونه دیگری از نقشه های استعمارگران برای سرکوبی دانشگاهها و دانشجویان می باشد. من این اعمال چنگیزی و قرون وسطایی را شدیداً تقبیح می کنم؛ و اطمینان دارم که دانشجویان غیور وطنخواه هرگز عقب نشینی نکرده تسلیم نخواهند شد.

این انقلاب ننگین و خونینِ به اصطلاح سفید، که در یک روز با تانک و مسلسل پانزده هزار مسلمان را- آنطور که معروف است- از پای درآورد، روزگار ملت را سیاهتر ساخت. زندگی دهقانان و زارعین اسیر را بیشتر تباه کرد. اکنون در بسیاری از شهرستانها و اکثر روستاها درمانگاه، دکتر و دارو وجود ندارد. از مدرسه، حمام و آب آشامیدنی سالم خبری نیست و- به حَسَب اعتراف بعضی از مطبوعات- در بعضی از دهات، کودکان معصوم را از گرسنگی به چرا می برند ولی دستگاه جبار صدها میلیون تومان از سرمایه این مملکت را صرف جشنهای ننگین می کند؛ جشن تولد این و آن، جشن بیست و پنجمین سال سلطنت، جشن تاجگذاری و از همه مصیبتها بالاتر جشن منحوس ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، که خدا می داند چه مصیبت و سیه روزی برای مردم و چه وسیله اخاذی و غارتگری برای عمال استعمار به بار آورده است. بودجه هنگفت و سرسام آوری که در این امر مبتذل صرف می شود اگر برای سیر کردن شکمهای گرسنه و تأمین زندگی سیه روزها خرج می شد، تا اندازه ای از مصیبتهای ما می کاست لیکن استفاده جویی و خودکامگی نمی گذارد که اینها به فکر ملت باشند. دستگاه جبار، با پول ملت مسلمان، برای شاهانی که در هر عصر ملتها را در زیر چکمه های نظامی خود خرد کرده اند، شاهانی که همیشه با مذاهب حقه دشمنی داشتند، شاهانی که دشمن سرسخت اسلام بوده و نامه مبارک حضرت رسول صلی الله علیه و آله را پاره کردند، (۱) شاهانی که نمونه آنان در عصر حاضر پیش چشم همه است، جشن می گیرد و چراغانی می کند. دنیا بداند که این جشنها و عیاشیها مربوط به ملت شریف و مسلمان ایران نیست، و دایر کننده و شرکت کننده این جشنها خائن به اسلام و ملت ایران می باشند.

۱- اشاره به جسارت خسرو پرویز، پادشاه ساسانی.

من دست عموم ملت اسلام و آزادیخواهان جهان را در راه قطع ریشه استعمار و استعمارگران، استقلال ممالک اسلامی و گسستن زنجیرهای اسارت می فشارم، و از خداوند متعال دفع شرّ دستگاههای جبار و عمال کثیف استعمار را مسئلت نموده قبولی اعمال و مناسک عموم را خواستار است. والسلام علیکم و رحمهاللّه و برکاته.

روح اللّه الموسوی الخمینی

«اساساً اسلام با اساس شاهنشاهی مخالف است، هرکس سیره رسول خدا را در وضع حکومت ملاحظه کند می فهمد اسلام آمده است این کاخهای ظلم شاهنشاهی را خراب کند، شاهنشاهی از کثیف ترین و ننگین ترین نمونه ارتجاع است». (۱)

۱- این فراز در زمان انتشار و توزیع پیام حذف گردید. آقای سید حمید روحانی سبب آن را چنین اظهار می دارد: خاطره تلخی که در رابطه با این پیام دارم، حذف فرازی والا ـ و پر ارج در این پیام از طرف امام بود، هنوز پیام از زیر چاپ بیرون نیامده بود که امام، نگارنده را با فوریت به حضور فرا خواند و فرمود: چون احتمال دارد برای ناشرین اعلامیه در مراسم حج گرفتاری پیش بیاید و از طرف رژیم سلطنتی حجاز دستگیر شوند، مطلبی را که علیه اساس سلطنت و پادشاهی در این اعلامیه آورده ایم، به مصلحت نمی دانم چون ممکن است برای آنهایی که در رابطه با پخش این اعلامیه در حجاز دستگیر می شوند، خطر جانی به همراه داشته باشد و رژیم سعودی آنان را به اتهام قیام بر ضد «نظام مُلکی» گردن بزنند، از این رو، آن چند جمله ای را که اساس سلطنت را نفی می کند حذف کنید.نزدیک به این مضامین). نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۶۹۸.

ص: ۱۶

پیام

زمان: ۲۶ مهر ۱۳۵۷/ ۱۵ ذی القعده ۱۳۹۸

مکان: پاریس، نوفل لوشاتو

موضوع: مصایب و گرفتاریهای ملت مسلمان ایران

مناسبت: فرا رسیدن ایام حج

مخاطب: زائران بیت اللّه الحرام و مسلمین جهان

مصایب و گرفتاریهای ملت مسلمان ایران

بسم اللّه الرحمن الرحیم

اکنون که موسم حج بیت اللّه الحرام است و مسلمین از اطراف جهان به زیارت خانه خدا آمده اند، لازم است در خلال اعمال شریفه حج به یکی از بزرگترین فلسفه این اجتماع عظیم توجه داشته و به وضع اجتماعی و سیاسی کشورهای اسلام رسیدگی کرده و از گرفتاریهای برادران ایمانی خود مطلع گشته و در رفع آن حسب وظیفه اسلامی و وجدانی کوشش کنند. اهتمام به امر مسلمین، از فرایض مهمه اسلام است. اینک اینجانب از وضع گرفتاری ملت مسلمان ایران، گزارشی به شما زائران بیت اللّه الحرام می دهم و از مسلمین همه اقطار (۱) عالم استمداد می کنم.

ایران که اکنون حدود سی میلیون مسلمان دارد، از پنجاه سال قبل تاکنون گرفتار در چنگال خاندان پهلوی، که رسماً نوکر اجانب بوده و هستند، می باشد. در این پنجاه سال سیاه، این ملت بزرگ، در تحت فشار پلیس و اختناق و شکنجه روحی دست و پا می زند، و تمام مخازن زیرزمینی و منافع حیاتی ملت را شاه به اجانب داده است. نفت را امریکا و گاز را شوروی و مراتع و جنگلها را به علاوه بر بخشی از نفت، انگلیس و بعض کشورهای دیگر. مردم را از تمام مظاهر حیاتی محروم نموده و به حال عقب ماندگی نگه داشته. نظام

۱- نواحی.

ارتش و فرهنگ ما و اقتصاد کشور، استعماری و رشد را به همه ابعادش از ملت سلب نموده، اکنون که در سالهای اخیر، ملت بیدار شده و برای احقاق حق خود بپاخاسته و فریاد مظلومانه اش بلند شده است، جواب آنها با مسلسل و تانک و توپ داده می شود.

قتل عامهایی که در این چند ماه اخیر در شهرهای ایران رخ داده، روی تاریخ را سیاه نموده. شاه با تمام قوای جهنمی به پشتیبانی امریکا به جان مردم مظلوم افتاده؛ ایران اکنون به شکل قبرستانی مبدل و اعتصابات عمومی سرتاسر کشور را فرا گرفته، و شاه در این نفسهای آخرش می خواهد از این ملت مستضعف انتقام بگیرد. سایه شوم حکومت نظامی بر سر ملت برقرار و دست کماندوهای مزدور برای قتل بزرگ و کوچک و زن و مرد باز است.

اینجانب در هیچ یک از کشورهای اسلامی اجازه ادامه به فعالیت خود، که رساندن ندای مظلومانه ملت است به عالم ندارم، و چون وظیفه دینی و وجدانی خود را باید ادا کنم، به ناچار به خارج از بلاد مسلمین آمدم، شاید بتوانم جوامع بشری را از آنچه به ملت مظلوم ایران می گذرد آگاه، و تا پیدا کردن فرصت برای ادامه عمل در یکی از بلاد اسلامی، در خارج زیست می کنم.

اکنون ای مسلمین جهان، در امر ایران اهتمام کنید و ناله یک ملت سی میلیونی مستضعف را به جهانیان برسانید. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله منقول است: «مَنْ اصْبَحَ و لَمْ یَهْتَمَّ بأْمور المُسلمینَ فَلَیْسَ بِمُسلِمٍ». (۱) «اللهُمَّ قد بلَّغتُ». (۲)

والسلام علی من اتبع الهدی.

روح اللّه الموسوی الخمینی

۱- «هر که صبح کند و به امور مسلمانان همت نگمارد مسلمان نیست». حدیث نبوی. نظیر همین حدیث از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده اصول کافی، کتاب الایمان والکفر، باب الاهتمام بامور المسلمین، ج ۲، ص ۱۶۳.

۲- خدایا تکلیف خود را ادا کردم.

سخنرانی

زمان: بامداد جمعه ۳۱ فروردین ۱۳۵۸/ ۲۲ جمادی الاول ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: نقش اسلام در پیروزی مسلمانها- رهنمودهایی به هیأت نمایندگی عربستان

حضار: اعضای هیأت نمایندگی عالیرتبه مذهبی عربستان سعودی به ریاست محمدالسبیلامام جماعت مسجدالحرام)، سفیر آن کشور، و میناچی، ناصروزیر اطلاعات و تبلیغات- وزارت ارشاد- و سرپرست سازمان اوقاف)

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

مسجد، مرکز جنبش و خیزش

اولًا تشکر می کنم از این وَفْد (۱) و از امام محترم (۲) و از ملت حَرَمَیْنِ شریفین، ریاض واز جلالت ملک (۳) که شما را برای تفقد از ما اینجا فرستاده است. مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش و حرکتهای اسلامی بوده؛ از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می شده است و از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در [زیر] بیرق اسلام بوده است. همیشه در صدر اسلام مسجد مرکز حرکات و مرکز جنبشها بوده است. شما که از اهالی مسجد و از علمای مساجد هستید، باید پیروی از پیغمبر اسلام و اصحاب آن سرور کنید و مساجد را برای تبلیغ اسلام و حرکت اسلامیه و برای قطع ایادی شرک و کفر و تأیید مستضعفین در مقابل مستکبرین قرار بدهید.

نقش اسلام در پیروزی مسلمانها

ما به خواست خدای تعالی با آنکه بی سازوبرگ بودیم و ملت ما در دستش از

۱- هیأت سیاسی.

۲- آقای محمدالسبیل، امام جماعت وقت مسجدالحرام و رئیس هیأت مذهبی اعزامی.

۳- ملک خالد بن عبدالعزیز، پادشاه وقت عربستان سعودی.

تفنگ و آلات جنگی چیزی نبود، به واسطه قدرت ایمان و وحدت کلمه بر قوای طاغوتی غلبه کردیم. و من امیدوارم که همه ملتهای اسلامی بپاخیزند و با وحدت کلمه و با توجه به اسلام و قدرت ایمان، بر اجانب و بر کسانی که می خواهند این ملتها را همیشه در تحت اختیار و سلطه خود داشته باشند غلبه کنند. رمز پیروزی مسلمین در صدر اسلام، وحدت کلمه و قوّت ایمان بود؛ قوّت ایمان بود که یک لشکر ضعیف را بر امپراتوریهای بزرگ عالم غلبه داد، و سی نفر به قیادت (۱) خالدبن ولید (۲) بر شصت هزار نفر لشکر پیشقراول روم غلبه کرد. این قدرت اسلام بود که پیش می برد، و ما مسلمین باید با قدرتِ اسلامْ اسلام را پیش ببریم.

باید با قوای کفر به قدرت اسلامی مبارزه کنیم و دست تبهکاران را از ممالک خودمان دور کنیم. اگر وحدت کلمه اسلامی بود و اگر دولتها و ملتهای اسلام به هم پیوسته بودند، معنا نداشت که قریب یک میلیارد جمعیت مسلمین زیر دست قدرتها باشد. اگر این قدرت- قدرت بزرگ الهی- مُنْضَم (۳) بشود به قدرت ایمان و همه با هم برادرانه در راه اسلام قدم بردارند، هیچ قدرتی بر آنها غلبه نخواهد کرد.

خطر اسرائیل

مع الأسف با اختلافاتی که در مناطق دیده می شد- و خصوصاً در مناطق عربی- این موجب شده است که اسرائیل با جمعیت کمی که دارد در مقابل اعراب با آن جمعیت کثیر و ساز و برگ کثیر ایستادگی کند. اگر جلوی این جرثومه فاسد گرفته نشود، طمع او بر تمام منطقه است و او قناعت نمی کند فقط بر فلسطین و مسجد اقصی؛ او همه جا را می خواهد غلبه کند.

بر مسلمین و بر دولتهای اسلامی است که با هم متحد بشوند و این جرثومه فساد را از بن و بیخ برکنند و [به] کسانی که پشتیبانی آنها را می کنند اجازه ندهند که پشتیبانی کنند.

۱- رهبری، فرماندهی.

۲- صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و فاتح امپراتوری بیزانس در دوران حکومت عمربن خطاب.

۳- ضمیمه.

من از خدای تبارک و تعالی قدرت اسلام و عظمت اسلام و مسلمین را و وحدت کلمه آنها را خواستارم.

اندرز به سعودی ها

حکومت سابق ما برای اینکه همه طور خدمت به اربابهای خودش بکند، در اینجا فجایع کرد، و در خصوص زائرین بیت اللّٰه الحرام مضیقه هایی ایجاد کرد؛ و گاه نسبت به مسئولین دولت سعودی چیزهایی گفت که شاید پیش ایرانی ها یک ناراحتیهایی از آنها هم حاصل شد. و ما پس از رفتن او و قطع ید غاصبه او متوجه این هستیم که در سالهای آتیه مملکت سعودی با ایرانی هایی که برای زیارت بیت اللّٰه و حرمین شریفین می آیند، چه نحو عمل خواهد کرد. ایرانی ها نظر به این معنا دوخته اند که با برادران خودشان چه نحو عمل خواهد شد. و من امیدوارم که اکنون که دست ظلم از این مملکت کوتاه شده است و تبلیغات سوئی که می کردند از بین رفته است، برادرهای ما با هم برادر باشند و رفتار آنها رفتارهای برادرانه باشد و برای حجاج بیت اللّٰه تسهیلات فراهم کنند، و از خدای تبارک و تعالی این توفیق را خواستارم.

سرمشق قرار دادن تاریخ

تاریخ باید سرمشق ما باشد و ما وقتی که تاریخ را نگاه می کنیم، تحولاتی که پیدا شده است در اسلام و در مسلمین، هر جا که قوّت ایمان در کار بوده است و مردم و مسلمین به قوّت ایمان حرکت می کردند، نصر با آنها همراه بوده است. و هر وقت برای رسیدن به آمال دنیایی بوده است، نصر از آنها فرار می کرده است.

تعلیمات انبیا و تعلیم نبی اکرم صلی الله علیه و آله این است که با قدرتهای معنوی، شما می توانید پیش ببرید. آن قوه های معنوی که پشت سر مسلمین بود و ملائکهاللّٰه که قدرت معنوی بود موجب شد که مسلمین در کمتر از نیم قرن بر همه معموره (۱) دنیا سلطه پیدا کنند. ما باید از

۱- آبادی، شهر.

تاریخ عبرت بگیریم. آن وقت که یک دولت قوی ما داشتیم- مثل دولت عثمانی- در مقابل شوروی، در مقابل ژاپن می ایستاد و گاه غلبه می کرد. دشمنان ما وقتی سلطه پیدا کردند، این مملکت پهناور را تکه تکه کردند و هر کدام را به دست یکی از عمال خودشان دادند و بین آنها مع الأسف تفرقه انداختند، و این موجب شد که مسلمین و اسلام ضعیف شد و مُسْتَعْمِرین بر ما غلبه کردند. ما باید از این امور عبرت بگیریم، و دولتهای ما از این معانی و از این امر تاریخی عبرت بگیرند و اختلافات خودشان را رفع کنند. اگر اینها با هم مجتمع بشوند یک قدرتی خواهند داشت که هیچ قدرتی با آنها معارضه نمی کند، البته به شرط ایمان کامل. و من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که ایمان ما را و ایمان دولتهای ما را و ایمان ملتهای ما را قوی کند، و با عنایت خودش با ما همراهی کند که ما بر مشکلات خودمان سلطه پیدا کنیم. و از شما و دوستان شما باز هم تشکر می کنم.

والسلام علیکم

ص: ۲۲

پیام

زمان: ۲۹ شهریور ۱۳۵۸/ ۲۸ شوال ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: وظایف سرپرستان کاروانها و زائران بیت اللَّه الحرام

مناسبت: فرا رسیدن ایام حج

مخاطب: انواری، محی الدین- محلاتی، فضل اللَّه

وظایف سرپرستان کاروانها و زائران بیت اللَّه الحرام

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محی الدین انواری و جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ فضل اللَّه محلاتی- دامت افاضاتهما

چون ایام برگزاری یکی از فرایض بزرگ اسلامی با محتوای عظیم انسانی، روحانی، سیاسی و اجتماعی یعنی فریضه حج بیت اللَّه الحرام نزدیک است و لازم است در آستانه برقراری جمهوری اسلامی با انقلاب شکوهمند ملت شریف ایران این فریضه مقدسه از آثار طاغوت پاکسازی و به اسلام راستین برگردد، به این جهت، شما را به عنوان سرپرست حجاج بیت اللَّه الحرام تعیین نموده که با مشورت با مقامات صالحه هیأتی از افراد صالح و متعهد و با ایمان، انتخاب و با همکاری آنان کلیه امور مربوط به حج را تحت نظارت قرار دهید که ان شاءاللَّه تعالی در حکومت جمهوری اسلامی این فریضه مقدسه با محتوای معنوی خود تحقق یابد. و لازم است در این موضوع تذکراتی داده شود:

۱- لازم است به حضرات آقایان علما و روحانیون محترم کاروانها تذکر دهید که قبل از حرکت مجالسی تشکیل دهند و حجاج محترم را با مسائل شرعی و وظایف انسانی آشنا کنند.

۲- عموم برادران و خواهران اسلامی باید توجه داشته باشند که یکی از مهمات

فلسفه حج، ایجاد تفاهم و تحکیم برادری بین مسلمین است و بر دانشمندان و معممین لازم است مسائل اساسی سیاسی و اجتماعی خود را با دیگر برادران در میان گذارند و در رفع آن طرحهایی تهیه کنند تا آنان در برگشت به کشورهای خود آنها را تحت نظر علما و ارباب نظر قرار دهند.

۳- در این سال که ایران در آستانه جمهوری اسلامی است و به واسطه تبلیغات ناروای اجانب ممکن است مسلمین بلاد از عمق نهضت اسلامی ایران مطلع نباشند، لازم است آقایان علما و خطبا و دانشمندان محترم با وسایل ممکن این نهضت مقدس را معرفی نمایند و مقصد مسلمانان ایران را که همان برقراری حکومت اسلامی تحت پرچم اسلام و هدایت قرآن کریم و پیغمبر مکّرم اسلام است، گوشزد نمایند که برادران اسلامی ما بدانند ما بجز اسلام و برقراری حکومت عدل اسلامی فکر نمی کنیم.

۴- لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانه، که موجب تفرق صفوف مسلمین است احتراز کنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد و تشکیل نماز جماعات در منازل و گذاشتن بلندگوهای مخالف رویّه اجتناب نمایند و از افتادن روی قبور مطهره و کارهایی که گاهی مخالف شرع است جداً اجتناب کنند.

۵- نیابت از حیّ برای نماز طواف صحیح نیست، باید هرکس خودش به هر نحو می تواند نماز بخواند و مجزی است. از گرفتن نایب و مزاحمت [برای] نمازگزاران اجتناب نمایند.

۶- طواف را به نحو متعارف که همه حجاج به جا می آورند، به جا آورند و از کارهایی که اشخاص جاهل می کنند احتراز شود و مطلقاً از کارهایی که موجب وَهْن (۱) مذهب است باید احتراز شود.

۷- در وقوفین، متابعت از حکم قضات برادران اهل سنت لازم و مجزی است اگر چه قطع به خلاف داشته باشید.

۱- سست شدن.

۸- در این سال که به واسطه انقلاب اسلامی به برادران و خواهران ما صدمات و ضررهای بسیار از حکومت طاغوتی رسیده است و بسیاری از معلولین از حوادث انقلاب احتیاج مبرم به کمک دارند، مقتضی است کسانی که می خواهند حج استحبابی به جا آورند، هزینه آن را صرف در احتیاج برادران و خواهران خود کنند، که ثواب آن نزد خداوند تعالی بسیار برحج استحبابی ترجیح دارد. و نیز کسانی که به عنوان سوغات مصارف ناروا می نمایند یا تشریفات و مهمانیهای خارج از رویه در وقت برگشت از حج می نمایند، مقتضی است این نحو هزینه ها را صرف احتیاج برادران و خواهران علیل و مستمند خود نمایند که خداوند تعالی به آنان اجر و برکت عنایت فرماید. از خداوند تعالی عظمت اسلام و سعادت ملت مسلمان را خواستار، و موفقیت همگان را در کوشش برای به ثمر رسیدن نهضت مقدس امید دارم. والسلام علیکم و علی جمیع المؤمنین و رحمهاللّه وبرکاته.

۲۸ شوال المکرم ۹۹

روح اللّه الموسوی الخمینی

پیام

زمان: ۷ مهر ۱۳۵۸/ ۷ ذی القعده ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: شناخت محتوای عبادی، سیاسی و اجتماعی حج و وظایف مسلمانان

مناسبت: فرا رسیدن ایام حج

مخاطب: مسلمین ایران و جهان

شناخت محتوای عبادی، سیاسی و اجتماعی حج و وظایف مسلمانان

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّه جَمیعاً وَلاتَفَرَّقُوا. (۱)

تحیت فراوان و درود بی پایان به جمیع مسلمین جهان در مشارق ارض و مغارب آن. سلام گرم بر حجاج بیت اللَّه الحرام- وفَّقهم اللَّه تعالی. قابل انکار و محتاج به تذکر نیست که اسلام بزرگ، دین توحید و شکننده شرک و کفر و بت پرستیها و خودپرستیهاست.

دین فطرت و رهایی بخش از قید و بندهای طبیعت و وسواس شیاطین جنّ و انس در نهان و ظاهر است و دینِ سیاستِ مُدُن (۲) و راهنمای صراط مستقیمِ لاشرقیه و لاغَربیه است. دینی است که عباداتش توأم با سیاست، و سیاستش عبادت است. اکنون که مسلمین کشورهای مختلف جهان به سوی کعبه آمال و حج بیت اللَّه رو آورده و این فریضه عظیم الهی و کنگره بزرگ اسلامی در ایامی متبرکه و در مکانی متبرکه بر پاگردیده است، مسلمانان مبعوث از قِبَل خداوند تعالی باید علاوه بر محتوای عبادی، از محتوای سیاسی و اجتماعی آن بهره مند شوند، و به صِرْف صورت قناعت نکنند. همه کس می داند که برپا نمودن چنین کنگره عظیمی برای هیچ مقامی و هیچ دولتی امکانپذیر نیست. و این امر

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۰۳: «و همگی دست در ریسمان خدا زنید و پراکنده نشوید».

۲- جمع مدینه، شهرها.

خداوند متعال است که این گردهمایی بزرگ را فراهم آورده، مع الأسف مسلمین در طول تاریخ نتوانستند از این نیروی آسمانی و کنگره اسلامی استفاده شایانی به نفع اسلام و مسلمین بنمایند. جهات سیاسی زیادی در اجتماعات، جماعات و جُمَعات، و خصوصاً اجتماع گرانبهای حج می باشد؛ که از آن جمله اطلاع بر گرفتاریهای اساسی و سیاسی اسلام و مسلمین است، که با گردهمایی روحانیون و روشنفکران و متعهدان زائر بیت اللّه الحرام ممکن است طرح، و با مشورت از راه حلها مطلع، و در بازگشت به کشورهای اسلامی در مجتمعهای عمومی گزارش داده، و در رفع آنها کوشا شوند. و از جمله وظایف در این اجتماع عظیم، دعوت مردم و جوامع اسلامی به وحدت کلمه و رفع اختلافات بین طبقات مسلمین است؛ که خطبا و گویندگان و نویسندگان در این امر حیاتی اقدام نمایند؛ و کوشش کنند در به وجود آوردن جبهه مستضعفین؛ که با وحدت جبهه و وحدت کلمه و شعار «لا اله الا اللّه» از تحت اسارت قدرتهای شیطانی اجانب و استعمارگران و استثمارگران بیرون آیند، و با اخوت اسلامی بر مشکلات غلبه پیدا کنند.

خواهران و برادران عزیز! در هر کشوری که هستید از حیثیت اسلامی و ملی خود دفاع کنید؛ و بی پروا در مقابل دشمنان خود، یعنی امریکا و صهیونیزم بین المللی و ابرقدرتهای شرق و غرب، بدون هیچ ملاحظه ای، از ملتها و کشورهای اسلامی دفاع کنید؛ و مظالم دشمنان اسلام را برملا کنید.

برادران و خواهران مسلمان من! آگاهید که تمام منافع مادی و معنوی همگی ما را ابرقدرتهای شرق و غرب می برند؛ و ما را در فقر و وابستگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی قرار داده اند. به خود آیید و شخصیت اسلامی خود را بیابید. زیر بار ظلم نروید.

و هوشیارانه نقشه های شوم جهانخواران بین المللی را- که در رأس آن امریکاست- افشا کنید.

امروز قبله اول مسلمین (۱) به دست اسرائیل، این غده سرطانی خاورمیانه افتاده است.

امروز برادران فلسطینی و لبنانی عزیز ما را با تمام قدرت می کوبد و به خاک و خون

۱- مسجدالاقصی.

می کشد. امروز اسرائیل با تمام وسائل شیطانی تفرقه افکنی می کند. بر هر مسلمانی لازم است که خود را علیه اسرائیل مجهز کند. امروز کشورهای افریقایی مسلمان ما زیر یوغ امریکا و سایر اجانب و سرسپردگان آنان دست و پا می زنند. امروز افریقای مسلمان صدای فریاد مظلومانه خود را هر چه بیشتر بلند می کند. فلسفه حج باید جوابگوی این فریادهای مظلومانه باشد. گردش به دور خانه خدا نشان دهنده این است که به غیر از خدا گِرد دیگری نگردید. و رَجْم (۱) عَقَبات، رجم شیاطین انس و جن است. شما با رجم با خدای خود عهد کنید تا شیاطین انس و ابرقدرتها را از کشورهای اسلامی عزیز برانید.

امروز جهان اسلام به دست امریکا گرفتار است. شما برای مسلمانان قاره های مختلف جهان پیامی از خداوند ببرید؛ پیامی که به غیر از خدا، بردگی و بندگی هیچ کس را نداشته باشید.

ای مسلمانان جهان و ای پیروان مکتب توحید! رمز تمام گرفتاریهای کشورهای اسلامی، اختلاف کلمه و عدم هماهنگی است و رمز پیروزی، وحدت کلمه و ایجاد هماهنگی است. که خداوند تعالی در یک جمله بیان فرموده: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّه جَمیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا. «اعتصام به حبل اللَّه» بیان هماهنگی جمیع مسلمین است. همه برای اسلام و به سوی اسلام و برای مصالح مسلمین، و گریز از تفرقه و جدایی و گروه گرایی- که اساس همه بدبختیها و عقب افتادگیهاست. از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و وحدت کلمه مسلمانان جهان را خواستارم. والسلام علی ائمهالمسلمین و عباد اللَّه الصالحین.

روح اللَّه الموسوی الخمینی

۱- سنگباران.

ص: ۲۸

سخنرانی

زمان: ساعت ۹ صبح ۸ مهر ۱۳۵۸/ ۸ ذی القعده ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: اهمیت حج و رسالت حجاج

حضار: آقایان محلاتینماینـده امام)، ناصـر میناچیوزیر ارشاد ملی و سـرپرست سازمان اوقاف) و مـدیران کاروانهای حج سراسـر کشور

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

مسئولیت عظیم کاروان های حج

من به طور اختصار چنـد کلمه به آقایان روحانیونی که در کاروانها هسـتند و به رؤسای کاروانها عرض می کنم و مطلب راجع به همه حُجّاج بیت اللَّه الحرام هم هست. و او این است که بایـد آقایان متـذکر باشـند که حـج امسال غیر از حـج سالهای سابق است.

سالهای سابق، در این سَنَوات اخیره، حجی بود که با کاروانهای طاغوتی و با منتخبین از طرف طاغوت می رفتند؛ و در خدمت طـاغوت بسیاری از آنهـا بودنـد. و اگر چنانچه در آنجا چه از معمَّمین و چه از رؤسای کاروان خطایی سـر می زد، این خطای طاغوت بود؛ به اسلام لطمه ای وارد نمی کرد، بلکه تحکیم اسلام بود. تحکیم احکام اسلام بود.

امسـال همـان طـوری که همه دسـتگاهها متحـول به دسـتگاه اسـلامی بایـد بشود، یکی از چیزهـایی که بسـیار مهم است همین کاروانهای حج است. در این سال چشـمها دوخته شده است که ببینند فرق امسال و سالهای سابق چیست؟ آیا اینها که ادّعا می کننـد که رژیم طاغوت رفته است و جمهوری اسـلامی پیـدا شـده است، آیا اینهایی که الآن نمایندگان دولت هسـتند، منتخبین دولت اسـلامی هسـتند، منتخبین علمای بلاد هسـتند، آیا اینها همان طوری که اسمشان اقتضا می کند، واقعشان هم این طورند؟ اعمالشان هم مطابق با

ادّعاست؟ یا همان ادعاست که جمهوری اسلامی و کاروانهای حج منتخب از جمهوری اسلامی؟

امروز یک امری است که شما باید از عهده یک مسئولیت بزرگی برآیید؛ مسئولیت حیثیت اسلام. اگر در زمان طاغوت یک معمَّم یک کاری انجام می داد، می گفتند که طاغوتی است. امروز نمی گویند طاغوتی است؛ می گویند اسلامی است.

اگر خدای نخواسته شما در این حجی که مشرَّف می شوید و در این مواقفی که در حضور مسلمین، همه مسلمین دارید، اگر وضع شما با وضع سابق و زمان طاغوت فرق نکند، در عالم منعکس می شود که اسم جمهوری اسلامی است، و معنا رژیم طاغوتی.

آبروی اسلام را ممکن است که شما از بین ببرید؛ و آبروی اسلام را ممکن است ان شاءاللَّه حفظ کنید.

سفر حج سفر الی اللَّه است

توجه داشته باشید که سفر حج، سفر کسب نیست؛ سفر تحصیل دنیا نیست. سفر الی اللَّه است. شما دارید به طرف خانه خدا می روید. تمام اموری که دارید انجام می دهید به طور الهیت باید انجام بدهید. سفرتان از اینجا که شروع می شود وَفْد الی اللَّه (۱)

است. سفر به سوی خدای تبارک و تعالی است. باید همان طور که مسافرین الی اللَّه، مثل انبیا علیهم السلام و بزرگان از دین ما، مسافرتشان الی اللَّه در تمام زمان حیاتشان بوده است و یک قدم، تخلُّف نمی کردند از آن چیزی که برنامه وصول الی اللَّه بوده است، شما هم الآن «وفود» الی اللَّه دارید می گویید.

شما در آنجا که می روید، در میقات که می روید، «لَبَّیک» به خدا می گویید؛ یعنی تو دعوت کردی، و ما اجابت. مبادا یک عملی انجام بدهید که خدای تبارک و تعالی بفرماید که خیر، شما را من قبول ندارم برای اینکه شما اسلامی نیستید. مبادا این سفر را سفر تجارت قرار بدهید و امور تجارتی در این سفر مطرح باشد پیشتان، امور معنوی

۱- سفر به سوی خدا.

مطرح باشد. چه آقایان اهل علم، و چه کاروانها و رؤسای کاروانها، و چه سایر حُجّاج.

سفر، سفر الی اللَّه است؛ نه سفر به سوی دنیا. آلوده به دنیا نکنید.

این سفر الهی را شما می روید رَجْم (۱) شیطان می کنید؛ اگر چنانچه خدای نخواسته خودتان از جنود شیطان باشید، رجم خودتان را هم می کنید! شما باید رحمانی بشوید تا رَجْمتان رَجْمِ رحمان و جنود رحمان به شیطان باشد. شما «وقوف» می کنید در این مواقف کریمه؛ وقوف در این مواقف کریمه. مبادا آلوده بشوید به یک معصیتی، به یک خلافی؛ به یک چیزی که علاوه بر اینکه پیش خدا آبرو از دست برود، پیش دنیا آبروی اسلام از دست برود.

امروز آبروی اسلام بسته به وجود شماست که می روید دستجمعی در این مواقف کریمه و سایر مسلمین، شما را مشاهده می کنند. شما باید الگو باشید برای جمهوری اسلامی- چه روحانیون، و چه رؤسای کاروانها، و چه سایر حُجّاج- امسال حج نمونه است؛ حج جمهوری اسلامی است؛ نه حج رژیم طاغوتی. شَرْف زیاد، و مسئولیتْ زیادتر است. مسئولیت همه داریم در مقابل اسلام. امروز نه شما تنها، همه قشرهای ملت، دولت، ملت، همه مسئولند در مقابل خدای تبارک و تعالی و در مقابل اسلام. ما که مدّعی هستیم جمهوری اسلامی، و رژیم طاغوتی رفت و به جای او جمهوری اسلامی آمد، ما باید اثبات کنیم این مطلب را که تغییر کرده است، تحول حاصل شده است، در همه چیز.

لزوم تحوّل اسلامی

اگر بنا باشد که در دولت که می رویم تحول نشده باشد، پیش ملت که می رویم تحول نشده باشد، شما که کاروانها هستید تحول نشده باشد، شما که روحانی کاروان هستید تحول پیدا نکرده باشید، اگر این طور باشد، همان رژیم است و همان مسائل طاغوتی، منتها اسم را ما عوض کردیم. ما می خواهیم ان شاءاللَّه مسمَّی عوض بشود. تغییر [داده] بشود، رژیم طاغوتی به همه محتوا به رژیم انسانی- اسلامی به همه محتوا. بسیار

۱- سنگسار کردن، سنگ پراندن.

باید متوجه باشید. بسیار باید خودتان بسیار پاسبانی از خودتان بکنید. پاسداری از خودتان بکنید.

و این سفر را سفر الی اللَّه حساب بکنید. و بدانید که با این سفر ممکن است که شما یک آبروی بسیار زیاد پیش خدای تبارک و تعالی پیدا کنید؛ و ممکن است خدای نخواسته سقوط پیدا کنید. از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت و عزّت همه شما را می خواهم. و از خدای تبارک و تعالی عظمت اسلام و عزّت اسلام و قدرت اسلام را می خواهم.

والسلام علیکم و رحمهاللَّه و برکاته

ص: ۳۲

سخنرانی

زمان: ظهر ۱۱ آبان ۱۳۵۸/ ۱۱ ذی الحجه ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: بازیابی مجد و عظمت مسلمین با تمسک به اسلام

حضار: دانشجویان عربستان سعودی مقیم ایران

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

ویژگی نهضت ایران

مع الأسف آقایان وقتی آمدند که ظهر است و من وقتی ندارم. لکن چند کلمه عرض می کنم.

این نهضت ایران؛ نهضت مخصوص به خودش نبوده و نیست؛ برای اینکه اسلام مال طایفه خاصی نیست. اسلام برای بشر آمده است؛ نه برای مسلمین و نه برای ایران.

انبیا مبعوث اند بر انسانها، و پیغمبر اسلام مبعوث بود بر انسانها. خطاب به ناس [است:] «یا أیّها الناس». ما که نهضت کردیم، برای اسلام نهضت کردیم؛ جمهوری جمهوری اسلامی است؛ نهضت برای اسلام نمی تواند محصور باشد در یک کشور، و نمی تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی. نهضت برای اسلام، همان دنباله نهضت انبیاست. نهضت انبیا برای یک محل نبوده است. پیغمبر اکرم اهل عربستان است؛ لکن دعوتش مال عربستان نبوده؛ محصور نبوده به عربستان؛ دعوتش مال همه عالم است.

هدف انبیا، تربیت انسان

انبیا آمدند که انسان بسازند. انسان یک موجودی است در ابتدا مثل سایر حیوانات است. اگر رشد بکند، یک موجود روحانی می شود که بالاتر از ملائکهاللَّه می شود. و اگر

طرف فساد برود، یک موجودی است که از همه حیوانات پست تر است.

الآن شما در این انسانهایی که در دنیا هستند و ادعای انسانیت می کنند، ادعای طرفداری از بشر می کنند، ادعای حمایت از حیوانات می کنند! شما الآن این اشخاص را که یک همچو ادعاهایی دارند ملاحظه می کنید، گمان ندارم در تمام حیوانات یک حیوان به آن درّندگی پیدا بشود! یک حیوانی که، یک موجودی که تمام این بشر و بشریت را برای نفع خودش می خواهد. میلیونها آدم را می کشد، برای اینکه یک نفعی ببرد! حیوانات چنانچه حیوانخوار هم باشند به اندازه شکمشان [می خورند] وقتی سیر شدند رها می کنند. و وعده دیگر می روند سراغ شکار. اما این انسانی که- انسان که از حیوانات است، و بدترین حیوان است- برای یک منفعت جزئی حاضر است که فوج فوج این انسانها را بکُشند. انسانهای دیگری، آنهایی که سر راه نفع او ایستاده اند، یا لااقل به نفع او عمل نمی کنند، این انسانها پیش آنها اصلًا موجودیتشان مطرح نیست. آنها حاضرند که چند صد هزار، چند صد میلیون، جمعیت را بکشند تا اینکه یک جایی را برای سیاست خودشان تصاحب کنند.

مدعیان دروغین حقوق بشر

جنگهایی که الآن در دنیا هست و بوده است و سابق بوده است شما ملاحظه کنید که چه می کنند اینها با این بشری که ادعا می کنند که ما برای «حقوق بشر» مثلًا طرح داریم، مجلس داریم. همینها وقتی که چهار نفر در ایران به واسطه جنایات پنجاه ساله شان کشته می شوند، در محاکم اینجا محکوم به اعدام می شوند، همینها در آنجا در روزنامه هایشان شروع می کنند به نوحه سرایی کردن و انتقاد از محاکم اینجا! همینهایی که الآن در میدانهای جنگ [مشغول اند به] سرکوبی و کشتن آدمها برای رسیدن به یک چیزی که مثلًا فرض کنید برای او به حسب توهم یک نفعی دارد. اینهایی که الآن مشغول کشتن فوج فوج آدم هستند، [برای] دو سه نفر، چند نفر آدمی که در اینجا پنجاه سال جنایت کرده اند و چند صد نفر آدم یا کشته یا امر به کشتن کرده اند، وقتی که اینها را در محاکم محکوم به اعدام می کنند، فریادشان بلند می شود! در همین حالی که افراد آنها الآن

مشغول آدمکشی هستند، فوج فوج مردم را می کشند، در همین حال برای اینها نوحه خوانی می کنند! و مع الأسف در بین خود جمعیتهای اسلامی، جمعیت شرقی، در مملکت ما، در مملکت شما، موجودهایی هستند که یا باورشان آمده است حرفهای اینها را، که [باید] آدم بگوید اینها بسیار عقب مانده اند از حیث افکار. یا باورشان نیست، لکن برای آنها کار می کنند که باید بگوییم خیانتکارند. در بین ما هست در بین شما هم هست افرادی که همان مسائلی که آنها می خواهند، همان مسائلی که در غرب گفته می شود، آنها در بطن جامعه خودشان طرح می کنند و می گویند، همان طوری که مطبوعات امریکا مطبوعاتی [است] که تحت نظر مستقیم صهیونیسم هستند، همان مطالبی را که آنها می نویسند، نویسنده های ما بعضیشان، و گوینده های ما بعضیشان همان مسائل [را می نویسند.] در ممالک شما هم هست.

زندگی شرافتمندانه مسلمین

ممالک شرق، ممالک اسلامی، تا اسلام را نیابند، نمی توانند زندگی شرافتمندانه بکنند. مسلمین باید اسلام را پیدا کنند. اسلام از دستشان فرار کرده بود. ما الآن اسلام را نمی دانیم چیست. این قدر به مغز ما خوانده است این غرب و این جنایتکارها، که اسلام را ما گُمَش کردیم. تا اسلام را پیدا نکنید نمی توانید اصلاح بشوید. از آن مرکز، که کعبه معظّمه است و مرکز اجتماع مسلمین است در هر سال، گرفته تا آخر بلاد مسلمین، اسلام گُم است پیششان، نمی دانند چیست. و لهذا مسلمین جمع می شوند در مکه معظّمه، در یک محلی که خدای تبارک و تعالی آن محل را قرار داده برای اجتماع مسلمین، اجتماع معنوی مسلمین جمع می شوند و نمی دانند چه می کنند؛ استفاده اسلامی از آن نمی کنند.

یک همچو مرکز سیاسی را متبدلش کردند به یک اموری که اصلًا غفلت از همه مسائل مسلمین [است.] باید اسلام را پیدایش کنند. مسلمین اگر حج را پیدا کنند، اگر آن سیاستی که در حج به کار رفته است از طرف اسلام، همان را پیدا کنند، کافی است برای اینکه استقلال خودشان را پیدا بکنند، ولی مع الأسف ما گم کردیم اسلام را. آن اسلامی که الآن دست ماست که بکُلّی از سیاست جدایش کردند؛ سرش را بریدند. آن چیزی که اصل

مطلب است از آن بریدند و جدا کردند، و مابَقیش را دست ما دادند. همان ما را به این روز نشانده است که ما نمی شناسیم سَرِ اسلام را، ما نمی شناسیم. ما تا پیدا نکنیم اسلام را، تا همه مسلمین پیدا نکنند اسلام را، نمی توانند به مَجْد خودشان برسند. مَجدِ اسلام آن بود که در صدر اسلام بود. آن بود که با یک جمعیت کم دو تا امپراتوری (۱) را از بین برد،

آن مجد اسلام بود، نه برای کشورگشایی؛ برای آدمسازی. این خیال است، اشتباه است که خیال می کنند کشورگشایی می کند اسلام. اسلام کشورگشایی نمی کند. اسلام می خواهد همه کشورها آدم بشوند. اسلام دنبال این می رود که آنهایی که آدم نیستند آدمشان کند. در یک جنگی وقتی که اسیر کرده بودند یک عدّه ای را- به حَسَب تاریخ هست- اینها را بسته بودند داشتند می آوردند. رسول اکرم گفت: ببین! من باید با زنجیر اینها را به بهشت ببرم. (۲) اسلام برای اصلاح جامعه است. اگر شمشیر کشیده، شمشیر را برای این کشیده است که مفسده هایی که نمی گذارند این جامعه ها اصلاح بشود از بین ببرد، تا سایرین اصلاح بشوند.

مسائلی هم که آن آقا خواندند- و مسائل کثیری بود- اینها ان شاءاللّٰه امیدوارم که اگر ما توفیق پیدا بکنیم، اگر مسلمین توفیق پیدا بکنند، با تدریج درست بشود. حالا ما گرفتاریهای زیادی داریم که محتاجیم به دعای همه مسلمین. خداوند همه شما را تأیید کند.

۱- ایران و روم.

۲- مُسنَد احمد، ج ۵، ص ۲۴۹.

ص: ۳۶

پیام

زمان: ۳ آبان ۱۳۵۸/ ۳ ذی الحجه ۱۳۹۹ (۱)

مکان: قم

موضوع: شکستن بتها و قدرتهای بزرگ شیطانی زمان

مناسبت: روز عرفه

مخاطب: مسلمین جهان و حجاج بیت اللَّه الحرام

شکستن بتها و قدرتهای بزرگ شیطانی زمان

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

لَکُمْ فی رَسُولِ اللَّه اسوَهٌ حَسَنَهٌ (۲)

صلوات و سلام خداوند بر رسول خدا پیامبر عظیم الشأن که یک تنه قیام فرمود در مقابل بت پرستان و مستکبرین، و پرچم توحید را به نفع مستضعفین به اهتزاز درآورد، و از قِلت عُدّه و عدد نهراسید، و با عِده قلیل بدون ساز و برگ جنگی کافی و با نیروی ایمان و قوتِ تصمیم بر سرکشان و ستمکاران تاخت، و ندای توحید را در کمتر از نیم قرن بر بزرگترین معموره (۳) جهان به گوش جهانیان رساند.

و درود جهانیان و رحمت خداوند متعال بر شما ای زائران بزرگوار بیت اللَّه الحرام که از چهار سوی عالم به سوی خانه خدا، مرکز توحید و محل وحی و مقام ابراهیم و محمد، دو ابرمرد بت شکن و پرخاشگر بر مستکبرین شتافتید و خود را به مواقف کریمه ای- که در عصر وحی زمینهایی خشک و کوهسارهایی بی آب و سبزه، لکن محل هبوط (۴) ملائکه اللَّه و هجوم جنوداللَّه و وقوف انبیاءاللَّه و عباداللَّه الصالحین بود- رساندید.

۱- صحیفه نور، تاریخ را ۳۰/ ۸/ ۱۳۵۸ ثبت کرده که تاریخ صحیح در دستنویس امام، ۳ ذی الحجه ۹۹ برابر با۳/ ۸/ ۱۳۵۸) است.

۲- سوره احزاب، آیه ۲۱: «برای شما رسول خدا مقتدای پسندیده ای است».

۳- ممالک آباد.

۴- فرود آمدن.

هان! بشناسید این مشاعر (۱) بزرگ را، و مجهز شوید از مرکز بت شکنی برای شکستن بتهای بزرگ که به صورت قدرتهای شیطانی و چپاولگران آدمخوار در آمده اند، و از این قدرتهای تهی از ایمان نهراسید، و با اتکال به خدای بزرگ در این مواقف عظیمه، پیمان اتحاد و اتفاق در مقابل جنود شرک و شیطنت ببندید، و از تفرق و تنازع بپرهیزید وَلاتَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ (۲)

رنگ و بوی ایمان و اسلام که اساس پیروزی و قدرت است با تنازع و دسته بندیهای موافق با هواهای نفسانیه و مخالف با دستور حق تعالی زدوده می شود، و اجتماع در حق و توحید کلمه و کلمه توحید که سرچشمه عظمت امت اسلامی است، به پیروزی می رسد.

ای مسلمانان جهان! چه شد شما را که در صدر اسلام با عده بسیار کم، قدرتهای عظیم را شکستید و امت بزرگ اسلامی- انسانی ایجاد نمودید، اکنون با قریب یک میلیارد جمعیت و دارا بودن مخازن بزرگی که بالاترین حربه است در مقابل دشمن، اینچنین ضعیف و زبون شدید؟ آیا می دانید که تمام بدبختیهای شما در تفرقه و اختلاف بین سران کشورهای شما و بالنتیجه بین خود شماست؟ از جای برخیزید و قرآن کریم را به دست گرفته و به فرمان خدای تعالی گردن نهید تا مجد خود و عظمت اسلام عزیز را اعاده کنید. بیایید و به یک موعظه خداوند گوش فرا دهید؛ آنجا که می فرماید قُلْ اِنَّما اَعِظُكُمْ بِواحِدَةٍ اَنْ تَقُومُوالِلَّهِ مَثْنی وَ فُرادی (۳)

همه قیام کنید و برای خدا قیام کنید؛ قیام فرادی در مقابل جنود شیطانیِ باطنِ خودتان، و قیام همگانی در مقابل قدرتهای شیطانی.

اگر قیام و نهضت، الهی و برای خدا باشد پیروز است. ای مسلمانان جهان و ای مستضعفان عالم! دست به دست هم دهید و به خدای بزرگ رو آورید و به اسلام پناهنده شوید، و علیه مستکبران و متجاوزان به حقوق ملتها پرخاش کنید. ای زائران خانه خدا، در مواقف

۱- جمع مشعر: موضع مناسک حج.

۲- سوره انفال، آیه ۴۶: «و نزاع نکنید که ناتوان شوید و مهابت و قوت شما برود».

۳- سوره سبأ، آیه ۴۶: «بگو که من شما را فقط یک پند دهم که دوتا دوتا یا یک یک برای خداوند قیام کنید».

و مشاعر الهی به هم بپیوندید و از خداوند تعالی نصرت اسلام و مسلمین و مستضعفان جهان را بخواهید.

ای گویندگان و نویسندگان! در اجتماعات بزرگ؛ عرفات و مَشْعَر و مِنا و مکه معظمه و مدینه منوره، مسائل اجتماعی و سیاسی مناطق خود را به گوش برادران ایمانی برسانید، و از هم طلب نصرت کنید. ای زائران خانه خدا! توطئه های راست و چپ و خصوص امریکای چپاولگر و متجاوز و اسرائیل جنایتکار را به گوش عالمیان برسانید و از آنان استمداد کنید و جنایات این جنایتکاران را بشمارید و به خداوند متعال برای اصلاح حال مسلمین و قطع ایادی جنایتکاران التجا (۱) پیدا کنید. و من به خواست خدای قادر، مژده نصرت و پیروزی به شماها می دهم. «انَّهُ عَلی ذلِکَ لَقادِرٌ» (۲)

والسلام علی رسول اللَّه و علی ائمهالمسلمین و علی عباداللَّه الصالحین و رحمهاللَّه و برکاته.

روح اللَّه الموسوی الخمینی

۱- پناه بردن، پناهنده شدن.

۲- بدرستی که خدا بر آن قادراست.

ص: ۳۹

سخنرانی

زمان: ۱ آذر ۱۳۵۸/ ۲ محرّم ۱۴۰۰

مکان: قم

موضوع: سرنوشت جهان اسلام، بسته به انقلاب ایران

مناسبت: مراجعت از سفر حج

حضار: افسران نیروهای سه گانه ارتش پاکستان

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

شیطان بزرگ در برابر ملتهای مسلمان

چه سعادتی داشتید که مشرف شدید به مکه معظمه مرکز وحی، و به مدینه منوره مرکز رسالت. خداوند از شما برادران به طور شایسته این زیارتها را قبول فرماید، (۱) ما با همه ملتهای مسلم برادر هستیم. و در شادی و غم آنها شریک هستیم. و امید این را داریم که آنها هم با غمها و شادیهای ما شریک باشند. امروز ملت ما مقابل است با قدرت شیطانی بزرگ که در طول سیصد سال این اجانب بر ما ملتها، بر ملتهای مسلمین، بر ملتهای شرق حکومتهای غیرمشروع کرده اند و در طول پنجاه سال هم در حکومت این رضا خان و محمدرضا به این ملت با دست آنها ظلم و خیانت کردند. و جنایات آنها اخیراً بالا گرفت. و این جنایات به پشتیبانی از ابرقدرتها، خصوصاً امریکا بود. به طوری که تحمل دیگر از این ملت ما برداشته شد. و به اتکا به خدای کریم و اسلام، با وحدت کلمه نهضت کردند و نظام شاهنشاهی را که یک نظام پوسیده غیرقانونی بود به هم زدند، و جمهوری اسلامی را در اینجا برقرار کردند. و در این حال که ما مشغول هستیم برای سازندگی، خرابیهایی که در طول این تسلط وحشت انگیز اجانب بر ما و تفاله های آنها که

۱- قبل از سخنرانی امام خمینی یکی از پاکستانیها دعایی خواندند و سپس حضار آمین گفتند.

در این کشورها حکومت می کردنـد، امروز مواجه شدیم با دولت امریکا. و ما امیدواریم که ملتهای برادر ما، ملتهای اسـلامی، که همانطور که ما گرفتار بودیم بر ظلم و تعـدی اجانب، آنها هم گرفتار بودنـد، امروز که ملت ما قیام کرده است آنها هم قیام کنند. و موجب خرسـندی است که پاکستان قیام کرده است. و الآن که من روزنامه را تیترش را دیدم، دیدم که نوشته است که تمام پاکستان بر ضد امریکا قیام کرده است. و دانشگاهها- ظاهراً نوشته بود که- سه روز تعطیل شده است. و این یک مژده ای بر ملت مظلوم ما هست که تنها نیست.

ناتوانی ابرقدرت ها در برابر اتحاد مسلمانها

مسـلمین بایـد با هم یـد واحـده باشـند. «هُمْ یَدٌ واحِدةٌ علی مَن سِواه». اینها باید دست واحد باشـند. مجتمع باشـند. یک باشـند. خودشان را از هم جدا ندانند. مرزها را اسـباب جدایی قلبها ندانند. مرزها جدا، قلبها با هم. مسـلمین دارای قدرت بسیار هستند، و دارای خزاین بسـیار. چنـانچه بـا هم مجتمع بشونـد، چنانچه مسـلمین با هم اتحاد پیـدا کننـد، با حفظ مرزهای خودشان، لکن قلبهایشان با هم متحـد بشود، اینها جمعیت بسـیار کثیری هسـتند؛ یک میلیارد جمعیت. شایـد الآن بیشتر باشـند. و خزاین بسـیار دارنـد. و احتیاج به هیـچ کشوری ندارنـد. و همه کشورها تقریباً به آنها محتاج هسـتند. مع الأسف در اثر تبلیغات سوئی که در طول تاریـخ شـده است، و مردم را از این ابرقـدرتها ترسانـده انـد. تبلیغـات خود آن ابرقـدرتها این بوده است که ملتهـای ما را، ملتهای شـما را از اینها بترسانند. به طوری که ما گمان بکنیم که این ابرقدرتها آسـیب پذیر نیستند، اگر ملتی نفس بکشد، آنها نفسـش را خفه می کننـد. لکن ما دیدیم که اینها تبلیغاتی بود که صـحیح نبود. و قدرتهای بزرگ هم با مقدرات یک مملکت وقتی که خود ملت بـا هم مجتمع شدنـد نمی تواننـد بازی بکننـد. و ما اتکال به خـدا داریم. اتکال به اسـلام داریم. پشتیبانی ما اسلام و خداست. و امید این را داریم که همه ملتهای اسلامی به ما بپیوندند.

سرنوشت جهان اسلام

در این نزاعی که، مبارزه ای که الآن بین کفر و اسلام است، این منازعه بین ما و

امریکا نیست، بین اسلام است و کفر. چنانچه غلبه کنند خدای نخواسته اینها بر نهضت ما- که نخواهند کرد- این غلبه، غلبه بر اسلام است. غلبه بر مسلمین است. باید همه مسلمین بدانند که مقدرات ما الآن تنها نیست که بین وجود و عدم است. مقدرات اسلام، مقدرات همه مسلمین است. همه مسلمین در این مسئله با هم باید شرکت کنند. که اگر این نهضت خدای نخواسته به سستی گراید یا از بین برود، حساب شرق، حساب تمام شرق و خصوصاً مسلمین [را] به تباهی خواهند کشید. من از همه ملتهای اسلامی، از همه مسلمین، از همه ارتشهای اسلامی، از همه قوای انتظامی اسلامی، از همه رؤسای جمهور ممالک اسلامی می خواهم که با این نهضت ما همراه باشند. با این مقابله ای که مابین کفر و اسلام است، نه مابین ایران و امریکا. مابین تمام کفر و تمام اسلام است. مسلمین بپاخیزند.

برخیزند و در این معارضه پیروز شوند. و پیروز خواهند شد. و از این طبلهای میان تهی نترسند. نترسند که امریکا یک قدرت بزرگ است، «یک قدرت شیطانی است و می تواند که با یک روز همه را به هم بزند»! اینها تبلیغات است. امریکا نمی تواند این کار را بکند.

فراخوانی امت اسلام به قیام

در مقابل مسلمین نمی تواند امریکا خودنمایی کند. دنیا توجهش الآن به این مبارزه است. دنیا الآن توجه به این دارد که در این مبارزه چه خواهد شد. و خود مملکت امریکا در آن اختلاف واقع شده است. سیاههای امریکا که در تحت ظلم امریکا بودند الآن آنها هم موافقت با ما دارند. و ممکن است آنها هم قیام بکنند. باید مسلمین در یک همچه موقع حساسی که ما مقابل ایستادیم در مقابل امریکا و در مقابل دسایس شیطانی او، با ما موافقت کنند. با ما همراهی کنند. ما و خود را از هم بدانند. مملکت ایران را با سایر ممالک، با پاکستان، با عراق، با اندونزی، با تمام این ممالک اسلامی یک بدانند. و همه قیام کنند. و همه تظاهر کنند در مقابل این ظلمی که این شخص (۱) به ما دارد می کند.

یک نفر مجرمی (۲) که پنجاه سال خانه های این مملکت را سوزانده است، مردم این

۱- جیمی کارتر رئیس جمهور وقت امریکا.

۲- محمدرضا پهلوی.

مملکت را به حبس انداخته است، قتلهای زیاد، قتل عامهای زیاد کرده است، و سنگفرشهای خیابان ما را، اسفالتهای خیابان ما را رنگین کرده است با خون جوانهای ما، ذخایر ما را برداشته و دزدیده و برده است، اینها برده اند پناه داده اند یک همچه مجرمی را. و مخالف همه قوانین دنیاست که هر مجرمی که در یک جایی جرم کرد باید در محل خودش، در همان جایی که جرم کرده محاکمه بشود. اینها با یک انگیزه های بچگانه این را برده اند نگه داشتند. و حالا هم که ما مطالبه آنها را می کنیم، ما را می ترسانند از کشتیهایشان که آمدند در آبهای نزدیک آبهای خلیج، و از طیاره هاشان و از اینها. ما از چه می ترسیم؟ ما از طیاره های اینها می ترسیم؟ ما از کشتیهای اینها می ترسیم؟

هشدار به امریکا

ما اشخاصی هستیم که در این راه، شهادت را سعادت برای خودمان می دانیم. ملت ما الآن هم از من می خواهند که دعا کنم که شهید بشوند. ملتی که شهادت را می خواهد او را از چه می ترسانند؟ او را از مردن می ترسانند؟ اینها شهادت را شرف خودشان می دانند.

آنها ما را از مردن می ترسانند؟ مردن برای آنها ترس دارد که قائل نیستند به ماورای طبیعت. کسی که خدا را می شناسد، کسی که قیامت را اطلاع دارد ...، کسی که اعتقاد دارد به ماورای طبیعت، این از چه می ترسد؟ امریکا اشتباه می کند. آقای کارتر اشتباه می کند که خیال می کند که می تواند یک همچه کاری بکند. دنیا نمی گذارد که او همچه کاری بکند. خود ملت امریکا نمی گذارد که او این کار را بکند. مگر یک کار آسانی است برای امریکا که بیاید و ملت ما را قتل عام کند. یک کاری نیست که او بتواند این کار را بکند. بر فرض اینکه بتواند، ملت ما با چنگ و دندان آنها را نابود خواهند کرد. و جوانهای ما الآن اعلام کرده اند که اگر اینها یک وقت بخواهند یک همچه کاری بکنند، ما سفارتخانه را با هر کس در آن هست منفجر می کنیم. و اگر یک همچو بشود ما نمی توانیم این جوانهایی که الآن در غرور جوانی هستند و ظلم دیدند، آنها را کنترل کنیم. ما نمی توانیم جلوی یک ملتی را که پنجاه سال ظلم دیده است و پنجاه سال و بیش از سی و چند سال از یک آدمی ظلم دیده است، از یک آدمی قتل عامها دیده است، برادرها را کشته اند، پدرها را

کشته اند، زنها و شوهرهایشان از بین رفته است، یک همچو ملتی را ما نمی توانیم کنترل کنیم، که اگر امریکا بخواهد یک غلطی بکند، مردم بنشینند همینطور نگاه کنند که آقا بیایند و چتربازهایشان بیایند. امتحان کنند، بیایند ببینند چطور می توانند این کار را بکنند؟

تمامشان را از بین خواهیم برد. و خودمان هم کشته می شویم. آنها را هم از بین می بریم.

شکست ایران، شکست شرق

شما برادرها سلام مرا به ارتش خودتان به آقای ضیاءالحق، (۱) برسانید. و از قول من به آنها بگویید که برادرهای شما در مقابله کفر گرفتار هستند. شما قیام کنید. ارتش پاکستان قیام کند در مقابل یک همچو ظلمی که الآن دارد به برادرهایشان می شود. یک همچو قیامی که الآن ما کردیم، در مقابل کفر است. این نسبت به مقدرات شما هم تأثیر دارد. کسی خیال نکند که اگر ایران شکست بخورد، خودش باقی می ماند. اگر ایران شکست بخورد شرق شکست خورده است. اگر ایران شکست بخورد مستضعفین شکست خورده اند. باید همه با هم متصل، متحد، با هم قیام کنیم و این جرثومه فساد را از تاریخ بیرون کنیم. و لااقل از ممالک خودمان اینها را برانیم که دیگر فکر اینکه بیایند در اینجا، مستشارهایشان بیایند در اینجا، مأمورینشان بیایند در اینجا، چپاولگرانشان بیایند در اینجا و ما را چپاول کنند، این فکر را از سر آنها باید ما بیرون کنیم و بیرون می کنیم این فکر را از سرشان.

خداوند ان شاءاللّه به شما همه برادرها سلامت بدهد. عزت بدهد. عافیت بدهد. خداوند اسلام را تقویت کند. خداوند لشکر مسلمین را تقویت کند. خداوند رؤسای مسلمین را که علاقه مند به اسلام هستند، خدمت به مسلمین می کنند، آنها را حفظ کند.

۱- محمد ضیاءالحق، رئیس جمهوری پاکستان.

پیام

زمان: ۲۱ شهریور ۱۳۵۹/ ۲ ذی القعده ۱۴۰۰

مکان: تهران، جماران

موضوع: سیاست امریکا و ایادی آن، ایجاد اختلاف بین ملتهای اسلامی

مناسبت: فرا رسیدن ایام حج

مخاطب: مسلمین جهان و زائران بیت اللَّه الحرام

سیاست امریکا و ایادی آن ...

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

سلام بر زائرین بیت اللَّه الحرام. سلام بر زائرینی که در مرکز وحی الهی و محل هبوط (۱) ملائکهاللَّه اجتماع نمودند. سلام بر مؤمنینی که از خانه خود به سوی خانه خدا هجرت نمودند.

و سلام بر همه مسلمین جهان که پیامبر عظیم الشأن و خاتم نبیّین، پیامبر آنان و قرآن کریم کتاب آنان و کعبه معظمه قبله آنان است. سلام بر آنان که از همه اقسام شرك رو برگرداندند و به سوی مرکز توحید رو آوردند، و از قید عبودیت و اطاعت همه بتهای جهان مراکز استکبار و استعمار و قدرتهای شیطانی رها و به قدرت مطلقه الهی و حبل المتین توحید پیوستند. و سلام بر آنان که رمز دعوت حق تعالی را در وُفود (۲) به سوی خانه خدا دریافتند و لبیک گفتند.

اکنون به شما مسلمانان وارسته که در محل وحی برای ادای این فریضه عبادی سیاسی اجتماع نمودید، لازم است تذکراتی داده شود تا بدانید در کشورهای اسلامی چه می گذرد و برای استعمار و استثمار مسلمین و تحت سلطه قراردادن آنان چه

۱- فرود آمدن.

۲- به رسولی رفتن.

نقشه ها در کار و چه دستهای خبیثی آتش افروزان آنند:

۱- در آستانه به هم نزدیک شدن جمیع مسلمانان جهان و تفاهم همه مذاهب اسلامی برای رها شدن کشورهایشان از چنگال پلید ابرقدرتها و احساس خطر برای چپاولگران بین المللی و در آستانه قطع ایادی ستمگران غرب و شرق از ایران با رمز وحدت کلمه و اتکال به خدای بزرگ و اجتماع در زیر پرچم اسلام و توحید، شیطان بزرگ جوجه های خود را فراخوانده است تا با هر حیله متصور، بین مسلمین تفرقه افکند و امت توحیدی و برادران ایمانی را به اختلاف و دشمنی کشاند و راه سلطه گری و چپاول را برای خویش هر چه بیشتر باز کند. شیطان بزرگ که خوف آن دارد که انقلاب اسلامی ایران به سایر کشورهای اسلامی و غیراسلامی صادر شود و دست پلید او را از کشورهای تحت سلطه قطع کند، در حالی که از حصر اقتصادی و حمله نظامی طَرْفی نبست به حیله دیگری دست زده است تا انقلاب اسلامی ما را در پیشگاه مسلمانان جهان خدشه دار کند و مسلمانان را به جان هم اندازد و خود به ستمگریها و چپاولهایش در کشورهای اسلامی ادامه دهد، و آن اینکه درست در آستانه کوشش بی امان ایران برای وحدت کلمه و تشبث به اسلام بزرگ و توحید بین جمیع مسلمین جهان، به یکی از مهره های خبیث امریکا و از دوستان شاه مخلوع معدوم، دستور می دهند تا از فقها و مفتیان اهل سنت، فتوا بر کفر ایرانیان عزیز بگیرد. و بعضی از این مهره ها گفته اند: «اسلامی که ایرانیان می گویند، غیر از اسلامی است که ما می گوییم». آری اسلام ایران غیر از اسلام آنان است که از مهره های امریکا چون سادات (۱) و بگین (۲) پشتیبانی می کنند و در مقابل فرمان خدای متعال با دشمنان اسلام دست دوستی می دهند و برای تفرقه بین مسلمین، از هیچ افترا و کوششی دریغ نمی کنند.

مسلمانان جهان باید این تفرقه افکنها را بشناسند و توطئه پلید آنان را خنثی کنند.

۲- در آستانه هجوم ابرقدرتها به کشورهای اسلامی، همچون افغانستان و کشتار

۱- محمد انورالسادات، رئیس حاکم بر رژیم مصر.

۲- مناخیم بگین، نخست وزیر رژیم اشغالگر قدس.

بی رحمانه و وحشیانه مسلمانان افغانی- که نمی خواهند اجنبی در مقدرات آنان دخالت کند و یا امریکا که در هر فسادی دست دارد- و همزمان با هجوم همه جانبه اسرائیل جانی، به مسلمین در فلسطین و لبنان عزیز، و همزمان با طرح جنایتکارانه اسرائیل برای انتقال پایتخت خود به بیت المقدس، و گسترش جنایات و کشتار وحشیانه مسلمانان آواره از وطن خویش، و در وقتی که مسلمانان بیشتر از هر زمان احتیاج به وحدت کلمه دارند، سادات، این نوکر خیانتکار امریکا و دوست و برادر بگین و شاه مخلوع معدوم، و صدام، آن خادم سرسپرده امریکا، دست به تفرقه افکنی مسلمانان زده اند، از هیچ جنایتی در این راه که ارباب جنایتکارشان امر نموده است، فروگذار نمی کنند. امریکا با حمله های پیاپی به ایران و فرستادن جاسوسان برای شکست دادن انقلاب اسلامی ما و توطئه با سادات برای ایجاد اختلاف و تبلیغات سوء و پخش اکاذیب و افترا به متصدیان حکومت اسلامی از طریق عراق، از آن قماش است. مسلمین باید به خیانت این سرسپردگان امریکا به اسلام و مسلمین توجه داشته باشند.

۳- از مسائلی که طراحان برای ایجاد اختلاف بین مسلمین طرح و عمال استعمارگران در تبلیغ آن بپا خاسته اند، قومیت و ملیت است که دولت عراق سالهاست بدان دامن می زند. و در ایران نیز دستجات محدودی دانسته یا ندانسته از آن ترویج و تأیید می کنند. و در سایر نقاط از ترک و کُرد و دیگر طوایف هم همان راه را پیش گرفته اند و مسلمانان را در مقابل هم قرار داده اند و حتی به دشمنی کشیده اند؛ غافل از آنکه حب وطن، حب اهل وطن و حفظ و حدود کشور مسئله ای است که در آن حرفی نیست؛ و ملی گرایی در مقابل ملتهای مسلمان دیگر، مسئله دیگری است که اسلام و قرآن کریم و دستور نبی اکرم صلی الله علیه و آله بر خلاف آن است؛ و آن ملی گرایی که به دشمنی بین مسلمین و شکاف در صفوف مؤمنین منجر می شود بر خلاف اسلام و مصلحت مسلمین و از حیله های اجانب است که از اسلام و گسترش آن رنج می برند.

۴- از ملی گرایی خطرناکتر و غم انگیزتر، ایجاد خلاف بین اهل سنت و جماعت با شیعیان است، و القای تبلیغات فتنه انگیز و دشمنی ساز بین برادران اسلامی و ایمانی است.

و بحمداللّٰه تعالی در انقلاب اسلامی ایران هیچ اختلافی بین این دو طایفه وجود ندارد و

همه با دوستی و اخوت در کنار هم زنـدگی می کنند. و اهل سـنت که در ایران جمعیتش بیشـمارند و در اطراف و اکناف (۱) کشور زیست می کننـد و دارای علمـا و مشایـخ بسـیار هسـتند، بـا ما برادر و ما با آنها برادر و برابریم. و آنان با نغمه های نفاق افکنـانه ای کـه بعضـی جنایتکـاران و وابسـتگان بـه صـهیونیسم و امریکـا، سـاز نمـوده انـد مخالفنـد. و برادران اهـل سـنت در کشورهای اسـلامی بداننـد که این عمال وابسـته به قـدرتهای شـیطانی بزرگ، خیرخواه مسـلمین و اسـلام نیسـتند و لازم اسـت مسـلمانان از آنها تبرّی کننـد و به تبلیغات نفاق افکنانه آنان گوش فرا ندهنـد. من دست برادری به تمام مسـلمانان متعهد جهان می دهم و از آنـان می خواهم که به شـیعیان بـا چشم برادری عزیز نگاه کننـد؛ و با این عملشان هماننـد همیشه نقشه های شوم اجانب را خنثی کنند.

۵- از تبلیغات دامنه داری که به ظاهر ضد ایران و در حقیقت بر ضد اسـلام است آن است که: «انقلاب ایران نمی تواند کشور ما را اداره کند»، و یا «دولت ایران در حال سقوط است، چون نه اقتصاد سالم و نه فرهنگ صحیح و نه ارتش منسجم و نه قوای مسلح آماده دارد». و این تبلیغات از همه رسانه های گروهی امریکا و وابستگان به آن پخش می شود و مایه دلخوشی دشمنان ایران و اسـلام است، و در حقیقت این تبلیغات علیه اسـلام است و می خواهند وانمود کنند که اسـلام در این زمان قدرت اداره کشورها را ندارد. اکنون مسلمانان باید با دقت مسائل را بررسی کنند و انقلابات غیر اسلامی را با انقلاب اسلامی ایران مقایسه کننـد. انقلاب اسـلامی ما در عین حال که وارث یک کشور صـد در صـد وابسـته و مخروبه و عقب رانده شده در تمام جهات بـود، و رژیم دست نشانـده پهلـوی در مـدت بیش از پنجـاه سـال این کشور را از هر جهت به سـقوط کشانـده بود، و ذخـایر و دارایی سـرشار آن را به جیب اجانب خصوصاً انگلیس و امریکا ریخته و باقیمانده آن را به نفع خود و وابستگان و سرسپردگان خود برداشت کرده و ما را با مشکلات بسیار رو به رو کرده بود، ما به برکت اسلام و ملت مسلمان در ظرف کمتر از دو سال، تمام آنچه را که مدخلیت در اداره کشور داشت تصویب و اجرا کردیم؛ و با همه مشکلاتی که امریکا و

۱- جمع کنف: اطراف، کنارها.

اقمـار او از جهت حصـر اقتصـادی و دخـالت نظـامی و تهیه وسـیع کودتا فراهم آورده بود، ملت رزمنـده ما ارزاق را نزدیک به خودکفـایی رسانـده انـد و سـایر مایحتـاج کشور نیز تهیه شـده است. و بزودی فرهنگ اسـتعمار زمان رژیم سابق را به فرهنگ مسـتقل اسـلامی تبدیل می کنیم. قوای مسـلح ما ارتش و سـپاه پاسداران و ژاندارمری و شهربانی آماده برای دفاع و نظم و همه در راه اسـلام جان بر کف مهیای جهادند. علاوه [بر این]، ارتش میلیونی و بسیج عمومی که با سازماندهی خود ملت مجهز می شوند، آماده فداکاری در راه اسـلام و کشور است. و دشـمنان ما باید بدانند که هیچ انقلابی در جهان همانند انقلاب اسـلامی ما، با ضایعه ای کم و رهاوردی عظیم، همراه نبوده است و این نیست جز به برکت اسلام.

ایـن بـدخواهان چـه می گوینـد؟ اسـلامی کـه چنـدین قرن بر نیمی از معمـوره دنیـا حکـومت کرده بـود و کمـتر از نیم قرن بر حکومتهـای کفر و سـتم چیره شـد، اکنـون چطـور از اداره کشـور عـاجز اسـت؟ امروز ملـت مـا در کمـک بـه اداره کشـور و سازماندهی آن مهیا و فعالند.

دشـمنان اسـلام از قـدرت اسـلام در هـدم اسـاس ظلم و برپا داشـتن اساس اداره کشور بر عـدالت غافلنـد و یا تغافل می کننـد. دشـمنان اسـلام و بلکه بسـیاری از دوستان اسلام هم از قدرت اداره و احکام سیاسی و اجتماعی اسلام بی اطلاعند. در حقیقت اسـلام در طـول تاریـخ پس از صـدر اسـلام مهجـور [و] (۱) محجـوب بـوده است، و اکنـون بایـد بـا کمـک همه مسـلمانان و دانشمندان و متفکران و اسلام شناسان معرفی شود تا چهره تابناک آن چون خورشید جهانتاب جلوه کند.

ای مسـلمانان جهان که به حقیقت اسـلام ایمان دارید، بپا خیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام، مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرتان را از ممالک خود و خزاین سـرشار آن کوتاه کنید، و مجد اسلام را اعاده کنید، و دست از اختلافات و هواهای نفسانی برداریـد که شـما دارای همه چیز هستیـد. بر فرهنگ اسـلام تکیه زنیـد و با غرب و غربزدگی مبارزه نمایید و روی پـای خودتـان بایستیـد و بر روشـنفکران غربزده و شـرقزده بتازیـد و هـویت خـویش را دریابیـد و بدانیـد که روشـنفکران اجیرشده بلایی بر

۱- جدا مانده، دور افتاده.

سرملت و مملکتشان آورده اند که تا متحد نشوید و دقیقاً به اسلام راستین تکیه ننمایید، بر شما آن خواهد گذشت که تا کنون گذشته است. امروز زمانی است که ملتها چراغ راه روشنفکرانشان شوند و آن را از خود باختگی و زبونی در مقابل شرق و غرب نجات دهند که امروز روز حرکت ملتهاست و آنان هادی هدایت کنندگان تاکنوند. بدانید که قدرت معنوی شما بر همه قدرتها چیره خواهد شد و قریب یک میلیارد جمعیت شما با خزاین سرشار و ثروت بی پایان می تواند تمام قدرتها را در هم شکند. نصرت کنید خدا را تا نصرت دهد شما را. ای اقیانوس بزرگ مسلمانان، خروش برآورید و دشمنان انسانیت را در هم شکنید؛ که اگر به خدای بزرگ رو آورید و تعلیمات آسمانی را وجهه خود قرار دهید، خدای تعالی و جنود عظیم او با شماست.

۶- مهمترین و دردآورترین مسئله ای که ملتهای اسلامی و غیر اسلامی کشورهای تحت سلطه با آن مواجه است موضوع امریکاست. دولت امریکا به عنوان قدرتمندترین کشورهای جهان برای بیشتر بلعیدن ذخایر مادی کشورهای تحت سلطه، از هیچ کوششی فروگذار نمی کند.

امریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است. امریکا برای سیطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه، از هیچ جنایتی خودداری نمی نماید. امریکا مردم مظلوم جهان را با تبلیغات وسیعش که به وسیله صهیونیسم بین الملل سازماندهی می گردد، استثمار می نماید. امریکا با ایادی مرموز و خیانتکارش، چنان خون مردم بی پناه را می مکد که گویی در جهان هیچ کس جز او و اقمارش حق حیات ندارند.

ایران که خواسته است از هر جهت با این شیطان بزرگ قطع رابطه کند، امروز گرفتار جنگهای تحمیلی است. امریکا عراق را وادار نموده است خون جوانان ما را بریزد. و سایر کشورهای تحت نفوذش را وادار نموده است تا ما را با حصر اقتصادی از پای درآورد؛ مع الأسف اکثر کشورهای آسیایی هم با ما سر ستیز برداشته. ملتهای مسلمان باید بدانند که ایران کشوری است که رسماً با امریکا می جنگد، و شهدای ما، این جوانان و دلاوران ارتش و سپاه از ایران و اسلام عزیز در مقابل امریکا دفاع می کنند. پس ذکر این

مسئله ضروری است که درگیریهای غرب کشور عزیز ما درگیریهایی است از جانب امریکا که گروههای از خدا بی خبر وابسته، هر روز ما را با آن مواجه کرده اند، و این به محتوای انقلاب اسلامی ما مربوط می شود که بر پایه استقلال واقعی بنا گشته است. چه اگر ما با امریکا و یا سایر ابرقدرتها و قدرتها کنار آمده بودیم، گرفتار این مصایب نبودیم؛ ولی مردم ما دیگر به هیچ وجه حاضر نیستند تن به خواری و ذلت دهند و مرگ سرخ را به زندگی ننگین ترجیح می دهند.

ما برای کشته شدن حاضریم و با خدای خویش عهد نموده ایم که دنباله روِ امام خود سیدالشهدا باشیم. ای مسلمانانی که در کنار خانه خدا به دعا نشسته اید، به ایستادگان در مقابل امریکا و سایر ابرقدرتها دعا کنید و بدانید که ما با عراق جنگی نداریم و مردم عراق پشتیبان انقلاب اسلامی ما هستند، ما با امریکا در ستیزیم. و امروز دست امریکا از آستین دولت عراق بیرون آمده است و به امید خدا این ستیز تا استقلال واقعی ادامه دارد که بارها گفته ام ما مرد جنگیم و تسلیم برای مسلمان معنا ندارد. ای کشورهای بی طرف! شما را به شهادت می طلبیم که امریکا قصد نابودی ما را دارد. کمی به خود آیید و ما را در هدفمان کمک کنید. ما به شرق و غرب و به شوروی و امریکا پشت کرده ایم تا خود، کشور خود را اداره کنیم. آیا حق است تا این چنین مورد هجوم شرق و غرب واقع شویم؟

با اوضاع فعلی جهان این یک استثنای تاریخی است که با مرگ و شهادت و شکست ما، مطمئناً هدف ما شکست نمی خورد.

بارها گفته ام که گروگانگیری توسط دانشجویان مسلمان و مبارز و متعهد ما عکس العمل طبیعی صدماتی است که ملت ما از امریکا خورده است. و اینان فعلًا با بازپس دادن اموال شاه معدوم و لغو تمام ادعاهای امریکا علیه ایران و ضمانت به عدم دخالت سیاسی و نظامی امریکا در ایران و آزاد گذاشتن تمامی سرمایه های ما آزاد می گردند؛ که البته این امر را محول به مجلس اسلامی نموده ام تا آنان به هر نحو که صلاح می دانند عمل نمایند. با اینان در ایران به بهترین وجه رفتار شده است؛ ولی تبلیغات امریکا و اقمارش از هیچ دروغ و افترا و تهمتی در این مورد فرو گذار نکردند، در حالی که امریکا و انگلیس به فرزندان عزیز ما بدترین اهانتها و شکنجه های روحی و جسمی را

نمودند و هیچ مقام رسـمی در مجامع بین المللی از این دوسـتان عزیز ما دفاع ننمود، و هیچ کس امریکا و انگلیس را در مقابل این رفتار وحشیانه محکوم نکرد. از خداوند متعال آزادی و استقلال و جمهوری اسلامی را برای تمام ملتهای دربند آرزومندم. والسلام علی عباداللّه الصالحین.

۲۱/ ۶/ ۵۹

روح اللّه الموسوی الخمینی

پیام

زمان: ۲۷ مهر ۱۳۵۹/ ۹ ذی الحجه ۱۴۰۰

مکان: تهران، جماران

موضوع: فرمان آماده باش به ملت ایران برای رفع تجاوز دشمن بعثی

مناسبت: عید سعید قربان

مخاطب: نیروهای مسلح و ملت مسلمان ایران- مسلمانان و مستضعفان جهان

فرمان آماده باش به ملت ایران ...

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

مبارک باد عید سعید قربان بر جمیع مسلمانان جهان و بر امت پیامبر عظیم الشأن.

مبارک باد این عید بزرگ اسلامی بر مستضعفین جهان که در مقابل مستکبرین و اولیای طاغوت قیام نمودند. مبارک باد بر ملت عظیم اسلامی ایران که صادقانه و دلاورانه در مقابل اولیای شیطان بپا خاستند. و مبارک باد بر قوای مسلح جمهوری اسلامی و بر دلیران رزمنده غرب و جنوب که با تعهد اسلامی و فداکاری در راه خداوند تعالی به جهاد مقدس و دفاع از کشور اسلامی چون سدی آهنین ایستاده و خون آشامان حزب کثیف بعث عراق و سرسپردگان به دشمنان اسلام و بشریت را از کشور خود رانده و خواهند راند.

آن روز مبارک است برای اسلام و ملتهای اسلامی که دست ستمگران و خون آشامان از کشورهای اسلامی کوتاه شود. و آن روز مبارک است برای ملت شریف ما که جمهوری اسلامی به تمام معنا در کشور اسلامی پیاده شود و احکام مترقی اسلام به جای احکام ضد انسانی برقرار گردد.

اکنون، شما ای ملت بزرگ اسلامی ایران، بر سر دوراهی می باشید؛ راه سعادت و افتخار ابدی در سایه پرافتخار جهاد برای خدا و دفاع از کشور اسلام، و راه ذلت و ننگ

ابدی؛ اگر خدای نخواسته در این جهاد مقدس سستی و سردی از خود نشان دهید. و من امید واثق دارم که ملت ما تن به ننگ نداده و نخواهند داد، و تا سقوط رژیم منحط بعث عراق از پای ننشینند و تا ملت شریف عراق را از اختناق و جنایاتی که بر آنان سایه شوم افکنده نجات ندهند، دست از جهاد مقدس برندارند. و شما ای جوانان برومند خوزستان و منطقه غرب و دیگر جبهه ها، در این میدان شرف پایدار باشید و از وطن اسلامی خود با تمام کوشش و فداکاری دفاع کنید که به خواست خداوند متعال پیروز خواهید شد و جنود ابلیس را با فضاحت تمام به عقب خواهید راند. و شما ای قوای مسلح که در خوزستان و مرزهای جنگزده در مقابل کفار ایستاده اید، بهوش باشید و هماهنگ باشید و به دستورات شورای دفاع عمل کنید، و از اختلاف و تفرقه برحذر باشید که نصرت خدا را ان شاءاللّٰه در آغوش گرفته و سربلند و مفتخر از میدان بیرون آیید. و اینجانب اولًا به ملت ایران هشدار می دهم که خود را مهیا کنند و اسلحه های خود را آماده کنند و به حال آماده باش باشند، که اگر خدای نخواسته محتاج به بسیج عمومی شد و امر به جهاد مقدس عمومی داده شد، فوراً به میدان رفته و از دین خدا و کشور اسلامی دفاع نمایند. و ثانیاً به قوای نظامی اخطار می کنم که با کمال جدیت و بدون فوت وقت، ساز و برگ جنگی را که بحمداللّٰه در حد کافی در اختیار دارید در اختیار رزمندگان، چه قوای مسلح و چه سایر جوانان فداکار گذاشته و کوچکترین مسامحه را جایز ندانید. و از شورای دفاع می خواهم که هر روز اینجانب را از وضع جبهه ها مستحضر کنند و چنانچه احتیاج به نیرو دارند تذکر دهند که جوانان پرشور در سطح کشور آماده جهاد هستند. و باید فرماندهان نظامی داوطلبانی را که [برای جنگ] می آیند بی درنگ مجهز کنند و به جبهه بفرستند و نیروی زمینی را با اقسام سلاحها و آتشبارها و توپها تقویت کنند؛ و بدانند که مسامحه در این امر نزد خداوند و ملت گناهی نابخشودنی است و از عواقب آن بر حذر باشند. و به همه جناحها اطمینان می دهم که پیروزی با اسلام و کشور اسلامی است و شکست خذلان نصیب دشمنان شما است.

من از خداوند تعالی رحمت برای شهدای عزیز در این جنگ تحمیلی خواستارم.

اینان برای اسلام فدا شدند و در نزد خدای تعالی و در جوار رحمت واسعه او به سعادت

ابـدی و افتخـار دائمی رسـیدند، و به بازمانـدگان آنان تبریک و تسـلیت عرض می کنم. شـما مسـلمانان متعهـد دیْن خود را به اسلام بزرگ و خداوند متعال ادا کردید و راه وفاداری و فداکاری را به ما آموختید. خداوند تعالی ما را به شما ملحق کند و از این فیض عظیم محروم نفرمایـد. و اخیراً تأکیـد می کنم که پایـداری در این امر حیـاتی و شـدت عمـل موجب افتخـار جوانـان ماست.

از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین و پیروزی مجاهدین در راه خدا را خواستار است. والسلام علی من اتبع الهدی.

روح اللّه الموسوی الخمینی

سخنرانی

زمان: ۲۸ مهر ۱۳۵۹/ ۱۰ ذی الحجه ۱۴۰۰

مکان: تهران، حسینیه جماران

موضوع: وظیفه دولتهای اسلامی در قبال حمله صدام به کشور اسلامی ایران

مناسبت: عید سعید قربان

حضار: سفرای کشورهای اسلامی

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

عبادی- سیاسی بودن دین اسلام

ما در روزی مجتمع هستیم در این محل حقیر که انبوه مسلمین از سراسر کشورهای اسلامی در مکه معظمه مجتمع هستند، این اجتماع دینی- سیاسی.

اسلام یک دین عبادی- سیاسی است که در امور سیاسی اش عبادت منضم است و در امور عبادی اش سیاست. این مجتمعاتی که اسلام برای مسلمین به طور سهولت تهیه فرموده است، در سال یک دفعه فریضه فرموده است بر کسانی که استطاعت دارند که مجتمع بشوند در مکه معظمه و در مواقف شریفه. و برای همه مسلمین مستحب است که مستطیع هم که نباشند این عبادت الهی را به جا بیاورند. و نکته مهم این اجتماعات این است که مسلمین با هم در یک محیط دور از تشریفات- یک محیطی که همه آن جهات شخصیتها را ریخته و با یک کفن و با دو ثوبه (۱) مختصر- در این مواقف حاضر شوند و مهم این است که آن چیزهایی که در بلاد مسلمین در طول سال، گذشته است به اطلاع هم برسانند و برای رفع اشکالات مسلمین فکر بکنند. و اجتماع بزرگ میلیونی اسلامی در حجاز برای همین نکته است، در عین حالی که عبادت است. و مع الأسف، ما مسلمانها که

۱- جامه، لباس.

از اسلام دور افتاده ایم و از حقایق اسلامی منزوی شده ایم در این فکر ابداً نیستیم که، اولًا کسانی که می توانند بروند، بروند مشرف شوند در خانه خدا و کسانی که اصحاب تفکر هستند، نویسنده هستند، روشنفکر هستند و عالِم هستند، در آن محیط مجتمع بشوند و مشکلات مسلمین را در تمام جهان بررسی کنند و آنچه که می توانند حل کنند. ما الآن از تشرف مکه و حج بیت اللَّه جز اینکه یک دسته اشخاص عامی مردم، عامه مردم در آنجا مجتمع بشوند، و اشخاص مؤثری که می توانند، از حکومتها، از بزرگان قوم در آنجا می توانند مجتمع بشوند و مسائل اسلام را و مسائل مسلمین را و مسائل سیاسی و اجتماعی را بررسی کنند، مع الأسف، این امر مغفولٌ عنه (۱) است. و در عین حال که باید در آنجا بررسی مشکلات را بکنند بر مشکلات افزوده می شود. مشکلات مسلمین زیاد است، لکن مشکل بزرگ مسلمین این است که قرآن کریم را کنار گذاشته اند وتحت لوای دیگران درآمده اند. قرآن کریم که می فرماید که وَاعتَصِمُوا بِحَبلِ اللَّه جَمیعاً وَ لاتَفَرَّقُوا، (۲)

ما اگر همین یک آیه را، مسلمین اگر همین یک آیه را عمل به آن بکنند تمام اشکالات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و همه چیزشان بدون تشبث به غیر رفع می شود.

اسلام برای مردم در هر ناحیه یک امور سیاسی- عبادی قرار داده است. این جماعات در تمام کشورهای مسلمین، و در هر شهر و ده و روستا، اینها یک امور اجتماعی- سیاسی است که اهل یک بلد در مساجد مجتمع بشوند و مشکلات خودشان را نسبت به آن بلد حل بکنند. و نماز جمعه یک عبادت سیاسی و اجتماعی است که در هر هفته مردم اجتماعات زیاد بکنند و مسائلشان را حل بکنند در آنجا. و اجتماع کعبه بزرگترین اجتماعی است که هیچ دولتی نمی تواند خودش این اجتماع را ایجاد کند و خدای تبارک و تعالی همچو کرده است که مسلمین بدون یک مزاحمتها و زحمتهایی و بدون یک خرجهایی که بر دولتها باشد، مجتمع می شوند در آنجا و مع الأسف، استفاده از آن نمی شود.

۱- آنچه از آن غفلت شده.

۲- بخشی از آیه ۱۰۳، سوره آل عمران: «به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید».

وظیفه دولتهای اسلامی در مقابله با دولت عراق

مـا الآـن در یک روزی مجتمع هستیم که دولت صـدام، دولت غاصب صـدام بـدون یک عـذر موجهی در بین تمام دول عالَم، بـدون اطلاـع و بـدون سـابقه بـا دریـا و هوا و زمین هجوم کرد بر ایران و به خیـال خودش می خواست که کشورگیری کنـد و خلافت مسـلمین را یک آدمی که به اسلام اعتقاد ندارد، ریاست مسلمین را به دست بگیرد. و مع الأسف، در عین حالی که در قرآن کریم است که اگر دو طایفه ای از مسلمین با هم اختلاف کردند شما مصالحه بدهید بین آنها را و اگر یکی از آنها باغی باشـد و طاغی باشـد، با او قتال کنید تا اینکه سر نهد به احکام خدا. کدام یک از کشورهای اسـلامی بررسـی کردند در اینکه طـاغی و بـاغی کیست و آن کسـی که هجوم کرده است کیست تـا اینکه همه به امر خـدا بـا او مقاتله کننـد؟ بر کـدام مملکت اسـلامی پوشیده است این معنا که صدام به ما بغی کرده است، و طغیان کرده است و ظلم کرده است و هجوم کرده است؟ چرا ممالک اسلامی به آیه شریفه ای که می فرماید که فَقاتِلُوا الَّتی تَبغی حَتّی تَفِی ءَ الی امْرِ اللّٰه (۱)

چرا عمـل نمی کننـد؟ مع الأـسف بعض از ممالـک اسـلامی؛ یعنی، ممالکی که دولتهایشان به اسم اسـلام بر آنها حکومت می کنـد، در عین حالی که می بینند که او طغیان کرده است و هجوم کرده است بر یک مملکت اسـلامی بدون جهت، بدون یک حجت، با او اعلام موافقت می کنند یا بعضـی پشتیبانی می کنند. ما باید مشـکلات اسلامی را در کدام نقطه عالَم طرح کنیم و حـل کنیم؟ مسـلمین عـالَم بایـد مشـکلاتشان را در چه محفلی حـل بکننـد؟ در محافل بین المللی که دسـتاورد دولتهای بزرگ است؟ در آن محافلی که به اسم اسـلام هست لکن اثری از اسـلام در آن نیست؟ بایـد مملکت ایران شـکوای خودش را به چه مقامی عرضه کنـد؟ ملتی که مورد هجوم واقع شده است بدون جهت، بدون عذر، باید با کی طرح کند این مطلب را؟ با کدام یـک از دولتهـا این مسـئله را طرح کنـد؟ بر همه دولتهـای اسـلامی به نص قرآن واجب است که مقـاتله کننـد با دولت عراق تا برگردد به ذکر خدا و به امر خدا.

۱- بخشی از آیه ۹، سوره حجرات: «پس مقاتله کنید با آن طایفه ای که ظلم کرده است تا آن بازگردد به امرخداوند».

بله صـدام گمـان می کرد که بـا یک مملکت آشـفته که منزوی شـده است و همه دولتها پشت به او کرده انـد یا او را در فشار اقتصادی گذاشـته انـد طرف شده است و ما نه قوای نظامی داریم و نه انتظامی داریم و نه ساز و برگ جهاد و جنگ. او همچو گمـان کرد و گمـان می کرد تا چنـد ساعت تهران را هم فتـح خواهـد کرد. او غافل از خـدا بود. او فکر نکرده بود که ما یک ملتی داریم که منسجم با هم است و همه ایمان دارند و ایمان است که آنها را بر مسائل و بر مشکلات غلبه می دهد. آنها تفکر نکردنـد، تأمل نکردنـد که شاه خائن سابق که دارای همه قوا بود و همه قـدرتها با او بودنـد و پشتیبانی می کردنـد، همین ملت غیور ایران با قدرت ایمانی او را به جهنم فرستادند. او تصور این را نکرد که ملت ایران همه قدرتهایی که پشتیبان محمدرضای مخلوع بودنـد کنـار زد و دسـت همه را از منـابع خـودش و سـلطه همه را قطـع کرد. او از این معـانی غفلت کرد از بـاب اینکه اعصابش ضعیف است. من از اوّلی که این شخص روی کار آمد گفتم به اشخاص که آدم خطرناکی است؛ برای اینکه این در حال جنون است، اعصاب این آدم کار نمی کند و حالا ثابت شد این معنا.

منزوی نبودن ایران در بین ملتها

مع الأسف گمان می کنند بعضـی که ما منزوی شده ایم به واسـطه مخالفت با امریکا، خیر، امریکا منزوی شد. میزان ملتهاست؛ شمـا سـرنیزه را از روی ملتها برداریـد و مردم را آزاد بگذاریـد ببینیـد کی منزوی است. الآن هم که سـرنیزه ها هست در داخل عراق، ملت عراق بـا ما هسـتند و عن قریب، ان شاءاللّٰه، انفجاری در عراق پیـدا خواهـد شـد، نظیر انفجاری که در ایران بود. ما منزوی نیستیم، آنهایی که ظالم هسـتند و به ما ظلم کرده اند منزوی هستند؛ برای اینکه میزان ملتها هستند. ما قبل از این انقلاب منزوی بودیم؛ برای اینکه، ملتها با ما توجهی نداشـتند. بعـد از انقلاب، هم ملت ما منسـجم شـد و یک شـد، یدٌ واحِدةٌ عَلی مَنْ سِواهُم (۱)

شد و هم همه ملتهای ضعیف حتی ملتهای غیر اسلامی که

۱- بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۶۸، ح ۳. کنزالعمال، ج ۱، ص ۹۹، ح ۴۴۰. «مسلمین دست واحدند بر علیه بیگانگان».

جزء مستضعفین شدند با ما هستند. چطور ما منزوی هستیم؟ بله دولتهایی که هستند، دولتهایی که ملتهایشان هم با آنها موافق نیستند، آنها با ما مخالفند و ما باکی نداریم از این معنا. این انزوا را با آغوش باز استقبال می کنیم؛ برای اینکه ما تا منزوی نشویم و تا دستمان از پیش ابرقدرتها و قدرتهای دیگر کوتاه نشود، خودمان نمی توانیم کار خودمان را انجام بدهیم و سر پای خودمان بایستیم. ما باید منزوی بشویم تا مستقل بشویم. باید منزوی بشویم تا آزاد بشویم. انزوا برای ما هیچ طرح نیست و ما از انزوای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ابداً باک نداریم؛ برای اینکه میزان ملتها هستند و ملتها با ما هستند. شما اگر رادیوها را ملاحظه کنید در سطح جهان، تمام جهان با ما اظهار موافقت کردند و با ما خواسته اند که در جبهه جنگ حاضر بشوند و ما را از این غائله به اصطلاح خودشان نجات بدهند و ما احتیاج به این نداریم. ما همچو سیلی خواهیم زد به صدام و حزب بعث عراق که دیگر بلند نشود از جای خودش. ما باید این اشتباه را رفع کنیم، هم از دولت غاصب عراق و هم از سایر دولتهای اسلامی که گمان می کنند اگر هجومی به ایران بشود ایران صدمه به آن وارد می شود. ایران یک موجود الهی است که هیچ چیز او را صدمه نخواهد زد. ایران واحد است و با دست واحد، ۳۵ میلیون جمعیت با صدای واحد در مقابل قدرتها ایستاده است و هیچ قدرتی نمی تواند یک ملت را منزوی کند. و هیچ ملتی نمی تواند بر یک ملتی که بپاخاسته است حکومت کند. شما ملاحظه کنید افغانستان را.

افغانستان در عین حال که احزاب چپی دارد که قدرتمندند و حکومتش هم با ملت مخالف است و ملت هم با حکومت و آن قوای ابرقدرت هم وارد در آنجا شده است، آنچنان صدمه سیاسی به شوروی وارد شد در این کار که پیش همه ممالک مفتضح شد.

آنچنان سیلی زدند چریکهای قدرتمند افغانستان به روی شوروی که باید سرش را بلند نکند. و ایران از افغانستان قویتر است. برای اینکه ایران دسته جات مختلف ندارد. اگر چهار تا فرض کنید که ساواکی یا کمونیست در اینجا هست، اینها چیزی نیستند و در قبال ملت ما ناچیزند. اما ملت ما با دولت، قوای انتظامی همه با هم هستند. و بحمداللّه، هم قوای انتظامی ما الآن قوی است و هم سازوبرگ ما قوی است و این سازوبرگی است که دشمن ما برای ما تهیه کرد. این سازوبرگ بسیار زیادی است که امریکا برای ما تهیه کرد،

او تهیه کرد که در مقابل شوروی بایستد و به دست ما افتاد و ما در مقابل خودش و هر دولت دیگری ایستادگی داریم. قدرت ما را اینها نمی دانند؛ آن قدرت معنوی که در ایران هست، آن قدرت اسلامی که در ایران هست باز ادراک نکرده اند.

توجه مسلمانان به قدرت اسلام در قبال قدرتها

مسلمین باید توجه به قدرت اسلام داشته باشند. این قدرت اسلام بود که با دست خالی یک ملتی را بر یک دولت غاصب بزرگ و ابرقدرتهای بزرگ عالَم غلبه داد، این قدرت اسلام بود. چرا مسلمین از این قدرت غافلند؟ چرا دولتهای اسلامی از این قدرت اسلام غافل هستند؟ چرا باید در طول سالهای متمادی دولتهای عربی سیلی بخورند از صهیونیسم؟ چرا باید در تحت سلطه قدرتهای خارجی باشند؟ چرا خودشان با هم مجتمع نمی شوند؟ چرا به آیات شریفه قرآن عمل نمی کنند؟ چرا با هم مجتمع نیستند؟

چرا به احادیث نبی اکرم اعتنا نمی کنند که فرموده است: مسلمین یدٌ واحِدهٌ علی مَن سِواهُم؟ مع الأسف بین خودشان اختلافات است. مشکل مسلمین همین است که اختلاف انداخته اند بینشان. و بعد از جنگ عمومی این نقشه کشیده شد و قدرت اسلام را دیدند و نقشه کشیده شد و دولتهای اسلامی را از هم جدا کردند و مسلمین را با هم مخالف کردند و دولتهای اسلامی با هم دشمن شدند. این مشکلی است که حل باید بشود. این مشکلی است که در روز عید و در روز عرفه در پناه خانه خدا باید حل بشود. این مشکلی است که سران قوم مجتمع بشوند در مکه معظمه، امر خدای تبارک و تعالی را اطاعت کنند و با هم در آنجا اجتماع کنند و با هم مشکلات خودشان را در میان بگذارند و غلبه کنند بر مشکلات خودشان. اگر یک همچو امری واقع بشود احدی از قدرتها نمی تواند با شما مقابله کند. شما مسلمین همه چیز دارید. شما مسلمین قدرت اسلام دارید که بالاترین چیزهاست، بالاترین سلاحهاست. و شما مسلمین صحراها و دریاهای وسیع و کشورهای بسیار وسیع دارید و غنی هستید. در عین حالی که شما از حیث همه چیز غنی هستید مع ذلک، بیشتر مستمندان شما به حال فقر دارند زندگی می کنند؛ این برای این است که شما به اسلام عمل نمی کنید. شما اموال مسلمین را، آن چیزهایی که باید به نفع مسلمین

باشد به غیر مسلمین می دهید آن هم به یک ثمن بخس. (۱) همان ثمن هم در زمان شاه مخلوع، همان ثمن بخس هم دوباره برمی گشت به جیب خود امریکا و بعد هم سلاحها را درست می کردند برای خودشان که مقابله کنند با شوروی و بحمداللّه این سلاحها را خدا خواست که به دست ما بیفتد.

دفاع در مقابل متجاوزان به کشور

و امروز در مقابل همه کشورهایی که بخواهند به ما تعدی کنند قیام خواهیم کرد. و ملت ما با قدرت اسلامی با قوای نظامی و انتظامی، با مجاهدین اسلام و با همه قدرتهای مسلح و غیرمسلح با هم هستند و کسی نمی تواند به این مملکت تعدی کند. و ما نمی دانیم که چرا مسلمین- یعنی، ممالک اسلامی، والّا خود مسلمین با ما هستند- چرا ممالک اسلامی پا میان نمی گذارند و این آدم را به پای میز محاکمه نمی کشانند. از چه می ترسند؟

صدام باید محاکمه بشود همان طوری که کارتر باید محاکمه بشود. او برای نفع خودش عمل می کرد و این ملعون برای نفع امریکا عمل می کند. او برای اینکه چند کیلومتر زمین خشک، برای این لشکرکشی نمی کند و این همه جمعیت اسلام را چه از آن طرف و چه از این طرف به قتال وادارد و به کشتن بدهد و آنهمه میلیاردها دینار عراقی و تومان ایرانی را به این دو تا کشور ضرر بزنند و آن سلاحهایی که باید ما در مقابل دشمن و در مقابل صهیونیسم و امپریالیسم باید به کار بیندازیم به روی هم بکشیم. و این یک جنایتی است که صدام کرده. ما مدافع هستیم از منافع خودمان، ما مدافع از اسلام هستیم. ما می شناسیم این آدم را. من در عراق هم می شناختم این آدم را، که این آدم چنانچه- خدای نخواسته- دستش باز بشود از عَفلق (۲) بدتر است و عفلق، اسلام را مخالف همه چیز خودش می داند.

ما مدافع اسلام هستیم و مدافع اسلام با جان و مال و عزیزان خودش دفاع می کند و هرگز نخواهد نشست. ما چه پیروز بشویم در عالَم ماده و چه غلبه بکنیم، غلبه با ماست.

پیغمبر اسلام هم در بعضی از جنگها شکست خورد، لکن غلبه با او بود. اولیای اسلام هم

۱- بهای اندک، قیمت ناچیز.

۲- میشل عفلق، پایه گذار حزب بعث در عراق و سوریه.

در بعضی از جنگها دشمنان غلبه بر آنها کردند، لکن غلبه با آنها بود. غلبه با حق است.

باطل زَهُوق است؛ انَّ الباطِلَ کانَ زَهُوقاً. (۱)

ما در این روز به همه مسلمین دعا می کنیم و دست تضرع پیش خدای تبارک وتعالی بلند می کنیم که مسلمین بیداربشوند، حکومتهای اسلامی بیدار بشوند. حکومتهای اسلامی توجه کنند به اینکه مشکلاتشان را رفع کنند، این وابستگی خودشان را به ابرقدرتها بردارند از میان، مستقل بشوند، خودشان باشند، خودشان اداره کنند ممالک خودشان را. ما اینکه می گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می دانیم. همه کشورها باید در محل خودشان باشند. ما می خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرتها فاصله گرفتند و دادند و دست آنها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملتها و در همه دولتها بشود، آرزوی ما این است. معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملتها بیدار بشوند و همه دولتها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودنی که هستند و از اینکه همه مخازن آنها دارد به باد می رود و خودشان به نحو فقر زندگی می کنند نجات بدهد.

خدای تبارک و تعالی این عید را بر همه مسلمین مبارک کند. و این عید و این روز مبارک است بر ملت ایران که در جنگ است و مبارک است بر آنهایی که شهید شدند و مبارک است بر آنهایی که شهید دادند. خدای تبارک و تعالی به ما هم این فرصت را بدهد که در راه او شهید بشویم.

والسلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته

۱- سوره اسراءبنی اسرائیل)، آیه ۸۱: «باطل، خود لایق نابودی است».

ص: ۶۳

سخنرانی

زمان: صبح ۱۶ آبان ۱۳۵۹/ ۲۸ ذی الحجه ۱۴۰۰

مکان: تهران، حسینیه جماران

موضوع: سکوت مسلمین در قبال تجاوزات رژیم بعث عراق علیه ایران

حضار: مسلمانان پاکستان

سکوت مسلمین در قبال تجاوزات رژیم بعث عراق علیه ایران

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

کعبه خانه مردم و محل اجتماع و زیارت مسلمانان

با تشکر از حضور آقایان در اینجا و امیدواری به اینکه خداوند زیارت آقایان را و سایر حجاج محترم را قبول کند، عرض می کنم که شما موفق شدید به زیارت خانه ای که خداوند برای ناس قرار داده است و اول بیتی است که خداوند برای همه مردم قرار داده است و فرموده است که انَّ اوَّلَ بَیتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذی بِبَکَّه. (۱)

این دلیل بر این است که، یکی از ادله این است که خدای تبارک و تعالی همه عالم را دعوت فرموده است به اسلام و این خانه را برای تمام عالم از زمان بعثت تا آخر برای همه قرار داده است.

این خانه ناس است. شخصی یا اشخاصی یا گروهی یا طوایف خاصی اینطور نیست که اولی باشند به خانه خدا از دیگر ناس. همه مردم، آنهایی که در سراسر دنیا هستند، در مشارق ارض و مغارب ارض، مکلف هستند که مسلم بشوند و در این خانه که قرار داده شده است از برای ناس، مجتمع بشوند و زیارت کنند آن بیت مقدس را. عقلا و علمای اسلام از صدر اسلام تاکنون کوشش کردند برای اینکه مسلمین همه با هم مجتمع باشند و همه ید واحد باشند بر غیر مسلمین. در هر جا که مسلمی پیدا بشود باید با سایر مسلمین

۱- سوره آل عمران، آیه ۹۶: «انَّ اوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذی بِبَکَّهَ مُبارَکاً وَ هُدَیً لِلعالَمینَ» اول خانه ای که برای مردم بنا شده، همان خانه مکه است که در آن برکت و هدایت جهانیان است.

تفاهم کننـد و این یک مطلبی است که خدای تبارک و تعالی در قرآن کریم سـفارش کرده است. (۱) و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سفارش فرموده است (۲) و ائمه مسـلمین سـفارش فرموده اند و علمای بیدار اسلام دنبال این امر را گرفته و کوشش کرده اند به اینکه مسلمین را در تحت لوای اسلام به وحدت و یگانگی دعوت کنند.

مبعوث شدن پیامبر اسلام بر تمام بشر

مع الأسف، بعض از عناصر منحرف، از عناصری که به اسلام اعتقاد هم ندارند، با ادعای خالی از حقیقت اسلام کوشش دارند به اینکه اسلام را در عربیت خالص کنند.

گزارشـی کـه در یکی- دو روز پیش از خبرگزاریهـا رسـید بـه مـا، این بـود که صـدام حسـین در مجلس غیرقـانونی خودشـان صحبتهـای متفرقه ای کرده است و اراجیفی بـافته است. از آن جمله اینکه «فارس مسـلم نیست؛ به دلیل اینکه قرآن عربی است. پیغمبر عرب بوده است و اسـلام مـال عرب است»؛ به منطق این آدم منحرف که از اسـلام بی اطلاع است، و از آن جمله اعرابی است که خدای تبارک و تعالی، فرموده است: اشَدُّ کُفراً وَ نِفاقاً وَ اجدَرُ الّا یَعلَمُوا حُدُودَ ما انزَلَ اللَّه (۳)

این، سـزاوارترند اینطور اشـخاص از اینکه حـدود خـدا را و احکام خدا را نشناسـند. به منطق این آدمی که اعتقاد به اسـلام هم ندارد، شـما آقایان که به مکه مشـرف شدید مسلم نبودید و تمام مسلمین دنیا که در شرق و غرب زمین هستند مسلمان نیستند؛ فارس مسـلمان نیست، ترک مسلمان نیست، بلوچ مسلمان نیست، پاکستانی مسلمان نیست، مسلمانان هندوستان مسلمان نیستند، اندونزی ها مسلمان نیستند.

مسـلمانی فقط منحصـر به عرب است! نظیر عفلق، نظیر صـدام و نظیر حزب بعث عراق! این منطق یک آدمی است که از اسـلام بی اطلاع است، از قرآن بی اطلاع است. ضـرورت مسـلمین است که پیغمبر اسـلام آخر نبیین است و مبعوث شده است بر تمام بشر در مشارق

۱- اشاره است به آیه ۱۰۳، سوره آل عمران.

۲- صحیح ترمذی، ج ۳، ص ۳۱۶.

۳- سـوره تـوبه، بخشـی از آیه ۹۷: «اعرابـادیه نشـین) در کفر و نفـاق از دیگران سـخت تر و بـه جهـل و نـادانی احکـام خـدا سزاوارترند».

ارض و مغارب ارض. قرآن کریم حکایت می کند که اسلام مال تمام طوایف هست. هر کس به او رسید باید ایمان بیاورد. و روایات از رسول اکرم این است که اسلام برای همه هست. و این آدم اگر تا حالا هم فرض کنید- به فرض غلط- که مسلم است، برای این کلمه از اسلام بیرون رفته است؛ برای اینکه خلاف ضرورت مسلمین و خلاف قرآن کریم و خلاف رسول اکرم گفته است.

ایجاد اختلاف بین مسلمانان با طرح قومیت

ما سالهای طولانی است که دنبال این هستیم که مسلمین را با هم همقدم و همکلام و مجتمع کنیم؛ برای اینکه تمام گرفتاریهایی که مسلمین دارند و به دست قدرتهای اجنبی؛ آنهایی که می خواهند از بلاد مسلمین بهره گیری کنند، آنهایی که می خواهند ذخایر مسلمین را ببرند، آنهایی که می خواهند دولتهای اسلامی را در زیر یوغ سلطنت خودشان قرار بدهند، اینها کوشش کرده اند خودشان و عمالشان به اینکه تفرقه بین مسلمین ایجاد کنند. این کلام خبیث همان کلامی است که آنها می خواهند که عرب را یک طرف قرار بدهند و همه مسلمین را در طرف دیگر؛ فقط عرب مسْلم است، پاکستانی مسْلم نیست، ایرانی مسلم نیست، عرب، عرب مسلم واقعی است! اینها همه باید- به حسب قولی که او باز در یک کلامش گفته است- اینها باید آقایی عرب را بپذیرند. این برخلاف اسلام است، برخلاف دستورات قرآن است. قرآن کریم میزان را تقوا قرار داده است و فرموده است: انَّ اکرَمَکُم عِندَ اللَّه اتقیکُم (۱)

و صدام میزان را عربیت قرار داده است؛ عربیت، چه عربیتی باشد که مثل عفلق و امثال صدام باشد و چه سایرین، این برخلاف موازین اسلام و برخلاف ضرورت مسلمین است. این همان معنایی است که ابرقدرتها می خواهند که قشرها را از هم جدا کنند، عرب را از غیرعرب جدا کنند، عرب را در یک طرف قرار بدهند و عجم را در یک طرف دیگر. در بین خود عرب هم می خواهند که طوایف مختلف را از هم جدا کنند و در بین عجم هم که سایر مسلمین هستند می خواهند

۱- سوره حجرات، آیه ۱۳: «بزرگوارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست».

که اینها را از هم جـدا کننـد؛ اینها مأمور این هسـتند، محمـدرضا مأمور این معنا بود که اینها را از هم جدا کند. کسانی که این معنـا را می گوینـد و این معنـا را تعقیب می کننـد، اینهـا همان مأمورینی هسـتند که مقاصـد پلیـد اجنبیها را که مسـلمین را می خواهند از هم مفترق کنند اجرا می کنند.

ادعاهای واهی صدام در توجیه تجاوز به ایران

مسلمین باید یدِ واحده بر ماسِوایشان باشند. وَلا تَنازَعُوا فَتَفشَلُوا وَتَذهَبَ ریحُکُم (۱)

قرآن شـریف دسـتور داده است که اگر یک طایفه ای از مسـلمین بر طایفه دیگر بغی کردنـد و تعـدی کردند، بر همه مسـلمین واجب است که بر ضد او قیام کنند؛ فضـلًا، از اینکه غیرمسـلم بَغی کند بر مسلم. (۲) اگر یـک طایفه ای از کفار هجوم بیاورند به مملکت اسـلامی، تکلیف همه مسـلمین است که به او هجوم بیاورند و او را از صـفحه روزگار نابود کنند. چه شده است که مسـلمین در این امری که همه می داننـد، تمام کسانی که اطلاع دارند از منطقه، می دانند که دولت جابر صدام و بعث ناگهان بـدون هیـچ مقـدمه حمله کرده است به ایران از طرف دریـا و از طرف هـوا، از طرف زمین و بـدون اینکه دولت متـوجه بشـود بعضـی از بلاد ایران را غصب کرده است و بعضـی از سرزمینها. آن روزی که مطلع شد ایران، جلویش را گرفت و بحمداللَّه به قدری صدمه بر او وارد کرده است و بر جنود او وارد کرده است که برگرداندن به اصل اول محتاج به سالهای طولانی است. و این هجوم ناجوانمردانه، کشور عراق را به تباهی کشانده و می کشاند و سرمایه هایی که باید صرف

۱- سوره انفال، آیه ۴۶: «و هرگز راه اختلاف و تنازع نپوییـد که در اثر تفرقه ترسو و ضـعیف شده، قدرت وعظمت شـما نابود خواهد شد».

۲- اشاره است به آیه ۹ سوره حجرات: «وَ انْ طائِفَتانِ مِنَ المُؤمِنینَ اقْتَتَلُوا فَاصـلِحُوا بَینَهُما فَان بَغَتْ احدیهُماعَلَی الاخْری فَقاتِلُوا الَّتی تَبغی حَتّی تَفی ءَ الی امرِ اللَّه فَان فـاءَتْ فَاصلِحُوا بَینَهُما بِالعَـدلِ وَاقْسِـطُوا انَّ اللَّه یُحِبُّ المُقسِـطینَ» و اگر دو طایفه از اهل ایمان به قتال و دشـمنی برخیزنـد، شـما مؤمنان در میان آنها صـلح برقرار کنیـد و اگر یک قوم بر دیگری ظلم کرد با آن طایفه ظالم قتال کنیـد تا به فرمان خـدا بازآیـدو ترک سـتم کنـد). پس هرگاه به حکم حق برگشت با حفظ عـدالت میان آنها صـلح دهید و همیشه عدالت کنید که خدا بسیار اهل عدل و داد را دوست می دارد.

بشود در راه ترویج اسلام، اینها را صرف کرده اند در راه جنگ. ما بادی (۱) به جنگ نبودیم و نیستیم، لکن اگر کسی تعدی بکند دهان او را خُرد می کنیم. ابتدا از آنها بوده است و لهذا، در مملکت ما این واقعه واقع شده است. اگر ما بادی بودیم، خوب بود اول ما رفته باشیم یکی از دهات آنجا را گرفته باشیم و آنها آمده باشند و ما را عقب زده باشند.

ادعای اینکه ما مدتهاست- صدام در این نطق خبیثش گفته است که- «ما مدتها با دولت ایران صحبتها کردیم، رفت و آمد کردیم و خواستیم تفاهم کنیم و دولت ایران قبول نکرده است و ما ملزم شدیم که به دولت ایران [حمله نماییم] و آنها- دولت ایران- پاسگاههای ما را در مرز خراب کردند و چقدر از پاسگاههای ما را خراب کرده اند» و از قبیل این اراجیف. دولت ایران قبل از حمله عراق حتی یک وجب در ملک آنها، در مملکت آنها نرفته است و بنا هم نیست که برود و یک پاسگاه از آنها خراب نکرده است، لکن بعد از آنکه آنها حمله کردند و مردم ایران را، مردم عادی ایران را با توپهای دورزن و با موشکهای زمین به زمین خانه ها را خراب کرده اند، زن و بچه های مردم را کشتند و همه شرارتها را کردند، البته دفاع بر هر مسلمی، بر هر انسانی دفاع واجب است. و ما به حسَب امر خدا دفاع کردیم از خودمان و دفاع از اسلام، نه دفاع از کشور خودمان فقط.

اظهار تأسف از سکوت مسلمانان در جنایات صدام

صدام کسی است که تابع «عفلق» ها هست و آنها حزبشان اسلام را منافی می دانند با وضعیت خودشان؛ دشمن اسلام هستند آنها. اینکه می گوید حسین بن علی علیه السلام چه، این همان آدمی است که زوار حسین بن علی را دسته جمعی اعدام کرده است و به حبس کشانده است.

این همان آدمی است که مرقد مطهر حضرت امیر را به امر او به گلوله بستند که گلوله هایی که خراب کرده بود یک جایی از، سوراخ کرده بود، یک جایی از دیوار را به من نشان دادند. اینها همانها هستند که علمای بزرگ اسلام را چه از طایفه سنی و چه از

۱- بادی: آغازگر، شروع کننده.

طایفه شیعه گرفتار کردنـد و حبس کردنـد و شـهید کردنـد. اینها از اسـلام بویی نبردند و حالا دعوی اسـلامیت می کند و می گویـد من مسـلم هسـتم! ایشان از همان اعرابی است که خـدای تبارک و تعالی فرموده است اینها از اسـلام و حدود اسـلام بی اطلاع هسـتند. چه شـده است که مسـلمین توجه ندارنـد به این معنا؟ چرا این مسائلی که در ایران واقع شده است و این مسائلی که به مملکت مـا وارد شـده است و آنطور بچه هـا و کوچکهـا و زنها و مردها را اینها قتل عام کرده انـد، برخلاف موازین بین المللی و برخلاف موازین جنگ به جاهای مسـکونی حمله کردند، چرا مسلمین در این مطلب هیچ توجهی ندارند؟ چرا ساکت هسـتند؟ خـدای تبـارک و تعـالی امرفرموده است که بایـد جنگ کننـد با این. حالا جنگ نمی کننـد لااقل تبلیغ کننـد، ساکت نباشـند. چرا رادیوهای بلاد مسـلمین ساکتنـد در این موضوع؟ چرا مسـلمین ساکتند و توجه ندارند که اگر جمهوری اسـلام در ایران- خـدای نخواسـته- شـکست بخورد اسـلام شـکست خورده است؟ چرا توجه ندارند که ابرقدرتها از اسـلام می ترسـند و مخالفتشان با ایران به واسـطه این است که می ترسـند اسـلام در سایر بلاد رشـد کند و همین معنایی که در ایران شده است در جاهای دیگر بشود؟

مسـلمین را چه شـده است که در این مسائـل که مربوط به اسـلام است و مربوط به حیـثیت مسـلمین است سـاکت نشسـته انـد، تماشاچی شـده انـد؟ ما احتیاج به کمکهای جنـدی و کمکهای ارتشـی نداریم و ما خودمان حساب اینها را پاک خواهیم کرد، لکن تأسف دارد که مسلمین بی توجه هستند به این مسائل اسلامی، بی توجه هستند به قرآن کریم.

عمل نمی کننـد به صـریح قرآن کریم که فرموده است که «اگر یک طایفه ای ولو مسـلم باشد اگر حمله کرد بر طایفه دیگر از مسـلمین، بر مسـلمین لازم است که از آن طـایفه مظلوم دفاع کننـد. (۱) «چرا خبرگزاریهـای خودشـان را نمی فرسـتند و ببینند مسـائلی که در ایران واقع شـده است، مصـائبی که در ایران واقع شـده است؟ و چرا اگر خبرگزاریهایی باشـد و اطلاع بدهـد به آنها، در رادیوهای آنها منعکس نمی شود؟ این سـکوت مرگبار چیست که در مسـلمین است؟ شـما گمان می کنیـد که مطرح عراق و ایران است و صدام است و مملکت ایران؟

۱- اشاره به آیه ۹ سوره حجرات.

قضیه این نیست، مطرح اسلام است، نه مطرح یک کشور. مطرح تمام کشورهای اسلامی است، مطرح مستضعفین جهانند.

احساس خطر قدرتها از اتحاد مسلمانان

آن چیزی که آنها می خواهند این است که مسلمین متفرق باشند و آنها حکومت کنند به این مسلمین، آنها تمام جوانهای ما را به تباهی بکشند، دانشگاههای ما را دانشگاههای استعماری قرار بدهند، اقتصاد ما را وابسته کنند، ارتش ما را وابسته کنند.

آنها به ایران فقط نظر ندارند، آنها به همه بلاد مسلمین، به همه بلادی که تحت سلطه اسلام باید باشد آنها نظر دارند، لکن می بینند که اگر یک میلیارد مسلم با هم مجتمع بشود و آن معنایی که در ۳۵ میلیون جمعیت ایران تحقق پیدا کرد و ضربه زد به آنها، آنچنان ضربه ای که تا آخر سرخودشان را نمی توانند بلند بکنند، اگر، یک میلیارد جمعیت مسلمین اینطور بشوند چه خواهد شد! آنها برای جلوگیری از این معناست که این جنگها را بپا می کنند. چرا باید دولتهای اسلامی اینطور از هم منفصل باشند و جدا باشند؟ چرا باید دولتهای اسلامی توجه به مسائل اجتماعی و سیاسی اسلام نداشته باشند؟ چرا باید ممالک اسلامی توجه نداشته باشند که نقطه نظر آنها اسلام است نه ایران، ملتها همه توجه دارند، چرا دولتها توجه ندارند؟ تا کی باید ما و دولتهای ما تحت سلطه اجانب باشیم؟ تا کی باید مستشاران امریکا و شوروی به ما حکومت کنند؟ تا کی باید یک گروهبان شوروی، یک گروهبان انگلیسی، یک گروهبان امریکایی بیاید و به ارتش ما حکومت کند؟ ما آنها را بیرون کردیم، شما هم بیرون کنید، سایر ممالک اسلامی هم بیرون کنند. ما آنهایی که تشتت ایجاد می کنند در ایران به جای خودشان نشانده ایم و می نشانیم. سایر ممالک اسلامی هم مکلفند به اینکه آنهایی که برخلاف اسلام، برخلاف دستور قرآن، برخلاف دستورات نبی اسلام ایجاد تشتت می کنند، آنها را بگیرند و بیرون کنند و از بین ببرند. چرا نشسته ایم ما؟ چرا مسلمین نشسته اند؟ چرا نهضت نمی کنند؟ چرا قیام نمی کنند مسلمین بر ضد مستکبرین؟ چرا مستضعفین جهان قیام نمی کنند بر ضد مستکبرین؟

سیاههای امریکا ما را تأیید کردند، لکن دولتهای اسلامی اکثراً تأیید نکردند. ملتها در هر

جا بودند ما را تأیید کردند. مسلمین ملتهایشان در هر جا بود ما را تأیید کردند و این دولت غاصب بعث را، بعث عراق را محکوم کردند، لکن دولتها این کار را نکردند. چه شده است دولتها را؟ چرا باید تا آخر اینها تحت فشار ظلم ابرقدرتها تسلیم بشوند؟ چرا باید افغانستان را آنطور کنند و مسلمین نشسته باشند؟ چرا باید ایران را اینطور کنند و مسلمین ساکت باشند؟ نشسته اند که یکی یکی اینها را از بین ببرند، نوبت بعدی بشود؟

اعلام خطر برای اسلام و مسلمین

این خطری است برای مسلمین. من اعلام خطر می کنم برای مسلمین و برای اسلام با این وضعی که دولتها دارند. آنها کنار نشسته اند و شماها را به هم می ریزند. دولتها را با هم به جنگ وامی دارند و استفاده را خودشان می کنند. چرا مطالعه نمی کنید در امر اسلام و در امر سرنوشتهای مسلمین؟ تا کی ما باید زیر سلطه اجانب باشیم و تا کی ممالک ما باید در تحت تاخت و تاز آنها باشد؟ چرا از خواب بیدار نمی شوند مسلمانها؟ مشکل مهم، دولتهای اسلامی هستند. باید دولتها بیدار بشوند. اگر دولتها بیدار بشوند مشکلات مسلمین رفع می شود، با هم تفاهم می کنند، لکن دستهایی در کار است که نمی گذارد؛ مأمورینی آنها دارند که نمی گذارند این کار بشود. من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که همه مسلمین را بیدار کند و همه را در تحت لوای اسلام قرار بدهد. و همه را با هم مجتمع کند و مسائل اسلامی را درست مطالعه کنند و مسائل اسلامی را بین خودشان حل کنند.

والسلام علیکم و رحمه اللّه

حکم

زمان: ۱۸ خرداد ۱۳۶۰/ ۵ شعبان ۱۴۰۱

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب نمایندگان در امور حج

مخاطب: ایروانی، سید عبدالمجید- هاشمی گلپایگانی، سید علی- توسلی، محمدرضا- جلالی، حیدرعلی- طاهری خرم آبادی، سید حسن

انتصاب نمایندگان در امور حج

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

حضرات آقایان حجج اسلام: آقای حاج سید عبدالمجید ایروانی، و آقای حاج سید علی هاشمی گلپایگانی، و آقای حاج شیخ محمدرضا توسلی، و آقای حاج شیخ حیدرعلی جلالی، و آقای حاج سیدحسن طاهری خرم آبادی- دامت افاضاتهم

از آنجا که حج و انجام این فریضه بزرگ الهی از مسائل مهم اسلامی و اجتماعات بزرگ سیاسی- مذهبی جامعه مسلمانان می باشد و باید در انجام هر چه با شکوهتر و بهره برداری هر چه بیشتر از این اجتماع عظیم دینی سعی کافی مبذول شود، بدین وسیله حضرات آقایان محترم را برای رسیدگی به کار حجاج و زائران بیت اللَّه الحرام در این سال تعیین و منصوب می نمایم، تا با همفکری و مشورت یکدیگر در رفع نیازمندیهای آنان بکوشند و از راهنماییهای لازم در موسم حج دریغ ننمایند؛ و آنان را به حساسیت زمان و موقعیت خطیر کنونی متوجه سازند؛ و این حقیقت را به همگان گوشزد کنند که دشمنان اسلام با تمام قوا سعی در ایجاد تفرقه و اختلاف میان جوامع اسلامی دارند و به هر نام و هر وسیله که شده می کوشند تا با درگیری میان مسلمانان زمینه را برای تسلط کامل و مجدد خود بر همه کشورهای اسلامی و چپاول و غارتگری خود مساعد سازند.

و به همین جهت، لازم است از هرگونه عمل تفرقه انگیز خودداری کنند، که این

یک وظیفه شرعی و الهی است. ضمناً متصدیان ادارات گوناگونی که به هر مناسبت کارشان با حج ارتباط پیدا می کند موظفند برای هماهنگی در کارهای خود با صلاحدید و تصویب آقایان محترم کارها را انجام دهند. از خدای تعالی موفقیت همگان را مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمهاللّه و برکاته.

به تاریخ پنجم شعبان المعظم ۱۴۰۱

روح اللّه الموسوی الخمینی

پیام

زمان: ۱۵ شهریور ۱۳۶۰/ ۷ ذی القعده ۱۴۰۱

مکان: تهران، جماران

موضوع: تبیین فلسفه و اسرار حج

مناسبت: فرا رسیدن ایام حج

مخاطب: مسلمین جهان و زائرین بیت اللَّه الحرام

تبیین فلسفه و اسرار حج

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

جَعَلَ اللَّه الْکَعْبَةَ الْبَیتَ الْحَرامَ قِیاماً لِلنَّاسِ (۱)

- قرآن کریم.

درود بر حجاج بیت اللَّه الحرام. سلام بر عموم مسلمانان جهان و سلام بر مسلمانان متعهدی که از جهان اسلام به سوی حق شتافته و در جوار خانه خدا وفود (۲) نموده اند.

فریضه حج در بین فرایض الهی از ویژگیهای خاصی برخورداراست و شاید جنبه های سیاسی و اجتماعی آن بر جنبه های دیگرش غلبه داشته باشد، با آنکه جنبه عبادی اش نیز ویژگی خاصی دارد.

مسلمانان متعهد که در این مجمع عمومی و سازمان الهی با لغو امتیازات متحدالشکل و بدون توجه به رنگ و زبان و کشور و منطقه، هر سال یک بار در مواقف شریفه مجتمع می شوند و با ساده ترین و بی آلایش ترین جهات مادی با توجه به معنویت و وفود علی اللَّه گردهم می آیند و به وظایف و آداب اسلامی عمل می کنند، باید از جهات سیاسی و اجتماعی آن غافل نباشند. علمای اعلام و خطبای معظم، مسلمانان را به جهات

۱- بخشی از آیه ۹۷ سوره مائده: «خداوند خانه کعبه را خانه احرام قرار دادو حرمت آن را واجب کرد) برای نگهبانی و ایستادگی مردم».

۲- جمع وافد: هیأت نمایندگی و اعزامی.

سیاسی و وظایف بسیار خطیرشان آگاه سازند. وظایف خطیری که اگر مسلمانان جهان به گوشه ای از آن توجه کرده و عمل کنند، عزتی که خداوند برای مؤمنین قرار داده است باز یابند و به مفاخر اسلامی- الهی که حق مسلمین است برسند و در پناه اسلام عزیز و زیر بیرق توحید و پرچم لااله الاالله از استقلال و آزادی حقیقی برخوردار شوند و دست مستکبران و عمال آنان را از کشورهای اسلامی قطع کنند و مجد و عظمت اسلامی را بازگردانند.

خداوند تعالی در آیه شریفه ای که در صدر ذکر شد، سرّ و انگیزه حج و غایت قرارداد کعبه و بیت الحرام را، نهضت و قیام مسلمانان برای مصالح ناس و توده های مستضعف جهان ذکر می فرماید. باید در این اجتماع عظیم الهی که هیچ قدرتی جز قدرت لایزال خداوند نمی تواند آن را فراهم کند، مسلمانان به بررسی مشکلات عمومی مسلمین پرداخته و درراه رفع آنها با مشورت همگانی کوشش کنند. یکی از بزرگترین و اساسیترین مشکلات، عدم اتحاد بین مسلمین است که بعضی از به اصطلاح سران کشورهای اسلامی منشأ آن می باشند که مع الأسف برای رفع آن تاکنون اقدام چشمگیری نشده است، بلکه جنایتکاران سودجو که از اختلاف ملتها و دولتها به سود خودشان بهره برداری می کنند، با دست عمال از خدا بیخبر خود به اختلافات دامن می زنند، و هرگاه که شالوده وحدت بین مسلمانان ریخته می شود، با تمام نیرو به مخالفت برمی خیزند و بذر خلاف می افشانند.

امروز تمام دولتها و بسیاری از ملتهای مسلمان می دانند که ملت ایران پس از صدها سال گرفتاری به دست شاهان ستم پیشه و ستمکاران حرفه ای که اسلام عزیز را وسیله غارتگری و چپاول برای خود و قدرتهای بزرگ و اخیراً امریکای جنایتکار قرار داده بودند و قرآن کریم و اسلام بزرگ را در معرض خطر می دیدند، بپاخاستند و با انقلاب کبیر خود، دولت اسلام را جایگزین رژیم غیراسلامی و غیرقانونی شاهنشاهی نمودند و دست ابرقدرتها و خصوصاً امریکای جهانخوار را از سلطه بر اموال و انفس خود قطع نمودند، و امید آن است که دیگر برادران مسلمان گرفتار در چنگال خونخواران و ستمکاران، از این انقلاب اسلامی بهره برداری کنند و دولتهای اسلامی با

پشتیبانی ملتهای خود به انقلاب بزرگ ایران بپیوندند.

امروز دست جنایتکار امریکا و دیگر قدرتهای چپاولگر از آستین بعضی عمال سر سپرده و از خدا بیخبرشان بیرون آمده و از داخل و خارج با اسلحه و قلمهای بدتر و جنایت بارتر از سلاحهای گرم به این ملت مظلوم حمله ور شده و در صدد شکست انقلاب اسلامی و شکست اسلام عزیز بر آمده اند و از هیچ تهمت و افترا به ملتی که جز به احکام اسلام و قرآن کریم فکر نمی کنند، خودداری نمی کنند، و با بهانه های بسیار موهوم، به سرکوبی این انقلاب اسلامی بپا خاسته اند. آنان که از اسلحه گرم برخوردارند همچون صدام، با اسلحه و آنان که سلاح گرم ندارند، با قلمهای زهرآگین- که از سلاح گرم جنایت بارتر است- ملت مظلوم ما را زیر ضربات خود قرار داده اند.

طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی از جنایاتی است که به دست قدرتمندان که از اختلاف بین مسلمانان سود می برند و عمال از خدا بیخبر آنان از آن جمله وعاظ السلاطین (۱) که از سلاطین جور، سیاهروی ترند، ریخته شده و هر روز بر آن دامن می زننـد و گریبان چاک می کننـد و در هر مقطع به امیـد آنکه اساس وحـدت بین مسلمین را از پایه ویران نماینـد، طرحی برای ایجاد اختلاف عرضه می دارند. و اخیراً در بوقهای تبلیغاتی تهمت مفتضحانه رابطه ایران با اسرائیل و خریداری اسلحه را پیش کشیده اند به امید آنکه اعراب را از ایران جدا کنند و بین مسلمانان دشمنی ایجاد نموده راه را برای ابرقدرتها باز و سلطه آنان را هر چه بیشتر افزایش دهند، لیکن چه شخص مطلعی است که نداند ایران دشمن سرسخت اسرائیل بوده و هست، و نداند که یکی از موارد اختلاف ما با شاه مخلوع، روابط دوستانه او با اسرائیل بود. و چه کسی است که ندانـد ما بیشتر از بیست سال است که در خطابه ها و اعلامیه ها اسرائیل را همردیف امریکا در ستمگری و دنباله او در تجاوز و غارتگری محکوم کردیم. و کیست که نداند در طول انقلاب اسلامی و در شور تظاهرات میلیونی، ملت مسلمان ایران، اسرائیل را در ردیف امریکا دشمن خود خواند و نفت را بر روی آنان بست و خشم و نفرت خود را نثار هر دو کرد. تعجب که این نغمه

۱- واعظان و آخوندهای درباری.

مشئوم (۱) از گلوی امریکا مادر نامشروع اسرائیل و صدام برادر کوچک بگین سرداده شد و بوقهای تبلیغاتی آنان، خصوصاً امریکا به طور وسیعی در پخش آن کوشیدند، چه! که آن ضربه که این دو از اسلام واقعی خورده اند، دیگران نخورده اند، و آن نگرانی که آنان از وحدت برادران مسلمان عرب با ایران دارند، دیگران ندارند. امریکا نگران منافع خود در منطقه است و صدام نگران سقوط و ننگ ابدی برای خویش است. باید مسلمانان و خصوصاً برادران عرب ما بدانند که مسئله، اسرائیل و ایران نیست، مسئله اصلی برای جهانخواران شرق و غرب، اسلام است که می تواند مسلمانان جهان را تحت پرچم پرافتخار توحید مجتمع و دست جنایتکاران را از کشورهای اسلامی و از سلطه برمستضعفان جهان کوتاه و مکتب ارزشمند و مترقی الهی را بر جهان عرضه نماید. جهان عرب باید بداند امروز ضربه ای که صدام و سادات به آنها زده اند چنان وحشتناک است که تنها با اتحادشان می توانند جبران نمایند. امروز سادات با دستگیری وسیع برادران مسلمانمان در مصر خدمت خود را به اسرائیل به اتمام رسانده است. اتحاد او با امریکا و اسرائیل آبروی ملت عرب را ریخته است. اتحاد با اسرائیلی که این روزها علاوه بر جنایاتش در منطقه، دست به جنایت بزرگ دیگری زده است و آن حفاری در مسجد اقصی قبله اول مسلمین است که با سست شدن پایه های این مسجد خدای ناکرده قبله اول مسلمین خراب خواهد شد و اسرائیل به آرزوی پست خود خواهد رسید.

هان ای مسلمانان جهان، و مستضعفان تحت سلطه ستمگران، بپاخیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید که این قرن به خواست خداوند قادر، قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است. جهان باید بداند که ایران راه خود را پیدا کرده است و تا قطع منافع امریکای جهانخوار، این دشمن کینه توز مستضعفین جهان، با آن مبارزه ای آشتی ناپذیر دارد، و حوادث ایران نه تنها ما را برای لحظه ای عقب نخواهد نشاند، که ملت ما را در نابودی منافع آن مصمم تر خواهد کرد. ما مبارزه سخت و بی امان خود را علیه امریکا شروع

۱- نامبارک و شوم.

کرده ایم و امیدواریم فرزندانمان با آزادی از زیر یوغ ستمکاران، پرچم توحید را در جهان بیفرازند ما یقین داریم اگر دقیقاً به وظیفه مان که مبارزه با امریکای جنایتکار است ادامه دهیم، فرزندانمان شهد پیروزی را خواهند چشید.

آیا برای مسلمانان جهان ننگ نیست که با اینهمه سرمایه های انسانی و مادی و معنوی، با داشتن چنین مکتب مترقی و پشتوانه الهی تن به سلطه قدرتمنـدان مستکبر و دزدان دریـایی و زمینی قرن بدهنـد؟ آیا وقت آن نرسیده است که هواهای نفسانیه را کنار گذاشته و با یکدیگر دست مودت و اخوت داده و دشمنان بشریت را از صحنه خارج و به حیات ننگین ستمبارشان خاتمه دهنـد؟ آیا وقت آن نرسیده است که ملت مبارز و غیور فلسطین، بازیهای سیاسی مدعیان مبارزه با اسرائیل را شدیداً محکوم نموده و با سلاح گرم، سینه اسرائیل دشمن سرسخت اسلام و مسلمین را بشکافند؟ آیا مسلمانان چه جوابی در مقابل خداوند عظیم که آنـان را دعوت به اعتصام بحبل اللّه (۱) نموده و از تفرقه و نزاع نهی فرموده است دارنـد؟ آیا تکلیف خود نمی دانند که از ملت و دولت ایران که با جهاد مقدس پرچم کفر را سرنگون و پرچم پرعظمت اسلام را برافراشته است پشتیبانی کنند؟

آیا وعاظ السلاطین سرکوبی انقلاب اسلامی ایران را از مخالفت با امریکا و اسرائیل لازمتر می شمارند؟ ما از برادران اسلامی خود در مشارق و مغارب ارض می خواهیم که با جمهوری اسلامی ایران هم صـدا و هم جهت شـده و با یاری خداونـد متعال شرّ جنایتکاران را دفع و بساط چپاولگری را از کشورهای اسلامی و بلاد مستضعفین برچیننـد و به ندای خداوند متعال در این امر حیاتی پاسخ مثبت دهند. و از حجاج بیت اللّه الحرام تقاضا داریم که برای پیروزی اسلام در مواقف شریفه دعا کنند و پیام ملت ایران و نـدای یاللمسلمین این ملت مظلوم را به کشورهای خود برسانند. و از خداوند متعال عاجزانه می خواهیم که توفیق وحدت کلمه و آشنایی به وظایف اسلامی را به همگان عنایت فرماید. والسلام علی عباداللّه الصالحین و رحمهاللّه و برکاته.

روح اللّه الموسوی الخمینی

۱- اشـاره اسـت به آیه ۱۰۳ سوره آل عمران: «واعتصـموا بحبـل اللّه جمیعـاً و لا ـتفرقوا» همگی به ریسـمان الهی چنگ بزنیـد و متفرق نشوید.

پیام

زمان: ۱۷ مهر ۱۳۶۰/ ۱۰ ذی الحجه ۱۴۰۱

مکان: تهران، جماران

موضوع: لزوم بسیج مسلمین جهان برای اعلای کلمه اسلام

مناسبت: عید سعید قربان

مخاطب: ملت ایران، مسلمانان جهان

لزوم بسیج مسلمین جهان برای اعلای کلمه اسلام

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

حلول عید سعید قربان را که از اعیاد بزرگ اسلام و میعادگاه پیامبران عظیم الشأن، از حضرت ابراهیم تا حضرت محمد صلی الله علیه و آله بنیانگذاران توحید و عدالت و رهبران صراط مستقیم عبودیت است به ملت ایران و مسلمانان جهان تبریک عرض می کنم، و از خداوند متعال می خواهم که مسلمانان جهان را برای بپاداشتن سنت انبیای عظام بیدار فرماید و در راه حصول هدف انبیا که فرزندان و عزیزان خود را فدای آن می نمودند بسیج نماید تا با همت همگان پرچم توحید در فضای سراسر جهان به اهتزاز درآید، و دست قدرتهای چپاولگر از بلاد مسلمین و مستضعفین کوتاه گردد.

در این سال، این عید برای مسلمانان از آن جهت مبارکتر است که در آستانه آن فرعون مصر (۱) رهسپار کوی فرعونیان گردید، و برای ایران به علاوه از آن جهت که قوای شیطانی صدام رو به زوال و شیاطین پیوسته امریکا رو به اضمحلال است.

۱- اشاره به هلاکت انور ساداترئیس جمهور مصر) توسط خالد اسلامبولی و همرزمان مسلمان مصری او.

اینجانب به همه مسلمانان و ملت عزیز ایران از پیروزی های پی در پی تبریک [عرض می کنم] و سعادت و سلامت همگان را خواستارم. و امید است با انتصاب آقای رئیس جمهور (۱) و همت همه ارگانها مشکلات ایران رفع گردد.

والسلام علی عباد اللّه الصالحین

روح اللّه الموسوی الخمینی

۱- در روز صدور پیام فوق، ۱۷/ ۷/ ۱۳۶۰، مراسم تنفیذ حکم سومین رئیس جمهور اسلامی ایران، آقای سید علی خامنه ای که پس از شهادت آقای محمد علی رجایی، در انتخابات ۱۰ مهر ۱۳۶۰ از سوی مردم ایران انتخاب شده بود، در حضور امام خمینی برگزار گردید.

پیام

زمان: ۱۸ مهر ۱۳۶۰/ ۱۱ ذی الحجه ۱۴۰۱

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ نامه- انتقاد از عملکرد مأموران دولت سعودی

مخاطب: خالد بن عبد العزیزپادشاه عربستان سعودی)

پاسخ نامه- انتقاد از عملکرد مأموران دولت سعودی

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

حضرت ملک خالد بن عبد العزیز، پادشاه عربستان سعودی

مرقوم شما واصل گردید. آنچه که سفارت جمهوری اسلامی گفته است صحیح است. اینجانب تمام گرفتاریها و بدبختی های مسلمین و دولت های کشورهای اسلامی را در اختلاف و نفاق بین آنان می دانم. چرا باید دولت های اسلامی با داشتن قریب یک میلیارد جمعیت و در دست داشتن ذخیره های زیر زمینی، خصوصاً موجهای نفت که رگ حیات ابر قدرتهاست، و برخورداری از تعلیمات حیات بخش قرآن کریم و دستورات عبادی سیاسی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که مسلمانان را به اعتصام به «حبل اللَّه» دعوت و از تفرقه و اختلاف تحذیر می فرماید، (۱) وبا داشتن مَلاذ (۲) و ملجأیی چون حرمین شریفین، که در عهد رسول اللَّه صلی الله علیه و آله مرکز عبادت و سیاست اسلامی بوده و پس از رحلت آن بزرگوار مدتها نیز چنین بوده است و طرح فتوحات و سیاسات از آن دو مرکز بزرگ سیاسی عبادی ریخته می شده است، اکنون به واسطه کج فهمیها و غرض ورزیها و تبلیغات وسیع ابرقدرتها کار را به آنجا بکشانند که دخالت در امور سیاسی و اجتماعی، که مورد احتیاج

۱- اشاره است به آیه ۱۰۳ سوره آل عمران: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّه جَمیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا» همگی به ریسمان خداچنگ بزنید و از تفرقه و پراکندگی بپرهیزید.

۲- پناهگاه، محل امن.

مبرم و از اهمّ امور مسلمین است، در حرمین شریفین جرم شناخته شود و پلیس سعودی در داخل مسجدالحرام و در جایی که به حکم خدا و به نصّ قرآن مجید برای همه کس حتی منحرفین محل امن است با چکمه و سلاح به مسلمانان حمله کرده و آنان را مضروب و دستگیر نمایند و به زندان بفرستند. جرم این مسلمانان شعار بر ضد امریکا و اسرائیل، این دشمنان خدا و رسول بوده است.

من نمی دانم مسائل و جریاناتی که در کشور شما و حرمین شریفین می گذرد به طور صحیح به شما گزارش می دهند، یا همچون شعارهای ایرانیان، که در همه جا شعار آنان مشهور است، برای شما تحریف شده و برخلاف واقع گزارش داده اند. و نمی دانم ائمه جماعات حرمین شریفین از اسلام چه برداشت کرده اند و از حج بیت اللّٰه الحرام، که سرتاسر آن مشحون به سیاست، و سرّ جعل آن قیام انسانها به قسط (۱) و رفع ستمگریها و چپاولگریهاست، که سیاست کلی انبیای عظام و خصوص حضرت رسول خاتم صلی الله علیه و آله است چه فهمیده اند که زائرین حرمین شریفین را به اسم اسلام از دخالت در سیاست و حتی از شعار علیه اسرائیل و امریکا منع و مسلمانان را، به دلخواه امریکا و اسرائیل و سایر دشمنان اسلام و بر خلاف سیره پیامبر عظیم الشأن اسلام صلی الله علیه و آله و مسلمانان صدر اسلام، از دخالت در سیاست منع می کنند و عمداً یا از روی جهالت و غفلت مقدمات سلطه اجانب را بر ممالک اسلامی حتی حرمین شریفین، مهبط (۲) وحی و مهبط ملائکه اللّٰه فراهم می نمایند.

اگر دولت حجاز از این فریضه عبادی- سیاسی، که هر سال در مواقف کریمه حرمین شریفین با حضور میلیونی مسلمانان تشکیل می شود، استفاده سیاسی اسلامی می نمود، احتیاج به امریکا و هواپیماهای آواکس (۳) آن، و سایر ابرقدرتها نداشت و مشکلات

۱- برگرفته از آیه ۹۷ سوره مائده: «جَعَلَ اللَّه الکَعْبَهَ البَیْتَ الحَرامَ قِیاماً لِلنّاسِ».

۲- محل فرود.

۳- هواپیماهای مجهّز به سیستمهای راداری پیشرفته برای شناسایی تحرکات زمینی و هوایی. امریکا درجریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، پس از چندین سال هیاهوی تبلیغاتی، زمانی چند فروند از این هواپیماها را به دولت سعودی با قیمتهای گزاف فروخت که قبلًا تضمین کافی از آن دولت گرفته بود مبنی بر اینکه استفاده از آنها با نظارت امریکا خواهد بود و هیچ گاه این هواپیماها علیه اسرائیل مورد بهره برداری قرار نخواهد گرفت.

مسلمانان حل می شد. می دانیم که امریکا این هواپیماها را از آن جهت در اختیار عربستان قرار داده است تا به نفع خود و اسرائیل از آنها استفاده نماید. چنانکه دیدیم که آواکسهای امریکایی برای تفرقه بین ایران و سایر مسلمانان عرب گزارشی سرتاسر دروغ داد مبنی بر بمباران مراکز نفتی کویت توسط ایران. مع الأسف این سهل انگاری در عموم دولتهای کشورهای اسلامی شیوع دارد، تا آنجا که مسلمانان و خصوص دولتمردان آنان را دست خیانتکار و جنایتکار ابرقدرتها از دخالت در سیاست و اهتمام به امر مسلمین برکنار زده است؛ و تا جایی که در مرکز سیاست اسلام، مسلمین به حکم وعّاظ السلاطین با دخالت در سیاست، بلکه با شعار علیه دشمنان خونخوار قرآن کریم و اسلام عزیز، مجرم شناخته می شوند و به حبس و شکنجه کشیده می گردند.

آیا شما از این فجایع که در حرمین شریفین، در مأمن الهی و در جوار قبر رسول اللَّه- صلوات اللَّه علیه- به بار می آید مطلع هستید؟ یا مسائل به صورتی غلط و انحرافی برای شما ترسیم می گردد، چنانکه از گزارش شعار ایرانیان معلوم می شود. ما در ایران بپاخاستیم که به امید خداوند قادر متعال مسلمانان جهان را در زیر پرچم توحید و متعهد به احکام مترقی اسلام جمع، و دست ابرقدرتها را از ممالک اسلامی کوتاه، و مجد مسلمین صدر اسلام را بازگردانیم، و سلطه ظالمانه کفار را از بلاد مسلمانان به هم پیچیده و آزادی و استقلال را به مسلمین بازگردانیم. و امید آن است که دولتهای اسلامی و خصوص دولت عربستان سعودی، که در مرکز سیاست اسلامی واقع است، با ما هم صدا و همفکر شوند؛ و هر یک در کشورهای خود شیرینی حمایت بی دریغ ملتها را بچشند، و همچون دولت مردمی ایران از این نعمت بزرگ الهی بهره مند شوند؛ و به حکم قرآن مجید با ملتها و دولتهای اسلامی به رحمت و اخوت، و با کفار و غارتگران بین المللی به شدت و قدرت عمل کنند. (۱) اخیراً به این نکته تأکید می کنم که از مکتوب شما ظاهر می شود که گزارشهای دروغ

۱- اشاره است به آیه ۲۹ سوره فتح: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّه وَ الذّینَ مَعَهُ اشِدَّاءُ عَلَی الکُفَّارِ رُحَماءُ بَیْنَهُمْ» محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران بسیار قوی دل و سخت و بایکدیگر بسیار مشفق و مهربانند.

و انحرافی به شما داده می شود [(۱)]. چنانکه نوشته اید شعارهای زائرین ایرانی موجب نارضایتی و تنفر زائرین بیت اللّه شده است. بهتر بود شما اشخاص امینی را مأمور گزارشها نمایید تا معلوم شود شعار ضد اسرائیل و امریکا موجب تنفر و نارضایتی زائرین نشده، بلکه برخورد مأمورین دولت سعودی و ضرب و هتک و به حبس کشیدن مهمانان خدای متعال، به جرم شعار علیه اسرائیل و امریکا، موجب تنفر و نارضایتی مسلمانان جهان و خصوص زائران بیت اللّه الحرام و حرم معظّم رسول اللّه صلی الله علیه و آله شده است.

از خداوند متعال خواستارم که مسلمانان را از خواب غفلت بیدار، و عظمت اسلام را روز افزون فرماید؛ و مسلمانان و خصوص دولتمردان را به آنچه صلاح اسلام و مسلمین است هدایت فرماید. والسلام علیکم و علی جمیع المسلمین.

روح اللّه الموسوی الخمینی

۱- متن پیام پادشاه عربستان به امام خمینی، در روزنامه های ۱۹ مهر ۱۳۶۰ منتشر گردید. ر. ك: روزنامه جمهوری اسلامی، ش ۶۸۲، سال سوم.

حکم

زمان: ۱۴ مرداد ۱۳۶۱/ ۱۵ شوال ۱۴۰۲

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب نماینده در امور حج و سرپرست حجاج بیت اللَّه الحرام

مخاطب: خوئینی ها، سید محمد

انتصاب نماینده در امور حج و سرپرست حجاج بیت اللَّه الحرام

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام آقای سید محمد خوئینی ها- دامت افاضاته

با فرا رسیدن ایام حج، این فریضه بزرگ عبادی سیاسی و اجتماعی، که در بین عبادات بزرگ از ویژگیهای خاص برخوردار است و خداوند تبارک و تعالی مسلمانان جهان را با شرایط خاص دعوت نموده است تا در ضمن به جا آوردن این فریضه بزرگ از اموری که در بلاد مسلمین از جهات اجتماعی و سیاسی می گذرد مطلع شده و اگر گرفتاریهایی دارند با یکدیگر در میان گذاشته و حتی الامکان در رفع آن کوشا باشند، و مع الأسف بسیاری از مسلمانان به واسطه کج رویها و یا کج فهمیهای بعضی عناصر و یا دسیسه های بعض از دست اندرکاران سودجو بعد سیاسی این عبادت شریف را به طاق نسیان سپرده اند، جنابعالی را به سمت نماینده خویش و سرپرست حجاج محترم ایران منصوب نمودم، که با بینش خاص سیاسی که دارید به امور حجاج از ابعاد مختلفه رسیدگی نموده و برای احیای این سنت بزرگ الهی در خطابه ها و مراسم دینی مسلمین را به وحدت کلمه و اتحاد مسیر دعوت نموده، و آنان را از آنچه در لبنان عزیز و ایران مجاهد و افغانستان مظلوم از ستمکاران و جهانخواران می گذرد مطلع نمایید، و حجاج محترم بلاد را به وظایف بزرگ خود در مقابله با چپاولگران بین المللی و تجاوزکاران

آشنا نمایید. البته علمای محترمی که در این سفر هستند، چه آنان که با تقاضای اینجانب مشرف شده اند و چه دیگران، جنابعالی را تأیید می فرمایند. و حجاج محترم موظفند که به راهنماییهای شما گوش فرا دهند و از خطوطی که برای آنان ترسیم می نمایید اطاعت نموده و تجاوز ننمایند، تا ان شاءاللّه تعالی این فریضه عظیم با محتوا و ابعاد متعددش به جا آورده شود.

بدیهی است که متصدیان امور که به هر مناسبت کارشان با این فریضه و با حجاج محترم مرتبط است برای هماهنگ نمودن کارها موظفند با شما همکاری و از ارشاداتتان استفاده نمایند. امید است حجاج محترم کشورهای اسلامی در وحدت کلمه کوشا، و از اخوت ایمانی، که خداوند تعالی بین مسلمین امر فرموده است، غفلت ننمایند؛ و از تفرقه افکنی، که کار شیطان و شیاطین انسی است، احتراز نمایند. والسلام علی عباداللّه الصالحین.

روح اللّه الموسوی الخمینی

سخنرانی

زمان: صبح ۳۱ مرداد ۱۳۶۱/ ۲ ذی القعده ۱۴۰۲

مکان: تهران، حسینیه جماران

موضوع: اهمیت قضاوت- بیان وظیفه حجاج و وظیفه روحانیون کاروانها- جنایات امریکا و صدام در منطقه

حضار: موسوی خوئینی ها، سید محمدنماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی)، روحانیون کاروانهای حج سراسر کشور، پرسنل دادستانی و دادسرا و دادگاههای انقلاب ودادستانی ارتش

اهمیت قضاوت- بیان وظیفه حجاج و ...

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

لزوم پاسخگویی روحانیت به توقع مردم

امروز سروکار ما با آقایان روحانیین است بیشتر و کسانی که آنها هم صبغه (۱) روحانی، ان شاء اللَّه دارند. و در محضر روحانیون مشکل است که انسان بتواند همه حرفهارا عرض کند. مسائل بسیار زیاد است، مربوط به آقایان روحانیون- به طور عموم- و مسائلی مربوط به روحانیونی که با کاروانهای حج مشرف می شوند- که مخصوص آنهاست- و مسائلی که مربوط به قضات و دادستانهای کشور است و مسائل دیگری که معلوم نیست که ما مجال کنیم دیگر عرض کنیم، مگر مختصری.

آنکه مربوط به قشر روحانیون است، خود آقایان بهتر می دانند که روحانیون در هر جا که هستند، آن روحانی که در رأس روحانیت- مثلًا- واقع است مثل مراجع، تا آن روحانی که در یک روستا، در یک ده، مشغول خدمت به اسلام است. امروز توقع ملت، بلکه توقع مستضعفان و ملتهای جهان از شما آقایان روحانیون، در هر جا هستید، بسیار زیاد است. و امروزِ شما غیر از دیروزی است که در سلطه نظام فاسد پهلوی و در تحت

۱- رنگ.

ستم ستمکاران جهان بودید. آن روز اگر چنانچه سکوتی، قصوری بود، می پذیرفتند که آقایان نمی توانند الآن مسائلشان را آن طور که هست، مسائل اسلام را آن طور که هست، قدرت ندارند که عمل کنند و به مردم برسانند، ولی امروز این مسئله حل شده است و بحمداللَّه، همه آقایان در هر جا که هستند، با آزادی می توانند مسائل را طرح کنند و با آزادی می توانند مردم را ارشاد کنند.

اگر امروز راجع به هر قضیه ای که برای ملت، قضایای عمومی که برای ملت پیش می آید، و- خدای نخواسته- روحانیونی که ارتباط با آن مسائل دارند قصوری بکنند یا اشتباهی بکنند، این اشتباه و قصور، دیگر در محضر خدای تبارک و تعالی و در پیشگاه مردم پذیرفته نیست. دیگر ما نمی توانیم بگوییم که ما چه بکنیم، سازمان امنیت است و ما کاری ازمان نمی آید. ما الآن، شما آقایان الآن در مسائلی که پیش می آید، آزادید که مطالبی که مربوط به اسلام است، مطالبی که انحراف واقع می شود در هر جا، آن مسائل را ارشاد کنید، مردم را ارشاد کنید، کارمندان دولت را ارشاد کنید و مسائل را با خود آنها در پیش بگذارید و انحرافات را رفع کنید. گرفتاریهای سابق، همه شما، اکثر شما یک مقداریش را مشاهده کرده است و بعضی شما که سنتان بالاست، از اول تا حالا، تا زمان انقراض این رژیم فاسد، دیده اید که چه کارهایی بوده است و شما با چه اشخاصی مواجه بودید و چه اشخاصی حکومت بر ملت می کردند و حکومت بر این مستضعفین می کردند. ما به شکرانه این معنا که از آن گرفتاریهای بسیار عجیب و غریب، که در طول تاریخ نظیرش مثل این پنجاه سال اخیر واقع نشد، به شکرانه نجات از او، امروز باید به [محضر] خدای تبارک و تعالی، که ما را از این گرفتاری بزرگ نجات داده است، شکر کنیم و شکر، این است که ما الآن خدمت کنیم. شکر لفظی باید بکنیم، اما شکر حقیقی آن است که ما در ازای رهایی از این رژیم فاسد، که همه چیز ما را به باد فنا داد و می خواست بدهد، اینکه ما امروز کاری بکنیم که خدای تبارک وتعالی از ما راضی باشد.

اهمیت قضا و ضرورت ورود افراد واجد شرایط

امر مهم، مسئله قضاوت است. از اموری که شاید در کم امری اسلام آن قدر به آن

توجه داشته است، مسئله قضاوت است و مسئله دادسراها و دادگاهها که سروکارشان با همه چیز مردم است. باید این معنا را من عرض کنم که قضاوت از اموری است که واجب است به طور کفایی و واجب کفایی؛ قبل از اینکه پیدا بشود به مقدار کفایت، بر آحاد واجب است؛ یعنی، اگر یک قضاوتی زمین بماند یا یک جایی منحرفین وارد قضاوت بشوند، بر تمام کسانی که می توانند یا اجتهاداً یا تقلیداً قضاوت کنند، بر همه اینها واجب است که در قضاوت وارد بشوند و رفع احتیاج را بکنند. ما امروز وقتی که احتمال این معنا را بدهیم یا اینکه با آقایانی که متصدی امور قضایی و دادگاه هستند صحبت می کنیم، از این معنا [حرف می زنند] که ما کم داریم قاضی، آن مقداری که لازم داریم کم است و اگر چنانچه در حبسها از این منحرفین یا محتمل الانحراف ها باشند و نتوانسته اند آنها را رسیدگی کنند، برای کمبود قاضی است. این یک امری است که برای نجات- فرض کنید- یک عده ای که محتمل است که اینها بی گناه باشند یا گناهشان اندک باشد، واجب است بر همه اشخاصی که از آنها قضاوت می آید، در این امر داوطلب بشوند تا به امر قضا وادار بشوند و این نقیصه را از بین ببرند. مدرسین محترم حوزه علمیه قم، که بحمداللّه، بسیار فعال هستند، باید این مسئله را در حوزه علمیه قم مطرح کنند که امروز اشخاصی که صلاحیت دارند، ولو تقلیداً برای قضاوت، این اشخاص اسم نویسی کنند و بیایند در این مواردی که، زندانهایی که اشخاص هستند تا اینکه حل این قصه بشود که مثلًا، اشخاصی باید زود کارشان تمام بشود و ما نداریم افراد. این یک امر واجبی است؛ یعنی، بر همه واجب است تا آن وقتی که آن مقداری که احتیاج است بر آورده بشود.

گاهی وقتها انسان به واسطه احتیاط، خلاف احتیاط می کند. احتیاط می کند فلان آقا که امر قضا مشکل است و نمی شود رفت و نمی شود کرد و این طور چیزها، با اینکه واجب کفایی، واجب عینی است اول به همه. وقتی یک عده ای عمل کردند و کفایت حاصل شد، آن وقت از دیگران ساقط می شود، والّا همه معاقب هستیم اگر چنانچه قضا به زمین بماند، و احتیاط بر این است که وارد بشوند؛ یعنی، امری است واجب، معلوم الوجوب؛ این احتیاط می کنند، این عذر نمی تواند باشد. یا اشخاصی مثلًا می خواهند ادامه بدهند تحصیلاتشان را و باید هم ادامه بدهند، اما در یک وقتی که یک واجبی به

عهـده آنها هست، نمی تواننـد به این امر مسـتحب بسـیار ارزنـده مشـغول باشـند؛ بایـد بروند این کار را به اندازه کفایت انجام بدهنـد که مبادا- خـدای نخواسـته- یک نفر آدم بی گناه [باشـد که] به کارش رسـیدگی نتوانسـتند بکنند. باید بیایند آقایان و وارد بشونـد و رسـیدگی بکننـد. و این امر را من امروز به عهـده مدرسـین قم و علمـای مشـهد و اصـفهان و جاهای دیگری که حوزه هـای علمیه هست، این عهـده آنها می گـذارم که آنها خودشان به فکر این باشـند که افراد را بخواهنـد و افراد را تشویق کننـد، به هر ترتیبی که می توانند، و تحذیر کنند از اینکه یک امر واجب شـرعی است، نمی شود یک امر واجب شـرعی زمین مانده [باشد] و من مشـغول نماز شب بشوم. وقتی آن واجب شـرعی است، اگر مزاحم با هر مستحبی بشود، آن واجب شرعی را باید من عمل کنم. این یک مسـئله است که لازم است که تذکر داده بشود، و آقایان مدرسین هم و علمای اعلام بلادهم تذکر بدهند و این نقیصه را کم کنند تا اینکه این مشکل حل بشود.

لزوم قاطعیت قضات در اجرای احکام اسلامی

مسـئله دیگر، قضیه باز راجع به قضاوت است که باید خیلی توجه بکنند آقایان قضات، آقایان دادستانها، کسانی که متکفل این امر مهم اسـلامی هسـتند که مسئولیت این زیاد است و لازم هم هست که شما مسئولیت را به عهده بگیرید. باید وارد شد، لکن در یـک امر بزرگی اسـت، تـوجه بکننـد کـه جـان و مـال و نـاموس یـک ملـت در دسـت ایـن قضـات اسـت و در دسـت این دادگاههاست و مسـئول این مسائل هسـتند و بایـد تا آن مقداری که می توانند، تا آن مقداری که قدرت دارند، توجه بکنند به مصالـح عمومی اسـلام؛ نه آن که گناهکار است از او بگذرند، و نه آن که- خدای نخواسـته- گناهکار نیست یک وقتی مبتلا بشود. قاضـی باید یک آدم قاطعی باشد که در دو طرف قضـیه قاطعیت داشـته باشد. اگر یک کسی به حسب حکم شرع، باید این را کشت، ترحم نکننـد؛ جایز نیست. اگر بایـد- فرض بفرماییـد که- حبس و تعزیر بشود، تعزیر بکننـد. و اگر یک کسـی- خـدای نخواسـته- یک آدمی است که گناهکار نبوده است، بـدون وقفه او را تبرئه کننـد و بـدون وقفه او را آزاد کنند. قاضـی باید این طور باشد، فکرش اینطور [باشد] نه رؤوف و مهربان باشد که

جنایتکارها را هم به او رأفت کند، آن هم این جنایتکارهایی که یک نمونه اش را من و شما در چند شب پیش دیدیم و پشت انسان را لرزاند و بسیار نمونه دارد که ما ندیدیم؛ اینهایی که بعدها معلوم می شود- تا آخر هم که معلوم نمی شود، در بارگاه خدا معلوم می شود- بعدها معلوم می شود، ما کمی اش را دیدیم. یک نمونه اش این بود که چند شب پیش از این دیدید که انسان نمی تواند بفهمد که یک آدم که از اول به فطرت الهی متولد شده است تا این حد جنایتش می رسد. تصور این معنا برای انسان مشکل است. من گمان ندارم که هیچ حیوانی نسبت به حیوان دیگر این طور بکند.

خوب، یک همچو مسائل هست، آن وقت اگر چنانچه یک آقای قاضی رأفتش بگیرد که امثال اینها را با آنها ملایمت بکند؛ یعنی، نمی گویم که زاید بر آن مقداری که قضای الهی ا جازه می دهد، أبداً- حتی یک سیلی نباید بزنند- اما آنی که به حسب حکم شرع، حکمش قتل است، مسامحه نکنند. از آن طرف هم طوری باشد که اگر چنانچه یک نفر آدم بی گناه است، حتی مانع بشود از اینکه یک حرف تند به او بزنند. آنها هم که گناهکارند حق نیست به اینکه با آنها معامله غیر انسانی بکنند. آنها [که] مستحق قتل اند، باید قتل بشوند، مستحق اعدام اند، اعدام باید بکنند؛ اما زاید بر آن بخواهند کارهایی بکنند، این را بدانند که مسئول هستند.

و همین طور متصدیان حبسها و زندانها باید این معنا را توجه داشته باشند، چه اشخاصی که در رأس هستند و چه اشخاصی که مشغول اجرای عمل هستند، باید این معنا را توجه بکنند که حدود الهی معنایش این نیست که یک کسی که مستحق قتل است ما فحشش بدهیم؛ جایز نیست این، یا به او سیلی بزنیم؛ حق نیست؛ یعنی، قصاص دارد این. یک نفر آدم جانی که دارند می برند بکشندش، اگر شما یک سیلی بزنید، او حق دارد به شما سیلی را عوض بزند و خلاف شرع کردید. گمان نکنید که حالا که این آدم توی حبس آمده است، ما باید با او رفتار بد کنیم. ان شاءاللّه، نمی کنید و نباید بکنید.

و همین طور قضات محترم شرع، باید موازین را با دقت، با کمال دقت، موازین را عمل بکنند و- خدای نخواسته- یک وقت بر خلاف موازین اسلامی واقع نشود. مایی که

مدعی هستیم که جمهوریمان جمهوری اسلامی است، احکام اسلام باید در این جمهوری اجرا بشود. یکی از امور مهم، قضیه زندانهاست. یکی از امور مهم، قضیه دادگاههاست، دادسراهاست، دادگستریهاست. اگر بنا باشد که حالا- هم- خدای نخواسته- مثل زمان رژیم سابق، در دادگستریها کارهای خلاف شرع بشود، خوب، ما باید فاتحه این جمهوری را بخوانیم. و این مکرر سفارش شده است که اگر قوانین ندارید، باید بخشنامه کنید که تمام قضات بر وفق شرع عمل کنند، به قوانین سابق اعتنا نکنند.

ضرورت تحول دادگستری و اعمال قوانین شرع

و من حالا هم اعلام می کنم به تمام سر تا سر قضات کشور، کسانی که متصدی قضا هستند، کسانی که در دادگستری هستند، تمام قوانینی که در زمان طاغوت بوده است و بر خلاف شرع بوده است، تمام باید دور ریخته بشود و مسئولیتش به گردن من؛ تمام را دور بریزید و به جای او، قوانین شرع را عمل بکنید.

شورای قضایی اگر نکرده اند این کار را- خدای نخواسته- حالا بخشنامه کنند به همه سر تا سر کشور، به دادستانها و به دادگاهها و به دادگستریها و به همه اینها امر کنند به اینکه تمام احکامی که به حسب قانونی که، قانون فاسدی که گذرانده اند، تمام اینها فاسد است و مگر حالا گاهی پیدا بشود که مطابق شرع باشد، خوب، آنها را عمل باید بکنند. آن چیزهایی که بر خلاف شرع است هیچ کس حق ندارد عمل بکند و هر که عمل بکند، علاوه بر اینکه پیش خدای تبارك و تعالی روسیاه است و عذر اینکه ما به قانون عمل می کنیم، غلط است. کدام قانون؟ قانون مخالف با اسلام؟ قانون مخالف با شرع؟

نباید به آن عمل بشود. شما اگر با قانون سابق هم باید عمل بکنید، خوب، یکی از ماده های متمم قانون اساسی سابق این بود که هیچ قانونی بر خلاف شرع، قانون نیست.

منتها پیشتر به آن عمل نشد، سابقاً به آن عمل نکردند. بناء علیه، آن چیزهایی که به اسم «قانون» آورده اند و بر خلاف شرع است، به حسب قانون اساسی زمان سابق هم قانون نیست.

شما می توانید آن وقت اگر از شما سؤال کردند [که] چرا کردید، بگویید قانون اساسی سابق هم این را گفته است. قانون حالا هم که این طوری است، و مجرم است کسی که این عمل را بکند. به هیچ کس نباید اعتنا بکنید. هر کس گفت که این کار خلاف شرع را باید مطابق قانون عمل کنید، توی دهنش بزنید- به هیچ کس اعتنا نکنید. نمی گویم حالا پاشید سیلی به او بزنید، لکن جلویش بایستید. بگویید که این خلاف شرع است، من نمی کنم و نباید هم بکنم. و ان شاءاللّه، آقایان هم کرده اند این کار را. و اگر چنانچه اعتنا نشده، ثانیاً متخلفین را دعوت کنند و محاکمه کنند.

دادگستری سابق باید متحول بشود به یک دادگستری اسلامی. مجرد اینکه قانون سابق بوده ما باید به آن عمل بکنیم، به حسب قانون سابق هم نباید به آن عمل کرد؛ برای اینکه قانون اساسی سابق اساس است. قانون اساسی سابق، متممش می گوید که هر قانونی بر خلاف شرع است، قانون نیست اصلًا. بنابراین، اینکه می گویید: قانون این طور می گوید، غلط می کند، قانون نیست این. این یک قراردادی بوده است که زمان طاغوت، طاغوتی بوده، بناء علیه، آقایان نباید اعتنا کنند به این امور و باید بخشنامه بکنند. شورای نگهبان، شورای قضایی بخشنامه بکنند و همه جا بگویند به اینکه این قوانین سابق که مخالف شرع بوده نباید عمل بشود و اگر کسی عمل بکند، مجرم است و باید محاکمه بشود، به جزای خودش برسد. این هم راجع به این جهت. و البته مسائل زیادی راجع به مسائل دادگاه و قضا هست، لکن دیگر مجال این نیست.

لزوم کم توقعی حجاج در کاروانها

و راجع به حج و آقایانی که در حج، در کاروانها هستند. حقیقت حج این است که شما بروید درد مردم را ببینید؛ ببینید فقرا چه جوری هستند، شما هم بشوید آن طور.

ببینید مستمندان جهان چطورند، شما هم [به] آن رنگ درآیید. اگر مردم توقع داشته باشند که حالا که ما حج می رویم باید برای ما همچو رفاه حاصل بشود که در منازلمان هم نیست، این حج نمی تواند باشد. آن حجی که خدای تبارک و تعالی بر اشخاص واجب فرموده است این است که بروید آنجا زندگانی مردم را ببینید. آن وقت که ما رفتیم،

زنـدگانی آن وقت حجازیها را یک مقـداری دیـدیم- که حالا حجاج نمی تواننـد ببیننـد- آن وقت که ما با اتومبیل بین مکه و مـدینه می رفتیم، هر جا اتومبیل می ایستاد، هر جا در این بیابانهای لم یَزْرَع (۱) طولانی، هر جا اتومبیل می ایستاد، از زیر این بته ها و اینها می آمدنـد بیرون بچه هایی که هیچ لباس نداشتند، زنهایی که لباسشان فقط ساتر بود، مردهایی که وضعشان را انسان نمی توانـد بیان بکند، می آمدند و از مردم گدایی می کردند. باید اینها را انسان ببیند و بعد توقع بکند به اینکه نخیر، ما بایـد حالا که حـج می رویم و با کاروان می رویم و- نمی دانم- چی می رویم، حالا باید در آنجا همه چیز برای ما مهیا باشد. خیر، یک قدری باید توجه به این مسائل بکنند. آقایان روحانیون، مردم را توجه بدهند به این مسائل که توقعات آنها در سطح بالا نباشد. شـما را با طیاره می برند، آن وقتها که می رفتند، با الاغ می رفتند؛ چند وقت می رفتند در بعضـی جاها، چهارده ماه طول می کشید؛ چهارده ماه طول می کشید رفت و برگشت حـج. حالا شـما دو ساعت، سه ساعت سوار می شوید به طیاره با راحتی می روید آنجا. آن وقت که می رفتید، خانه ای تو کار نبود که شما بروید.

شما خودتان بایـد برویـد تهیه بکنید و خودتان بروید زحمت بکشید. آن هم آن خانه هایی که بودند و آن وضع و آن کثافتی که در آن وقت بود. حالا خانه برایتان تهیه کرده اند.

خوب، شـما حاجی هستید، شـما مسلمانی هستید که می خواهید به داد مسلمین برسید، به داد مستضعفین جهان برسید. این قدر بالا نبرید توقعات خودتان را که خدای تبارک وتعالی یک وقت- خدای نخواسته- امر بفرماید که این جور نشود- و نمی شود آن وقت- آن وقت گرفتاری زیاد می شود.

بایـد شـما آقایان روحانیون، مردم را تـذکر بدهیـد به اینکه اگر یک کمبودی هست، آقایان که رفتنـد کارها را کردنـد، خوب زحمت کشیدند و دارند هم الآن می کشـند، ولیکن بیشتر از آن قدرتشان که نمی توانند زحمت بکشند. به اندازه وسعشان، به انـدازه قـدرتشان، زحمت کشیدند و کار انجام دادنـد، خانه تهیه کردنـد با آن سختیهایی که در آنجا هست، لکن نمی توانند بیشتر از این بکنند. اگر یک وقت دیدید یک چیزی کسری دارید، نه

۱- غیر قابل کِشت و زراعت.

اینکه آقایان نخواسته اند، آقایان نتوانسته اند. وقتی نتوانسته اند چه بکنند؟ بگویند که آقایان حج نیایید؛ برای اینکه ما نمی توانیم برای شما یک جای بزرگی درست کنیم و- نمی دانم- یک تفریحگاهی داشته باشیم و چه؟ یا نه، بیایید و یک قدری هم توجه کنید به زحمتهایی که فقرا می کشند.

وظیفه مهم روحانیون آموزش احکام حج

در هر صورت، این وظیفه علمایی است که در کاروانها هستند؛ یعنی، یکی از وظایفشان. یکی از وظایف مهم هم قضیه آشنا کردن مردم است به مسائل حج. بسیار آدم می بیند که حج می روند. زحمت می کشند، لکن مسئله حج را نمی دانند، آنجا گرفتار می شوند. بعد که آمدند، بعد از چند سال، سؤال می کنند که ما این جور کردیم، آیا حجمان درست است یا نه؟ ما این طور نکردیم، آیا درست است یا درست نیست؟ آیا ما مُحرِم باز هستیم یا نه؟ باید آقایان مردم را [در] جلسه قرار بدهند؛ جلسه درس قرار بدهند، درس بدهند مردم را، آداب حج را، واجبات حج را، محرّمات حج را؛ اینها را بگویند. آدابش هم نشد، نشد، اما محرّمات و واجبات را به مردم تعلیم کنند و هر روز [جلسه] داشته باشند. مردم هم موظف اند که بروند پیش آقایان در این درسها اگر دارند، بروند آقایان گوش کنند و مسائل حج را یاد بگیرند که بعدها گرفتار نشوند که وقتی که آمدند، [نگویند:] «من طوافم چه جوری بود، آیا درست است یا نه؟» وقتی مسئله را یاد گرفتید، دیگر درست می شود، دیگر عیبی پیدا نمی کند. این هم یکی از وظایفی است که همه دارند و روحانیون باید این وظیفه را در آنجا انجام بدهند. و مردم هم باید دنبال این امر باشند که مسئله حج را یاد بگیرند، نه اینکه ما فقط حج برویم و هر چه شد، شد دیگر.

نه، این غیر از سایر جاهاست. خوب، انسان زیارت می رود، اگر زیارتش هم چیزی نشد، دیگر اشکالی برایش پیدا نمی شود. اما اینجا اشکال پیدا می شود، بعد مُحرِم می ماند، بعد باید دوباره حج برود. پس این مسائل مشکل پیش می آید که باید برای خاطر خودتان هم [که شده،] این مسائل را تعقیب کنید که یاد بگیرید و در اشتباه و خطا نیفتید که بعدها اسباب زحمتتان بشود. این هم یکی از مسائل است.

لزوم وجود نظم در امور سیاسی حج

از مسائل دیگری که باز آقایان روحانیون که در کاروانها هستند به مردم بگویند، [این] که باید این امر، اموری که در آنجا واقع می شود، امور سیاسی که در حج واقع می شود، روی نظام باشد. اینکه هر کس خودش بخواهد یک کاری بکند، این هرج و مرج همیشه غلط بوده. هر امری باید یک نظمی داشته باشد. می خواهند اجتماع کنند برای فلان امر، خوب، یک کسی که متکفل امور حج است باید برنامه بدهد، روی آن برنامه عمل بکنند. هر کسی بخواهد، در هر گروهی بخواهد خودش علی حده روی مذاق خودش- که اختلاف هم خیلی هست بین مذاقها- بخواهد چی بشود، هم گرفتاری آنجاها پیدا می شود و بدتر از آن، این است که گاهی وقتها اسباب وهن می شود برای جمهوری اسلامی. نباید کاری بکنند که برای جمهوری اسلامی یک بدنامی پیدا بشود.

خوب، مبلغینی که الآن در همه جای دنیا تقریباً هستند، بر ضد ما همه تبلیغات را، در ضد جمهوری اسلامی همه تبلیغات را دارند می کنند، دیگر ما خودمان یک کاری نکنیم که یک مطلبی دست آنها بیفتد و هر چی می خواهند به آن باد بکنند و هر چی می خواهند زیادش بکنند. این هم یکی از مسائل لازم است که به هر کسی در کاروانی که هست، بگویند که روی میزانی و روی برنامه باید کارها انجام بگیرد، نه [اینکه] هرج و مرج باشد؛ هر که هر طوری دلش می خواهد عمل بکند. این هم یک مسئله ای است که باید آقایان به آن خیلی توجه بکنند و اشخاصی هم که حج می روند توجه بکنند که- خدای نخواسته- حجشان مخلوط به معصیت، یک وقتی نشود؛ همه اش اسلام باشد و همه اش عبادت باشد؛ راهپیماییها عبادت باشد، نه معصیت؛ شعارها عبادی باشد، نه معصیتی، جوری باشد که برای خدا باشد. هر که هر کاری دلش می خواهد [بکند] به هر که می خواهد بد بگوید، نه، این طوری نیست. باید این مسائل روی یک برنامه صحیحی که از قبل ریخته می شود، این مسائل هم باید توجه به آن بشود.

غیر انسانی بودن حق «وتو»

و از اموری که برای همه ما لازم است، این است که ما یک توجهی به مسائل دنیا

بکنیم، ببینیم وضعش چه جوری است. من فکر می کردم که در این عصر ما، همه الفاظ محتوای خودشان را از دست داده اند. ما در یک عصری واقع شده ایم که الفاظ از آن معنا که دارند، فرار کرده اند؛ یک معانی دیگری دنبالش آمده. معنای «عدالت» را وقتی انسان نگاه می کند در دنیا، الآن یک جور دیگر است؛ معنای «خلقی بودن» را آدم ملاحظه می کند، می بیند یک وضع دیگری دارد؛ سازمانهای امنیت دنیا را انسان وقتی ملاحظه می کند، می بیند که سازمان نا امنی است، نه سازمان امن، اما اسمش سازمان امن است، جمعیتهای طرفدار بشر را انسان [نگاه] می کند، می بیند که همین جمعیت طرفدار بشر، طرفدار ظالم اند، طرفدار بشر نیستند، طرفدار ظلمه هستند. این کارهایی که، این چیزهایی که در دنیا الآن از این قدرتهای بزرگ واقع می شود، هیچ کس نیست که از آنها بپرسد که چرا؟ گاهی یک جایی، یک چیزی یک کسی می گوید، اما مسئله ای است که وقتی بنا باشد که سازمانهای بزرگ دنیا اختیارش دست چهار پنج نفر باشد، این را نمی شود گفت که این امنیت بشر، سازمان طرفدار بشر- نمی دانم- سازمان کذا. این اختیارش دست چهار پنج نفر است، این هم مطلب خودش را از دست داده؛ که باید برای همه مردم باشد. چهار پنج نفر همه چیزها را دارند؛ هر کاری همه بکنند یک نفر بگوید «نه»، تمام می شود. حق «وتو» یک امری است که هیچ آدمی نمی تواند بپذیرد و این مجالس- مثلًا- عمومی دنیا، که برای این امور است، این را پذیرفته اند. اینکه هیچ آدمی، هیچ انسان نا بالغی هم نمی تواند بپذیرد که ما می خواهیم همه دنیا بر عدالت باشند، لکن اختیار دست این دو نفر، این چند نفر باشد! هر جا را اینها می چاپند اگر چنانچه مثلًا سازمان بین المللی کذا بخواهد جلویش را بگیرد، فوراً «وتو» می کنند، می گوید نه. غلط می کنید این حرف را می زنید! آن یکی می ریزد افغانستان، اگر یک وقت بگویند «چرا»، می گوید غلط کردی. آن یکی می ریزد به- مثلًا- بیروت و امثال ذلک، اگر چنانچه بخواهند در آنجا حرفی بزنند، می گویند غلط کردی.

الآن اسرائیل در مقابل همه کشورهای اسلامی ایستاده، می گوید غلط نکنید. این تاسف ندارد؟ انسان نیستند اینهایی که در رأس امور هستند که اسرائیل در مقابلشان ایستاده، می گوید فضولی موقوف! آمد و بیروت را گرفت و آن همه جنایات وارد کرد و

سازمان آزادیبخش را به هم زد اوضاعش را و همه را متفرق کرد، و بعد هم بدانید که شماهایی که ساکت بودید و در این جنایات مقابله نکردید، همین نشستید و یک کلمه ای گفتید، آن هم کلمه ای که گاهی موافق با آنها بوده، نوبت شما هم می رسد. اسرائیل به خدمت شما هم می آید.

امریکا در رأس تمام جنایتکاران

تأسف دارد که اسلام آن وضع را دارد و کسانی که ادعای اسلام را می کنند این وضع را دارند. اسلام نسبت به متخلفین، نسبت به متجاوزین آن طور سختگیری می کند و اینهایی که می گویند ما تابع اسلام هستیم، تشویق هم می کنند. امریکا که در رأس تمام جنایتکارهاست و همین جنایت این چند وقت بیروت با دست مخفی امریکا و ظاهر این صهیونیست مجرم واقع شد، امریکا اساس کارش بود. خود آنها هم اقرار کردند به این امر که قضیه، قضیه طرح امریکایی است. اگر امریکا نبود، به اسرائیل می گفت: غلط نکن، برو کنار، می رفت. این امریکا، این کتکی است که مسلمانها از امریکا می خورند، آن وقت آقایان ادعای اسلام می کنند، ادعای طرفداری از مسلمین می کنند، همه چیزشان را تقدیم امریکا می کنند، عذر هم از آنها می خواهند. این تأسف ندارد برای ملتها، برای اسلام، برای همه؟! این ملتها توجه ندارند به اینکه اینها دارند چه می کنند؟! آنها با بیروت و با زن و بچه و فقیر و بیچاره مردم چه کردند و همه کارها را انجام دادند و به هم زدند همه اوضاع را و همه نشستند و تماشا کردند و یک عده هم طرفداری کردند و اگر هم یک کلمه ای گفتند، یک کلمه ای بود، گذشتند و رفتند و همه جنایتها واقع شد.

شما خیال می کنید اسرائیل قانع به این امور است؟ اسرائیل بنایش بر این است که همه این مسلمین را از بین ببرد، امریکا هم بنایش بر این است که اسلام نباشد در کار. اینها برای اینکه جمهوری اسلامی، اسم «اسلام» را دارد و می خواهد به اسلام عمل می کند، همه با آن مخالفت کردند؛ مخالفت کردند از حیث تبلیغات، می گویند که ماها امریکایی هستیم! می گویند که ما اسرائیلی هستیم! مایی که بیست سال بیشتر است، بیست سال حتماً بیشتر است فریاد زده ایم که گرفتاری مردم از دست امریکاست و از اسرائیل، ما اسرائیلی

هستیم، اما آنهایی که نشستند آنجا و اسرائیل دارد می رود ممالک خودشان را از بین می برد، آنها نخیر، همه مخالف اسرائیل هستند! اگر مخالفید، چه کردید؟ چه عملی انجام دادید؟

تهی شدن عناوین ارزشی از محتوا

اینها مصیبتهایی است که ما در یک عصری واقع شده ایم که همه چیز به هم ریخته است. آن که می گوید من مسلمانم یک معنای دیگری است از اسلام برداشت می کند.

آنی که می گوید «اسلام راستین»، یک مسئله دیگری می خواهد بگوید غیر اسلام. آن که اسلام شناس است یک چیز دیگر را می شناسد غیر اسلام. آن که طرفدار حقوق بشر است یک مسئله دیگر را می گوید غیر حقوق بشر. اصلًا الفاظ بکلی از محتوای خودش خالی شده. شما- این را من عرض کردم- شما خودتان بروید دنبالش، ببینید کجا یک لفظی از قبیل این الفاظی که متعارف بوده، عدالت، عدالت اجتماعی- نمی دانم- طرفداری از حقوق بشر، سازمان امنیت کذا- نمی دانم- سازمان کذا، شما دنبال بروید، تعقیب کنید، ببینید کدام یک از اینها محتوای خودش را دارد. کدام یک از اینها، آن معنایی که هست، آن معنا اراده از او می شود. «اسلام» وقتی گفته می شود، این اسلامی که ما می گوییم، اصل نیست؛ آن که اسلام راستین می گوید، بر خلاف همه مقررات اسلام، این جنایت را دارد می کند. آن که تروریست است، می گوید که ما قوای مسلّحه هستیم، ما قیام مسلحانه کردیم. قیام مسلّحانه این است که ما در تلویزیون دیدیم؟! قیام مسلّحانه این است که بچه هایی را بکشند و آتش بزنند؟! این قیام مسلّحانه است؟! این الفاظ عوض شده. معلوم می شود قیام مسلّحانه عبارت از این است و تروریسم عبارت از یک چیز دیگر است! همه چیز این طور است. حالا من اصل مطلبش را القا کردم، شما دنبالش بکنید. اگر پیدا کردید در دنیا یک لفظی را که مطابق معنایش الآن معنا می شود و عمل می شود، به من هم اطلاع بدهید تا من هم استفاده کنم! ولی مطمئن باشید که در قوطی هیچ عطاری این چیزهایی که اینها می گویند نیست و هر چه اینها می گویند و هر چه اینها می کنند، بر خلاف آن مسائلی است که می گویند. حرفش را می زنند، عملشان، کارشان برخلاف

اوست. آن که می گویـد اسـلام، می گویـد اسـلام، اسـلام راستین بایـد باشد، این اسـلامی که اینها می گویند، اسـلام راستین نیست، آن وقت یـک همچـون جنـایتی را می کننـد به اسم اسـلام راسـتین! آن که دم از حقوق بشـر می زنـد، پایمـال می کند ممالکی را که بیچاره هستند؛ ممالکی که زیر پای اینها دارد پامال می شود و اسمش را می گذارند کذا.

آن که می گوید ما برای صلح قیام کردیم و می خواهیم صلح در دنیا باشد، همه جنگها را اینها راه می اندازند. خوب، همین جنگی که ما الآن مبتلا به آن هستیم و کشور عراق هم مبتلا به آن هست، همین را آنها راه انداختند، لکن آقایان این جنگها را راه انـداخته انـد که صلح در دنیا پیـدا بشود! همه جا جنگ راه می اندازند که صلح پیدا بشود! شـما اگر ملاحظه کنید، اینکه عرض کردم که الفاظ معنای خودش را از دست داده، یکی اش هم قضیه نطقی است که چند روز پیش از این، مصاحبه ای که صـدام کرده است در حضور عـده زیادی از فرماندهان و اشخاصـی که درجه دارند و افسـرند. این صـحبتها را باید ببینید، نمی شود نقـل کرد. که او چه می گویـد. اینهـا را اولًا، جمع کرده است که نشانه پیروزی بدهـد به صاحب منصـبهایش؛ برای اینکه پیروز شدنـد، در ایران پیروز شدنـد، در عراق هم پیروز هسـتند؛ نشان پیروزی می دهد. نشان پیروزی هم محتوای خودش را از دسـت داده اصـلًا کلمـه «پیروزی» مفـاد خـودش را از دسـت داده اسـت. مردکه (۱) عقبش زدنـد، تـوی دهنش زدنـد، بیرونش کردند، می گوید: ما پیروز شدیم! محتوا از دست رفته.

در نطقش، آن قـدر از اسـلام تعریف می کنـد، می گوید شـماها در طول تاریخ- حالا من الفاظش را خیلی یادم نیست، این را باید هر کس برود ببیند- به این درجه دارها و این افسـرهایی که جمع شدند آنجا، می گوید شما در طول تاریخ، نه حالا، برای نسلهای آینـده و طول تاریـخ ثابت کردیـد که علاقه منـد به اسـلام هستیـد، علاقه منـد به مردم هستیـد، با مردم خوش رفتاری کردیـد! این اگر الفـاظ از دست نرفته باشـد، محتـوایش از دست نرفته باشـد، خوب این هم می شود یـک آدمی راه برود توی جمعیت و این حرفها را بزند!

من این قدرت بیان صدام و جرأتش را وقتی شنیدم که اینطوری جرأت دارد که

۱- صدام حسین و ارتش او.

صاف، آن چیزی که بر خلاف است، در حضور جمع، صاف می گوید و در آن هم تبلیغ می کند، من یاد یک قصه ای افتادم که یک کسی از یک نفر شاعر پرسید که شاعرتر از همه عرب کی است؟ گفت: بیا تا من نشانت بدهم. می گویند: برد او را در منزل خودش، دید که یک پیر مردی نشسته و از پستان بُز دارد می مکد و خیلی کثیف است، خیلی چطور است. گفت: اینکه می بینی، این از پستان این بز می مکد، این پدر من است و این هم برای این از خود پستان مستقیماً می مکد که اگر بدوشد، یک خُرده ای از این شیرها می ماند به کاسه و این قدر این آدم بخیل است، اشعر، اشعر شعرای عرب، آن کسی است که نمی دانم چندین سال است، سی سال است به این پدر افتخار کرده، توی عرب با این پدر افتخار! ... من باید بگویم اخطب خطبای عرب، صدام است که به این شکستها، پیروزی می گوید؛ افتخار می کند.

ناتوانی صدام در انجام جنایات بیشتر

از حرفهایی که تازگی زده است، این است که اگر ایران بخواهد شهرهای ما را چه بکند و فلان، ما جزیره خارک (۱) را چه خواهیم کرد. معلوم می شود تا حالا می توانسته بکند و نکرده! خوب، همه مردم، همه دنیا تو را می شناسند که تو هر کاری که بتوانی، می کنی. اگر یک جنایتی نکنی، از باب این است که نمی توانی بکنی. تو اگر می توانستی که جزیره خارک و مراکز اسلامی ما را بمباران کنی، می کردی. این قدر که حالا می کنی، بیشتر از این از دستت نمی آید. آن کنار نشسته اید با توپهای دور برد می زنید، آبادان را هر روز می زنید، هر روز دزفول را می زنید، نمی دانم کجا، این جاها را، هر جا [را] دستتان می رسد. شما نمی توانید انجام بدهید، نه اینکه اگر ما انجام بدهیم، شما انجام می دهید.

ثابت کردند اینها که ما، آن چیزهای، نورافکنهای هوایی را فرستادیم برای بصره، ارتش ما فرستاد برای بصره، خوب اینها می توانستند توپ هم بفرستند، می توانستند گلوله توپ هم، موشک هم می توانستند بفرستند. اینکه نفرستادند، برای اینکه آن تربیت این ارتش

۱- جزیره ای در خلیج فارس، و یکی از پایانه های مهمّ نفتی ایران.

و این سپاه، غیر تربیت آن چیزی است که سپاه آنها و ارتش آنها دارد. آنها تربیتشان تربیت کفر است و نا نجیبی است، اینها تربیتشان تربیت اسلامی است که نمی خواهند این کارها بشود. تو می گویی: من می کنم، نمی توانی بکنی؛ اگر می توانستی تا حالا- کرده بودی، اگر می توانستی همه جزایر، همه جاهایی که ما داشتیم به باد فنا بدهی، همه را تا حالا- داده بودی؛ نتوانستی. تا حالا هر چه توانستی، کردی و همه اش هم خیانت بوده و همه اش هم جسارت بوده و همه اش هم خرابی بوده، آن هم خرابی منازل مردم مستضعف و مردم فقیر و مستمند.

و مع الأسف، همه گروههای دنیا، که دستشان قلم است، که توی خانه شان نشسته اند، می نویسند؛ می نویسند که ایران نتوانست چه بکند، صدام چه کرد، چه کرد. هی از این مسائل می نویسند. ولی واقع مطلب را که اینها عوض نمی کند. واقع مطلب این است که اگر ایران دستش بسته نبود و اسلام دست ایران را نبسته بود، حالا دیگر شهر بصره که هیچ، شهر بغداد هم برایش چیزی باقی نمانده بود. اما چه کنیم که دست ما بسته است و دست شما باز. شما افسارتان دست شیطان است و او به هر جا که می گوید، عمل می کنید و ما افتخار به احکام اسلام می کنیم. دست ما را بسته است به اینکه نه، نباید هیچ تعدی بکنید، باید موافق اسلام عمل بکنید.

من امیدوارم که ان شاءاللَّه، همه ما، همه بشر هدایت بشوند و این وضعی که الآن در بشر هست ان شاءاللَّه، متحول بشود به یک وضع صحیحی و ان شاءاللَّه خداوند این دولتهای اسلامی را بیدار بکند و آنها را به اسلام متوجه بکند و امیدوارم که ملت ما را پیروز بکند و ارتش و سپاهیان ما را در جبهه ها پیروز بکند و همه ما را در وفق احکام اسلام و در همه امورمان به طور اسلامی [به] ما توفیق بدهد که عمل بکنیم.

والسلام علیکم و رحمهاللَّه

پیام

زمان: ۲۹ شهریور ۱۳۶۱/ ۲ ذی الحجه ۱۴۰۲

مکان: تهران، جماران

موضوع: بیان مصایب مسلمین و فاجعه توسعه سیاستهای سازشکارانه سران عرب با رژیم صهیونیستی

مناسبت: عید سعید قربان

مخاطب: مسلمانان جهان و زائران بیت اللَّه الحرام

بیان مصایب مسلمین و فاجعه توسعه سیاستهای سازشکارانه ...

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

«وإلی اللَّه المشتکی» (۱) در آستانه عید سعید قربان که باید به عموم مسلمانان جهان و بخصوص حجاج بیت اللَّه الحرام، رهسپاران به سوی قربانگاه بزرگ ابوالانبیا حضرت ابراهیم خلیل اللَّه- صلوات اللَّه علیه و علیهم- تبریک عرض کنم، مع الأسف در این سال مصیبتهایی بر مسلمین وارد شد که به جای تبریک، تعزیت باید گفت. تعزیت نه فقط برای تجاوز شیطان بزرگ امریکای جنایتکار بر حریم مسلمین؛ و نه فقط برای هجوم حکام تروریست و جنایت پیشه اسرائیل بر کشور عزیز اسلامی لبنان، و نه برای جنایات صدام عفلقی این نوکر بی اراده امریکا و اسرائیل بر مسلمانان عرب و غیرعرب جنوب و غرب کشورمان ایران؛ و نه برای جست وخیز و شادمانی سران کشورهای مصر، اردن، سودان، مغرب و غیر آنان برای پیروزی دشمنان اسلام و بشریت بر مظلومان لبنان و بیروت و به خاک و خون کشیدن هزاران جوان و پیر و طفل، زن و مرد بیگناه. گرچه همه اینها مصیبت است و تعزیت دارد، لکن مصیبت بزرگ و فاجعه عظیمی که همه مصیبتها و فاجعه ها پیش آن ناچیز است، آن است که مشتی تروریست صهیونیست بی حیثیت، به بدترین

۱- «و شکایت را نزد خدا می بریم».

وجه بر مسلمانان تاخت و تاز کنند. مسلمانانی که دارای آنهمه امکانات معنوی و مادی هستند که با یک تشر می توانند امریکا را از منطقه عقب برانند تا چه رسد به اسرائیل. ما نه فقط برای آوارگی یک عده مظلوم که از سرزمینهای خود رانده شدند و پناهگاهی ندارند در سوگ و عزا هستیم، که مصیبت بزرگ آن است که این جنایتها به دست اسرائیل در مرئی و منظر دولتهای مدعی اسلام انجام می شود. فاجعه بزرگ آن است که این دولتهای مدعی اسلام برای ناز شست امریکا و اسرائیل فعالیت می کنند که مو به مو «طرح کمپ دیوید» یا شبیه آن را اجرا کنند و به دنبال این جنایت عظیم، صریحاً اسرائیل را به رسمیت یا به آقایی بشناسند. فاجعه برای مسلمانان آن است که بعضی از دولتهای به اصطلاح مسلمان، با دیدن این فجایع بزرگ مانع می شوند تا مظلومان از دست ستمگران حتی ناله کنند.

مصیبت عظیم آن است که امریکا که قریب نیم قرن بر مسلمانان جهان بخصوص منطقه، هر چه خواسته است ستم کرده و مخازن آنان را غارت نموده است، دولتها نه تنها از ترس امریکا نمی توانند اظهار مظلومیت مظلومان را حتی در کشورهای خودشان بشنوند، بلکه چنانچه دیدیم با ملت غارتزده ایران که با نهضت اسلامی خود می خواهد فریاد مظلومانه سر دهد و به ملتهای مظلوم جهان داد خود را برساند، چه ها کرده و در مخالفت با ایران حتی از امریکا و اسرائیل گوی سبقت را ربودند، و برای تقرب به ستمکاران، با تمام قوای تبلیغاتی و تسلیحاتی به متجاوز به ایران کمک نمودند. به جای آنکه به ملت و دولت برادر خود دست اخوت و وحدت دهند، به امریکا و اسرائیل دست عبودیت و ذلت دادند و به توطئه علیه ملت ایران برخاستند. ما اکنون از بسیاری از دولتهای به اصطلاح اسلامی مأیوس هستیم و امیدی به هدایت آنان نداریم؛ مگر آنکه خداوند متعال نظر عنایتی فرماید و تحولی در آنان به وجود آورد تا مسائل را آنگونه که شایسته است، بررسی نمایند، و خود و کشور خود را از چنگال گرگان جهانخوار نجات دهند. اینک لازم است تذکراتی به زائران بیت اللَّه الحرام و آنان که در قربانگاه حضرت خلیل الرحمن- سلام اللَّه علیه- حاضر می شوند، داده شود:

۱- لازم است حجاج، مسائل حج را از واجبات و محرّمات نزد علمای اعلام به

خوبی یاد گیرند تا خدای نخواسته تخلفاتی حاصل نشود که موجب هدر رفتن زحمات آنان گردد، یا موجب مُحِلّ نشدن آنان شود و برای خودشان اشکالاتی پیش آید. ۲- لازم است زائران محترم ایرانی توجه کنند که از کشوری انقلابی و اسلامی و متعهد به احکام اسلام راهی حج شده اند و چشمان دوستان و دشمنان بر آنها دوخته شده است. دوستان، برای آنکه ببینند زائران محترم به تعهد اسلامی خود باقی هستند، و در رفتار و گفتار و برخورد با مسلمانان جهان آبروی انقلاب اسلامی شکوهمند خود را حفظ می نمایند، و در زحمتها و مشقتها و کمبودها که لازمه قهری این سفر مقدس است، بردباری و شکیبایی دارند، و خداوند متعال را در امور حاضر و ناظر می دانند، و با سرافرازی به کشور خود باز می گردند و کشور و انقلاب خود را در بین مسلمانان جهان سرافراز می کنند، و انقلاب اسلامی کشور عزیز خود را به مسلمانان جهان و کشورهای اسلامی صادر می نمایند، یا خدای نخواسته برخلاف اخلاق و کردار اسلامی از بعض آنان در مرئی و منظر برادران اسلامی، عمل و یا گفتاری ولو کوچک صادر می شود که موجب هتک اسلام و جمهوری اسلامی که از گناهان بزرگ نابخشودنی است، و دشمنان، برای آنکه در گفتار و کردار و اخلاق آنان خدشه کنند، و خدای نخواسته اگر امری گرچه بسیار ناچیز از آنان صادر شود، بهانه به دست آورند و با بوقهای تبلیغاتی خود مطالب کوچک را بزرگ و بزرگتر جلوه دهند، و بیش از پیش، چهره اسلام و انقلاب را در نظر اجانب و جهانیان واژگون و مسلمانان ایران را در نظر مسلمانان جهان مردمی بی بندوبار معرفی کنند، و اسلام را مکتبی به دور از ارزشهای والای انسانی، و ملت شریف ایران را ملتی منحط و دور از تمدن و تعالی، به خورد جهانیان دهند. باید بدانند مسئولیت حجاج محترم در پیشگاه مقدس خداوند متعال و در مقابل ملت شریف و مجاهد، در راه اسلام و تعالیم انسانی آن، بسیار خطیر و بزرگ است. هرگز گمان نکنند امسال که همه می دانیم چنگال ابرقدرتها و وابستگان به آنان، به کشورهای اسلامی و مظلومان جهان بیش از پیش فرو رفته، و خون جوانان مظلوم مسلمین بیشتر از هر وقت از چنگال آنان می چکد، مشابه سالهای دیگر است.

اکنون قدرتهای بزرگ جهان از اسلام و برنامه های غرب و شرق زدایی آن به

وحشت افتاده اند، و شیطان بزرگ، جوجه شیطانها را فرا خوانده و به تمام توطئه ها برای خاموش کردن نور خدا دست یازیده است. ۳- لازم است زائرین محترم بیت اللّه الحرام از هر ملت و مذهبی که هستند به فرامین قرآن کریم گردن نهند. و در مقابل سیل شیطانی بنیانکَن اسلام زدایی شرق و غرب و وابستگان بی اراده آنان، دست اخوت اسلامی به هم دهند. و به آیات شریف الهی که آنان را به اعتصام به حبل اللّه فرا خوانده و از تفرقه و اختلاف تحذیر و نهی فرموده است، توجه کنند. از این فریضه عبادی- سیاسی اسلام، در آن امکنه شریفه که بحق برای مصالح موحدین و مسلمین جهان بنا شده است، بیشترین استفاده معنوی و سیاسی را نموده و به سرّ قربانگاه ابراهیمی- اسماعیلی توجه کنند، که برای خدای تبارك و تعالی و هدف مقدس اسلام تا سرحد فدای عزیزترین ثمره وجود خود باید ایستاد و از هدف الهی دفاع نمود. باید شیطان بزرگ و میانه و کوچك، اولی، وسطی و عَقبه را از حریم مقدس اسلام و کعبه و حرم راند. و باید دست شیاطین را از کعبه و حرم کشورهای اسلامی که حریم آن است قطع کرد. و باید دعوت خداوند متعال را لبیك گفت. باید حجاج محترم کشور انقلاب اسلامی ایران فریاد مجاهدین شجاع و فداکار ملت شریف مجاهد را بر مسلمانان جهان در آن مجمع عمومی مسلمین برسانند، و آنان را موظف نمایند که حامل پیام ملت ایران به تمام ملتهای مظلوم جهان باشند و فریاد «یا للمسلمین» این ملت انقلابی را به گوش همه جهانیان برسانند و به آنان بفهمانند که ملت ایران از تمام مسلمین نه برای مصالح شخصی و منطقه ای که برای اسلام استغاثه می کند و امروز اسلام گرفتار توطئه های جنایتکاران جهانخوار است و اگر مسلمین با پیوند اسلامی، سدی آهنین در تقابل آنها ایجاد نکنند این سیل بنیان کَن الحاد و کفر همه را خواهد برد.

۴- مسلمانان باید بدانند که پس از انقلاب اسلامی و توجه به قدرت خارق العاده اسلام، توطئه ها و نقشه های امریکا از ایجاد تفرقه بین برادران اهل سنت و تشیع و هجوم به ایران که مرکز ثقل نهضت اسلامی است تا نقشه عمیق و گسترده هجوم به لبنان و آن جنایات عظیم، همه و همه برای اسلام زدایی و تضعیف این قدرت الهی است. باید بدانند نقشه امریکا که به دست خبیث اسرائیل در جریان است، به بیروت و لبنان خلاصه

نمی شود؛ که اسلام در همه جا، در کشورهای اسلامی، خصوصاً منطقه خلیج فارس و حجاز مرکز وحی الهی، هدف است. هدف اول آن است که حکام منطقه گوش و چشم بسته در فرمان امریکا و از آن دردناکتر اسرائیل باشند، و ننگ هر تحقیر و نوکری را بپذیرند. در چنین جو و فاجعه عظیمی، ملتهای اسلامی نباید بی تفاوت باشند و از هیچ کوشش در راه حفظ اسلام و کشورهای اسلامی نباید دریغ کنند. چه دردناک و مصیبت بار است که در جوار مسلمانان و دولتهای به اصطلاح اسلامی، اسرائیل غاصب اینچنین جسورانه و فاتحانه به مردم مظلوم لبنان، به خواهران و برادران عزیز بیروتی تجاوز کند، و به جای آنکه دولتهای کشورهای اسلامی به دفاع که یک فریضه الهی و انسانی است برخیزند، اینچنین نرمش نشان دهند؛ بلکه برای مقصد شوم امریکا و اسرائیل به فعالیت برخیزند، و به جای اسرائیل ستم پیشه، ایران اسلامی و اسلام را در ایران هدف و تمام هدف قرار دهند.

آیا اگر امروز توانستند عذرهایی برای سکوت بلکه کمک به مقاصد شوم این جنایتکار و اربابش بتراشند، تاریخ را هم می توانند به انحراف کشند؟ آیا ملتهای آزاد را هم می توانند فریب دهند؟ و آیا خداوند منتقم را هم با عذرهای غیر موجه خود می توانند قانع کنند؟ و آیا اینطور که اینان اسلام بزرگ را به ملعبه و بازی گرفته اند، گناه بزرگشان بخشودنی است؟ و آیا از عهده جواب برای خونهای زنان و مردان و کودکان بیگناه بیروت بر می آیند؟

۵- چون لازم است در این سفر مبارک بر جریانات و طرحهای اسلامی- سیاسی، هماهنگیهای کامل بین تمام کاروانها و گروهها باشد و از هرج و مرج و امور مخالف با اخلاق اسلامی به طور کامل اجتناب شود، ضروری است حجاج محترم و کاروانهای حج از پیشنهادهای متصدی محترم امور حج و حجاج، جناب حجت الاسلام آقای موسوی خوئینی ها پیروی نمایند؛ که اگر خدای نخواسته هر کاروان و هر گروهی مستقلًا و بدون توجه به هماهنگی اقدام به امری کنند، ممکن است فاجعه ای پیش آورد و انحرافاتی تحقق یابد که چهره اسلامی جمهوری اسلامی و انقلابی دگرگون جلوه داده شود؛ و این گناه عظیمی است که پیش خالق و خلق مسئولیتی بس بزرگ دارد.

اینجانب امیدوارم که حجاج عزیز- ایّدهم اللّٰه تعالی- از خود و دوستان خود مراقبت نمایند که این عبادت با عظمت الهی، آلوده به گناه و خطایا نشود. در میقاتهای الهی و مقامات مقدس، در جوار خانه پر برکت خداوند تعالی، آداب حضور محضر مقدس خداوند عظیم، مراعات و قلوب حجاج عزیز از تمام وابستگیهای به غیر حق، آزاد و از آنچه غیر دوست هست، تهی و با انوار تجلیات الهی منور گردد، تا اعمال و مناسک این سیر الی اللّٰه با محتوای حج ابراهیمی و پس از آن، حج محمدی، آراسته گردد. و با سبکباری از افعال طبیعت، همگان سالم از وزرهای منی و منیت، با کوله باری از معرفت حق و عشق محبوب، به اوطان خود بازگردند، و به جای سوغاتهای مادی فانی، دستاوردهای باقی ابدی برای دوستان به سوغات آورند. با مشتی پر از ارزشهای انسانی- اسلامی که پیغمبران بزرگ از ابراهیم خلیل اللّٰه تا محمد حبیب اللّٰه- صلی اللّٰه علیهم و آلهم اجمعین- به انگیزه آن مبعوث شدند، به دوستان عاشق شهادت بپیوندند. این ارزشها و انگیزه هاست که انسان را از اسارت نفس اماره به سوء و وابستگی به غرب و شرق، نجات و به شجره مبارکه زیتونه لاشرقیه و لاغربیه می رساند. و اگر مسلمانان جهان به انگیزه انبیا علیهم السلام که عصاره آن در آخرین کتاب انسان ساز، قرآن کریم، این کتاب هدایت- که از مبدأ نور اللّٰه نُورُ السَّمواتِ وَالْاَرْضِ (۱)

به مشکات قلب نورانی خاتم الرسل صلی الله علیه و آله تابش نمود تا قلوب انسانها را از حجابهای ظلمت و نور برهاند و عالم را نور علی نور کند- پی برند و به اقیانوس نور متصل شوند، هرگز در اسارت شیطان و شیطان زادگان در نمی آیند؛ و برای چند روز مسند توّهمی و ریاستهای تخیلی، داغ ننگ و ذلت را بر جبین خویش نمی پذیرند؛ و برای تقرب به شیطان بزرگ و طرح اسارت بار «کمپ دیوید» و اشباه آن، به جست وخیز بر نمی خاستند. هان ای قطره های جدا از اقیانوس قرآن و اسلام، به خود آیید و به این اقیانوس الهی متصل شوید، و به این نور مطلق استناره کنید تا چشم طمع جهانخواران از شما ببُرد، و دست تطاول و تجاوز آنان قطع شود، و به زندگانی شرافتمندانه و ارزشهای انسانی برسید. از این زندگی ننگین که مشتی اسرائیلی دوره گرد،

۱- بخشی از آیه ۳۵ سوره نور: «خداوند، نور آسمانها و زمین است».

بر شما حکومت کنند و مسلمانان مظلوم را در حضور شما پایمال نمایند، رهایی یابید.

بارالها، به ما خفتگان توفیق بیداری عنایت فرما و حکام کشورهای اسلامی را به خودآر که با معیارهای اسلامی بر مسلمانان حکومت کنند و بتهای نحس و طاغوت را در هم شکنند.

۶- بر روحانیون محترم و نویسندگان و گویندگان متعهد لازم است که در فرصتهای مناسب و در محضر مسلمانان، به جبران تبلیغات مسمومی که از وسائل ارتباط جمعی وابسته به امریکا و اسرائیل، به شایعه افکنی و دروغ پردازی بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران اشتغال دارند، از اسلام و انقلاب اسلامی ایران دفاع نمایند، و چهره واقعی آن را به جهانیان معرفی نمایند. و دستاوردهای اسلامی را که با جهاد بی امان ملت متعهد ایران، با همه گرفتاریها و کارشکنیهای دشمنان اسلام در داخل و خارج، نصیب کشورشان شده است، یادآور شده و ملتها را آماده کنند. و از تهمتهایی که از ناحیه بوقهای تبلیغاتی به این ملت زده شده است پرده بردارند و نقشه ها و توطئه های امریکا و وابستگان به آن را افشا کنند. از هجوم ارتش صدام عفلقی به امر امریکا و پشتیبانی کشورهای وابسته به آن، جهانیان را با خبر کنند. مسلمانان را از آنچه به دست بعضی حکام امریکایی بر اسلام و مسلمین می گذرد که بدترین آنها شناسایی رسمی اسرائیل و بعد از آن، تاخت و تاز وحشیانه به کشور اسلامی لبنان و شهید و معلول کردن دهها هزار مردم بیگناه و بی پناه است، آگاهی دهند. شاید ملتها با اعتقاد به خدای متعال از این فاجعه بزرگ تاریخ که روی مسلمانان را در جهان و در پیش نسلهای آینده، خدای نخواسته سیاه می نماید، جلوگیری کنند و اسلام عزیز و مسلمین را از این ننگ بزرگ رهایی بخشند و خود را از این تحقیر و ذلت ناهنجار که یاد آن هر مسلمان غیرتمند را می لرزاند آزاد کنند.

۷- اخیراً به دولتهای منطقه که برای فجایع مخالف با اسلام و تعلیمات قرآن، گردهمایی می نمایند، اخطار می کنم که اقدام و قیام بر ضد اسلام و ملتهای اسلامی نکنند.

در صورتی که چنین کنند، دولت و ملت ایران که بزرگترین قدرت منطقه است، به اذن اللّٰه تعالی بر شما نخواهد بخشود و هر پیامدی که برای شما پیش آید، خود، مسئول آن

هستید. از شـما که رگ حیات و شـریان بزرگ اقتصاد و صـنایع جهان در دسـتتان است، هیچ عذری در پیشـگاه معظم خالق و مخلوق پذیرفته نخواهد شد. امید است ان شاءاللَّه تعالی اسـلام عزیز با پشتیبانی ملل اسـلامی در جهان خصوصاً منطقه، به آمال خود برسد و مسلمانان جهان بر مستکبران پیروز شوند. والسلام علی عباداللَّه الصالحین.

روح اللَّه الموسوی الخمینی

سخنرانی

زمان: صبح ۲۵ مرداد ۱۳۶۲/ ۷ ذی القعده ۱) ۱۴۰۳)

مکان: تهران، حسینیه جماران

موضوع: فلسفه حج و ابعاد سیاسی آن

حضـار: موسوی خوئینی هانماینـده امـام و سـرپرست حجـاج ایرانی)- خاتمیوزیر ارشاد اسـلامی)- روحانیون کاروانهای حـج- مسئولان وزارت

ارشاد و سازمان حج و زیارت

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

بعد سیاسی، مهمترین فلسفه حج

من باید تشـکر کنم از آقایان که تشریف آورده اند و در این مجلس با هم به گفتگو بنشینیم و مسائلی را که باید گفت تا یک حـدودی خـدمت شان عرض کنیم، و من امیـدوارم که ان شاءاللَّه آقایان موفق بشوند با سـلامت و پیروزی این سـفر مبارک را طی کنند و به محالّ خودشان مراجعت بفرمایند.

شما در سالی به حج مشرف می شوید که اوضاع دنیا و اوضاع منطقه به وضـعی است که مشاهده می کنید. اوضاع دنیا گرفتار قـدرت هـای بزرگ و مستضـعفان جهان مبتلای به این قـدرت های شـیطانی و اوضاع منطقه نیز به واسـطه دخالت قـدرت های بزرگ به این وضـعی است که مشاهـده می کنیـد. و در آسـتانه سالی به حـج مشـرف می شوید که در اثر شـکست مفتضـحانه صـدام، منـاطق مسـکونی کشور مـا مورد تجـاوز واقع می شود و بـا موشـک ها کوبیـده می شود، و اخیراً که انـدیمشک را هم ملاحظه کردیـد که بـا آن چه کردنـد، و من به ملت ایران و اهالی محترم مبارز انـدیمشک تسلیت عرض می کنم و امیـدوارم خـدای تبـارک و تعـالی شـهدای آنها را با شـهدای صـدر اسـلام محشور بفرمایـد و به بازمانـدگان آنها سـلامت و صبر عنایت بفرماید. شما در سالی دارید در این سفر مبارک

می روید که قدرت های بزرگ در منطقه مشغول به فساد هستند و تاخت و تاز. از آن طرف شوروی در افغانستان و هرجا که بتواند دست درازی می کند و ملت مظلوم افغانستان را آن طور سرکوب می کند، و بحمداللَّه ملت افغانستان هم مقابله مردانه ای در مقابل آن قدرت بزرگ کرده اند، و از آن طرف امریکا که در رأس جنایتکاران است در همه کشورهای مظلوم و خصوصاً در کشورهای اسلامی آن طور دخالت و تجاوز می کند، و از آن طرف دنیا دست دراز کرده است و ملت هایی که باید مستقل باشند، در تحت ظلم خودش قرار داده است و مع الأسف این دولت ها هم ظلم پذیر شده اند.

فلسفه حج؛ یکی از فلسفه های بزرگ حج قضیه بُعد سیاسی اوست، که دست های جنایتکار از همه اطراف برای کوبیدن این بُعد در کار هستند؛ و تبلیغات دامنه دار آنها مع الأسف در مسلمین هم تأثیر کرده است که مسلمین سفر حج را بسیاریشان یک عبادت خشک خالی بدون توجه به مصالح مسلمین می دانند. حج از آن روزی که تولد پیدا کرده است، اهمیت بُعد سیاسی اش کمتر از بعد عبادی اش نیست، بُعد سیاسی علاوه بر سیاستش، خودش عبادت است.

بررسی اوضاع مسلمین و مشکلات آنان در حج

مشکلات مردم در حج، باید تمام بلادی که وارد می شوند و مردم مستطیعش یا روحانیون محترمش وارد می شوند، باید بررسی از اوضاع مسلمین در هر سال بشود که مسلمین در چه حال هستند، بین خودشان با حکومت ها چه وضعی است، بین حکومت ها با قدرتهای شیطانی دیگر چه وضعی است، بین خود ملت ها با خود ملت ها چه وضعی است، بین روحانیونی که در بلاد متفرقه مسلمین هستند با وضع حج چه وضعی دارند.

اینها اموری است که باید رسیدگی به آن بشود و حج برای همین امور است. حج برای این است که مشکلات یک سال مسلمین را بررسی کنند و در صدد رفع مشکلات برآیند.

آن طور که آخوندهای درباری منطقه و غیرمنطقه می گویند که حج باید از جهات سیاسی خارج باشد، اینها رسول اللَّه را محکوم می کنند، اینها خلفای اسلام را محکوم می کنند، ائمه هدی را محکوم می کنند. اینها نمی دانند که این سفر حج و این حج برای

این مسائل بوده است، برای قیام ناس بوده است، برای این بوده است که مسلمین مشکلات مسلمین را درک کنند و در رفعش کوشش کنند، برای این بوده است که بین مسلمین اخوت و مودت پیدا بشود.

انزوای اسلام با تبلیغ جدایی دین از سیاست

و مع الأسف به قدری تبلیغات دامنه دار دشمنان اسلام در همه مسائل اسلامی زیاد و دامنه دار بوده است که به خود مسلمین هم باورانده اند که نباید دخالت در سیاست بکنند، به خود روحانیون هم. بسیاری از روحانیون هم باورشان آمده است که روحانی نباید دخالت در سیاست بکند. روحانی باید مسئله بگوید، آن هم مسائل غیرسیاسی. مسائل سیاسی اسلام چندین برابر مسائل عبادی اش است، برای اینکه آن مسائل سیاسی هم عبادت است مع الاضافه. کتب اسلام، کتب فقهی اسلام مشحون از مسائل سیاسی است، مشحون از مسائل اجتماعی است. و آن وقت یک دسته نادان گمان می کنند که اسلام مثل سایر ادیان منحرفه- که آن هم در اول اینطور نبوده است، بعد با دست همین استعمارگران به اینجا رسیده است- وضع این است که باید روحانی فقط بنشیند و دو رکعت نماز بخواند و برود منزلش و همان جا چرت بزند تا دوباره وقت نماز دیگر بیاید. اینها همه تبلیغاتی بوده است که در طول مدت از آنوقتی که اسلام تولد پیدا کرد و قدرت پیدا کرد به دست خلفای اَمَوی و عبّاسی و بعد هم به دست حکومت های مرتجع و بعد هم به دست قدرت های بزرگ این مسائل شده است که اسلام را منزوی کنند و منزوی کردند.

آن اسلامی که به درد جامعه نرسد، و آن اسلامی که به درد حکومت جامعه نرسد، آن اسلام منزوی است. اسلام منزوی در مساجد بود. با اسم اسلام، اسلام را منزوی کردند در چهار دیوار مساجد، مساجد بی تحرک. مسجدالحرام و مساجد در زمان رسول اکرم مرکز جنگ ها و مرکز سیاست ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده. اینطور نبوده است که در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله همان مسائل عبادی نماز و روزه باشد؛ مسائل سیاسی اش بیشتربوده. هروقت می خواستند به جنگ بفرستند اشخاص راوبسیج کنند مردم را برای جنگ ها، از مسجد شروع می کردند این امور را. مع الأسف در دنبال تبلیغات از صدر

اسلام یعنی، بعد از یک مدتی تا زمان ما مساجد یک مساجدی شده بود که اسلام در آنجا محکوم می شد. محکوم کردن اسلام به این نیست که یک کسی بگوید من اسلام را محکوم می کنم، محکوم کردن اسلام بر این است که آن چیزی که اسلام می خواهد در مسجد زیرپا گذاشته بشود. اسلام می خواهد که مردم آگاهانه برای مصالح خودشان، برای مصالح مسلمین در آنجا فعالیت بکنند و حج از مسائلی است که جنبه سیاسی اش بسیار بیشتر است از جنبه های عبادی اش. و شما آقایان که ان شاءاللّٰه با سلامت مشرف می شوید باید توجه به این معنا داشته باشید که این فکر استعماری که در مغز بسیاری از حتی روحانیین ممالک اسلامی گنجانیده شده است این را ازاله کنید. در صحبت هایتان، در اجتماعاتتان بگویید به آنها که اسلام وضعش این نیست که تاکنون ماها داشته ایم، فقط بیایند در حج و چند دور بگردند دور خانه مبارک و بعد هم وقوف و چه و چه و هیچ کار نداشته باشند که مستکبرین بر مردم دنیا و بر مسلمین چه می کنند، بی تفاوت باشند.

محکوم کنند این اشخاصی که می خواهند راجع به مصالح مسلمین صحبت بکنند. آن ضرری که از این آخوندهای درباری، اسلام می خورد، بدتر از آن ضرری است که از امریکا می خورد، برای اینکه، اینها با یک ظاهر اسلامی اسلام را منزوی می کنند و آنها با این ظاهر نمی توانند بکنند، آنها وادار می کنند اینها را. مسلمین باید در حج وقتی که می روند یک حج زنده، یک حج کوبنده، یک حجی که محکوم کنند این شوروی جنایتکار و آن امریکای جنایتکار را؛ یک همچو حجی، حجی است که مقبول است. اگر ما حج برویم و مصالح مسلمین را در نظر نگیریم بلکه برخلاف مصالح مسلمین هی روی جنایت ها پرده بپوشیم، نگذاریم مسلمین صحبت بکنند از جنایت هایی که بر مسلمین می گذرد و جنایت هایی که از حکومت ها و از قدرت های بزرگ بر مسلمین می گذرد، ما یک صحبت بکنیم، این حج نیست، این یک صورت بی معناست.

بیدار نمودن و متحد کردن مسلمین در حج

آن حجی که خدای تبارک و تعالی می خواهد و آن حجی که اسلام از ما خواسته است، آن است که وقتی می روید حج، این مسلمین بلاد را بیدار کنید، متحد کنید با هم،

بفهمانید به آنها که چرا باید بیش از یک میلیارد مسلمین تحت فشار دوتا قدرت چندصدمیلیونی باشند. تمام گرفتاری ها برای این است که مسلمین را از آن راهی که اسلام دارد منحرف کرده اند، و حتی اگر یک مجالسی هم داشته باشند لابد شنیده اید که آن مجلسی را که روحانیون داشتند و در یک جایی بود، محکوم نکردند. حاضر نشدند که افغانستان را که شوروی [اشغال] کرده، اینها لفظاً بگویند این کار درستی نیست.

این قدر هم همین کسانی که، مسیحیانی که، روحانیونی مسیحی که بودند حاضر نشدند این قدر بگویند که افغانستان چه، ترسیده بودند از این. وقتی بنا باشد که روحانیون شان اینطور، ما از آن وقت تا حالا خیال می کردیم که روحانیون مسیح امریکایی هستند، حالا معلوم شد هم امریکایی هستند هم شوروی هستند، و روحانیون مسلمین هم بسیاریشان کمتر از آنها نیستند. آنهایی که محکوم می کنند مسلمین را که نسبت به صهیونیست یک صدایی بکنند، نسبت به امریکا یک کلمه ای بگویند، آنها کمتر از آن روحانیون مسیحی که می گویند باید هیچ حرف نزد، و آن روحانیونی که طرفدار امریکا هستند کمتر از آنها نیستند، اینها هم طرفدار امریکا هستند. مسلمین باید بیدار بشوند، این یک میلیارد مسلم باید بیدار بشوند و کلک این دوتا قدرت بزرگ و دیگر قدرت ها را که در این مناطق مشغول فساد هستند، کلک اینها را بکنند.

سلطه پذیری مسلمین بواسطه عدم توجه به مسائل و احکام اسلام

ننگ نیست بر کشورهای اسلامی بر حکومتهای کشورهای اسلامی که اسرائیل بیاید و فلسطینی ها را آن طور کند؟ در لبنان آن جنایت ها را بکند و یک میلیارد جمعیت مسلمین بنشینند تماشاچی باشند؟ از چی می ترسند اینها؟ چرا باید این قدر بی عرضه باشند؟ شریان حیات شرق و غرب در دست اینهاست، نفت شریان حیات اینهاست. اگر ده روز نفت را به روی آنها ببندند خاضع می شوند آنها. در عین حالی که این شریان در دست حکومت های باصطلاح اسلامی است، در عین حال تقدیم می کنند و التماس هم می کنند. این مصیبت نیست؟ برای مسلمین این مصیبت نیست که همه چیزمان را بدهیم به خارجی ها و در طبق اخلاص بگذاریم و با منت کشیدن از آنها که بپذیرند؟ وقتی بنا شد

که مسلمین به آن مسائل الهی توجه نکنند، به آن مسائل قرآنی توجه نکنند، و احکام اسلام را درست به آن توجه نکنند و دعوت اسلام به وحدت را زیر پا بگذارند، ناچار باید اینطور بشوند که همه چیزشان را بدهند و التماس هم بکنند به آنها که قبول کنید شما.

نباید مادیگر بیداربشویم؟ نبایداینهاعبرت بگیرند ازایران؟ امروزهمه کشورهای بزرگ عالم از شوروی گرفته است که دارد دائماً به عراق کمک می کند، و از امریکا گرفته است که آن هم همین طور، واز فرانسه که مرکز فسادهمه دنیا شده است، کشوری که ادعا می کرد که اینجا مهد آزادی و کذاست حالا این تروریست ها را در آنجا جا داده است و به صدام کمک می کند و به این کمک افتخار می کند. مسلمین باید توی دهن اینها بزنند و اگر مجتمع بشوند خواهند زد. و ایران همان طور که همه دنیا دیده است- ولو زیر پا گذاشته اند مطالب را- همه عالم الآن مطلعند که شوروی و امریکا و سایر قدرت ها از ایران سیلی خوردند به برکت اسلام، و نخواهد دیگر این ملت اسلامی گذاشت که راه آنها به این مملکت باز بشود. آنهایی که به آرزوی این نشسته اند که امریکا دوباره بیاید یا شوروی بیاید، آنها خیال باطل به خودشان راه داده اند، به این آرزو نباشند و لااقل تا وقتی که اینها زنده هستند، تا آن وقت امریکا و شوروی نمی تواند به این مملکت وارد بشود.

خسته نشدن ملت ایران در جنگ با متجاوزان

این جوان های ما که الآن در سرتاسر کشور به جنگ می روند و در جبهه ها آن طور حماسه ها می آفرینند، تا این جوان ها هستند و ان شاءاللَّه هستند نمی تواند کسی به این مملکت صدمه وارد کند. آنهایی که تو خانه نشسته اند و می گویند که مردم خسته شده اند از جنگ، و خسته شده اند از چه و چه، آنها خودشان خسته هستند، از اول هم خسته بوده اند. مردم کی اند؟ این اندیمشک است که مورد تجاوز واقع بشود، دنباله اش جنگ جنگ تا پیروزی می گوید. آن هم جاهای دیگری که از دزفول گرفته تا هر جا که ملاحظه کنید به مجرد اینکه یک فسادی در آنجا واقع می شود و صدام یک جنایتی می کند دنبالش همه مردم می ایستند و فریاد می زنند مرگ بر کی و مرگ بر کی و جنگ جنگ تا پیروزی. اینها مردم نیستند؟ این مردمی که در مساجد و در نمازجمعه ها و سرتاسر کشور

مجتمع انـد و فریادشان بلند است از اینکه جنگ باید کرد، و خودشان هم داوطلب الآن دارند به طرف جبهه ها می روند، اینها مردم ایران نیستند؟ اینها از کره مریخ آمده اند؟

مردم ایران عبارت از یک دسته ای هستند که نشسته اند و نه یکی شان رفته اند به جبهه، نه یکی شان کمک کرده اند به جبهه با اینکه بعضـی شان هم دارای کذا و کذا هستند! فقط مردم ایران اینها هستند که در عین حالی که دارد این کشور به طرف فنا خدای نخواسته می رود- اگر چنانچه سست بیایند جوان های ما- شما چند نفر هستید مردم ایران که می گویید از جنگ خسته شـده ایم؟ شـما چه وقت جنگ کرده ایـد که خسـته بشویـد؟ شـما کدام یکی تان رفته است به جبهه تا یک خسـتگی احساس بکنـد؟ کدامتان حاضـر شده است که امریکا و شوروی را محکوم کند؟ شـما مثل سایر آنهای دیگری می مانید که نشسـته اید آنجا و هی اشکالتراشـی می کنید به این ملت. ملت اینها هسـتند، ملت این مردم کوچه و بازار هسـتند، این مردم دهات و- نمی دانم- قصـبات و شهرسـتان ها، اینها هستند که دارند به جنگ کمک می کنند و به جبهه ها، پشت جبهه ها کمک می کنند، و بانوانشان و بچه هاشان و بزرگ هایشان و همه شان مشـغول خدمت هسـتند. اینها که خسـته نشده اند. از چی خسـته بشوند؟ از اسـلام روبرگردانند؟ امروز اگر مـا از این جنـگ و از این دفـاع مقـدس، ما جنگ نـداریم با کسـی، ما دفاع داریم می کنیم از کشور خودمـان. مـا بـاز کشورمـان تحت سـلطه صـدام هست یک مقـداری از آن. مایی که داریم دفاع از اسـلام می کنیم اگر خسـته بشویم معنایش این است که ما از قرآن کریم دیگر خسته شده ایم، از اسلام خسته شده ایم. کدام یک از این افرادی که در این کشور هسـتند الا یک دسـته اقلیت فاسد، خسـته هستند از این امور؟ این جوان های ما می دانند که اگر خدای نخواسته، صـدام غلبه پیـدا کنـد به این کشور چه خواهـد کرد و با همه چیز مردم چه خواهد کرد. این جوان های غیوری که یک همچو احساسـی دارند می نشـینند تو خانه شان و می گویند که خسـته شده ایم از جنگ؟! از چی خسـته شده اند؟ از دفاع از نوامیس شان خسـته شده اند؟! از دفاع از کشورشان خسـته شده اند؟! ازدفاع از اسـلام خسته شده اند؟! ازچه خسته شده اند؟ یک دسته هم نشسـته اند هر کار صحیحی هم بشود آنها می گویند خراب است. هر خدمتی هم که دولت می کند آنها می گویند خراب است. آنها از اول دلشان می خواهد که وضع، این

وضع نباشد، برگردد به آن زمان های رفاه نمی دانم چی که جوان ها تو قهوه خانه بروند و توی کاباره ها بروند و چه بکنند و پیرها هم مجالسی داشته باشند به عیش و نوش. اینها دلشان می خواهد این بشود و این خواب را نخواهید ترجمه اش را دید. این خواب تعبیر برای شما نخواهد شد.

تحول درونی ملت ایران و جانفشانی برای اسلام

این ملت یک ملت زنده است، یک ملتی است که دنیا الآن رویش حساب می کند.

این ایرانی بود که همسایه هایش هم قبولش نداشتند. این ایرانی بود که فقط با لفظ، با لفظ آقای آریامهر یک تبلیغاتی برایش می شد و الّا کجا چیز داشت، همه اش وابستگی، همه اش خرابی. سرتاسر کشور ما که ملاحظه بکنید الّا شهرستان ها آن هم تهران عمدتاً که مورد توجه بود و می خواستند آن هم چون اشراف و اعیان در اینجا هستند، آنها خوش بگذرانند، این دهات و قصبات و آن جاهای دور افتاده یک نظر به آن نشد. این بدبخت ها باید با الاغ از این ور آن ور بروند مریض هایشان را ببرند بین راه هم بمیرند.

دولت الآن مشغول است برای راه درست کردن و مشغول است برای بیمارستان درست کردن و برای مدرسه درست کردن که چندین هزار مدرسه درست شده است، چندین هزار کیلومتر راه درست شده است. همه اینها را آقایان نشسته اند توی خانه شان می گویند هیچی نشده است. چی چی می خواهید بشود؟ آنچه که شده در زمان رضاخان شده است و در زمان محمدرضا شده است که خیابان ها را آن طور مرکز فساد قرارداده بودند؟ شما آنها را صحیح می دانید! آن چیزی که در این چند سال شده است، از همه جهات، آن تحولی که در جوانهای ما پیدا شده است که از کاباره ها کشیده شده اند به میدان جنگ با کفار، از مراکز فساد کشیده شدند به مراکز صلاح و دعا و نیایش، بانوان ما که آن طور با آنها ظلم شده بود امروز در سرتاسر کشور مشغول تعلیم و تعلم هستند و مشغول جهاد هستند فی سبیل اللّه. چی می خواهید بشود؟ آقایان چرا چشم هایتان را هم گذاشته اید و گوش هایتان را به بوق های امریکا و اروپا باز کرده اید؟ چشم هایتان را باز کنید ببینید چه خبر شده است در ایران. دیگران باید بگویند؟ گاهی هم می گویند البته. شماها که باید

تبلیغ کنید از این اسلام، تبلیغ کنید از این دیانت، تبلیغ کنید از این کشور، دفاع کنید از این کشور با قلم تان، با صحبت تان، با چی، هی اشکال، اشکال، اشکال، برای چی؟ شما چی کم دارید که اشکال می کنید؟ این مردم، این مستضعفین، این بیچاره ها، این جنوب شهری های همه کشور ما اینطور دارند جانفشانی برای اسلام می کنند و هیچ هم اظهار خستگی نکرده اند. الآن هم وقتی که می بینید فوج فوج حرکت می کنند به جبهه ها برای جنگ و برای دفاع از اسلام، اینها ملت نیستند؟ این جوان ها که دارند می روند جزء این ملت نیستند؟ ملت اینجا، ملتی باشد که از امریکا باید بیاید؟ بیدار بشوید یک قدری، توجه کنید یک قدری به مسائل.

اقتدار و عزت مسلمین، در تبعیت ننمودن از قدرتها

و شما آقایان که دارید مشرف می شوید به این بیت معظم الهی، علاوه بر اینکه باید خیلی جدیت کنید به اینکه این مردمی که بسیاریشان مسائل حج را خوب نمی دانند، مسائل حج را برای اینها بگویید قبل از اینکه هر کاری را می خواهند بکنند، در هرجا هستید مردم را بخواهید آنجا و مسائل حج را برایشان با قاعده گوشزد کنید، بگویید، همین طور واجباتش را، محرماتش را، اینطور چیزها. علاوه بر این، آن مسائلی که باید، با مسلمین در میان بگذارید، معاشرت کنید با آنها، البته با یک نظامی و به آنها حالی کنید که آقا چرا نشسته اید که امریکا از آن ور دنیا دستش را دراز کند و شما را بخواهد اداره کند.

بخواهد خلیج فارس را، خلیج فارس به توچه کار دارد؟ تو چکاره هستی که از آن ور می خواهی خلیج فارس را تأمین کنی؟ ما خودمان باید بکنیم، به شما چه ربطی دارد؟

مسلمان ها خودشان باید بکنند، خلیجی ها باید بکنند این را. ما میل داریم که با همه کشورهای اسلامی برادر باشیم، با همه حکومت ها در عین حالی که اعوجاج دارند برگردند و با ما دست اخوت بدهند. ما صلاح همه را می خواهیم، ما می خواهیم که آنها عزیز باشند، ما می خواهیم آنها نوکر امریکا نباشند، امریکا از آن ور دنیا آقایی نکند به شما، شوروی هم از آن ور. شما با هم باشید. شما همین حکومت هایتان با هم باشد، ملت هایتان دنبالتان هستند. شما با ملت ها خوش رفتاری کنید، ملت ها دنبال شما هستند،

اگر خوش رفتاری کردید و جهات اسلامی را مراعات کردید، این ملت ها همراه شما هستند، آن وقت آسیب ناپذیر هستید. الآن حکومت ایران آسیب ندارد برای اینکه، برای مردم دارد خدمت می کند و مردم هم دنبال او هستند؛ مردم حافظ هستند. اگر یک گرفتاری در زمان رضاخان پیش می آید، در زمان محمدرضاخان پیش می آید برای آنها، مردم خوشحال می شدند که این گرفتاری برایشان پیش آمده. امروز اگر یک گرفتاری برای کشور ما پیدا بشود، برای حکومت ما پیدا بشود، مردمند که حل می کنند این را، و دولت هم خدمتگزار است و باید خدمتگزارباشد. مجلس هم خدمتگزار است و باید خدمتگزار باشد. همه ما باید خدمتگزار باشیم به این مردم. همه باید تشکر کنیم از اینهایی که این جنگ را دارند اداره می کنند با این فشارها، در عین حالی که همه بر خلاف هستند و همه می خواهند که ما منزوی باشیم. بحمداللَّه ایران در همه دنیا مطرح است و مسلمین همراه او هستند. و من امیدوارم که این سفر مبارک شما را موفق کند به اینکه این مسلمین جهان را، این روحانیون کشورها را، این روحانیون درباری را که در آنجا لابد می آیند، توجه بدهید به اینکه آقا چرا باید شما عزت خودتان را در نوکری امریکا بدانید؟ در نوکری صهیونیست ها بدانید؟ شما آقایی خودتان را از اسلام کسب کنید، آقایی خودتان را از بیت اللَّه کسب بکنید. دور بیرق اسلام جمع بشوید، دور حول خانه خدا جمع بشوید و با هم بیعت کنید که اجتماعتان، همه تان بر خلاف مصالح اسلام نباشد و بر وفاق مصالح باشد، و دست قدرت های بزرگ را ان شاءاللَّه کوتاه کنید، و این کنگره بزرگ اسلامی ان شاءاللَّه به نتیجه مطلوبی که اسلام دارد برسد و شماها با سلامت و سعادت مشرف بشوید. و دعا کنید به اسلام و مسلمین، و دعا کنید که مسلمین و سران اسلام بیدار بشوند و توجه بکنند به مصالح اسلامی. و دعا کنید به این ملتی که همه چیزش را در طبق اخلاص برای اسلام گذاشته و دارد فعالیت می کند، و دعا کنید که خداوند این کوردل هایی که گاهی پیدا می شود در ایران یا در جاهای دیگر، اینها را خدا هدایت کند که به دامن اسلام برگردند و متوجه به مصالح اسلامی باشند و ننشینند هی کارشکنی بکنند، همراهی کنند با این ملت. (۱) والسلام علیکم و رحمه اللَّه

۱- در صحیفه نور، ذیل تاریخ ۲۶/ ۵/ ۶۲ درج شده است.

ص: ۱۲۰

پیام

زمان: ۱۲ شهریور ۱۳۶۲/ ۲۵ ذی القعده ۱۴۰۳

مکان: تهران، جماران

موضوع: حجّ ابراهیمی؛ تذکرات و توصیه ها به زائران خانه خدا

مخاطب: مسلمانان ایران و جهان، خصوصاً زائران بیت اللَّه

حجّ ابراهیمی ...

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

فرا رسیدن عید بزرگ اسلامی قربان را به همه مسلمین تبریک عرض می کنم.

عیدی که انسانهای آگاه را به یاد قربانگاه ابراهیمی می اندازد؛ قربانگاهی که درس فداکاری و جهاد را در راه خدای بزرگ به فرزندان آدم و اصفیا و اولیای خدا می دهد.

عمق جنبه های توحیدی و سیاسی این عمل را جز انبیای عظام و اولیای کرام- علیهم الصلوه و السلام- و خاصّه عباداللَّه کس دیگری نمی تواند ادراک کند. این پدرِ توحید و بت شکنِ جهان به ما و همه انسانها آموخت که قربانی در راه خدا، پیش از آنکه جنبه توحیدی و عبادی داشته باشد، جنبه های سیاسی و ارزشهای اجتماعی دارد. به ما و همه آموخت که عزیزترین ثمره حیات خود را در راه خدا بدهید و عید بگیرید. خود و عزیزان خود را فدا کنید، و دین خدا را و عدل الهی را برپا نمایید. به همه ما، ذریّه آدم، فهماند که «مکّه» و «منی» قربانگاه عاشقان است. و اینجا محل نشر توحید و نفی شرک؛ که دلبستگی به جان و عزیزان نیز شرک است. به فرزندان آدم درس آموزنده جهاد در راه حق را داد که از این مکان عظیم نیز فداکاری و از خودگذشتن را به جهانیان ابلاغ کنید. به جهانیان بگویید در راه حق و اقامه عدل الهی و کوتاه کردن دست مشرکان زمان باید سر از پا نشناخت، و از هر چیزی حتی مثل اسماعیل ذبیح اللَّه، گذشت. که حق جاودانه شود. این بت شکن و

فرزنـد عزیزش، بت شـکن دیگر، سـید انبیا، محمد مصـطفی صـلی الله علیه و آله به بشـریت آموختند که بتها هرچه هست باید شکسـته شود؛ و کعبه، که امّ القُری است، و آنچه از آن بسـط پیـدا کرده تـا آخرین نقطه زمین، تـا آخرین روز جهـان، بایـد از لوث بتهـا تطهیر شود: بت هرچه باشـد، چه هیاکل، چه خورشـید، چه ماه، و چه حیوان، و انسان. و چه بتی بـدتر و خطرناکتر از طاغوتهای در طول تاریخ از زمان آدم صفی اللّه، تا ابراهیم خلیل اللّه، تا محمد حبیب اللّه- صلی اللّه علیهم و آلهم اجمعین- تا آخر الزمان که بت شـکن آخر از کعبه نـدای توحید سـر دهد. مگر ابرقدرتهای زمان ما بتهای بزرگی نیسـتند که جهانیان را به اطاعت و کرنش و پرسـتش خود می خواننـد، و با زور و زر و تزویر خود را به آنان تحمیل می نمایند؟ کعبه معظّمه یکتا مرکز شکسـتن این بتهاست. ابراهیم خلیل، در اول زمان، و حبیب خدا و فرزند عزیزش مهدی موعود- روحی فداه- در آخر زمان، از کعبه ندای توحید سردادند و می دهند.

خداوند تعالی به ابراهیم فرمود: وَ أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجَالًا وَ عَلَی کُلِّ ضَامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ. (۱)

و فرمود: وطَهِّرْ بَیْتِیَ لِلطَّائِفِینَ وَ الْقَائِمِینَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُودِ (۲)

و این تطهیر از همه ارجاس (۳) است، که بالاترین آنها شـرک است که در صدر آیه کریمه است. ودر سوره توبه می خوانیم: وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّه وَ رَسُوْلِهِ إِلَی النّاسِ یَومَ الحَجِّ الأَکبرِ أَنَّ اللَّه بَرِیٌٔ مِنَ المُشرِکینَ وَ رَسُولُهُ. (۴)

و مهدی منتظر، در لسان ادیان و به اتفاق مسـلمین، از کعبه ندا سـر می دهد و بشریت را به توحید می خواند. همه فریادها را از کعبه و مکّه سر می دهند؛ و ما باید از آنها تبعیت کنیم و ندای توحید کلمه و کلمه توحید را از آن مکان مقدس سردهیم؛ و با فریادها و دعوتها و تظلمها و افشاگریها و اجتماعات زنده و

۱- «ومردم را به حج فراخوان تا پیاده یاسوار برشتران تکیده از راههای دور نزد تو آیند». سوره حج، آیه ۲۷.

۲- «و پاکیزه بـدار خانه مرا برای طواف کننـدگان و به نماز ایسـتادگان و رکوع کنندگان و سـجده کنندگان». سوره حج، آیه ۲۶.

۳- جمع رجس: پلیدی، گناه، وسوسه شیطان.

۴- «و اعلانی است از خدا و رسولش به مردم در روز «حج اکبر»، که خدا و رسولش از مشرکان بیزارند». سوره توبه، آیه ۳.

کوبنده در مجمع مسلمین در مکّه مکرّمه بتها را بشکنیم؛ و شیاطین را، که در رأس آنها شیطان بزرگ است، در عَقَبات «رَمی» کنیم و طرد نماییم؛ تا حج خلیل اللّه و حبیب اللّه و ولی اللّه، مهدی عزیز، را به جا آورده باشیم؛ و الّا در حق ما گفته می شود: مَا أَکثَرَ الضَجِیجَ وَ أَقَلَّ الحَجِیجَ. (۱)

امید است حجاج محترم بیت اللّه الحرام، از هر فرقه هستند و اهل هر مذهب می باشند، در مواقف و مشاعر محترمه، دست جمعی برای پیروزی اسلام بر کفر جهانی دعا کنند؛ و برای بیداری مسلمانان و حکومتهای آنان فریاد کنند و دعای بلیغ نمایند.

شاید به برکت دعا در محیط وحی و محل کسرِ اصنامِ (۲) جاهلیت، خداوند تبارک و تعالی بر مسلمین تفضل کند و مجد و عظمت صدر اسلام را به آنان برگرداند و دست اجانب و جهانخواران را از بلاد آنان کوتاه فرماید و ابر رحمت و غفران خود را بر سر عموم مسلمین بباراند. إِنَّه عَفُوّاً غَفُوراً.

اینک تذکر بعض مطالب برای زائران بیت اللّه الحرام و عموم مسلمین لازم است، گرچه کراراً عرض شده است:

۱- از امور مهمه ای که لازم است حجاج محترم و علمای کاروانها وقت شریفشان را صرف آن کنند یاد دادن و یاد گرفتن مسائل حج است؛ که کوتاهی از آن ممکن است موجب زحمتهای فراوان شود، از قبیل بطلان حج یا باقی ماندن به احرام. علمای اعلام کاروانها از زوّار کاروان خویش دعوت نمایند و برای آنان مجلس درس مناسک قرار دهند. و حجاج واجب است برای یادگرفتن لحظه ای را کوتاهی نکنند و با تمام توان مسائل را یاد بگیرند، و با علم به مسائل مناسک را عمل کنند.

۲- همه می دانیم و باید بدانیم که آنچه از قرنها پیش تاکنون بر سر مسلمین آمده، خصوصاً در یکی دو قرن اخیر که دست دولتهای اجنبی به کشورهای اسلامی باز شده و سایه شوم آنان بلاد مسلمین را به تاریکی و ظلمات کشانده است و ذخایر خداداد آنان را

۱- «ناله کنندگان چه بسیارند ولی حاجیانواقعی) کم!». بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۱۸۱.

۲- شکستن بتها.

به باد فنا داده و به طور مداوم می دهد، غفلت مسلمانان از مسائل سیاسی و اجتماعی اسلام است، که به دست استعمارگران و استثمارچیان و عمّال غربزده و شرقزده آنان به توده های مسلمانان محروم تحمیل شده است؛ که حتی غالب علمای اسلام گمان می کردند و می کنند که اسلام از سیاست منزه است و یک شخص مسلمان نباید در سیاست دخالت کند. چپاولگران حیله گر کوشش کردند به دست عمال به اصطلاح روشنفکرِ خود اسلام را همچون مسیحیت منحرف به انزوا کشانند و علما را در چهارچوب مسائل عبادی محبوس کنند؛ و ائمه جماعات را در مساجد و محافل عقد و ازدواج منزوی، و مقدسین از توده را سرگرم ذکر و دعا، و جوانان عزیز را سرگرم عیش و نوش، از صحنه امور سیاسی و اجتماعی و اهتمام به امور مسلمین و گرفتاری بلاد اسلامی خارج نمایند. و در این امر توفیق بسزایی پیدا کردند. و از این جهالت و غفلت ما سوء استفاده نمودند، و بلاد مسلمین را یا مستعمره خویش نمودند و یا به استثمار کشیدند؛ و بسیاری از سلاطین و حکام مسلمین را استخدام نموده، و با دست آنان ملتها را به استضعاف و استثمار کشاندند؛ و وابستگی و فقر و فاقه و پیامدهای آنها گریبانگیر توده های دربند گردید. و اکنون نیز مسلمین به غفلت خود و عمال استعمار به تبلیغات خود و ابرقدرتها به سلطه و چپاول خود ادامه می دهند؛ و آخوندهای مزدور و درباری به عقب نگه داشتن مسلمانان و جهالت و غفلت آنان دامن می زنند. و إِنّا للّه وَ إِنّا الَیهِ رَاجِعُونَ.

۳- از جمله مسائلی که به مسلمانان و مستضعفان جهان اجازه هیچ گونه فعالیت برای خروج از قید و بند استعمارگران را نمی دهد و آنان را به حال رکود و عقب افتادگی نگاه می دارد، تبلیغات همه جانبه ای است که غربزدگان و شرقزدگان، یا به امر ابرقدرتها، یا با کوتاه نظری خود، در سراسر کشورهای اسلامی و استضعافی به راه انداخته اند و می اندازند. و آن است که علم و تمدن و پیشرفت مختص به دو جناح امپریالیزم و کمونیسم است؛ و آنان، خصوصاً غربیها و اخیراً امریکاییها، نژاد برتر هستند، و دیگران نژادپست و ناقص هستند؛ و ترقی آنان در اثر والا نژادی آنان است؛ و عقب افتادگی اینان در اثر نقص نژادی است! و به تعبیر دیگر، آنان انسانهای تکامل یافته هستند؛ و اینان در

حال تکامل، که پس از میلیون ها سال به تکامل نسبی می رسند. پس، کوشش برای پیشرفت بیفایده است. و آزادگان یا باید وابسته بـه سرمایه داری غرب باشند، و یـا کمونیسم شرق. و بـه بیـان دیگر، مـا از خـود هیـچ نـداریم، و بایـد همه چیز را از ابرقدرتهای غرب یا شرق بگیریم: علم را، تمدن را، قانون را، و پیشرفت را! و شما امروزِ سیاه ما را می بینید که در اثر این تفکر که بر ما تحمیل کرده اند هرچیز، اگرچه ممتاز باشد و از خودی باشد، به همین جرم مشتری اش کم است؛ و همین را اگر اسـم غربی به آن بگذارنـد، مشتری زیاد پیـدا می کنـد. پارچه ایران حتماً باید در حاشـیه اش حروف خارجی و لاتین داشـته باشد تا مشتری پیدا کند! و مرضـهایی که در خود کشور به نحو شایسـته معالجه می شود باید به خارج سـفر کرد تا معالجه شود. و این باور در حالی است که بعض دانشـمندان و نویسـندگان غیر مسـلمان با شواهد زنده ثابت نموده اند که تمدن و علم از اسلام به اروپا رفته و مسـلمانان در این امور پیشـقدم بوده انـد. باید گفت که دانشـگاههای ما به دست یک مشت غربزده خود باخته، یا مزدور، اداره می شـد. و دانشـمندان متعهـد در اقلیت بودند، و قدرت را از آنان سـلب کرده بودند. و آن دسـته اکثریتِ غربزده جوانان را عاشق غرب می کردند و فوج فوج به خارج می فرستادند. و در خارج دست استعمار کار خود را می کرد، و جوانان را در حدی که مطلوب اسـتعمارگران بود نگه می داشـتند؛ و با افکار غربی و غیراسلامی و غیر ملی به کشور بازمیگرداندند. و این فاجعه قرن اخیر برای ممالک اسلامی و اشتباه آنها بود. و حدیث مفصل را از این مجمل باید خواند.

۴- و از جمله چیزهایی که مانع دفاع مسلمین از کشورهایشان است، تبلیغات دامنه دار برای هر چه بزرگتر جلوه دادن قدرتهای خارجی است. در سابق از انگلیس، به دست به اصـطلاح روشـنفکران و تحصیلکردگان غربزده، یک غول ساخته شده بود و به دولت هـای بی اطلاع و ملتهـای دربنـد تحمیـل کرده بودنـد که اگر به یک فراش سـفارتخانه انگلیس یک حرف درشت زده شود، ایران به باد فنا می رود! و پرچم سـفارت بر سر خانه هر مجرمی که افراشته می شد از مجازات مصون می گشت. و اشاره سفیر انگلیس به دولت یـا صـدر اعظم، کـافی بـود برای اجرای اوامر و اطـاعت بی چون و چرای او. و امروز از این دو قـدرت، خصوصاً امریکا، در بلاد مسلمین همان غول را بسیار بزرگتر و

شاخدارتر ساخته اند؛ و گمان می کنند اگر به یکی از این دو قطب گفته شود بالای چشمت ابروست، کشور از بین می رود! و با خیالهای خام و مقایسه عصر حاضر با عصرهای گذشته و دامن زدن وابستگان غربزده به این نحو شایعه ها، مسلمین را از دفاع بحق خود مأیوس نمودند. و جرم این خود باختگان ملی نما کمتر از مجرم اصلی نیست.

۵- امروز چاره چیست و برای شکستن این بتها چه تکلیفی متوجه مسلمانان جهان و مستضعفان می باشد؟ یک چاره که اساس چاره هاست و ریشه این گرفتاریها را قطع می کند و فساد را از بن می سوزاند، وحدت مسلمانان، بلکه تمامی مستضعفان و دربند کشیده شدگان جهان، است. و این وحدت، که اسلام شریف و قرآن کریم بر آن پافشاری کرده اند، با دعوت و تبلیغ دامنه دار باید به وجود آید. و مرکز این دعوت و تبلیغ مکّه معظّمه در زمان اجتماع مسلمین برای فریضه حج است، که ابراهیم خلیل اللَّه و محمد حبیب اللَّه شروع، و در آخر الزمان حضرت بقیهاللَّه- أرواحنا لمقدمه الفدا- تعقیب می کند. به ابراهیم خلیل اللَّه خطاب می شود که مردم را به حج بخوان تا برای «شهود منافع» خود از همه اقطار بیایند. این منافع جامعه است: منافع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی بیایند و ببینند تو که بر آنان پیغمبری عزیزترین ثمره حیات خود را در راه خدا تقدیم کردی، و همه ذریه آدم باید به تو تأسی کنند. ببینند که بتها را شکستی و آنچه جز خداوند بود به دور افکندی، شمس باشد یا قمر، هیاکل، حیوانات یا انسانها؛ و گفتی و از روی حقیقت گفتی: وَجَّهتُ وَجهِیَ لِلَّذی فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالارْضَ حَنیفاً مُسلِماً وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِکینَ (۱)

و همه باید به پدر توحید و پدر پیامبران عظیم الشأن تأسی کنند. و در سوره توبه که امر شد در مجمع عمومی در مکّه خوانده شود، می خوانیم: و اذان من اللَّه و رسوله الی النّاس یوم الحجّ الاکبر ان اللَّه بری ء من المشرکین و رسوله. (۲) فریاد برائت از مشرکان در مراسم حج. و این یک فریاد سیاسی- عبادی است که رسول اللَّه صلی الله علیه و آله، به آن امر فرمود.

۱- همانا روی خود را یکتاپرست و تسلیم به سوی کسی متوجه ساخته ام که آسمانها و زمین را آفرید. ومن از مشرکین نیستم. بخشی از آیه ۷۹ سوره انعام

۲- در روز حج بزرگ از جانب خدا و پیامبرش به مردم اعلام می شود که خدا و پیامبرش از مشرکان بیزارند. سوره توبه آیه ۳

حال بایـد به آن آخونـد مزدور که فریاد مرگ بر امریکا و اسرائیل و شوروی را خلاف اسلام می داند گفت تأسی به رسول خدا و متابعت از امر خداوند تعالی خلاف مراسم حج است؟ آیا تو و امثال تو آخوند امریکایی فعل رسول اللَّه صلی الله علیه و آله و امر خداونـد را تخطئه می کنید، و تأسی به آن بزرگوار و اطاعت فرمان حق تعالی را بر خلاف می دانید و مراسم حج را از برائت از کفار تنزیه می کنید، و اوامر خدا و رسول را برای منافع دنیایی خود به طاق نسیان می سپارید، و برائت و نفرین را نسبت به دشمنان اسلام و محاربان با مسلمانان و ستمگران بر مسلمین کفر می دانید؟ ما امیدواریم که دولت سعودی به وسوسه این آخوندهای از خدا بی خبر گوش فرا ندهد؛ و مسلمین را، همانطور که وعده نموده است، در مراسم حج و برائت از کفار و مشرکان آزاد گـذارد، و در این عمـل الهی بـا آنان، خصوصاً زائران ایرانی و فلسـطینی و لبنانی و افغانی که مورد تجاوز کفار قرار گرفته اند، هماهنگ شود؛ تا دشمن مشترک همه مظلومان را با ندای واحد به عالمیان معرفی کنند.

و من موکداً از زوّار ایرانی و دیگر زائران بیت اللَّه الحرام می خواهم که نظم و آرامش را مراعات کنند؛ و به دستورات نماینده اینجـانب، جنـاب حجت الاسـلام آقـای خوئینی هـا عمـل کننـد؛ و همه مسـلمانان را برادر خود بداننـد، و بـا آنان به طوری که شایسته یـک مسـلمان متعهـد است عمل نماینـد. امیـد است دولت سـعودی نیز با حجاج ایرانی، که از سـتمکاران غـدّار که به کشورهـای اسـلامی تجـاوز و دخالت های بیجا می کننـد تظلم می نماینـد، به نحوی شایسته هماهنگی نموده، و با همکاری و همگامی و وحـدت کلمه کفار متجاوز به حریم اسـلامی را محکوم کننـد؛ تا حـج امسال ان شاءاللَّه تعالی به طوری که مرضـی خداوند و رسول اللَّه صلی الله علیه و آله است انجام گیرد.

۶- از جمله چیزهایی که برای قیام مسـلمانان و مستضـعفان جهان علیه چپاولگران جهانی و مسـتکبران جهانخوار لازم به تـذکر است. آن است که نوعاً قدرتهای ستمگر از راه ارعاب و تهدید یا به وسیله بوقهای تبلیغاتی خودشان و یا به وسیله عمال مزدور بومی خائنشان مقاصد شوم خود را اجرا می کنند. در صورتی که اگر ملتها با هشـیاری و وحدت در مقابلشان بایسـتند، موفق به اجرای آن نخواهنـد شـد. شواهد بر این مدعا زیاد است. و زنده ترین شاهد در کشورهای منطقه ایران و افغانسـتان است. ایران، چنانچه می دانیم و

می دانیـد، دست بسته تسلیم امریکـا بود؛ و شاه مخلوع خائن این کشور را در تمامی ابعاد وابسته به امریکا کرده بود، و ایران یکی از پایگاههـای نظـامی امریکـا بـود. ارتش در دسـت مسـتشاران آن، و فرهنـگ در دست جیره خـواران، و شـاه و دولت و مجلس از نوکران و سرسپردگان بودنـد. اقتصاد در وابسـتگی از آنها بـدتر. و شاه مخلوع در منطقه نیرومندترین ژاندارم بود. و پشتیبان او امریکا و دیگر کشورهای وابسته به آن بودند. و از حیث تجهیزات نظامی بسیار غنی بود. با اینهمه، ملت معظّم ایران، که فاقـد قدرت نظامی و تجهیزات رزمی و حربی بود، با دست خالی و ایمانی قوی فرا گرفته از اسـلام و عزمی راسخ و اتکا به خـدای تعـالی و اعتمـاد به نفس در مـدتی کوتـاه به طور معجزه آسـا بتهای تخیلی ساخته و پرداخته غربزدگان را فرو ریخت و طومار سـتمگریهای دو هزار و پانصـد ساله را در هم پیچیـد و بر اسـطوره های تاریـخ سازان و بت تراشان خط ابطال کشـید. و افغانسـتان هجوم نـاجوانمردانه شوروی، آن قـدرت اسـطوره ای و ارتش قدرتمنـد حکومت غاصب و حزب خائن، را با قـدرت ایمـان و اتکـال به خـدای بزرگ و اعتمـاد به خویش درهم کوبیـد؛ به طوری که بایـد گفت شوروی با پریشانی و پشـیمانی از هجـوم ظالمـانه خود بسر می برد؛ و در حیرت است که چگونه از افغانسـتان بـدون آبروریزی جـا خـالی کنـد. و همچنین ملت قدرتمنـد و علمـای متعهـد بودنـد که فرانسه و انگلسـتان غاصب را از الجزایر و عراق بیرون کردنـد. اینها و امثال اینها برای فرو ریختن رعب هـای ساختگی به دست اسـتعمار و اسـتثمارگران کافی است که مسـلمانان و دولت های کشورهای اسـلامی را از خواب گران بیـدار کنـد، و این طلسـمهای ساختگی را و سـحرهای شـیطانی را ابطال نمایـد، و مسـلمانان و دولتهای آنان را، با داشـتن یـک میلیـارد جمعیت و در دست داشـتن شـریان حیـات غرب و شـرق و دارا بودن کشورهای وسـیع و غنی، از سـحر و وحشتزدگی خارج کنـد. و از ایران که با جمعیت ناچیز سـی و چند میلیونی دست همه قدرتها را از کشور خود قطع و تمام قید و بنـدهای اسـتعماری را گسـیخت و مسـتشاران و مفتخواران را از میهن عزیز رانـد عبرت بگیرنـد. و به بوق های اسـتعماری، که یکصدا از اول پیروزی انقلاب تاکنون با شایعه پردازیها و نشـر اکاذیب ایران را یک کشور در حال سـقوط و ورشکسته معرفی کرده و می کنند، گوش فرا ندهند. و از یک قدرت اسلامی، که هدفش سرافرازی مسلمین و

کوتاه کردن دست ستمگران از ذخایر خداداد آنان است و پیوسته می خواهد بین برادران اسلامی صلح و صفا و اخوت ایمانی برقرار باشد، قدردانی کنند. و بدانند که کشورهای قدرتمند فرصت طلب، که غایت آمالشان دست یافتن به کشورهای اسلامی و مستضعف است، آنان را در مواقع گرفتاری تنها می گذارند، و کلمه «وفا» در قاموس آنان راهی ندارد.

۷- اگر ان شاءاللّٰه آن وحدت بین مسلمین و دولتهای کشورهای اسلامی که خداوند تعالی و رسول عظیم الشأنش خواسته اند و امر به آن و اهتمام در آن فرموده اند حاصل شود، دولتهای کشورهای اسلامی با پشتیبانی ملتها می توانند یک ارتش مشترک دفاعیِ بیش از صد میلیونیِ تعلیم دیده ذخیره و یک ارتش ده ها میلیونی زیر پرچم داشته باشند، که بزرگترین قدرت را در جهان به دست آورند. و اکنون که این حاصل نیست، دولتهای اسلامی منطقه و حواشی آن می توانند یک ارتش ذخیره ده ها میلیونی و یک ارتش بیش از ده میلیونیِ تحت پرچم برای دفاع از کشورهای اسلامی داشته باشند، که این نیز فوق قدرتهاست. و امید است دولتهای منطقه، با قطع نظر از زبان و نژاد و مذهب، فقط تحت پرچم اسلام در این امر فکر کنند و طرح آن را بریزند؛ و از ننگ خضوع در برابر ابرقدرتها نجات یابند، و شیرینی استقلال و آزادی را بچشند. و برای به دست آوردن چنین قدرتی لازم است هر یک از دولت ها با تفاهم با ملت خود برای دفاع از کشورشان یک چنین طرح حیاتبخشی را در دست مطالعه قرار دهند؛ و از کشور اسلامی ایران در این امر که مدافع کشورهای خود و برادران اسلامی خویش است الهام بگیرند.

امروز ایران، با همه گرفتاریها و کارشکنیها و حصر و سدها، در صدد است تمام جوانان خود را تعلیم نظامی دهد. و تاکنون، به طوری که گزارش می دهند، قریب یک میلیون رزمنده ذخیره تعلیم دیده دارد، که به محض آنکه لازم شود، با یک هشدار برای دفاع از میهن اسلامی خود مجهز و مسلح می شوند. دولت های اسلامی و منطقه نیز اگر مثل دولت ایران با ملت رفتار کنند و خود در کنار ملت باشند و مردم احساس خدمتگزاری آنان را نمایند، این امر در کشورهای آنان نیز حاصل می شود؛ و مقدمه است برای آنچه اسلام بزرگ به آن امر کرده و طرح داده است. و باید متأسف بود که

اسلام در همه ابعادش ناشناخته است، و زیر پرده های استعماری در طول تاریخ می باشد.

از خدای بزرگ می خواهیم که این پرده های سیاه را برچیند و چشم مسلمانان را به جمال جمیل اسلام روشن فرماید، تا دنیا بداند اسلام برای جهان چه آورده است. و آنچه غایت تعلیمات اسلامی است همزیستی مسالمت آمیز در سطح جهان است که امید است با تعجیل در ظهور مهدی آخر الزمان، ارواحنا فداه، حاصل شود؛ و رسیدن انسانها به کمال و سعادت اخروی است، که خداوند نصیب همگان فرماید.

۸- مسلمانان، و خصوصاً مظلومان منطقه، بدانند که اسرائیل با تغییر و تبدیل مهره ها، که شاید برای اغفال رزمندگان فلسطینی و لبنانی باشد، هیچ گاه از مقصد شوم خود، که حکومت بر کشورهای مسلمین از نیل تا فرات است، منصرف نخواهد شد. و امریکا، که چنگ و دندان در منطقه نشان می دهد، از مهره ای چون اسرائیل، که مجری جنایت های آن در منطقه است، به طور کامل پشتیبانی می کند. و بازی های سیاسی اینان را نباید از نظر دور داشت. و کسانی که از اسرائیل حمایت می کنند باید بدانند که افعی گزنده را در حمایت خود قوی می کنند، که در صورت فرصت خدای نخواسته حرث و نسل منطقه را به هلاکت می کشاند. و باید به این افعی خزنده خطرناک مهلت ندهند. چنانچه صدام جنایتکار اگر فرصت پیدا کند، خطرش برای منطقه از اسرائیل کمتر نیست. و لازم است برای آرامش منطقه اکنون، که به یاری خداوند متعال قوای مسلح ایران ما أیّدهم اللّه تعالی، این جرثومه فساد را تا لبه پرتگاه هلاکت رسانده اند و از سردار قادسیه یک موجود مفلوک ساخته اند، دولتهای منطقه از کمک به او دست بردارند، که صلاح دین و دنیای آنان است. و در صورتی که مهلت پیدا کند، بر هیچ یک از دولتهای خلیج فارس و دیگران رحم نخواهد کرد. شما دیدید اکنون که با شکست مفتضحانه روبرو است در یک سخنرانی گفت: «اعراب باید رهبری عراق را بپذیرند»! و شک نکنید که اگر قدرت پیدا کند، به مسئله رهبری اکتفا نخواهد کرد. و بوقهای تبلیغاتی دولتهایی که از ایران سیلی خورده اند، برای مصالح خودشان و دربند کشیدن هرچه بیشتر ملتها، شماها را از ایران می ترسانند. ولی دولتها بدانند که ایران، به پیروی از تعالیم اسلامی، با تمامی آنها در صورتی که به موازین اسلامی گردن نهند با برادری و برابری رفتار می نماید. ولی هرگز به

خود اجازه نمی دهد با کسی که نسبت به ما آن همه خسارات و جنایات وارد کرده است مسالمت کند. و ملت عزیز عراق در انتظار پیروزی ایران است تا از نیشهای این عقرب جرّاره نجات پیدا کند. و امید است که با یاری خداوند این انتظار به طول نیانجامد: أَلَیسَ الصُّبحُ بِقَریبٍ. (۱)

۹- حجاج محترم ایران و زائران حرمین شریفین بدانند که آنها از کشوری که برای اهداف اسلامی و بیرون راندن ستمگران از کشور عزیز خویش [قیام کرده است] به سوی خانه خدا و حرم شریف رسول اللَّه صلی الله علیه و آله و قبور معظّم و فرزندان پیامبر- علیهم صلوات اللَّه- می روند، تحت مراقبت برادران اسلامی سراسر جهان هستند؛ و خبرگزاریها و دروغپردازان بوقهای تبلیغاتی و دشمنان اسلام در کمین نشسته و مراقب اعمال و اقوال آنان هستند، و در صددند که از کاهی کوهی بسازند و سرتاسر جهان را از شایعه های خود پر نمایند. در این صورت جزیی انحراف و خطا و لغزش آنان علاوه بر آنکه در پیشگاه خداوند بزرگ و رسول عظیم الشأنش می باشد، در حضور سایر زائران حرمین شریفین است، که به واسطه پیامد آن گناهی بزرگ و خطایی عظیم است؛ زیرا علاوه بر آنکه بعض اعمال و گفتارْ خلاف حرمت حرمین شریفین است، موجب وهن جمهوری اسلامی است؛ که خدای نخواسته این جمهوری اسلامی، که برای حکومت اللَّه و برقراری احکام مقدس آسمانی قرآن و سنت تشکیل شده، به واسطه بعض اعمال و رفتار آنان به گونه ای دیگر معرفی شود؛ و عیب جویانی که مراقب خرده گیری و بهانه هستند بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی به شایعه پراکنی و مشوّه نمودن چهره نورانی اسلام و جمهوری اسلامی بپردازند؛ و گناه آن در نامه اعمال آنان که برای عبادت و فریضه حج رفته اند نوشته شود. لازم است مراقب باشند که اعمال بی رویّه و گفتار باطل تحقق پیدا نکند. و هرکس مراقب دوستان و نزدیکان خود باشد؛ و در برنامه های انسانی- اسلامی صحیح، که از طرف نماینده اینجانب، جناب حجت الاسلام آقای خوئینی ها، ترتیب داده می شود تبعیت کنند؛ و از آنها تخطی نکنند که موجب هرج و مرج و ناراحتی زائرین

۱- «آیا صبحپیروزی) نزدیک نیست؟)». سوره هود، آیه ۸۱.

فراهم شود.

و پلیس کشور سعودی و متصدیان امور حج و زیارت و دولت سعودی باید توجه کنند که زائران ایرانی، که از یک کشور انقلابی تحت ستم غرب و شرق و غارتزده که با تأیید خداوند متعال و قیام و نهضت همگانی خود را از چنگال ابرقدرتها نجات داد و با همت والای مرد و زن و کوچک و بزرگ استقلال و آزادی را به دست آورد و رژیم ستمشاهی امریکایی را به رژیم اسلامی مردمی تبدیل کرد و مستشاران و جاسوسان امریکایی و شوروی را یا از کشور راند و یا به بند کشید، به زیارت بیت اللّٰه الحرام و مرقد مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه مسلمین علیهم السلام مشرف می شوند. میهمانان خدا و رسول اند. و اعانت و جسارت به آنها اهانت و جسارت به میزبانان بزرگ آنان است. خصوصاً که این میهمانان آمده اند تا همراه با مناسک حج به ندای ابراهیم خلیل اللّٰه و محمد رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله لبیک گویند، که لبیک به آنان نیز لبیک به خدای تعالی است. با اینانی که از کلّ فجّ عمیق (۱) هجرت به سوی خدا و رسول بزرگ او کرده اند با مهر و صفا و محبت و وفا و اخوت اسلامی رفتار کنید، و میهمانان خدا و رسول را آزار ندهید. اینان برای مناسک حج و برائت از مشرکان و کافران، که خدا و رسول او از آنان برائت جسته است، آمده اند. این میهمانان متعهد را گرامی دارید؛ و از قدرت یک رژیم مقتدر اسلامی برای سرکوب دشمن اسلام و مسلمین، اسرائیل غاصب، و قطع ید ارباب او، امریکا، رأس دشمنان اسلام و کشورهای اسلامی، بهره برداری کنید؛ و مکّه مکرّمه را با هماهنگی زائران سراسر جهان به کانون فریاد علیه ستمگران تبدیل کنید؛ که این یکی از اسرار حج است. و خداوند، غنی از لبیکها و عبادات بشر است.

بارالها، ما را از پیروی شیطان و نفس امّاره حفظ فرما. ما را از حب جاه و مقام و دنیا و نفس خویش بازدار. دولتهای کشورهای اسلامی را از وحشتزدگی در مقابل دو قدرت چپ و راست نجات مرحمت فرما، و آنان را به وظایف اسلامی- انسانی آشنا نما. و ملتها و دولتهای کشورهای اسلامی را برای حصول وحدت و اخوت راهنمایی فرما. و حجاج

۱- سوره حج، آیه ۲۷. ر. ک: پاورقی ۱ همین پیام.

ایرانی را، که در راه هـدف بزرگ تو تحمل رنـج و زحمت و اهانت و حبس و زجر می نماینـد، از رحمت و جلوه خاص خود بهره مند فرما. و دست قدرتهای چپاولگر را از بلاد مسـلمین کوتاه فرما. و ما را به آنچه رضای تو است هدایت نما. و لشکریان اسـلام را در دفاع از سرزمین خود و مظلومان منطقه نصرت عنایت فرما. و اسرائیل غاصب متجاوز و امریکا و شوروی ستمگر را مخذول فرما. و اسلام و مسلمین را تقویت فرما و از شرّ اجانب حفظ کن.

«انَّکَ وَلیُّ النَّصْیرِ وَ النِعْمَهِ وَ السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللَّه صَلَّی اللَّه عَلَیْهِ وَ الِهِ وَ عَلی اوْلیـاءِ الْمَعْصُومین سِیَّما بَقیَّهُ اللَّه فِی الأرَضـینَ- ارْواحُنا فِداهُ»

روح اللَّه الموسوی الخمینی

پیام

زمان: ۴ شهریور ۱۳۶۳/ ۲۸ ذی القعده ۱۴۰۴ (۱)

مکان: تهران، جماران

موضوع: فلسفه حج و رسالت حجاج در کنگره عظیم عبادی- سیاسی حج

مناسبت: در آستانه عید سعید قربان

مخاطب: مسلمین ایران و جهان؛ حجاج بیت اللّه الحرام

فلسفه حج و رسالت حجاج در کنگره عظیم عبادی- سیاسی حج

بسم اللّه الرحمن الرحیم

مبارک باد عید سعید بزرگ قربان بر مسلمانان جهان و بر ملت بزرگ مجاهد ایران که با انقلاب کبیر خود دست جهانخواران را از تجاوز به میهن اسلامی شان قطع کردند؛ و به خواست خداوند متعال و حمایت حضرت بقیه اللّه- ارواحنا لمقدمه الفداء- خود را از سلطه ستمگران شرق و غرب آزاد، و برای به ثمر رسیدن انقلاب بزرگ خویش با فداکاریهای فوق طاقت به نهضت و جانبازی خود ادامه می دهند، تا ان شاءاللّه مقصد اعلی، که اجرای احکام نورانی اسلام است، در کشور پیاده شود.

عید سعید و مبارک در حقیقت آن روزی است که با بیداری مسلمین و تعهد علمای اسلام تمام مسلمانان جهان از تحت سلطه ستمکاران و جهانخواران بیرون آیند. و این مقصد بزرگ زمانی میسر است که ابعاد مختلفه احکام اسلام را بتوانند به ملتهای زیر ستم ارائه دهند. و ملتها را با اسلام ناشناخته آشنا کنند، و فرصتها را برای این امر بزرگ سرنوشت ساز مغتنم شمرده و از دست ندهند. و چه فرصتی بالاتر و والاتر از کنگره عظیم حج که خداوند متعال برای مسلمانان فراهم آورده است. و مع الأسف ابعاد مختلف این

۱- در صحیفه نوردوره ۲۲ جلدی)، ج ۱۹، ص ۴۱ ذیل تاریخ ۷/ ۶/ ۶۳ درج گردیده که به استناد تاریخ مندرج در دستخط امام خمینی، تاریخ ۴ شهریور ۶۳ صحیح است.

فریضه عظیم سرنوشت ساز به واسطه انحرافهای حکومتهای جور در کشورهای اسلامی و آخوندهای فرومایه درباری و کج فهمیهای بعضی از معممین و مقدس نماها در تمام کشورهای اسلامی در پرده ابهام باقی مانده است. کج فهمانی که حتی با تشکیل حکومت اسلامی مخالف، و آن را از حکومت طاغوت بدتر می دانند! کج فکرانی که فریضه بزرگ حج را محدود به یک ظاهر بی محتوا کرده، و ذکر گرفتاریهای مسلمانان و کشورهای اسلامی را بر خلاف شرع و تا سرحد کفر می شمارند. وابستگان به حکومتهای جابر انحرافی که فریاد مظلومانی را که از گوشه و کنار جهان در این مرکزِ فریاد جمع گردیده اند. زندقه و برخلاف اسلام وانمود می کنند. بازیگرانی که برای عقب نگه داشتن مسلمانان و باز کردن راه برای غارتگران و سلطه جویان، اسلام را در کنج مساجد و معابد محصور نموده اند و اهتمام به امر مسلمین را بر خلاف اسلام و وظایف مسلمانان و علمای اسلام معرفی می کنند. و مع الأسف دامنه تبلیغات گمراه کننده به قدری بوده و هست که دخالت در هر امر اجتماعی و سیاسی را در جامعه مسلمین برخلاف وظایف روحانیون و علمای دین می دانند؛ و دخالت در سیاست را گناهی نابخشودنی می خوانند؛ و فریضه نماز جمعه را به یک صورت خشک مقصور کرده و تجاوز از این حد را ضد اسلام می دانند. و باید گفت اسلام غریب و ناشناخته است، و ملتهای اسلامی منزوی و ناآشنا به حقایق اسلامند.

اکنون بر علمای اسلام و نویسندگان و دانشمندان و هنرمندان و فیلسوفان و محققان و عارفان و روشنفکرانی که از این مسائل رنج می برند و به حال اسلام و مسلمین تأسف می خورند، در هر منطقه و دارای هر مذهب و مسلکی که هستند، لازم است برای جلوگیری از این خطر عظیم که اسلام و مسلمین گرفتار آن هستند دامن همت به کمر زنند، و با هر وسیله ممکن در مساجد و محافل و مجالس عمومی مسلمانان را هشدار دهند و از آنان غفلت زدایی نمایند، و آنان را برای یک نهضت عمومی اسلامی مهیا کنند. و باید بدانند که این امری است ممکن و شدنی، ولی محتاج به کوشش و فداکاری می باشد. ملت ایران- أعزّهم اللّه- راه عذرها را مسدود نموده، و اثبات نمود که در مقابل قدرتهای بزرگ می توان ایستاد و حق انسانی خود را باز پس گرفت. و با اتکال به قدرت

لا‌یزال حق تعالی، که وعده نصرت به شرط آنکه حق را یاری دهیم عنایت فرموده است، هراس به خود راه ندهند که انْ تَنْصروااللَّه یَنْصُرْکُمْ وَ یُثَبِّتْ أَقْدَامَکُمْ. (۱)

و برای تحقق اهداف اسلامی، که در مقدمه آن کوتاه کردن دست قدرتمندان منحرف و مخالف اسلام از کشورهای اسلامی و رفع موانع داخلی و خارجی می باشد، همت گمارند؛ و با احزاب و حکومتها و گروهها و اشخاصی که با نهضتهای اسلامی، که بحمداللَّه تعالی در آستانه رشد و شکل گیری است، مخالفند مقابله نموده، و مبارزه با آنان را در سرتاسر جهان سرلوحه برنامه های خود قرار دهند؛ و مطمئن باشند که با وعده صریح خداوند تعالی، توفیق پیشرفت حاصل شود و مظلومان از دست ستمگران نجات یابند.

اکنون که در آستانه فریضه مبارکه حج هستیم، لازم است توجهی به ابعاد عرفانی و روحانی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی آن داشته باشیم. باشد که این امر راهگشایی برای قدمهای مؤثر دیگر باشد. در این موضوعات بسیاری از دوستان متعهد مطالبی گفته اند. اینجانب نیز اشاره ای گذرا تنها به بعض ابعاد آن می کنم؛ شاید تذکری از آن حاصل شود. از آنجا که در این مناسک عجیب، از اول «احرام» و «تلبیه» تا آخر مناسک، اشاراتی عرفانی و روحانی است که تفصیل آنها در این مقال میسر نیست، اکتفا به بعض اشارات تلبیه ها می کنم.

لبیکهای مکرر از کسانی حقیقت دارد که ندای حق را به گوش جان شنیده و به دعوت اللَّه تعالی به اسم جامع (۲) جواب می دهند. مسئله، مسئله حضور در محضر است و مشاهده جمال محبوب. گویی گوینده از خود در این محضر بیخود شده و جواب دعوت را تکرار می کند. و دنباله آن سلب شریک به معنای مطلق (۳) آن می نماید، که اهل اللَّه می دانند، نه شریک در الوهیت فقط. گرچه سلب شریک در آن نیز شامل همه مراتب، تا

۱- بخشی از آیه ۷ سوره محمد صلی الله علیه و آله: «اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری خواهد کرد و پایداری خواهدبخشید».

۲- اسم جامع الهی، «اللَّه» است که در تلبیهلبیک گفتن حاجیان) مکرر بر زبان جاری می شود.

۳- همان گونه که توحید بر سه قسم است: توحید ذاتی، توحید صفاتی و توحید افعالی. در قبال هر یک ازآنها شرک قرار دارد یعنی: شرک ذاتی، شرک صفاتی و شرک افعالی. و منظور از شرک به معنای مطلق آن، هر سه قسم شرک است.

فنـای عـالم در نظر اهـل معرفت است؛ و حـاوی جمیع فقرات «احتیاطی» و «اسـتحبابی» است، مثل «الحَمـدُ لَکَ و النَعمَه لک» و «حمـد» را اختصاص می دهـد به ذات مقـدس، همچنین نعمت را؛ و نفی شـریک می کنـد. و این نزد اهل معرفت غایت توحید است. و به این معناست که هر حمدی و هر نعمتی که در جهان هستی تحقق یابد حمد خدا و نعمت خداست بدون شـریک. و در هر موقف و مشـعری و وقوف و حرکتی و سـکون و عملی، این مطلب و مقصد اعلی جاری است. و خلاف آن، «شـرک» به معنای اعم است، که همه ما کوردلان به آن مبتلا هستیم. بگذارم و بگذرم.

و از همه ابعـاد آن مهجورتر و مورد غفلت تر، بُعـد سیاسـی این مناسـک عظیم است که دست خیانتکـاران برای مهجوریت آن بیشتر در کار بوده و هست و خواهد بود. و مسـلمانان امروز و در این عصر- که عصر جنگل است- بیشتر از هر زمان موظف به اظهـار آن و رفع ابهـام از آن هسـتند؛ زیرا بـازیگران بین المللی با اغفال مسـلمین و عقب نگه داشـتن آنان از یک سو، و عمال سودجوی آنان از سوی دیگر، و غفلتزدگان نادان از طرفی، و آخوندهای درباری یا کج فهم از سوی دیگر، و متنسـکان جاهل (۱) از یک طرف، دانسـته یا ندانسـته پشت در پشت هم ایسـتاده و در محو این بُعـد سـرنوشت ساز و نجات دهنده مظلومان در فعالیت هسـتند. و لازم است متعهدان و بیداران و دلسوزان برای غربت اسـلام و مهجوریت این بعد در احکام اسلام، بویژه حج که این بعد در آن ظاهرتر و مؤثرتر است، با قلم و بیان و گفتار و نوشـتار به کوشـش برخیزند؛ خصوصاً در ایام مراسم حج، که پس از این مراسم عظیم انسانها می تواننـد در شـهر و دیار خود با توجه به این بُعد عظیم مسـلمانان و مظلومان جهان را بیدار، و برای خروج مظلومان جهان از تحت فشارهای روز افزون سـتمگران مدعی حمایت از صلح به حرکت وادارند. و پرواضح است که اگر در این کنگره عظیم جهانی، که همه اقشار ملتهای مظلوم اسـلامی از هر مذهب و ملت و دارای هر زبان و مسلک و هر رنگ و قشـر، ولی با زیّ واحد و لباس مشابه، دور از هر آلایش و آرایش، اجتماع نموده اند مسائل اساسـی اسلام و مسلمین و مظلومان جهان از هر فرقه

۱- زاهدان و عابدان نادان.

حل نشود و حکومتهای مستکبر و زورگو سرجایشان ننشینند، از اجتماعات کوچک منطقه ای و محلی کاری برنخواهد آمد و راه حل فراگیری به دست نخواهیم آورد.

بیت اللّه الحرام، اول بیتی است که برای «ناس» بنا شده. (۱) بیت همگانی است. هیچ شخصیتی و هیچ رژیمی و هیچ طایفه ای حق تقدم در آن را ندارد. اهل بادیه و صحرانشینان و خانه به دوشان با عاکفان کعبه و شهرنشینان و دولتمردان در آن یکسانند. (۲) این بیت معظم برای ناس بنا شده، و برای قیام ناس و نهضت همگانی، و برای منافع مردمی. و چه نفعی بالاتر و والاتر از آنکه دست جباران جهان و ستمگران عالم از سلطه بر کشورهای مظلوم کوتاه شود، و مخازن عظیم کشورها برای مردم خود آن کشورها باشد. بیتی که برای قیام تأسیس شده است، آن هم قیام ناس و للناس، پس باید برای همین مقصد بزرگ در آن اجتماع نمود، و منافع ناس را در همین مواقف شریف تأمین نمود، و رمی شیاطین بزرگ و کوچک را در همین مواقف انجام داد. مجرد کلید داری بیت و سقایت حُجاج و عمارت مسجدالحرام کافی نیست و مربوط به مقصد نیست. (۳) ساده بودن بیت و مسجد، همچون زمان ابراهیم و صدر اسلام و به هم پیوستن مسلمین در آن مکان بی آلایش و وافدین (۴) بی پیرایش هزاران مرتبه بالاتر است از تزئین کعبه و بناهای مرتفع عظیم و غافل شدن از مقصد اصلی که قیام ناس و شهود منافع ناس است. أَجَعَلْتُم سِقَايَةَ الحَاجِّ وَعِمَارَةَ المَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّه وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّه لا يَسْتَوُونَ عِنْدَاللَّه وَ اللَّه لا يَهْدِى الْقَوْمَ الظّالمينَ. (۵)

گویی آیه شریفه در عصر ما نازل شده و گویای حال ماست. در عصر حاضر سرگرمی به سقایت و معیشت حجاج و به عمارت و تزئین مسجد الحرام، و غفلت از ایمان به خدا و روز جزا و کناره گیری از جهاد فی سبیل اللّه

۱- اشاره به آیه ۹۶ سوره آل عمران.

۲- اشاره به آیه ۲۵ سوره حج.

۳- آب دهی و آب رسانی.

۴- فرستادگان.

۵- سوره توبه، آیه ۱۹: «آیا آب دادن به حاجیان و عمران و آبادانی مسجد الحرام را قرار دادید مانند آن کسی که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است! یکسان نیستند نزد خدا، و خدا گروه ستمکاران را هدایت نکند».

را ظلم، و کسانی که چنین کنند را ظالم محسوب داشته است. ایمان به خدای تعالی و روز جزا انسانها را به جهاد فی سبیل اللَّه و قیام برای حق و عدل سوق می دهد. و خداوند قومی را که چنین نباشند هدایت نمی فرماید، که اینان ظالمانند.

خدای تعالی و رسول عظیم الشأن صلی الله علیه و آله در روز حج بزرگ ندا دادند و فریاد سر دادند که خدا و رسول بری هستند از مشرکان: وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّه وَ رَسُولِهِ الَی النَّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الأَکْبَرِأَنَّ اللَّه بَرِی ءٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ وَ رَسُولُه (۱)

در آن روز خط امریکا و آخوندهای درباریِ تأمین کننده منافع شیطان بزرگ نبودند که فتوا دهند- العیاذ باللَّه- خدا و رسول برخلاف مناسک حج دستور داده و عمل می کنند، و باید حج از این مسائل به دور باشد.

روزی که ولی اللَّه الأعظم، امام عصر- عجل اللَّه تعالی فرجه الشریف- ظاهر شوند و در کعبه ندای عدالت سردهند و بر خلاف ظالمان و کافران فریاد کشند، همین آخوندها هستند که او را تکفیر کنند و از ستمگران پشتیبانی نمایند. خداوند ان شاءاللَّه تعالی اسلام و مسلمین را از شرّ ستم پیشگان نگهداری فرماید.

اینک تذکراتی هر چند تکراری را به عرض برادران و خواهران می رسانم؛ امید است ان شاءاللَّه تعالی به دیده عنایت توجه نمایند.

۱- مراتب معنوی حج، که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج به طور صحیح و شایسته و مو به مو عمل شود، و حجاج محترم و روحانیون معظم کاروانها تمام همّ خود را صرف در تعلیم و تعلم مناسک حج کنند. و بر مسئله دانان است که از همراهان خود مواظبت کنند، که خدای نخواسته تخلف از دستورات نشود. و بُعد سیاسی و اجتماعی آن حاصل نمی گردد، مگر آنکه بُعد معنوی و الهی آن جامعه عمل پوشد، و لبیکهای شما جواب دعوت حق تعالی باشد و خود را محْرم برای وصول به آستانه محضر حق تعالی نمایید، و لبیک گویان برای حق نفی شریک به همه مراتب کنید و از «خود»، که منشأ بزرگ شرک است، به سوی او- جلّ و علا- هجرت نمایید. و امید است

۱- بخشی از آیه ۳ سوره توبه: «در روز حج بزرگ از جانب خدا و پیامبرش به مردم اعلام می شود که خدا وپیامبرش از مشرکان بیزارند».

برای جویندگان، آن موتی که دنبال هجرت است حاصل آید؛ و اجری را که «علی اللّٰه» است دریافت نمایند. و اگر جهات معنوی به فراموشی سپرده شود، گمان نکنید که بتوان از چنگال شیطان نفس رهایی یابید. و تا در بند خویشتن خویش و هواهای نفسانی خود باشید، نمی توانید جهاد فی سبیل اللّٰه و دفاع از حریم اللّٰه نمایید. شما عزیزان قدری به خود آیید و سلحشوران جمهوری اسلامی را که پیروزیهای خداپسندانه ای برای اسلام و کشور اسلامی کسب کرده اند، و اکنون جمعی از شهدای زنده آنان با شما در مناسک حج شریک هستند، بنگرید؛ و از تحول عظیمی که موجب اینهمه فداکاری در آنان شده است عبرت بگیرید. و مسلمانان بدانند تا یک درجه از این تحولات در آنان حاصل نشود، شیطان نفس اماره و شیاطین خارج نخواهند گذاشت که به فکر امت اسلامی و مظلومان جهان باشند. از خداوند تعالی توفیق همگان را خواهانم.

۲- شما از کشور پیروزمندی که سالها تحت فشار ستمشاهی دست وپا زده و با عنایت خداوند تعالی و دعای خیر بقیه اللّٰه- أرواحنا فداه- قید و بندها را با تحمل مصیبات جانکاه گسیخته و هزاران شهید و جانباز در راه مقصد تقدیم اسلام نموده است عازم حج شده اید. شما حامل پیام ملتی هستید که با انقلاب خود کشوری را که می رفت با شرقزدگی و از آن بیشتر غربزدگی در الحاد و فساد و فحشا غرق شود نجات داده، و حکومت اسلامی را به جای حکومت طاغوتی جایگزین نموده اند. همان مردمی که تصمیم دارند با صدور پیام انقلاب اسلامی شان نه تنها کشورهای اسلامی، که مستضعفان جهان را به اسلام عزیز و حکومت عدل اسلامی آشنا سازند. شما نمایندگان مردمی هستید که انقلاب اسلامی شان، با عمر کوتاه خود و گرفتاریهای طاقت فرسای حاصل از رویارویی با دو ابرقدرت و مقابله دو بلوک شرق و غرب با آن و خرابکاریهای تروریستهای وابسته به دو جناح ستمگر، تنها و تنها به برکت اسلام و نورانیت آن و مقاومت مردم توانسته است کشورهای اسلامی را در شرق و غرب ارض و مظلومان جهان را در سراسر گیتی تکان داده و به اسلام جلب نماید؛ و توانسته است ندای اسلام را هر چند ضعیف به گوش جهانیان رسانده و نظر آنان را به خود جلب کند. شما حجاج محترم بیت اللّٰه الحرام حامل پیام این ملت و نمایندگان این کشور هستید. در این صورت موقعیت شما بسیار حساس و

وظیفه شما سنگین است. یا ان شاءاللّه، چنانچه انتظار می رود، با رفتار شایسته و اخلاق اسلامی و انقلابی خود نظر همگان را جلب کرده و چهره انقلاب اسلامی را آن گونه که هست به نمایش ملتهای جهان می گذارید و توجه آنان را با برخوردهای برادرانه و محبت آمیز به انقلاب بزرگ ایران جلب می نمایید و عملًا تبلیغات فاسد مغرضانه بوقهای تبلیغاتی را خنثی می نمایید، که در این صورت حج شما مقبول و اجر شما مضاعف خواهد بود. و یا خدای نخواسته بعضی از بیخبران برخلاف آنچه ذکر شد عمل می نمایند- که امید است ننمایند- که در این صورت در محضر خدا و خانه او و قبله مسلمانان مرتکب گناهی عظیم شده و از صف حجاج بیت اللّه الحرام و زائران قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین در بقیع خارج می شوند، و با کوله باری از گناه به منازل خود بر می گردند.

۳- بسیار محتمل است که عده ای از منحرفان و دشمنان انقلاب و اسلام برای بدنام کردن حجاج محترم و مشوّه نمودن چهره انقلاب، بلکه اسلام، در این سفر شرکت کنند و به صفوف حجاج محترم به پیوندند و دست به کارهای ناشایسته و مخالف دستورات اسلام زنند، و گاه باعث شوند که بعض متدینین هم گول خورده و از آنها، به توهّم آنکه تکلیف انقلابی است، تبعیت کنند و به دست مخالفان انقلاب، که با دقت در صدد یافتن نقاط ضعف و خرده گیری از حجاج ایرانی می باشند، بهانه دهند؛ مخالفانی که همراه کاروانان و راهپیمایان و اجتماعات در مواقف شریفه می باشند مطالب را صد چندان کرده و به رسانه های گروهی مخالف مخابره نموده، و موجب تضعیف انقلاب می شوند. در این صورت، بر تمام حجاج محترم، خصوصاً رؤسای کاروانها و روحانیون محترم و اشخاص هوشیار، لازم است تا با دقت بسیار مواظب حرکات و سکنات و رفتار حجاج باشند؛ و به مجرد رؤیت یک امر انحرافی طرف را نهی کنند. و اگر دیدند اصرار دارد و در صدد فساد است، به نحوی که به ملایمت و موعظه حسنه نزدیکتر است از آن جلوگیری نمایند؛ و به دیگران هشدار دهند که او را از صفوف خود خارج کنند. و متوجه باشند که گاهی مفسدان می خواهند جار و جنجال و تشنج ایجاد کنند. باید از این گونه امور احتراز نمایند.

۴- مسلمانان حاضر در مواقف کریمه، از هر ملت و مذهب که هستند، باید به خوبی بدانند که دشمن اصلی اسلام و قرآن کریم و پیامبر عظیم الشأن صلی الله علیه و آله ابر قدرتها، خصوصاً امریکا و ولیده فاسدش اسرائیل است که چشم طمع به کشورهای اسلامی دوخته و برای چپاول مخازن عظیم زیرزمینی و روی زمینی این کشورها از هیچ جنایت و توطئه ای دست بردار نیستند. و رمز موفقیت آنان در این توطئه شیطانی تفرقه انداختن بین مسلمانان، به هر شکل که بتوانند، می باشد. در مراسم حج ممکن است اشخاصی، از قبیل ملّاهای وابسته به خود، را وادار کنند که اختلاف بین شیعه و سنی ایجاد کنند؛ و آنقدر به این پدیده شیطانی دامن زنند که بعض ساده دلان باور کنند و موجب تفرقه و فساد شوند.

برادران و خواهران هر دو فرقه باید هوشیار باشند. و بدانند که این کوردلان جیره خوار با اسم اسلام و قرآن مجید و سنت پیامبر می خواهند اسلام و قرآن و سنت را از بین مسلمین برچینند؛ یا لااقل به انحراف کشانند. برادران و خواهران باید بدانند که امریکا و اسرائیل با اساس اسلام دشمنند؛ چرا که اسلام و کتاب و سنت را خار راه خود و مانع از چپاولگری شان می دانند؛ چرا که ایران با پیروی از همین کتاب و سنت بود که در مقابل آنان بپاخاست و انقلاب نمود و پیروز شد. امروز توطئه بر ضد ایران و حکومت آن و حزب اللّه در حقیقت توطئه برای محو اسلام و کتاب و سنت است. و ایران بهانه ای بیش نیست. اینان با ایران زمان شاه که حکومتش جان نثار آنان بود و ایران را در همه چیز وابسته به آنان کرده و نقشه اسلام زدایی را دنبال می کرد بسیار موافق بودند. و با ایران امروز که دستشان را از منابع و مخازن کشورمان قطع کرده و مستشاران و وابستگان به آنان را از کشور رانده است مخالفند. از طرف دیگر، دشمن حقیقی آنها هم اسلام است. مگر آنکه اسلامی ساخته و پرداخته بعضی حکومتها و آخوندهای بدتر از آنان باشد که با آن موافقند. و آن اسلام نیز حامی آنان و مدافع منافع آنان است. و از آن دیدگاه است که فریاد مظلومانه حجاج ایرانی را در مرکز وحی و مهبط أَذانٌ مِنَ اللَّه وَ رَسُولِهِ الَی النَّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الأَکْبَرِ أَنَّ اللَّه بَرِی ءٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ وَ رَسُولُهُ در گلو خفه می کنند و به کفر آنان فتوا می دهند. پس، در این مقطع زمانی تکلیف الهی حجاج است که اگر مطلبی از گویندگان شنیدند که بوی ایجاد اختلاف بین صفوف مسلمانان را می دهد، انکار کنند؛ و

برائت از کفار و سردمداران آنان را از وظایف خود در مواقف کریمه بدانند؛ تا حج آنها حج ابراهیمی ابوالأنبیا صلوات اللّٰه علیه- باشد و حج محمدی صلی الله علیه و آله. والّا ما أَکْثَرَ الضَّجِیجَ وَ أَقَلَّ الحجِیجَ (۱)

درباره آنها صادق است.

۵- به حجاج محترم ایرانی، که حامل پیام اسلام و قرآن کریمند و حامل پیام انقلاب اسلامی می باشند، سفارش کرده و می کنم که در آن مواقف شریفه- چه در مکه معظمه و چه در مدینه منوره- مدارا با مسلمین و مسالمت را حتی با مأمورین آنجا از دست ندهید؛ و در آن مراکز، که محل امن است، به مقابله برنخیزید و با همه با اخلاق انسانی اسلامی برخورد کنید؛ و با نصیحت برادرانه و موعظه حسنه، همه مسلمانان را از اعمال خشونت بازدارید، و به دستور خداوند تعالی با جاهلان مدارا نمایید؛ و با دقت متوجه حرکات و سکنات خود و دوستانتان باشید. و اگر مخالفان شما بر خلاف دستورات قرآن کریم با شما رفتار کردند، مقابله به مثل نکنید، تا در پیشگاه خداوند تعالی آبرومند و مطیع باشید.

و باید بدانید که انسان در اجتماعات بزرگ، نظیر راهپیماییها، تحت تأثیر واقع می شود و چه بسا که از خود بیخود شود و از یک شعار و فریاد بی توجه تبعیت کند؛ و چه بسیار که در اجتماعات حج و راهپیماییها، که باید با آرامش و مسالمت انجام گیرد، یک و یا چند نفر منحرف جنجال انگیز شعاری دهند که با موازین اسلامی وفق ندهد، ولی با ظاهر شورانگیزشان در نفوس اثر گذارند و انحراف را تحمیل نمایند. لازم است حجاج محترم ایرانی با دقت با این مسائل توجه داشته باشند. و کسانی که کارگردانان راهپیماییهای مسالمت آمیز هستند، تمام شعارها را با دقت تنظیم کنند. و قبل از شروع راهپیمایی، عده ای که متوجه جهات مختلف هستند و از مسائل سیاسی و اجتماعی آگاهی دارند، با مشورت از نماینده اینجانب، جناب حجت الاسلام آقای موسوی خوئینی ها، شعارهایی را تهیه نموده و مردم را توجیه نمایند؛ و اعلام شود که همه موظف به تبعیت از شعارهای تنظیم شده هستند، و به دیگر شعارها جواب ندهند. و باید نظم و آرامش را حفظ نمایند.

۱- «چه بسیارند ناله و فریاد کنندگان، و چه اندکند حج گزاران».

۶- ملت و دولت ایران، در حالی که از بسیاری از دولتهای منطقه مخالفتهای بیجا دیده است، هرگز نمی خواهد از اخوت اسلامی چشم پوشی نموده و به اعمال قدرت دست زند. حکومتهای منطقه در عوض آنکه همه دست در دست هم منطقه را از دست قدرتهای بزرگ، که به آنها به چشم وابسته می نگرند، نجات دهند، و نیز به جای آنکه در مقابل کسانی که ثروتهای سرشار آنان، خصوصاً نفت، را به رایگان می برند بایستند، و به جای آنکه منطقه را از لوث وجود اسرائیل پاک کنند، همه کوشش خود را در معارضه با دولت و ملت ایران خلاصه کرده اند! اینان با دشمن و متجاوز به ایران، که اگر فرصت پیدا کند به همه منطقه تجاوز می نماید، همدست شده و بر ضد ایران، که جرمی جز پیاده کردن احکام اسلام ندارد، همکاریهای همه جانبه می کنند. اینان باید بدانند که دولت ایران با قدرت عظیمی که از عنایات خداوند تعالی و پشتیبانی ملت چهل و چند میلیونی سرچشمه می گیرد قدرت مقابله به مثل را دارد. و این به وضوح ثابت شده است که امریکا و دیگر قدرتمندان در موارد گرفتاری دولتهای وابسته، تنها به اظهار پشتیبانی لفظی و احیاناً به فروش سلاحهای ابتدایی با قیمتهای بالا اکتفا نموده، و هرگز مشکلی از آنان را نمی گشایند. نمی توانند بگشایند، چرا که تصادم قدرتها در جهان بیش از این اجازه دخالت آشکارای آنان را نمی دهد. با تمام این اوصاف، ما همیشه دست برادری خود را برای از بین بردن نفوذ ابرقدرتها به سوی کشورهای اسلامی دراز کرده ایم. شما حکومتهای منطقه دیدید که صدام را امریکا و هم قطاران آن به چه بلیه ای دچار کردند.

در حالی که ایران در انقلاب و آشفتگی به سر می برد، او را به نوید «سرداری قادسیه» (۱) وادار کردند تا از زمین و دریا و هوا به کشور ما هجوم آورد. و خیانت بعضی از دست اندرکاران آن وقت نیز فرصتی بیشتر به او داد. مع ذلک، با همه آشوبها و گرفتاریهایی که نیروهای سلحشور دریایی، هوایی و زمینی با آن دست به گریبان بودند، در کنار سپاه و بسیج و نیروهای مردمی، دشمن را که مناطق وسیعی از کشور را غافلگیرانه مورد تجاوز

۱- صدام حسین خود را در جنگ تحمیلی علیه ایران، سردار قادسیه خواند. «قادسیه» نام مکانی است درنزدیکی شهر نهاوند که معروفترین نبرد میان اسلام با لشکریان یزدگرد سوم، پادشاه ساسانی در آنجا رخ داد و به همان نام مشهور شد که سرانجام نبرد به پیروزی اعراب تمام شد.

قرار داده بود در همان محلها میخکوب نمودند؛ و پس از مدتی نه چندان زیاد با همه پشتیبانیهایی که از اطراف به او می شد آنها را از کشور خود راندند. و وضعیت امروز این دشمن خدا را نیز می بینید و می دانید که دیگر دولتهای منطقه در مقایسه با صدام چندان مهم نیستند. صدام امروز در این لجنزار مخوف برای یافتن راه نجات دست و پا می زند، و فریادش به جایی نمی رسد. ایران اگر او را یک انسان متعادل می دانست، امید نجاتی برای او بود. ولی با روحیه جنون آمیزی که از او آشکار است، ملت ما اجازه نمی دهد که جنایات نابخشودنی او را نادیده بگیرند و او را برای ادامه خیانت به حال خود گذارند.

پس، او را در حال اضطراب جانکاه و موت و حیات تا موقع مقتضی نگاه می دارند.

و اینجانب به شما دولتهای منطقه هشدار می دهم که با مشورت با عقلا و تفکر در آینده خود، بدون توجه به وعده های امریکا و دوستانش، که می خواهند شما را گرفتار کنند و با تخیلات نابجا همچون صدام عفلقی شما را به دام می اندازند تا خود را در منطقه هر چه بیشتر حاضر کنند و سرنوشت منطقه را به دست گیرند، خود را از این مهلکه کنار گیرید. و مطمئن باشید که دولتی چون دولت ایران، که متعهد به اسلام است و از فرامین الهی تخطی نمی کند، اگر دست برادری او را فشار دهید هرگز ضرر نمی بینید. و چه بهتر که دولتهای منطقه تمام نیروی خود را برای محو اسرائیل از جغرافیا تجهیز کنند.

اسرائیل، مفسدی که فلسطینیان مظلوم را بدین روز انداخته و به لبنان قهرمان آنهمه ظلم کرده و به کشورهای منطقه تعدی و تجاوز نموده است. چه چیز بهتر از اینکه دولتهای منطقه دست در دست هم نهند و منطقه را از شرّ اسرائیل و امریکای طرفدارش نجات دهند. و من کراراً تذکر داده ام که اسرائیل از نیل تا فرات را از خود می داند، و شما را غاصب سرزمینهای خویش می شمرد، گرچه اکنون جرأت اظهار صریح آن را ندارد.

چنانچه صدام، برادر اسرائیل، نیز برای سلطه بر منطقه تلاش می کند. و بر فرض باطل با به قدرت رسیدن، آرامش را از همه سلب می نماید.

اینجانب نصیحت برادرانه به شما نمودم؛ اکنون خود دانید. و به دولتهای نظیر حکومت مصر هشدار می دهم که مبادا گول توطئه امریکا را بخورد، و به بهانه مین گذاری در دریای سرخ و کانال سوئز، که سر و صدای آن را به قدری بلند کرده اند که انسان

مطمئن می شود که چیزی جز توطئه ابر قـدرتها نیست، دست به اعمال ماجراجویانه ای بزنـد. و همان طور که همه می دانند، تا کنون اصل قضـیه در پرده ابهام است. از طرف دیگر، آسـیب دیدن چند کشتی و جنجال دولتهای اسـتعمارگری چون امریکا و انگلسـتان و فرانسه خود نشـان، دهنـده نقشه حضور بیشتر آنان در آن منطقه است. که هر چه این هیاهوها دامنه دارتر می شود، انسـان به پـوچ بـودن دعوی مطمئنـتر می گردد. و در هر صورت، اگر مصـر بـا دولت و ملـتی مثـل ایران که برای بسـتن دسـت ستمکاران انقلاب نموده است بخواهد مقابله کند، باید بداند که ملتهای مسـلمان و انقلابی جهان او را محکوم نموده و ساکت نخواهند نشـست. صلاح حال امثال مصر آن است سرنوشت خود را به دست امریکا و دوستانش ندهد و خود را بی جهت وارد معرکه نکند.

و از خداونـد تعـالی پیروزی اسـلام و خـذلان کفر، و بیـداری مسـلمانان و تعهـدشان را در پیشبرد مقاصـد اسـلامی خواسـتارم. والسلام علیکم و رحمه اللَّه و برکاته.

۴ شهریور ۶۳/ ۲۸ ذی القعده ۱۴۰۴

روح اللَّه الموسوی الخمینی

سخنرانی

زمان: صبح ۱۵ شهریور ۱۳۶۳/ ۱۰ ذی الحجه ۱۴۰۴

مکان: تهران، حسینیه جماران

موضوع: ظاهر و باطن اعمال در منظر اهل دنیا و اهل معرفت

مناسبت: عید سعید قربان

حضار: مسئولین جمهوری اسلامی، مقامات لشکری و کشوری (۱) و اقشار مختلف مردم

ظاهر و باطن اعمال در منظر اهل دنیا و اهل معرفت

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

تفاوت اعمال انبیا با مردم

من هم متقابلًا به همه آقایان، به همه امت مسلمان دنیا و مستضعفین، این عید سعید را تبریک عرض می کنم.

۱- خامنه ای، سیدعلیرئیس جمهور)- هاشمی رفسنجانی، اکبررئیس مجلس شورای اسلامی)- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریمرئیس دیوانعالی کشور)- موسوی، میرحسیننخست وزیر)- مهدوی کنی- فلسفی، محمدتقی- اعضای شورایعالی قضایی- هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی- اعضای هیأت دولت- جامعه مدرسین حوزه علمیه قم سفرا و کارداران کشورهای اسلامی مقیم ایران- رئیس ستاد مشترک ارتش- فرماندهان نیروی زمینی، هوایی، دریایی- اعضای جامعه روحانیت مبارز- مسئولان شهربانی و ژاندارمری- شورایعالی سپاه پاسداران و بسیج مستضعفان- شورای کمیته های انقلاب اسلامی- رؤسای سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری- وعاظ تهران- اعضای ستاد انقلاب فرهنگی- اعضای مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق- اعضای جهاد دانشگاهی- مسئولان نهاد ریاست جمهوری- صدا و سیما- ستاد تبلیغات جنگ و خبرگزاری جمهوری اسلامی- جهاد سازندگی- بنیاد شهید- بنیاد پانزده خرداد- بنیاد مستضعفان- دادستانی ارتش- عقیدتی سیاسی نیروهای نظامی و انتظامی- دادگاه انتظامی قضات- شورای سرپرستی زندانها- شورای ائمه جمعه قم- دفتر تبلیغات قم- دبیرخانه ائمه جمعه- ستاد برگزاری نماز جمعه تهران- شورای تبلیغات اسلامی- حزب جمهوری اسلامی- استاندار و فرماندار و شهردار تهران- مسئولان بنیاد مسکن- کمیته امداد امام- دفتر مشاورت امام و شورایعالی دفاع- سازمان اوقاف- کمیته امور صنفی- مرکز اسناد انقلاب- هواپیمایی جمهوری اسلامی- اتاق بازرگانی- دانشگاه آزاد- تربیت مدرس- جامعهالامام الصادق علیه السلام- مسئولان جراید- خبرنگاران داخلی و خارجی.

و امیدوارم خدای تبارک و تعالی به برکت این عید و سایر اعیاد شریفه، ما را و همه ملتهای مسلمان را هدایت کند که به راه مستقیم اسلام سیر کنیم. و به مقاصد اسلامی فکر کنیم و بتوانیم بین مسلمین یک آشتی، یک وحدتی ایجاد کنیم. حضرت ابراهیم که این عید منتسب به او هست و بنیانگذار ایثار است، صورت عمل، یک معناست و معنا و محتوای عمل، یک باب دیگر. اینجا صورت عمل هم یک مشکلی است برای حلّش و یک امری است که فوق طاقت نوع بشر است. اما آن چیزی که ابراهیم را ابراهیم می کند، مسئله این صورت نیست، مسئله آن سیری است که فرموده است و منتهی به این مسائل شده است.

ابراهیم که به حسب روایات شریفه ما، در آن وقتی که طرف آتش داشت می رفت، ملائکه آسمان به او گفتند که حاجت دارید؟ گفت به شماها نه. آن یک باب دیگری از معارف را داشته است. و ما صورت عمل را می بینیم و از آن هم اعجاب می کنیم و اعجاب آور هم هست. لکن آنهایی که اهل معارف الهی هستند، باطن این صورت را ملاحظه می کنند. اصل اعمال انبیا مطلقاً به حسب صورت، با اعمال ما به حسب نوع موافق است. آنها نماز می خوانند ما هم نماز می خوانیم، آنها روزه می گیرند ما هم روزه می گیریم، آنها حج می روند ما هم حج می رویم، آنها قربانی می کنند ما هم قربانی می کنیم، وقوف می کنند ما هم وقوف می کنیم، این صورت را همه با هم مشترکیم.

لکن- تفاوت- آن چیزی که اعمال ما را با آنها متفاوت می کند و اعمال انبیا را بعضیها با بعضی دیگر متفاوت می کند، آن مغز عمل است. آن چیزی است که آنها از آن مبدأ الهام می گیرند و این اعمال را با الهام از آنجا عمل می کنند.

مسئله وحی و گرفتن وحی که در انبیا هست- و آنها هم متفاوت هست- یکی از امور مهمی است که انسان تصورش را نمی تواند بکند که مسئله چی هست و از چی بوده است. واسطه، جبرئیل است، جبرئیل چه جور واسطه بوده است؟ آیا پیغمبر نازل کرده است جبرئیل را و به ولایت او نازل شده است؟ با جبرئیل نازل شده است و آن وحی را رسانده است؟ مسائلی که در آن صحبت است.

معنای عید از نظر پیامبران

مسئله قربانی فرزند یک باب است که به حسب البته دید نوع بشر، مسئله مهمی است، لکن آن چیزی که مبدأ این عمل می شود، آن چیزی که مقابله مابین پدر و پسر را در آن جا متحقق می کند، این یک مسائل قلبی و روحی و معنوی است، فوق این مسائلی که ماها می فهمیم. ما همین می گوییم که ایثار کرد، قربانی کرد و واقعاً این طور بوده است، مهم هم هست. لکن آیا درنظر ابراهیم هم ایثار بوده است؟ ابراهیم هم در نظرش این بوده است که حالا ـ یک چیزی، تحفه ای می برد پیش خدا؟ اسماعیل هم علیها السلام در نظرش بوده که یک جانفشانی دارد می کند برای خدا؟ یا مسئله این نیست. این مسئله ای است که تا نفسانیت انسان هست، خودیت انسان هست، ایثار اسمش هست. من ایثار می کنم در راه خدا فرزندم را، من ایثار می کنم در راه خدا جان خودم را. این، برای مامهم است و زیاد مهم است، برای ابراهیم نیست مسئله این، ایثار نیست. ابراهیم خودی نمی بیند تا ایثاری کرده باشد، اسماعیل خودی نمی بیند تا ایثار کرده باشد. ایثار این است که من هستم و تو هستی و عمل من و برای تو و ایثار. این، در نظر بزرگان اهل معرفت و اولیای خدا شرک است، در عین حالی که در نظر ما کمال بزرگی است، ایثار بزرگی است.

عید برای ما یک معنا دارد، برای ابراهیم و برای پیغمبرها یک معنای دیگری دارد، ما هم عید می کنیم، آنها هم عید می گیرند، لکن آنهایی که عید می گیرند عید لقاست، آنها عود می کنند به آن جایی که از آنجا ظاهر شدند و عید می گیرند برای این امر، البته بعد از ارجاع به- باز از آن معنای سیرالهی- بعد از ارجاع اسمش عید می شود. و بعدهای معنوی اش بسیار زیاد است و دست ما از آن کوتاه است و بعدهای سیاسی و اجتماعیش هم زیاد است و زیاد بوده است و امیدواریم که زیاد بشود.

جهاد اکبر

امیدواریم که مسلمانها به خود بیایند و از همین عباداتی که خدای تبارک و تعالی برای آنها مقرّر فرموده است، از همینها، هم سیر معنوی بکنند و هم برداشتهای سیاسی و هم عمل.

این طور نباشد که نماز را ما همان جهت تقرب الی اللّٰه آن را ملاحظه کنیم. البته آن بالاترین چیز است، لکن بعد از اینکه انسان نمازگزار شد ایثارگر خواهد شد، بعد از آن که ایثارگر شد، برای اسلام خدمت خواهد کرد. و حج که در او جهات اجتماعی و سیاسی بیشتر ظاهر است، این بحمداللّٰه امسال تاکنونش خوب برگزار شده است و امیدواریم که از این به بعدش هم خوب برگزار بشود و بعدها هم افزوده بشود مسلمین را بیدار بکنند این حجاجی که دربیت اللّٰه الحرام هستند. گرچه مع الأسف بعضی از آخوندهای بسیار نافهم یا بسیار موذی در همین مقطع از زمان شروع کردند به چیزهایی نوشتن و رساله هایی پخش کردند و نسبت به شیعه و نسبت به ائمه شیعه و نسبت به طریقه شیعه جسارت کردند و این در یک همچو مقطعی که عقلای طرفین، عقلای مذاهب با هم جمع شدند و علمای مذاهب با هم جمع شدند و می خواهند فکر بکنند برای مصالح اسلام، در یک همچو مقطع یک همچو رساله هایی منتشر می شود، کأنّه خطر برای امریکا دیدند و واویلا بلند کردند.

آن آخوند احمقی که در یک همچو مقطع از زمان به بعض مقدسات شیعه جسارت می کند، درصدد این است که در مقابل او هم یک کسی پیدا بشود، آن هم یک چیزی بگوید و موجب بشود که بین مسلمین در یک همچو مقطع از زمانی که دارد وحدت ایجاد می کند، اختلاف ایجاد بشود. واقعاً اسلام چه کند با این طرز فکرها، با این طرز عملها؟ اسلام چه کند با این آخوندهایی که خودشان را به صورت یک روحانی درآوردند و در بین مردم پخش هستند؟ این گرفتاری است که در یک همچو موقعی که مسلمین دارند فکر می کنند، او به عنوان اینکه من دیدم که بعض از جوانها متمایل به این اجتماع شدند، متمایل به این ایران شدند، تکلیف دیدم به اینکه بگویم اینها مشرک اند، اینها مجوس اند اینها چطورند و به بعض مقدسات جسارت کردند. این، جز اینکه خدمت به استعمار است، خدمت به قدرتهای بزرگ است و کارشکنی برای اسلام و مسلمین است؟ ما باید فکر کنیم برای این مسائل. مسلمانها باید فکر کنند برای این مسائل و این اشخاصی که این طور در صدد شکستن وحدت مسلمین اند.

و بالجمله من امیدوارم که ایران با این راهی که به پیش گرفته است فقط ملاحظه آن

جهات صوری را نکنـد و ملاحظه جهات معنوی را هم بکنـد. تمام مسائل برای معنویّات است. پیغمبرها هم که آمدند و احکام را منتشر کردند برای این است که تزکیه، بکنند:

مردم را يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتابْ. (۱)

همه برای این آمدنـد که مردم را با مبـدأ وحی آشـنا کنند، سیر إلی اللّه بدهند، صـراط مسـتقیم، هدایت را به صـراط مسـتقیم بکنند. و ما ایرانیها و مسـلمانها علاوه بر اینکه جهاد در راه اسـلام می کنیم، باید از جهاداکبر هم غافل نباشیم، از جهاد به نفس هم غافل نباشـیم که مبـدأ همه امور است. و باید این اعیاد را همان طوری که عید می دانیم برای مسـلمین، و ذخر و شـرف می دانیم برای پیغمبر اکرم باید ما خودمان مهیا بشویم که برای پیغمبر اکرم، ذخر (۲) و شرف باشیم.

طوری عمل بکنیم در مکه، در مدینه، در همه جا و با همه مسـلمین در هر جا، طوری رفتار بکنیم که این اسـباب شرافت اسلام بشود. اسـباب این بشود که مردم بفهمنـد که اسـلام چه جور تربیت می خواهد بکند، از تربیت اسـلامی مردم ملتفت بشوند که اسلام آمده است برای چی. قرآن شریف آمده است برای چی.

توجه به خدا هدف اساسی انبیا

تمـام مسـائلی که هست مـا می خـواهیم دست ظالمهـا را کوتـاه کنیم ان شـاءاللّه و می خواهیم که قـدرتها را سـرکوب کنیم و پایشان را از این بلاد مسـلمین کوتاه کنیم ان شاءاللّه. همه اینها مقدّمه این است که یک آرامشی در این بلاد پیدا بشود و دنبال این آرامش یک سیر روحی پیدا بشود، یک هدایت به سوی خدا پیدا بشود. آن چیزی که اساس است سیرالی اللّه است، توجه به خداست، همه عبادات برای اوست. همه زحمات انبیا از آدم تا خاتم برای این معنا هست که سـیرالی اللّه باشد. شکسـتن بت نفس که بالاترین بتهاست دنبال او شکستن بتهای دیگر.

بحمـداللّه امسال در مکه با این تظاهرات عظیم و با این شـعارهای کوبنده یک مقداری از صولت بتها شکسـته شد و ان شاءاللّه بعدها هم خواهد شد.

۱- سوره جمعه، آیه ۲.

۲- ذخیره؛ اندوخته.

و امیـدواریم که هر سال بر این مسائل اضافه بشود و مسـلمانها متصل بشونـد به هم و همراه هم فریاد بکشـند در جایی که جای فریـاد است. و از خـدای تبـارک و تعالی می خواهم که همه ما را بیـدار کنـد و همه مسـلمین را بیـدار کنـد، و توجه آنها را به مصالـح اسـلام و به مصالـح مسـلمین بیشتر بکنـد. و امیـدوارم که دولتهـای منطقه هم به خود بیاینـد و از تبلیغات سوئی که این آخونـدها می کننـد، خودشان را کنار بکشـند، و از تبلیغات سوئی که امریکا و عمال او می کننـد خودشان را کنار بکشـند و با یک وحدت کلمه بروند تا اینکه اسـلام را از دست این خونخوارها نجات بدهند، و بلاد مسـلمین را از دست این اشخاصی که می خواهند ببلعند همه بلاد مسلمین را، نجات بدهند.

خـدای تبـارک و تعـالی به همه مـا و به همه شـما توفیق عنـایت کنـد که این اعیـاد را با آشـنایی به اسـلام و احکام اسـلام عید بگیریم.

والسلام علیکم و رحمه اللّه

ص: ۱۵۲

سخنرانی

زمان: صبح ۲۵ تیر ۱۳۶۴/ ۲۷ شوال ۱۴۰۵

مکان: تهران، حسینیه جماران

موضوع: اهمیت ساده زیستی روحانیت و دست اندرکاران

مناسبت: سومین اجلاس سالانه مجلس خبرگان

حضار: مشکینی، علیرئیس) و اعضای مجلس خبرگان

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

اهمیت ساده زیستی روحانیت و مسئولان

من قبلًا از حسن نظر آقای مشکینی تشکر می کنم و امیدوارم خداوند موافق حسن نظر ایشان با من رفتار کند و همه ما را توفیق بدهد که در خدمت اسلام باشیم. و همچنین تشکر می کنم از آقایانی که من را مفتخر به زیارت خودشان کردند و امیدوارم این مسئولیتی را که به آنها محول شده است، به احسن وجه به پایان برسانند و آن طوری که موجب رضای خداست عمل کنند.

از اهم مسائلی که باید تذکر بدهم، مسئله ای است که به همه روحانیت و دست اندرکاران کشور مربوط می شود، و همیشه نگران آن هستم که مبادا این مردمی که همه چیزشان را فدا کردند و به اسلام خدمت نموده و به ما منّت گذاشتند، به واسطه اعمال ما از ما نگران بشوند، زیرا آن چیزی که مردم از ما توقع داشته و دارند و به واسطه آن دنبال ما و شما آمده اند و اسلام را ترویج نموده و جمهوری اسلامی را بپا کردند و طاغوت را از میان بردند، کیفیت زندگی اهل علم است. اگر خدای نخواسته، مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده اند، عمارت درست کرده اند و رفت و آمدهایشان مناسب شأن روحانیت نیست، و آن چیزی را که نسبت به روحانیت در دلشان بوده است

از دست بدهند، از دست دادن آن همان و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان.

البته من این نکته را عرض کنم، یک دسته ای که در معرض خطر هستند باید خودشان را حفظ کنند، ولی همین ها هم باید مواظب باشند که زاید بر میزان نباشد. شما گمان نکنید که اگر با چندین اتومبیل بیرون بیایید وجهه تان پیش مردم بزرگ می شود، آن چیزی که مردم به آن توجه دارند و موافق مذاق عامه است، اینکه زندگی شما ساده باشد، همان طوری که سران اسلام و پیغمبر اسلام و امیرالمؤمنین و ائمه ما زندگی شان ساده و عادی بود بلکه پایین تر از عادی. آنها هم که جمهوری اسلامی را بپا کردند، مردم عادی هستند، و کسانی که بالابالاها نشسته اند، هیچ دخالتی در این مسائل نداشته و ندارند. این مردم بازار و کشاورز و کارگران کارخانه ها و طبقات ضعیف- به حسب دنیا و قوی به حسب آخرت- هستند که این توقع را دارند که اگر خدای نخواسته، نفوس این مردم از ما منحرف بشود، ضرر آن برای ما تنها نیست، بلکه برای اسلام است. و ما باید حفظ کنیم آنهایی را که اسلام و جمهوری اسلامی را نگه داشته اند و بعد از این هم نگه خواهند داشت، و حفظ آن به این است که زندگی ما ساده و عادی باشد. آنهایی هم که می خواهند خودشان را حفظ کنند، باید بدانند که گاهی با یک اتومبیل پیکان بهتر می توانند محفوظ باشند تا وسیله دیگر. و ائمه جمعه و جماعاتی که اگر عادی بیرون بیایند ممکن است از بین بروند، باید به آن مقداری حفظ کنند که زیاد نباشد. و این طور نباشد که امام جمعه ای وقتی در خیابان می آید، خیابان را خلوت کنند و هیاهو به راه بیندازند، این طور چیزها حیثیتشان را در جامعه ساقط می کند. بزرگی شما آقایان به دنیا نیست، بزرگی شما به آخرت است، و اینکه پیش خدا آبرومند باشید. و این یک مسئله مهمی است که دخالت در حفظ جمهوری اسلامی دارد و ما باید خیلی مواظب باشیم، و اهل علم و دولت و دست اندرکاران بیشتر باید مواظب باشند، چرا که همه دنبال این هستند که نقطه ضعفی، خصوصاً از اهل علم پیدا کنند و در همه جا مطرح سازند. و ما باید به گونه ای زندگی کنیم که اگر چنانچه آن را از ما گرفتند، حسرت نخوریم، نه اینکه مثل رئیس جمهور امریکا که اگر این مقام را از او بگیرند شاید از حسرت دق کند!

استمرار سیاست اسلامی حج

جهت دیگری هم که بایـد عرض کنم این است که الآن ایام حـج است و حـج از امور کشور ما و همه جاست، و ما باید به آن توجه خاصـی بکنیم. من آقـای موسوی خوئینی هـا را می شـناسم، و ایشـان خیلی فعـال بودنـد و خوب عمـل کردنـد، اما چون وجودشان در دادسـتانی لازم بود و از این جهت، امسال نمی تواننـد به حـج بروند، هرچه فکر کردم دیـدم که آقای کروبی به جـای ایشـان منـاسب است. و آقـای کروبی کسـی است که سالهـای طولانـی در رژیم سـابق کتـک خورده است، و در این راه صـدمه زیادی دیده اند و فرد مقاوم و صالحی است. از این جهت، ایشان را موقتاً امسال می فرستیم تا ببینیم سال های دیگر چه باید بکنیم.

اما مسئله ای که عرض کردم، دنبال این هستند که نقطه ای پیدا کنند و بگویند این است که، حال که آقای موسوی کنار رفته انـد تبلیغ می کننـد «وضع ایران تغییر و سیاسـتش فرق کرده است». آنها نمی دانند سـیاست حج، سـیاستی نیست که ما درسـت کرده باشـیم، حج سیاست اسلامی است. ما از اول بنایمان بر این بوده است، به حج آن طوری که بوده است عمل کنیم. همان طور که پیغمبر اکرم بت ها را در کعبه شکست، ما هم بت ها را بشکنیم، و این بت ها که در زمان ما هستند، از آن زمان بالاتر و بدترنـد. ما بایـد همان طور که سابق عمل کرده ایم، به حـج برویم و همان طور که سابق تظاهرات و راهپیمایی کردند، عمل کنیم؛ و با تغییر آقای موسوی، سیاست ما تغییر نکرده است. حج به همان وضعی که همیشه و در این دو- سه سال برگزار شد، برگزار می گردد، و دولت هـا هم بایـد آن را تحمـل کننـد. و ما نمی توانیم از آن وظیفه ای که اسلام برایمان قرار داده است عدول کنیم و قرآن هم همین دستور را داده است و سیاست ما در حج همان سیاست است که بوده و هر وقت هم به حج برویم همان طور عمل می کنیم، مگر جلوی ما را بگیرند و نگذارند به حج برویم که آن مسئله دیگری است.

و من امیدوارم این فریضه را همان طور که تا به حال بجا آورده اند، امسال بهتر و با جمعیت بیشتر به انجام برسانند.

اعتنا ننمودن ملتهای مسلمان به تهدیدات قدرتها

و افرادی هم که به حج می رونـد بیشتر متوجه اعمال و با یکـدیگر متحـد باشـند، و امیدوارم کشورهای مسـلمان دیگر هم این احساس را کرده باشند. و بیش از یک میلیارد جمعیت مسلمان نباید دنبال این باشند که امریکا چه می گوید و شوروی چه می گویـد، و روی پـای خود بایسـتند و به دیگران اعتنـا نکننـد، همان طور که این کشور چهل میلیونی که نسـبت به سایر کشورها خیلی کوچـک است، روی پـای خـود ایسـتاده و می گویـد: «نه شـرقی و نه غربی» و الآـن هم احـترام این کشـور از احـترام آن کشورهایی که مورد حمایت آنها هسـتند بیشتر است، و توجه نفوس مسـلمانان به این جا زیادتر گردیـده. بنابراین، ملتها خوف نداشـته باشـند که امریکا چه می کنـد، اینها طبل توخالی هسـتند، فریاد می زننـد و عمل نمی کننـد. شـما ببینید امریکا راجع به تروریست هـا که همه و مـا بـا آن مخـالفیم، چه گفت و چه کرد؛ مرتب دنبال این بودنـد آنها را به یکی از کشورهای مخالف خود بچسبانند که نتوانستند. و تشرهای اینها توخالی است، و هیچ خبری نمی شود و ملت ها نباید بترسند و باید راه خودشان را طی کننـد، و اسـلام و خـدا پشتیبـان آنان است و کسـی که خـدا پشتیبان اوست، نبایـد از چیزی خوف داشـته باشـد. امیـدوارم خداوند ما را موفق فرماید که تابع دستورات او باشیم.

والسلام علیکم و رحمهاللَّه

حکم

زمان: ۲۸ تیر ۱۳۶۴/ ۳۰ شوال ۱۴۰۵

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب سرپرست حجاج بیت اللَّه الحرام

مخاطب: کروبی، مهدی

انتصاب سرپرست حجاج بیت اللَّه الحرام

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام، آقای حاج شیخ مهدی کروبی- دامت افاضاته

نظر به اینکه جناب حجت الاسلام آقای موسوی خوئینی ها، منصوب به دادستانی کل کشور شدند و از تصدی امر حجاج در این سال معذور می باشند، جنابعالی را به سمت نمایندگی خود و سرپرست حجاج محترم ایران منصوب می نمایم، تا با توجه به اینکه فریضه حج یکی از بزرگترین فریضه های عبادی- سیاسی اسلام و کنگره عظیم حج در مواقف معظمه از بزرگترین کنگره های جهان اسلام است، حجاج محترم جهان را دور هم گردآورده، و در مصالح اسلام و مشکلات مسلمین تبادل آرا نموده، و در حل مشکلات و راه رسیدن به آرمان مقدس اسلام تصمیمات لازم را اتخاذ نمایید؛ و راههای اتحاد بین همه طوایف و مذاهب اسلامی را بررسی کنید؛ و در امور سیاسی مشترک بین همه طوایف مشکلاتی را که برای همه مسلمین جهان به دست دشمنان سرسخت اسلام پیش آمده است، که اهمّ آن اختلاف انگیزی بین صفوف مسلمانان است، را چاره اندیشی بنمایید.

همان طور که همه می دانیم، در سده های اخیر آتش افروز این معرکه خطرناک قدرتهای جهانخوار شرق و غرب می باشند، که از وحدت بیش از یک میلیارد مسلمان

وحشت دارنـد، و با تمام قوا، مسـتقیماً یا به دست عمال منحرف خود، به این اختلافات دامن می زنند، تا بر مقدرات مسـلمانان جهـان مسـلط و بر آنهـا حکومت نموده و ذخـایر بی پایان آنان را چپاول نماینـد. ان شاءاللّه در مقابله با تبلیغات دروغین رسانه های گروهی، و از آن بـدتر آخوندهای درباری که با قلم و بیان علیه جمهوری اسـلامی بپا خاسـته اند، پیروز شوید. در ضـمن جنابعـالی مکلف می باشـید تـا به تمـامی درخواسـتهای اینجـانب در متن حکم جنـاب آقـای موسوی خوئینی ها، مثل تظاهرات بزرگ مکه و مدینه، عمل نمایید.

امیدوارم با قاطعیتی که از جنابعالی سراغ دارم این امور به بهترین وجه انجام گردد.

از تمامی حجاج محترم و روحانیون عزیز می خواهم تا با جنابعالی همکاری لازم را بنمایند، واز هر حیث به دستورات جنابعالی عمل نمایند. والسلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته.

۲۸ تیر ماه ۱۳۶۴

روح اللّه الموسوی الخمینی

ص: ۱۵۸

پیام

زمان: ۲۵ مرداد ۱۳۶۴/ ۲۸ ذی القعده ۱۴۰۵

مکان: تهران، جماران

موضوع: پیام اخلاقی، سیاسی و عبادی به حجاج

مخاطب: زائران بیت اللَّه، مسلمین ایران و جهان

پیام اخلاقی، سیاسی و عبادی به حجاج

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

با سپاس فراوان از الطاف عالیه حضرت باری تعالی و ادعیه حضرت بقیهاللَّه- ارواحنا لمقدمه الفداء- در حالی ملت عظیم الشأن ایران به سر می برند و زائران بیت اللَّه الحرام به میعادگاه الهی می روند تا دعوت خداوند را، که با ندای حضرت ابراهیم، ابوالانبیا، و حضرت محمد مصطفی، خاتم الرسل- صلی اللَّه علیهما و علی آلهما- به آنان ابلاغ شده، اجابت نموده، لبیک گویان و پایکوبان به حضور دوست در آن مکان مقدس مشرّف شوند، گرچه همه جا محضر و حضور است. چه خورشید تابان اسلامِ بزرگ در شرق و غرب عالم نورافشانی می نماید، و ندای ابراهیمی و محمدی در گوشه و کنار گیتی طنین افکنده و جان و دل مسلمانان جهان را روح بخشیده، و فریاد وحدت بین طوایف مسلمین از هر فرقه و مستضعفان و مظلومان از هر ملت در سراسر جهان زلزله افکنده، و کاخ آمال ستمگران و جهانخواران در شرف انهدام و فرو ریختن است. گویی دولت مستضعفین نزدیک، و وعده حق تعالی قریب الوقوع است.

زائران بیت اللَّه و عاشقان لقاءاللَّه در سالی از خانه های «خود» و «خودی» به سوی خداوند و رسول گرامی او هجرت می کنند که کعبه معظمه برای پذیرایی مسلمانان عاشق حق و عدالت و فریادهای کوبنده آنان بر سر ابرظالمان دهر و ابرچپاولگران جهان

آغوش باز نموده و انتظار پذیرایی آنان را می کشد. و بیت اللّه الحرام و کعبه معظمه زائران عزیزی را در آغوش می کشد که حج را از انزوای سیاسی و انحراف اساسی به سوی حج ابراهیمی- محمدی سوق داده و حیات آن را تجدید می نمایند، و بتهای شرق و غرب را در هم می شکنند، و معنای قیام ناس و حقیقت برائت از مشرکان را عرضه می دارند. و دل میقات در هوای زائرانی می تپد که از کشور «لاشرقیه و لا ـ غربیه «آمده اند تا با تلبیه (۱) و «لبیک، لبیک» دعوت خداوند را به سوی صراط مستقیم انسانیت اجابت کنند؛ و با پشت پا زدن بر مکتبهای شرقی و غربی و انحرافات ملیگرایی فرقه زدایی نموده، با همه ملتها، بدون در نظر گرفتن رنگ و ملیت و محیط و منطقه، برادر و برابر، غمخوار یکدیگر باشند و تحکیم وحدت کنند، و با یدِ واحده بر دشمنان بشریت و زورگویان جهانخوار بتازند. و جمرات انتظار فداکارانی را می کشد که از کشوری آمده اند که ملت شجاع آن شیاطین بزرگ و کوچک و متوسط را بیباکانه از کشور خود رانده اند و دست ناپاکشان را از ذخایر میهن خود قطع نموده؛ و در این مکان مقدس نیز با سنگریزه ها و شعارهای کوبنده گروه شیاطین را از «ام القری» (۲)

و «ما حَولَها» (۳)

، که جهان است، رمی و طرد کنند. و عرفات و مشعر و منا میهماندار کسانی هستند که ملت مسلمانشان با عرفان و شعور سیاسی قیام نموده اند تا آرمانها و امانی (۴) اسلام را در کشور خود و سایر کشورهای مظلوم تحت ستم تحقق بخشند؛ و سیاست بازان قلابی را، که با فریب و دغل بر مظلومان جهان تاخته و هستی همه را غارت نموده اند، رسوا کنند. و دیدید و دیدیم که یک ملت کوچک در یک محیط محدود و جمعیت معدود با عزمی بزرگ و اراده ای قوی و مشتی آهنین، با اعتماد به خدای قادر متعال، چه سان رژیم طاغوتی را، با آنهمه ساز و برگ جنگی و آنهمه پشتیبانی قدرتهای بزرگ، از صحنه روزگار محو کرد و چه سان دست ابرقدرتها را از کشور خود کوتاه کرد. و می بینیم که با آن رسانه های گروهی وابسته به

۱- اجابت کردن، لبیک گفتن در جواب کسی و لبیک گفتن در حج.

۲- ام القرامادر سرزمینها): مکه معظمه.

۳- آنچه پیرامون آن است.

۴- آرزوها.

قدرتهای شیطانی، که بسیاری از اوقات خود را در شب و روز صرف دروغ پردازی و تبلیغات بی اساس و فتنه انگیزی می کنند، چگونه برخورد نمود: برخوردی که این رسانه ها برای خود و اربابانشان رسوایی هدیه آورده اند؛ و همه تهمتهایشان موجب تقویت جمهوری اسلامی گردید، و توجه هرچه بیشتر مظلومان و مستضعفان جهان را به جمهوری اسلامی جلب نمود. و می بینیم که تهمتهای تروریستی و تروریست پروری، که به خیال سردمداران کاخ سفید و ایادی آنان و دستگاههای تبلیغاتی وابسته به ابرجنایتکاران برای تضعیف جمهوری اسلامی به طور چشمگیر و فزاینده ای در کار است، به خواست خداوند متعال نتیجه معکوس داده و موجب تضعیف روحیه دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی و تقویت روحیه ملت ما، بویژه رزمندگان و سایر ملتهای مظلوم و مستضعف، گردیده است. ومَکَرُوا و مَکَرَاللَّه و اللَّه خَیرُ المَاکِرِینَ. (۱)

و از جمله، دفاع حق تعالی و معکوس کردن مکر کاخ سفید این است که تروریست پروری سردمداران کاخ سیاه امریکا بر سرِ زبانها، حتی روشنفکران امریکا، افتاده است. کاخ سیاه با اخراج رژیم عراق از لیست تروریستها به صورتی واضح ثابت کرد که تروریست پرور و طرفدار آن است. کاخ سفید میزان تروریست و ضد آن را مخالفت با جنایاتش در سراسر جهان، و موافقت با آن می داند. رژیم عراق تا مخالف بود، در لیست تروریست پرورها بود. و آن روز که سر اطاعت به آستان کاخ سیاه نهاد، از لیست خارج شد! هر چند توطئه های تروریستی آن در منطقه، خصوصاً خلیج فارس، برملا شده باشد.

بحمداللَّه والمنه، امروز ایران و سایر ملتهای مسلمان راه خود را یافته، و انبوه زائران بیت اللَّه الحرام از ایران و سایر کشورهای اسلامی برای احیای مراسم عبادی- سیاسی حج در حول مسجدالحرام، مرکز ثقل اسلام و مهبط (۲) ملائکه اللَّه و محل نزول وحی، گرد آمده اند تا به وظیفه الهی و قرآنی خود، که همانا اعلام و فریاد برائت از مشرکان است، که رسول ختمی صلی الله علیه و آله به وسیله مولانا علی بن ابیطالب- سلام اللَّه علیه- در حج اکبر اجرا فرمود،

۱- بخشی از آیه ۵۴ سوره آل عمران: «مکر کردند و خدا مکر کرد، خدا بهترین مکرکنندگان است».

۲- محل فرود.

عمل خواهند کرد. و اگر ان شاءاللّه عموم زائران، از هر طایفه و مذهب که از سراسر جهان در آن مکان شریف مجتمع شده اند، ندای خداوند را اجابت کنند و با فریاد واحد ستمگران و ظالمان را محکوم نمایند، کاخهای ستم فروخواهد ریخت. اگر نمایندگان یک میلیارد مسلمان با اسم و رسم از متجاوزان به حقوق مظلومان و بلاد مسلمین برائت جویند و خواستار قطع ید ظالمین شوند، هیچ قدرتی تاب مقاومت با آنان را نخواهد داشت. اگر ملتهای اسلامی و دولتهای کشورهای اسلامی، با اینهمه امکانات انسانی و ذخایر مورد احتیاج حیاتی قدرتمندان، از روی قدرت با آنان برخورد کنند، و از جاروجنجال و هیاهوهای کاخ نشینان نترسند و تحت تأثیر تبلیغات دروغین رسانه های طرفدار و جیره خوار ابرجنایتکاران واقع نشوند، و با اتکال به قدرت لایزال ایزدی و به شکر نعمتهایی که به آنها داده است بر سر آنها فریاد کشند و آنان را تهدید به بستن مرزهای خود به روی آنان و قطع کمکهای خود از نفت و غیر آن نمایند، شکی نیست که آنها در مقابل این قدرت، که ما قدر آن را نمی دانیم، تسلیم خواهند شد.

هان! ای مسلمانان قدرتمند، به خود آیید و خود را بشناسید و به عالم بشناسانید؛ و اختلافات فرقه ای و منطقه ای را، که به دست قدرتهای جهانخوار و عمال فاسد آنها برای غارت شما و پایمال کردن شرف انسانی و اسلامی شما بار آمده، به حکم خدای تعالی و قرآن مجید به دور افکنید؛ و تفرقه افکنان، از قبیل آخوندهای جیره خوار و ملیگرایان بیخبر از اسلام و مصالح مسلمین را از خود برانید، که ضرر اینان بر اسلام از ضرر جهانخواران کمتر نیست. اینان اسلام را وارونه نشان می دهند، و راه را برای غارتگران باز می کنند. خداوند تعالی اسلام و ممالک مسلمین را از شرّ جهانخواران و پیوستگان و وابستگان به آنان نجات دهد.

اینک تذکراتی، هرچند گفته شده، داده می شود؛ امید است نافع واقع شود.

۱- به خواهران و برادران محترم کشورهای اسلامی قبل از هر چیز این نکته را باید عرض کنم که صورت حج، این عبادت بزرگ را که برای انجام آن مشرف می شوید به صورتی شایسته و موافق دستور الهی انجام دهید و مسائل آن را نزد علمای اعلام با دقت فرا گیرید. مبادا خدای ناخواسته پس از انجام حج و گذشت وقت معلوم شود که خللی در

آنها وارد شده و موجب بطلان حج گردیده و زحمتهای شما هدر رفته است. حضرات آقایان علمای محترم کوشش فرمایند که زائران محترم را به وظایف خود آشنا نمایند، تا صورت حج مطابق شرع مطهر انجام گیرد. و از مهمات در همه عبادات اخلاص در عمل است. که اگر خدای نخواسته کسی عملی را برای خود نمایی و عرضه به دیگران انجام دهد و خوبی عملش را به رخ دیگری بکشد، عمل او باطل است. و حجاج محترم مواظب باشند که رضای غیر خداوند را در اعمال خود شرکت ندهند. و جهات معنوی حج بسیار است. و مهم آن است که حاج بداند که کجا می رود و دعوت کی را اجابت می کند و میهمان کیست، و آداب این میهمانی چیست؛ و بداند هر خودخواهی و خودبینی با خداخواهی مخالف است و با هجرت الی اللَّه مباین و موجب نقص معنویت حج است. و اگر همین یک جهت عرفانی و معنوی برای انسان دست دهد و لبیک براستی مقرون به ندای حق تعالی تحقق حقیقی یابد، انسان در همه میدانهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و حتی نظامی پیروز می شود. و برای چنین انسانی شکست مفهومی ندارد. خداوند تعالی شمه ای از این سیر معنوی و هجرت الهی را نصیب همه ما فرماید.

۲- شما زائران عزیز از کشوری به سوی حق می روید که در سایه الطاف خداوند و برکت دعای ولی اللَّه اعظم- روحی لمقدمه الفداء- سختیها و دشواریها و ستمکشیها را پشت سر گذاشته و بحمداللَّه تعالی در تمام میدانها پیروز شده اید. و هنوز اول کار است. شما امروز از جهت فرهنگی بر فرهنگهای پوسیده شرق و غرب و فرهنگ منحط عصر شاهنشاهی، که جوانان عزیز ما را فوج فوج به فساد می کشید و دانشگاههای ما را در خدمت غرب و احیاناً شرق به پیش می برد، پشت پا زده اید. شما امروز فرهنگهایی را که ملت ما را یک ملت وابسته مصرفی و خدمتگزار قدرتها بار آورده بود و فحشا و فساد و اعتیاد را گسترشی روز افزون داده بود و از انسانیت و اخلاق می رفت کناره گیری کند در زیر پای خود خرد کرده، و شرافت انسانی و تقوا و شهامت و شجاعت و صبر و سلحشوری و مروت و تعاون در برّ و تقوا و توجه به مصالح ملت و کشور را جایگزین آن نموده اید.

و شما امروز سرافراز برای پیشرفت فرهنگ الهی به پیش می روید؛ و از جهت

اجتماعی با صفوف فشرده خود، وحدت بین قشرهای مختلف را تحکیم نموده، و همه را به یک سو و یک جهت سوق داده، و تفرقه اندازان و گروهگرایان و خدمتگزاران چشم و گوش بسته به شرق و غرب را مطرود کرده و به انزوا کشیده اید؛ و اقشار مختلف را قشر واحد کرده و همه را در خدمت کشور و ملت و دین جاوید حق در آورده اید؛ و از جهت سیاسی ایران امروز را زبانزد همه کشورهای دوست و دشمن کرده اید. دوستان چشم خود را به نهضت اسلامی، که تجدید حیات اسلام را نموده، دوخته اند؛ برای وحدت اسلامی در زیر پرچم توحید، که ندای آن از این گوشه دنیا بلند و به سراسر جهان طنین افکنده است، به کوشش و جهاد برخاسته اند. و دشمنان از خوف این بارقه الهی، که می رود دست جنایت آنان را از بلاد و عباد خداوند کوتاه کند، به دست و پا افتاده اند. ولی قدرت اسلامْ آرام را از آنان گرفته، و از یکپارچگی ملتهای اسلامی و به دنبال آن مستضعفان جهان لرزه به اندامشان افتاده است. و دولتهای کوچک و بزرگ و شرق و غرب در هوای رابطه با ایران و جمهوری اسلامی در تلاشند. و همه این امور از عنایات خاص خداوند متعال و برکات اسلام بزرگ است. وَلَا حولَ و لا قُوّةَ إِلّا بِاللّه العَلی العظیم. و از نظر نظامی، با تأییدات خداوند قادر، امروز رژیم عراق مفلوک و شکست خورده و در شرف انهدام است؛ و آنهمه ساز و برگ جنگی شرق و غرب و تأییدات جهانخواران نتوانسته است این مزدور را نجات دهد؛ و ضربات کوبنده سپاهیان اسلام مجال تفکر را از آنان گرفته. و امید است، با عنایات الهی، بزودی این خار با خواری از سر راه مسلمانان و خصوصاً ملت شریف عراق برداشته شود؛ و ملت مسلمان عراق سرنوشت خود را به دست گرفته، و با سایر مسلمین با برادری و برابری به سر برند.

منظور اینجانب از این تذکرات به حجاج محترم آن است که توجه آنان را به وظایف خطیری که در این سفر بسیار مهم از طرف شرع مطهر و ملت شهیدداده ایران برعهده آنان گذاشته شده است جلب نمایم. شما امروز در این سفر در بوته امتحان قرار دارید، چون نمونه و الگویی از ملت ایران هستید. و باید بدانید که چشمان کنجکاو صدها هزار زائر، که از اطراف جهان حول مرکز وحی گرد آمده اند، با دقت حرکات و اعمال شما را تحت نظر دارند. دوستان شما، که زائرین بیت اللّه هستند، با کمال اشتیاق

می خواهنـد ببیننـد این تحول عظیمی که در ملت ایران در ابعـاد مختلف، بویژه بُعـد اخلاـقی و معنوی، تحقق پیـدا کرده است، چگونه است و تا چه مقـدار است. و مخالفان شـما که برای وقایع نگاری و خبرچینی و نفاق افکنی خود را به آن مکان مقدس رسانده اند درصدد پیدا کردن نقاط ضعف هستند که از کاهی کوهی بسازند و غلغله ای در رسانه های گروهی و مطبوعات و مجالس سخنرانی به راه اندازند، و نه تنها جمهوری اسلامی، که اسلام را محکوم کنند. شما زائران محترم با آنچه گفته شد، بر سر دو راه هستیـد: راه سـعادت، که حفـظ آبروی جمهوری اسـلامی و اسـلام عزیز و ملت بزرگوار و رزمنـدگان عظیم الشأن و شهـدای پیوسـته به لقـاء اللَّه هست؛ که در مراعات موازین اسـلامی و اخلاقی و مواظبت از اعمال و افعال و گفتار خود در همه مواقع و در تمام مشاعر حـج می باشـد؛ و نیز مراعات آداب اسـلامی- اخلاقی با همه بنـدگان خداست. و راه شـقاوت و مردود بودن از ساحت قـدس الهی، با عـدم مراعات آنچه ذکر شـد و آنچه با حیثیت جمهوری اسـلامی منافات دارد. از خداوند تعالی توفیق همه را در حفظ شئون اسلام و جمهوری اسلامی خواستارم.

۳- از جمله مطالبی که بایـد سـفارش کرد، هر چنـد سـفارش شده است، آن است که درراهپیماییها در عین حال که باید فریاد برائت از مشـرکان و سـتمکاران به طور کوبنده وبا شـرکت همگانی باشد- که صدای مظلومیت مسلمانان و ملتهای تحت سلطه ابرجنایتکاران را به گوش جهانیان برسانـد و خفتگان را بیدار و ساکنان در مقابل جباران را هشدار و ناهیان از معروف و آمران به منکر را که برخلاف فرمان خداونـد و دسـتور قرآن مجید و سـنت رسول اللَّه صـلی الله علیه و آله به طرفداری از مشـرکان و خونخواران بین المللی جانفشانی و یقه درانی می کننـد، بویژه آخونـدهای درباریِ جیره خوار که با قلم و بیان خود نور خـدا و شعله ای که در جهان برای رهانـدن مظلومان از تحت سـتم سـتمگران افروخته شـده می خواهنـد خاموش نماینـد، به جای خود بنشاننـد- لاـزم است نظم و ترتیب و آداب اسـلامی را به طور شایسـته و دقیق مراعـات نماینـد؛ و از شـعارهای خودسـاخته، که ممکن است با القای منحرفان برای ایجاد اغتشاش و صدمه زدن به آبروی زائران شـرکت کننده از تمامی کشورهای اسـلامی و خصوصاً جمهوری اسلامی باشد، جداً خودداری کنند؛ و

از شعارهایی که متصدیان امور راهپیمایی با دستور مستقیم نماینده اینجانب، جناب حجت الاسلام آقای کروبی- ایّده اللّه تعالی- مقرر می دارد پیروی نموده، و از آنها تجاوز نکنند؛ و از کسانی که احیاناً بر خلاف دستور می خواهند شعاری بدهند پیروی نکنند؛ و آنان را نصیحت کنند؛ و اگر اصرار ورزیدند، از خود برانند. و تنها راهپیماییهایی را که مقرر شده است انجام دهند، و راهپیمایی دیگری خودسرانه نکنند. و بدانند که اگر از تخلفات آنان و تجاوز از حدود تعیین شده لطمه ای به آبروی حجاج تمامی کشورها و یا جمهوری اسلامی بخورد، پیش خداوند تعالی مسئول هستند و مورد مؤاخذه خواهند شد. و باید بدانند که یکی از فلسفه های مهم اجتماع عظیم از سراسر جهان در این مقام مقدس و مهبط وحی، به هم پیوستن مسلمانان جهان و تحکیم وحدت بین پیروان پیامبر اسلام و پیروان قرآن کریم در مقابل طاغوتهای جهان است. و اگر خدای نخواسته از اعمال بعض زائران در این وحدت خللی واقع شود و تفرقه ای ایجاد گردد، موجب سخط (۱) رسول اللّه صلی الله علیه و آله و عذاب خداوند قادر خواهد شد. زائران محترم، که در جوار خانه خدا و محل رحمت او هستند، با همه بندگان خدا با رفق و مروت و اخوت اسلامی رفتار نمایند؛ و همه را، بدون در نظر گرفتن رنگ و زبان و منطقه و محیط، از خود بدانند؛ و همه با هم ید واحده و ملت واحد قرآنی باشند، تا بر دشمنان اسلام و انسانیت چیره شوند.

خداوند به همه توفیق سلامت در رفتار و گفتار بدهد.

۴- به حجاج محترم و زائران بیت اللّه الحرام، از هر کشور و هر طایفه و تابع هر مذهب هستند، متواضعانه عرض می کنم شما همه ملت اسلام و تابع پیامبر و پیرو دستورات قرآن مجید هستید؛ و همه، دشمنان غدار مشترک دارید، که با ایجاد اختلاف به واسطه عمال بدبخت خود و رسانه های گروهی و تبلیغات تفرقه افکن در طول تاریخ، بویژه در سده های اخیر و بالأخص در عصر حاضر، همه دولتها و ملتهای اسلامی را در اسارت کشیده اند، و ذخایر غنی بلاد شما و دسترنج مظلومان کشورهای شما را به غارت برده و می برند؛ و درصدد هستند که حکومتها را گوش و چشم بسته و دربست به خدمت

۱- قهر و ناخشنودی.

خود گمارند، و ملتها را به دست آنان مصرفی بار بیاورند و از رشد انسانی و ابتکار صنعتی کشورهای مظلوم با حیله ها و توطئه های شیطانی جلوگیری کنند، و وابستگی هرچه بیشتر و اتکا به غرب و شرق را روزافزون کنند، و مجال تفکر برای استقلال و ابتکار را به هیچ کس ندهند، و نفسهایی که برای بیداری ملتها آماده اند در سینه ها خفه کنند. و وضع نکبتباری که در کشورهای اسلامی و سایر کشورهای مظلوم مشاهده می کنید زاییده همین توطئه های دشمنان مشترک مسلمانان و مظلومان است. پس، اکنون که در مرکز اسلام حیاتبخش به امر خدا و ندای رسولش گرد آمده اید و از هر ملت و مذهب در این مکان عظیم اجتماع کرده اید، برای این درد مهلک و سرطان کشنده چاره اندیشی کنید. و باید بدانید که چاره اساسی در سایه وحدت همه مسلمین و اجتماع همگانی در قطع ید ابرقدرتها از کشورهای اسلامی است، و عملی کردن شعائر مواقف کریمه و مشاهد مشرفه در کشورهای خویش است. و قدم اول زدودن یأس از دلهاست که عمال خبیث آنان با کوشش غرب و شرق در جانهای مسلمین جایگزین کردند، و به آنها باورانده اند که بدون وابستگی به یک ابرقدرت نمی شود به زندگانی خود ادامه داد. و ملت و دولت ایران در این انقلاب عظیم ثابت نموده اند که این اعتقادی پوچ و بی اساس است. و با آنکه قدرتهای بزرگ به هر حیله و توطئه ای دست زدند تا آتش شعله ورِ سوزنده ای که در این کشور برای خاکستر کردن آمال شرق و غرب فروزنده شده به خاموشی کشند، موفق نشدند. و امروز ایران اسلامی، به برکت ایمان قوی و تعهد به اسلام و تحول عظیمی که در اقشار مختلفه حاصل شده است، دست شرق و غرب و انگلهای منحرف را از کشور خود کوتاه، و به هیچ قدرتی اجازه نمی دهد کوچکترین دخالتی در کشور اسلامی ایران نماید. و این خود حجت قاطعی است برای مسلمانان و مظلومان جهان که با خواست ملتها کسی نمی تواند دست تجاوز دراز کند و با آن مخالفت نماید. و ملتی که بین ذلت و شهادت، دومی را انتخاب نموده است شکست پذیر نیست. و ملتهای مظلوم جهان چاره ای جز این ندارند. و دولتهای ملتهای اسلامی نیز اگر با توده های محروم همگام و همراه شوند، از این پیوستگی و وابستگی ذلت بار- که هزار بار مرگ بهتر از آن است- نجات پیدا می کنند و با عزت و ارزشهای انسانی هم آغوش می شوند. از خداوند

تعالی مسئلت می نمایم که همه ما را به تکالیف الهیه و وظایف انسانیه آشنا فرماید. و باید تذکر دهم به دولتهای وابسته مرتجع که با این کنفرانسهای بی محتوا و اعلامیه های تو خالی و حمایتهای بی اساس، رژیم کافر و جنایتکار عراق را نمی توانند نجات دهند؛ و ممکن است خود به منجلابی که حزب بعث عفلقی در آن غرق شده است غرق شوند.

پس، صلاح دین و دنیای آنان این است که دست از این رفت و آمدها بردارند؛ و بیش از این، این مفلوک را به رسوایی و خذلان نکشند، و خود را به مهلکه دنیا و عذاب آخرت دچار نکنند.

۵- در خاتمه باید به یک امر حیاتی، که راهگشا برای رفع همه گرفتاریهای مسلمین و مستضعفین جهان است، اشاره کنم. و آن این است که کسانی که اندک تفکری در اوضاع کشورهای اسلامی بنمایند به وضوح خواهند دانست که آنچه دو ابرقدرت جهان و قدرتهای تابع این قدرتها با هم اتفاق دارند- و هیچ گاه از این اتفاق دست بردار نیستند- عقب نگه داشتن کشورهای جهان سوم، خصوصاً کشورهای پهناور و غنی اسلامی، در ابعاد فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نظامی است، و تحمیل جهات استعماری در تمامی امور مذکوره بر جهان سوم می باشد. و برای این مقصد، که در نظر آنان بسیار دارای اهمیت است، زحمتها متحمل شدند و وقتها و پولهای بسیاری صرف نموده اند و می نمایند. در سابق، سردمداران این توطئه ها بریتانیا و فرانسه بودند؛ و پس از آن، امریکا و شوروی. اینان برای مقاصد شوم خود کودتاها به راه انداختند و رژیمهایی را برچیده، و رژیمهای وابسته به خود را به روی کار آوردند. و بعید به نظر می رسد که این دو ابرقدرت درصدد براندازی رقیب باشند، چه که از آن مأیوسند. اختلاف بر سر تقسیم طعمه ها و کشورهای جهان سوم است و برای به دست آوردن سلطه استعماری نو. بهترین راه را در حمله به فرهنگهای ملتها دانسته و دانشگاهها را به خدمت گرفتند. و با به دست آوردن این مراکز، از رهاوردهای آنها مجلسهای فرمایشی ساخته و حکومتهای دلخواه به دست آوردند، و نظامها را سر تا قدم غربی یا شرقی کردند. و آنان که در این کشمکشها از همه بیشتر صدمه دیدند و رنج کشیدند کشورهای اسلامی بوده و هستند. چرا که اسلام دارای فرهنگ غنی انسان ساز است که ملتها را، بی گرایش به راست و چپ و بدون در

نظر گرفتن رنگ و زبان و منطقه، به پیش می برد و انسانها را در بعد اعتقادی و اخلاقی و عملی هدایت می کند، و از گهواره تا گور به تحصیل و جستجوی دانش سوق می دهد.

اسلام در بعد سیاسی، کشورها را در همه زمینه ها، بدون تشبث به دروغ و خدعه و توطئه های فریبنده، به اداره و تمشیت حکومت سالم هدایت می کند؛ و روابط را با کشورهای دیگری که به زیست مسالمت آمیز و خارج از ظلم و ستمکاری متعهد هستند محکم و برادرانه می کند. اقتصاد را به صورتی سالم و بدون وابستگی، به نفع همگان، در رفاه همه مردم، با اهمیت به مستمندان و ضعیفان، بارور می کند؛ و برای رشد بیشتر کشاورزی و صنعت و تجارت کوشش می نماید. و در بعد نظامی، به همه کسانی که صلاحیت دفاع از کشور را دارند برای مواقع اضطراری تعلیم نظامی می دهد؛ و در این مواقع بسیج عمومی اختیاری و احیاناً اجباری می کند؛ و در حال عادی برای دفاع از مرزها و تنظیم شهرها و ایمنی جاده ها و حفظ نظم و انتظام، نیروی مؤمن ورزیده تربیت می کند.

با آنچه گفته شد- که در این زمینه ها گفتنی بسیاری است- با توطئه های ابرقدرتها، نه تنها نگذاشتند فرهنگ اصیل اسلام رشد کند و پا بگیرد، که از طرف دانشگاههای غیرمهذب و فرنگ رفته های غیر متعهد و ملیگراهای متعصب شدیداً مورد هجوم قرار دادند. و از هجوم هم اینان بود که کشورهای اسلامی زخمهای اساسی برداشتند. و اگر امروز قشرهای مختلف ملتها، از علمای دینی تا گویندگان و نویسندگان و روشن بینان متعهد، قیام همه جانبه نکنند و با بیدار کردن توده های عظیم انسانی- اسلامی به دادِ کشورها و ملتهای تحت ستم نرسند، کشورهایشان بی شک به نابودی و وابستگی همه جانبی بیشتر و بیشتر خواهد کشید، و غارتگران ملحد شرقی و بدتر از آنان ملحد غربی ریشه حیات آنان را می مکند و شرافت و ارزشهای انسانی آنان را به باد فنا می سپارند.

اکنون بازارهای کشورهای اسلامی مراکز رقابت کالاهای غرب و شرق شده است، و سیل کالاهای تزئینی مبتذل و اسباب بازیها و اجناس مصرفی به سوی آنها سرازیر است. و همه ملتها را آنچنان مصرفی بار آورده اند که گمان می کنند بدون این اجناس

امریکایی و اروپایی و ژاپنی و دیگر کشورها زنـدگی نمی توان کرد. و مع الأسف مکه معظمه و جـده و مشاهد مشـرفه حجاز، مرکز وحی و مهبط جبرائیل و ملائکه اللَّه، که باید به حکم اسـلام بتهای جنایتکار را در آنجا شـکست و فریاد بر سر آنها زد و از آنها برائت جست، مملو از کالاهای بیگانگان و بازار برای دشمنان اسلام و پیامبر بزرگ صلی الله علیه و آله شده.

کـثیری از حجـاج بیـت اللَّه الحرام کـه برای فریضـه حـج می رونـد و بایـد در آن مکـان مقـدس از تـوطئه بیگانگـان بـه فریـاد «یاللمسـلمین» برخیزنـد، غافلانـه در بازارهـا به جسـتجوی کالاهـای امریکـایی، اروپـایی و ژاپنی پرسه می زننـد، و دل صـاحب شریعت را با این عمل، که با حیثیت حج و حجاج بازی می کند، به درد می آورند.

ای حجاج محترم خانه خدا به خود آیید! و ای مسـلمانان در همه بلاد و اقطار عالم بپاخیزید! و ای علمای اعلام جهان اسـلام به داد اسـلام و بلاـد مسـلمین و مسـلمانان برسـید! و در هر گـوشه و کنـار، همچون ملت ایران و دولت آن و علمـا و بزرگـان این سامان، دست رد به سـینه ستمکاران غرب و شرق زنید، و عمال و کارشناسان دروغین و مستشاران نفتخوار آنان را از بلاد خود بیرون بریزیـد؛ و همچـون سـلحشوران ایران، شـهادت را برذلت و شـرف اسـلام و انسـانی را بر رفـاه و عیش چنـد روزه توأم با خواری و شـرمساری ترجیح داده، و در میدان نبرد سیاسی و نظامی بر آنان چیره شوید؛ و از هیاهوی تبلیغاتی آنان باک نداشته باشید که خداوند تعالی با شماست: إِن تَنصُروا اللَّه ینَصُرْکمُ و یُثبِت أَقدامَکُم. (۱)

بارالها، بنـده ناچیز تو از کشوری مظلوم با جمعیتی ناچیز از حیث عـدد و همه چیز، و زنـده به عنایات تو، ناله مظلومانه خود را، به مقـدار ظرفیت ناچیز خود، به ملتهای مسـلمان و مظلومان جهان رسانـدم، و فریاد «یاللمسـلمین! به داد اسـلام برسـید» را ابلاغ نمودم. و تا الطاف و عنایات تو نباشد، هیچ گره ای باز نشود و هیچ دردی دوا نشود. تو خود با رحمت واسـعه خود به مسـلمین نظر فرمـا، و همه مـا و آنان را از قیـد خود و خودیت و عبودیت بتها، خصوصاً بت نفس، نجات ده؛ و شـرّ سـتمکاران را از سـر مظلومان جهان بویژه مسلمانان

۱- بخشی از آیه ۷ سوره محمد صـلی الله علیه و آله: «اگر خدا را یاری کنید، شـما را یاری خواهد کرد و گامهایتان را اسـتوار خواهد نمود».

برکن؛ و مسلمانان را به خود آور؛ و دولتهای کشورهای اسلامی را جرأت و شجاعت عنایت فرما، که با داشتن آن مقدار عده و عُده و در دست داشتن شریان حیاتی غرب و شرق، تن به ذلت و اسارت اجانب ندهند، و با ملتهای خود هم صدا شوند. به امید پیروزی رزمندگان و مبارزان اسلام در سراسر گیتی بر کفر جهانی.

والسلام علی عباداللّه الصالحین.

روح اللّه الموسوی الخمینی

سخنرانی

زمان: صبح ۵ شهریور ۱۳۶۴/ ۱۰ ذی الحجه ۱۴۰۵

مکان: تهران، حسینیه جماران

موضوع: مقایسه بین جمهوری اسلامی و رژیم پهلوی

مناسبت: عید سعید قربان

حضار: هاشمی رفسنجانی، اکبررئیس مجلس شورای اسلامی)- اعضای جامعه مدرسین و اساتید حوزه علمیه قم اساتید دانشگاههای سراسر کشور- مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی- اعضای شورایعالی انقلاب فرهنگی- روحانیون تهران- اعضای دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و سازمان تبلیغات اسلامی تهران- سفرای کشورهای اسلامی

مقایسه بین جمهوری اسلامی و رژیم پهلوی

بسم اللّه الرحمن الرحیم

تبلیغات رژیم سابق در ایجاد اختلاف بین اقشار

این عید سعیدی که دارای ابعاد مختلفه است؛ بُعد عرفانی، بُعد سیاسی، بُعد ایثار و ابعاد دیگر است، به همه مسلمین جهان و مستضعفان و آقایانی که در اینجا تشریف دارند، تبریک عرض می کنم. ما امروز یک مقایسه ای بکنیم بین سابق و حالا در بعضی جهات. این مقایسه از خود مجلس باید شروع بشود. این، از برکات این جمهوری است که در یک مجلس، مجتمع هستند کسانی که در دوره های سابق در یک همچو مجالسی امکان اجتماعشان نبود. همه هم توجه دارید به اینکه در سابق بین علمای اسلام، حوزه علمیه قم و علمای تهران با دانشگاهها هیچ وقت اجتماع اینطور نداشتند که در یک محیط با یک دل، با یک ایده، و همین طور سفرای ممالک دوست و اساتید دانشگاهها و ارکان دولتی، در یک اجتماعی هیچ وقت نبودند که باهم بنشینند و ببینند که ما محتاج به چه هستیم و باید چه بکنیم. دامن زده بودند به اختلاف در داخل کشور ما. تبلیغات به طوری بود که وحشت می کرد یک اهل علمی در محیط دانشگاه برود و حرفهایش را بزنند، و همین طور دانشگاهی در محیط علم بیاید و در محیط مدارس علمی بیاید و

مسائلش را بگوید، و همین طور اساتید دانشگاه، دولتیها، مجلسیها، هیچ یک از اینها باهم نمی نشستند که ببینند که کشور خودشان لااقل چه احتیاجاتی دارد و باید چه بکنند برای رفع آن احتیاجات. این، برای این بود که به طوری تبلیغات دامنه دار بود که سوءظن در همه ایجاد کرده بود، از هم وحشت می کردند، به هم سوءظن داشتند، باید بگوییم دشمنی داشتند باهم، ایجاد کرده بودند این را. از سفرای خارجی یکیشان در محضر علما، در جایی که علما جمع بودند، حاضر نمی شدند، حاضر نبودند که حاضر بشوند.

برای اینکه، اینها را اینطور معرفی کرده بودند که یک جمعیتی هستند که ارتجاعی و نمی دانم به عقب برگشته و عقب مانده و کهنه فکر کن! و از این مسائلی که دیدید که در دوره سابق، خصوصاً در این عهد اخیر القا شده بود معلوم می شود که کارشناسهای خارجی، کارشناسهای اروپا و امریکا توجه به این معنا داشتند که این قشرها اگر باهم باشند خطرناک اند؛ یعنی خطرناک برای آنها، و راست هم می گفتند. روی همین زمینه، خود آنها به دست اشخاصی که در داخل داشتند، به دست کارکنان خودشان، به دست اشخاصی که در محیط آنها تربیت شده بودند، به دست اینها کاری کرده بودند که کَاَنَّهُ امکان نداشت یک همچه اجتماعی.

اتحاد و همبستگی و عمل به تکالیف

امروز ما همه در تحت یک سقف کوچک جمع شدیم، و همه ما یک فکر داریم.

فکر جلوگیری از آن چیزهایی که سابق بود؛ فکر اینکه نبادا دوباره دانشگاههای ما به دست آن اشخاص بیفتد، فکر اینکه نبادا روحانیین ما گرفتار آن مسائل بشوند، و فکر اینکه نبادا کشور ما باز برگردد به یک حالی که همه دیدید چه خبر بود، چه مصیبتهایی در این کشور واقع می شد. ما امروز اینجا هستیم که ببینیم که چه بکنیم که یک وقت خدای نخواسته، مسئله برگردد، چه کنیم جلویش را بگیریم.

آن چیزی که می تواند جلوگیری کند، یک قدری تفکر در عید قربان و مسائل قربانگاهی حضرت ابراهیم است، ایثاری که او کرد و از خودگذشتگی ای که او کرد، تدبُّر در او و تدبُّر در مسائلی که در حج هست، مسائل حج و همه مسائل اسلام، به طوری بین

ابعاد مختلفه جمع کرده است؛ بین عرفان و تعبد، بین سیاست و عبادت، بین مسائل اجتماعی و سایر مسائل. این اساس را درست کردند برای اینکه ما از آن اساس چیزی بفهمیم. آنها که در آنجا هستند، تکالیفی دارند و ان شاءاللّٰه امیدوارم که به آن تکالیف عمل کنند و کردند. ما هم و آنها هم بعد از اینکه برگشتند، تکالیفی داریم که این تکالیف هم دنبال همان مطالعه عید قربان است و قربانگاهها. آنها باید سوغات بیاورند آن ایثار را، آن وحدت را، و ما هم باید این معنا را در بین ملت خودمان پخش کنیم. آقایان روحانیون در سرتاسر کشور و آقایان دانشگاهیها در سرتاسر کشور، اینها موظف اند، وظیفه دارند.

مقایسه بین حال و گذشته در تحول درونی ملت

ما بحمداللّٰه تاکنون بسیار قدمهای مؤثری برداشتیم، وقتی شما مقایسه یک قدری بکنید مابین دوره های سابق و حالا، می توانیم خوب بفهمیم که فرقها چیست. مثلًا شما بسیاریتان یا اکثرتان یادتان است که در قضیه رأی گیری برای انقلاب سفید به اصطلاح، با چه هیاهویی، با چه فشاری، با چه دغل بازیهایی بیش از این نتوانستند ادعا کنند که شش میلیون بودند، با اینکه مطمئن باشید نبودند! آن همه فشار و آن دولت جائر و آن همه تبلیغاتی که آنها داشتند، نتوانست عده ای را جمع کند که اینها ادعا کنند ده میلیون اند، نتوانستند دروغش را هم بگویند، مبالغه اش هم بکنند. شما در یک کشوری که تحت فشار است از همه اطراف، تحریمهای انتخاباتی از اطراف بر سرشان می بارد، تبلیغات همه جانبه بر سرشان می بارد، این مقدار اجتماعی که اینها کرده اند- که بیش از چهارده میلیون بود- اگر مقایسه بشود با هر کشور دیگری در عالم، معلوم می شود که فرق مابین اینجا و آنجا چیست و چه تحولی در ایران واقع شده است. این تحول یک تحول عجیب است که در یک رژیمی که همه قدرتها در دستش بود و همه فشارها در دستش بود، و مضایقه از هیچ فشاری هم نداشت، در ادعای کاذب خودش نتوانست ادعا کند که ما هشت میلیون داشتیم، شش میلیون! مبالغه اش و دروغش و همه بساط که روی هم ریخته شد، گفت شش میلیون! و آن وقت هم راجع به شش میلیون هیاهو می کردند که ای! شش میلیون رأی دادند، با اینکه دروغ می گفتند. شما بدون اینکه یک فشاری باشد که بیایید

حتماً شما رأی بدهید، وارد بشوید رأی بدهید و بدون تبلیغات قبلی، امسال اصلًا تبلیغاتی در کار نبود. این جمعیت که این طور اجتماع کرد که نظیرش به حسب مقایسه در دنیا نیست، این دلیل بر یک تحول بزرگی است که در کشور ما واقع شده. از اینجا بروید در جبهه ها.

وقتی که متفقین وارد شدند به کشور ما، با آن همه بساطی که اینها ادعایش را می کردند، به ادعای خودشان گفتند سه ساعت ما توانستیم مقابله کنیم، بعد هم وقتی که پرسیده بود ازشان آن مردکه نامرد، (۱) که چطور شد سه ساعت؟ گفتند ما این را مبالغه می کنیم، آنها از آن ور آمدند، ما از این ور رفتیم! با حالا مقایسه کنید که جوانهای ما، اقشار ملت ما ایستاده اند، و در مقابل همه قدرتها، همه هم دارند توطئه می کنند. همه دستشان را به هم دادند که رژیم سابق را نگه دارند، جوانهای ما به همش زدند. همه هم دست به هم دادند که در این جنگ پیروزی ایجاد کنند، هر روز هم دروغش را می گویند، لکن جوانهای ما ایستاده اند و جلو می روند. در طایفه نسوان شما ملاحظه کنید آن وقت چه خبر بود، حالا چه خبر است. زنهای ما حالا مکتبی شده اند. سرتاسر کشور ما جوری هستند که همان طور که آن جوانها در جبهه دارند خدمت می کنند، اینها پشت جبهه شان محکم است و دارند خدمت می کنند، علاوه بر اینکه مجالس درس دارند، مجالس قرائت دارند، مجالس تدریس دارند، حتی تدریس خارج، من شنیدم بعضی از زنها در جایی می گویند. خوب! این چه تحولی است؟ پیشتر چه بود؟ مسئله زن چه بود در ایران؟ انسان حیا می کند که بگوید. آن اسمش آزادی بود! این اسمش اختناق است! آن آزادی بود که هر چه دلشان می خواهد انجام بدهند، به هر نحوه ای باشد؛ و این اختناق است، برای اینکه زنها خودشان آزادند که خدمت کنند، آزادند که پشت جبهه باشند، آزادند که درس بخوانند، آزادند که چه بکنند، این اسمش اختناق است! آنها اختناق را می گویند؛ یعنی نمی گذارید که زنها به طوری عمل کنند که ملت را فلج کنند. یک قشر جوان، ملت را به واسطه آن بی بند و باری که داشتند، فلج می کردند؛ یعنی از کار

۱- رضاخان پهلوی.

می انداختند. هیچ کس دنبال این نبود که یک فعالیت چشمگیری بکند، یک فعالیت اجتماعی بکند. همه دنبال این بودند که صبح که پا می شدند که کجا بروند تفریح بکنند، کجا بروند فرض کنید چه بکنند. بازارتان را نگاه کنید! خیابانهاتان را نگاه کنید! حالا وقتی که می خواهند تکذیب کنند از ایران، می گویند که در آنجا محل تفریح پیدا نمی شود- آن تفریحی که آنها می خواهند، و الّا محل تفریح هست-، یا زنها حالا دیگر چادر سرشان است. آن وقت به طوری تبلیغ شده بود که زن جرئت نمی کرد که به این صورتی که باید درآید، درآید، مخفی درمی آمدند. آنهایی که می خواستند حفظ کنند خودشان را، یا از خانه در نمی آمدند، یا شبی، یک وقتی مخفیانه از این ور به جای دیگر می رفتند، و هکذا همه جهاتی که ما ملاحظه می کنیم.

آمیخته بودن عرفان اسلام با عبادات آن

این حج این چند سال- که امسال هم بحمداللَّه بهتر بوده است- این باید در دنیا انعکاس پیدا بکند که حج این است. آن که ابراهیم خلیل اللَّه و رسول خدا می خواستند این معنا بوده است. آنی که سوره برائت را می فرستد در آن جمع می خواند، برای همین بوده است که به ما بفهمانند که آنجا باید سوره برائت خواند. در عینی که آن وقت که زمان رسول خدا بوده است، این طور گرفتاری که الآن مسلمین دارند، این طور گرفتاری نداشتند، یک جور دیگری بود. در عین حال قرآن شریف و حدیث به ما تعلیم می کند که در حج باید این کارها را کرد. آمیخته است حج و همه عبادات اسلامی، آمیخته به همه ابعاد مختلفه است. و از معجزات انبیا و خصوصاً اسلام این است که عرفانش آمیخته است با عباداتش. اگر انسان، یک نفر آدم که اهل آن مسائل است همین نماز را- آن بُعد عرفانی نماز را- در اذکار و در کارهای دیگرش دنبالش برود، می بیند که چه دریای خروشانی است، معراج است، معراج مؤمن است؛ یعنی، تا آن مافوق عالم طبیعت و مافوق عالم وجود، انسان را می کشاند. گاهی در یک کلمه اش این طور است. یک جمله گاهی آن قدر بُعد معنوی دارد و بُعد عرفانی دارد که اگر تحقق پیدا کند برای یک انسان سالک، از همه حجابها می گذرد. و کانّه سوره حمد که در قرآن هست و اولین سوره است

و برای نماز قرار دادند و نماز بدون حمد، گفتند نماز نیست، همین سوره حمد تمام معارف درش هست. منتها آن کسی که نکته سنج باشد، باید درش تأمل کند، خوب، ما اهلش نیستیم. ما می گوییم که «الحمدللّه»؛ یعنی شایسته است. الحمدللّه ربِّ العالمین؛ (۱) یعنی شایسته است خدا که همه حمدها برای او باشد. اما قرآن این را نمی گوید، قرآن می گوید که اصلًا حمدی واقع نمی شود در جایی، الّا برای خدا. آن هم که بت پرست است حمد است، آن هم برای خداست، خودش نمی داند. اشکال، ندانستن و جهالت ماهاست. آن که می گوید که ایّاک نستعین؛ (۲) نه معنایش این است که ما همه استعانت از تو ان شاءاللّه می خواهیم و اینها، نخیر، بالفعل این طوری است که به غیر خدا، استعانت اصلًا نیست، اصلًا قدرت دیگری نیست. چه قدرت دیگری ما داریم غیر قدرت خدا؟ آن که تو داری غیر از قدرت خداست؟ نه این است که ما ان شاءاللّه عبادت می کنیم برای خدا، ان شاءاللّه استعانت می کنیم از خدا. اصلًا واقعیت این طوری است، واقعیت این است که عبادت به غیر خدا، مدح، اصلًا در دنیا به غیر خدا واقع نمی شود، هیچ مدحی. اینهایی که مدح می کنند از مثلًا شیاطین و سلاطین و امثال اینها، اینها نمی فهمند که اینها مدح خداست، اینها غفلت از این دارند، لکن مدح به کمال است، مدح برای نقصان نیست، مدح برای کمال است. و آنهایی که، هر کس از هر کس استعانت بکند، استعانت از خداست. این سوره، این را می گوید. و اگر برای اهلش- آنهایی که اهل مسائل هستند- همین یک سوره قرآن تحقق پیدا بکند، تمام مشکلات حل می شود؛ برای اینکه وقتی انسان دید که همه چیز از اوست، دیگر از هیچ قدرتی نمی ترسد. ما که از قدرتها می ترسیم برای این است که خیال می کنیم قدرت این است. وقتی انسان قدرت را قدرت او دانست، وقتی انسان همه چیز را از او دانست، این دیگر نمی تواند که از دیگری بترسد.

همه خوفهای ما از باب این است که نفهمیدیم که قدرت، یک قدرت است و آن قدرت هم برای نفع همه است. آن قدرت هم برای نفع همه افراد و جامعه و تمام بشر آن قدرت به کار گرفته شده، برای نفع اوست. ما اگر همین معنا را ادراک کنیم که هر چی هست از

۱- سوره فاتحه الکتاب، آیه ۲

۲- بخشی از آیه ۵ سوره فاتحه الکتاب: «تنها از تو مدد می جوییم».

اوست و هر چی هست برای نفع ماست و برای تربیت ماست، اگر همین معنا را واقعاً انسان ادراک کند و مشاهده کند و ذوب کند، این مسائل حل می شود.

لزوم آشنایی مردم با معارف الهی

ما باید مردم را با توحید آشنا کنیم، علمای اعلام باید مردم را با توحید آشنا کنند، بامعارف الهی آشنا کنند. «الغیرك مِنَ الظُّهُور ما لَیسَ لَکَ» (۱)

؛ دعای عرفه حضرت سیدالشهدا- سلام اللَّه علیه- «متی غِبْت حتی تحتاج الی» (۲)

چه. قرآن هم همین است، هر کدام یک زبانی دارد. قرآن نازل شده تا اینجا رسیده است و ادعیه ائمه ما علیهم السلام به حسب تعبیر بعض مشایخ، (۳) «قرآن صاعد» است و هر چه مسائل بخواهید، در ادعیه هست. زبان ادعیه با زبان عادی ای که احکام می خواهند بگویند دوتاست. زبان ادعیه با زبان فلسفه هم دوتاست، با زبان عرفان علمی هم دوتاست، یک زبان دیگری است مافوق اینها، منتها زبان فهم می خواهد، باید کسانی که آن زبان را می فهمند توجه کنند.

قرآن یک نعمتی است که همه ازش استفاده می کنند، اما استفاده ای که پیغمبر اکرم می کرده است از قرآن، غیر استفاده ای است که دیگران می کردند. انّما یعرف القرآن من خُوطِبَ به، (۴) دیگران نمی دانند، ماها یک ذره ای، یک چیزی، یک خیالاتی پیش خودمان داریم، آن که قرآن برش نازل شده می داند چیست، چه جور نازل شده، کیفیت نزول چیست، چه مقصد در این نزول است و محتوا چیست و غایت این کار چیست، او می داند. آنهایی هم که به تعلیم او تربیت شده اند، آنها هم برای خاطر تربیت او می دانند.

هنر انبیا این بوده است که مسائل را، مسائل دقیق عرفانی را با یک لفظی می گفتند که هر کسی یک جوری ازش، خودش می فهمیده، ولی واقعش مال آنهایی است که بالاتر از این افقشان است، و این هنر در قرآن از همه جا بالاتر است و در ادعیه هم هست.

۱- آیا برای غیر تو از ظهور و آشکاری چیزی هست که برای تو نباشد؟».

۲- «کی غایب شده ای تا نیاز به ظهور و آشکاری داشته باشی».

۳- مراد آقای میرزا محمدعلی شاه آبادی است.

۴- «کسی معرفت به قرآن دارد که مورد خطاب آن است». بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۲۳۷- ۲۳۸، ح ۶.

حفظ جهات معنوی در حوزه و دانشگاه

ما، روحانیون، دانشگاهیها اگر واقعاً علاقه دارند به اینکه این کشور محفوظ بماند، خصوصاً دانشگاهیها، اساتید دانشگاه، اگر واقعاً علاقه مندند که این کشور دوباره برنگردد به اوضاع سابق، باید مواظب باشند، دانشگاهیها، اساتید مواظب خودشان باشند در تربیت و مواظب بچه ها و جوانها باشند در کارهایی که می کنند. باید نگه دارند دانشگاه را به یک صورتی که، به یک واقعیتی که آن واقعیت همین تحولی است که در ایران پیدا شده است. دانشگاه باید متحول باشد و البته شده است، لکن بیشتر مواظبت می خواهد. علمای بلاد هم هر جا هستند و خصوصاً در حوزه های علمیه باید همه جهاتی که اهل علم را، آنهایی که تازه آمدند و مشغول درس خواندن هستند، آنها را به خدای تبارک و تعالی نزدیک می کند و علاقه مند می کند، همه آن جهات را باید حوزه ها داشته باشند. حوزه ها باید درس اخلاق داشته باشند، نه یکی، نه دوتا، ده تا، بیست تا، درس اخلاق داشته باشند. اگر بخواهید که آینده کشور شما یک آینده نورانی باشد، تربیت کنید اینهایی که وارد در حوزه ها هستند، یا در آنجایی که درس می گویید وارد می شوند، تربیتشان کنید به یک تربیتی که از این عالم هجرت کنند، توجه به ماورای اینجا بکنند، روحانی باشند؛ یعنی روح باشند، یعنی توجه به ماورای طبیعت داشته باشند. از اول قدمها که برداشته می شود، برای آن طرف برداشته بشود، وقتی این طور شد، اینجا هم درست می شود. آن کسی که جهات معنوی خودش را تقویت کرد، آن کس در جهات طبیعی هم قوی می شود. مَثَل، مَثَلِ انبیاست و اولیا، با همه آن معنویات، با همه آن معارف الهیه، کشورداری هم می کردند، حکومت هم تأسیس می کردند، حدود را هم جاری می کردند، کسانی هم که مضر به جامعه بودند از دم شمشیر می گذراندند، در عین حالی که در آن پایه از معارف بودند.

کشوری سالم در پرتو تربیت صحیح

اگر مردم را تربیت کنید به یک تربیتی سالم، و دعوت کنید به اینکه با خدا آشنا بشوند، با معارف الهی آشنا بشوند، با قرآن آشنا بشوند، اگر این طور شد، کشور شما سالم

می ماند و به سایر جاها هم سرایت می کند؛ قهری است این. الآن هم ملاحظه می کنید که این مقداری که الآن در دنیا سر و صدا بلند است، منتها یک دسته سر و صدا می کنند برای بازی دادن مردم و اظهار اسلام می کنند، اظهار اینکه باید قوانین اسلامی بشود بکنند، یک دسته هم واقعاً مسلمان و دنبال اینکه اسلام باید باشد، این برای همین موجی است که از اینجا بلند شده است و شما ملت اسلام این موج را راه انداختید.

و امیدوار باشید به اینکه خدا با شماست. و شما مادامی که قدر بدانید از نعمت الهی، نعمتهایی که خدا به شما داده است؛ این نعمت وحدتی که به شما داده است، این نعمت انقلابی که به شما داده است، این جوانهایی که به شما داده است، انقلابی که در جبهه ها، الآن هم مشغول به خدمت هستند، این اساتیدی که به شما داده است، همه اینها قدردانی می خواهد. ما باید همه را قدر بدانیم و از همه تشکر کنیم. و من از ملت ایران در همه مواردی که دارند عمل می کنند و در صحنه هستند، تشکر می کنم و به همه دعا می کنم.

خداوند همه ملتهای اسلامی را حفظ کند. و به وظایف خودشان آشنا کند، و ما را هم به وظایف خودمان آشنا کند که در این چند روزی که داریم آن طرف می رویم، لااقل توجه به آنجا باشد، اخلاد الی الارض (۱)

نباشد.

والسلام علیکم و رحمهاللّٰه

۱- اشاره است به آیه ۱۷۶ سوره اعراف.

ص: ۱۸۰

حکم

زمان: ۷ مهر ۱۳۶۴/ ۱۳ محرّم ۱۴۰۶

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب سرپرست حجاج

مخاطب: کروبی، مهدی

انتصاب سرپرست حجاج

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام حاج شیخ مهدی کروبی- دامت افاضاته

با تشکر از حجاج عزیزی که در تمامی صحنه ها حاضر بودند و با تشکر از عملکرد خوب و زحمات شما و سایر برادران دست اندرکار امر حج در داخل و خارج، جنابعالی را به عنوان نماینده خویش و سرپرست حجاج در سالهای آینده منصوب می نمایم، تا به تمام برنامه هایی که در احکام سالهای گذشته ذکر گردیده بود عمل نمایید. بدیهی است که تمام مسئولین با شما همکاریهای لازم را خواهند داشت. ان شاءاللَّه موفق و مؤید باشید.

والسلام.

۷/ ۷/ ۶۴

روح اللَّه الموسوی الخمینی

پیام

زمان: ۱۶ مرداد ۱۳۶۵/ ۱ ذی الحجه ۱۴۰۶

مکان: تهران، جماران

موضوع: مهجوریت حج ابراهیمی- برائت از مشرکان در کنگره عظیم حج

مخاطب: ملت مسلمان ایران و جهان و زائران بیت اللَّه الحرام

مهجوریت حج ابراهیمی ...

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

وَ اذانٌ مِنَ اللّه وَ رَسُولِهِ الَی النّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الْأَکبَرِ انَّ اللّه بَرِی ءٌ مِنَ الْمُشْرِکینَ وَرَسوُلُهُ. (۱) صدق اللّه العلی العظیم

ستایش و نیایش مخصوص ذات مقدسی است که با عنایات خاص خود و فروفرستادن وحی بر انبیای عظام، از آدم صفی اللَّه تا محمد حبیب اللَّه- علیهم صلوات اللّه و سلم- راه و روش چگونه زیستن و برای چه آفریده شدن و مقصد آفرینش را بر جامعه بشری آموخت. و درود بی پایان بر پیامبران اولوالعزم چون ابراهیم بت شکن و موسای طاغوت برانداز و عیسای مسیح که اگر فرصت یافته بود همانند آنان بود، و محمد شکننده تمامی بتها و برائت جوینده از تمامی مشرکان و ستمکاران. و سلام جاویدان بر ائمه مسلمین، این راهگشایان پیکارگری علیه ستمکاران مسلمان نما و جباران غاصب حقوق اللَّه و حقوق الناس و کج فهمان داغ بر پیشانی. و سلام بر آن ابراهیم خلیل اللّه که یک تنه بر بتها و بت پرستها یورش برد و از تنهایی و آتش نهراسید، و آن موسای کلیم اللّه که با عصای چوپانی بر فرعونیان خروش کشید و از بی کسی باک نداشت. و سلام و درود

۱- بخشی از آیه ۳ سوره توبه: «اعلانی است از خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر که: خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزار است».

بر محمـد حبیب اللّه که به تنهایی قیام کرد و تا آخرین ساعات زنـدگانی با کفار ظلم پیشه به جنگ برخاست و از کمی عِده و عُده نناليد. و سـلام بر مسـلمانان صدر اسلام که با اندک تدارکات جنگی به سلاطین جور روم و ایران تاختند و از کمی یاران به خود ترس راه ندادند. و درود بی پایان بر علی بن ابیطالب که با دژخیمان به صورت مسـلمان و مقدس نماهای بدتر از کفار جنگید و از هیچ قدرتی نهراسید. و سلام بر حسین بن علی که با یاران معدود خویش برای برچیدن بساط ظلم غاصبان خلافت بپا خاست و از ناچیز بودن عِـده و عُـده به خود خیال سازش با سـتمگر را راه نداد و کربلا را قتلگاه خود و فرزندان و اصـحاب معدودش قرار داد و فریاد «هیهات منّاالذِّلَّهُ (۱)

» اش را به گوش حق طلبـان رسانـد که در نظر دنیاگرایان و ملت پرسـتان، آنچه از این اولیای معظم الهی صادر شـده برخلاف عقل و شـرع است. قیام بدون تجهیزات کافی را عقل آنان نمی پسندد و شرع آنان اجازه نمی دهد. و نیز به عقیده آنان حرکت از کشـوری به کشـوری دیگر که دارای حکومت و تشـکیلاتی می باشـد، مخـالف بـا عقـل و ملیت بوده و بالاـخره مخـالف با موازین شـرعی و الهی است و همچنین صـلح بـا نمرودیـان و فرعونیـان و ملحـدان و سـتمگران و سـازش بـا ظالمـان به صورت مسـلمان و با زهدفروشان داغ بر پیشانی، طریق صواب و عقل و شـرع بوده و هست. و با این انگیزه، تسـلیم و سازش با امریکای جهانخوار و وابستگان به او لزوم عقلی و شرعی دارد و تخلف از آن مخالف شرع و عقل است. و دفاع از ملت مظلوم عراق که زیر چکمه دژخیمان به جان آمده اند و فوج فوج علمای عظام و ابرار بی پناه آنان به شـهادت می رسند و زنان وکودکان آنان زیر لگـدهای سـتمگران می سوزنـد و می میرند و فریاد «یا لَلمسـلمین» می کشـند، بر خلاف عقل و شـرع می باشد! این انگیزه ملیگرایی و خلود در ارض (۲) است که مصالح مسـلمانان را فراموش کرده و دفاع از مصالح مسـلمین را در حصار ملت خاص قرار داده و قلم سـرخ بر قرآن کریم و احـادیث رسـول اللّه صـلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السـلام و سیره مسـتمره انبیای عظام و اولیای معظم علیه السلام در طول تاریخ کشیده است.

۱- «ما را هرگز ذلت و خواری مباد»؛ شعار معروف امام حسین علیه السلام که در جواب درخواست برای بیعت بایزید فرمود.

۲- اندیشه باطل جاودانه در زمین زیستن.

ملت غیور متعهد ایران در آن روزهای سخت مصیبت بار که دشمن جنایتکار از زمین و هوا و دریا غافلگیرانه به کشورشان حمله کرد و قسمت عظیمی از آن را متصرف شد و جنایتکاران داخل و قدرتهای بزرگ خارج و عمالشان در سطح کشور به خرابکاری و قتل و غارت دست زدند، با ارتش از هم پاشیده و قوای مسلح ناچیز آرایش ندیده فقط با اتکال به خدای متعال و نیروی ایمان دشمن را با شکست و زبونی از کشور عزیز خود بیرون راند و هیچگاه ضعف و سستی و زبونی به خود راه نداد و از شهادت استقبال نمود و به سازش و صلح با افعی زخم خورده تن در نداد و جز معدودی ضعیف القلب یا خیانتکار و دنیاطلب و راحتخواه که به اسلام و مصالح مسلمین اعتنایی نداشتند و ندارند، با ضعف و دلهره از صلح و صفا دم می زدند و می زنند و تعمد داشته و یا نمی دانستند که صلح با این جنایتکاران در هر موقع باعث بر باد دادن حیثیت اسلام و کشور اسلامی بوده و نیز موجب گرفتاری همیشگی میهن عزیزمان در چنگال ابرقدرتهاست.

اکنون که با عنایات خداوند تعالی و توجه بقیهاللَّه- روحی فداه- نظام جمهوری اسلامی ما از هر جهت در موضع قدرت قرار گرفته است و ارتش نیرومند و سپاه عظیمِ مؤمنِ سلحشور و قوای مسلح قدرتمند و ملت حاضر در صحنه دارد و پشت دشمن را در ابعاد مختلف شکسته است، برایمان سازش و صلح تحمیلی بدتر از جنگ چه معنی دارد؟

چه کسی است که نمی داند صلح طلبی دشمن برای مجهز شدن بیشتر و غافلگیری ای است، که جمهوری اسلامی باید برای احتراز از آن در طول بیش از هزار کیلومتر قوای مجهز آماده داشته باشد؟ و کیست که نداند صلح با این حزب به رسمیت و شرعیت شناختن حکومت بعث است که با قتل و جنایت بر یک کشور اسلامی حکومت می کند؟

و کیست که نداند این امر از بزرگترین گناهان است و از واضحترین خیانتها به مسلمین است؟ ملت عزیز ما با تعهدی که به اسلام دارند، جنگ را تا سر حد شهادت و لقاءاللَّه که از بزرگترین آمال اولیای خدا و ارباب معرفت است ادامه می دهند، گرچه آن را بیخبران نابودی انگارند و مادیگرایان لقاءاللَّه را نابودی لقب می دهند.

اکنون که حجاج بیت اللَّه الحرام از خانه تن و دنیا مهاجرت الی اللَّه و رسوله، که خانه

دل است، می کننـد و همه چیز جز محبوب حقیقی در ورای آنان است بلکه چیزی جز او نیست که درون و برون داشـته باشد، بایـد بداننـد که «حج ابراهیمی محمدی» صـلی الله علیه و آله سالهاست غریب و مهجور است، هم از جهات معنوی و عرفانی و هم از جهات سیاسی و اجتماعی.

و حجاج عزیز تمامی کشورهای اسلامی باید بیت خدا را در همه ابعادش از این غربت درآورند، اسرار عرفانی و معنوی اش به عهـده عرفای غیر محجوب. و ما اینک با بعد سیاسـی و اجتماعی آن سـر و کار داریم که باید گفت فرسـنگها از آن دوریم. ما مأمور به جبران مافات هستیم. این کنگره سـراپا سیاست که به دعوت ابراهیم و محمد- صلی اللّٰه علیهما و آلهما- بر پا می شود و از هر گوشه دنیا و از هر فَجٍّ (۱) عمیق در آن اجتمـاع می کننـد، برای منافع «ناس» است و قیام به قسط است (۲) و در ادامه بت شکنیهای ابراهیم و محمد است و طاغوت شکنیها و فرعون زدودنهای موسی است. و کدام بت به پایه شیطان بزرگ و بتها و طاغوتهای جهانخوار می رسـد که همه مستضـعفان جهان را به سـجده خود و سـتایش خویش فرا خوانند و همه بندگان آزاد خدای تعالی را بنده فرمانبردار خویش دانند؟

در فریضه حـج که لبیـک به حـق است و هجرت به سـوی حق تعـالی به برکت ابراهیم و محمـد است، مقـام «نه» بر همه بتهـا و طاغوتهاست و شـیطانها و شـیطان زاده هاست. و کدام بت از شیطان بزرگ امریکای جهانخوار و شوروی ملحد متجاوز بزرگتر و کدام طاغوت و طاغوتچه از طاغوتهای زمان ما بالاترند؟

در لبیک لبیک، «نه» بر همه بتها گویید و فریاد «لا» بر همه طاغوتها و طاغوتچه ها کشـید و در طواف حرم خدا که نشانه عشـق به حق است، دل را از دیگران تهی کنیـد و جـان را از خوف غیر حق پـاک سازیـد و به موازات عشق به حق از بتهای بزرگ و کوچک و طاغوتها و وابسـتگانشان برائت جویید که خدای تعالی و دوسـتان او از آنان برائت جسـتند و همه آزادگان جهان از آنان بری هستند.

و در لمس «حَجَرالاسود» بیعت با خدا بندید، که با دشمنان او و رسولانش و

۱- در لغت به معنای راه گشاده میان دو کوه، و در متن کنایه از دورترین نقاط.

۲- اشاره به آیه ۲۵ سوره حدید.

صالحان و آزادگان دشـمن باشـید و به اطاعت و بندگی آنان، هر که باشد و هر جا باشد، سر ننهید و خوف و زبونی را از دل بزدایید که دشـمنان خدا و در رأس آنان شـیطان بزرگ زبونند، هر چند در ابزار آدمکشی و سرکوبی و جنایتشان برتری داشته باشند.

و در سـعی بین صـفا و مروه، با صدق و صفا سعی دریافتن محبوب کنید که با یافتن او همه یافتهای دنیاوی گسسته شود و همه شکها و تردیدها فرو ریزد و همه خوف و رجاهای حیوانی زایل شود و همه دلبسـتگیهای مادی گسسته شود و آزادگیها شکفته گردد و قید و بند شیطان و طاغوت که بندگان خدا را به اسارت و اطاعت کشند، در هم ریزد.

و با حال شـعور و عرفان به مشعرالحرام و عرفات روید و در هر موقف به اطمینان قلب بر وعده های حق و حکومت مستضعفان بیفزایید و با سـکوت و سکون تفکر در آیات حق کنید و به فکر نجات محرومان و مستضعفان از چنگال استکبار جهانی باشید و راههای نجات را از حق، در آن مواقف کریمه طلب کنید.

پس به منا روید و آرزوهای حقانی را در آنجا دریابید که آن قربانی نمودن محبوبترین چیز خویش در راه محبوب مطلق است. و بدانیـد تـا از این محبوبها که بالاترینش حب نفس است و حب دنیا تابع آن است، نگذریـد به محبوب مطلق نرسـید و در این حال است که شـیطان را رجم کنید و شـیطان از شما بگریزد. و رجم (۱) شـیطان را در موارد مختلف با دستورهای الهی تکرار کنید که شـیطان و شـیطان زادگان همه گریزان شوند. و شـرط همه مناسک و مواقف برای رسـیدن به آرزوهای فطری و آمال انسانی، اجتماع همه مسـلمانان در این مراحل و مواقف و وحدت کلمه تمامی طوایف مسلمین است بدون اعتنا به زبان و رنگ و قبیله و طایفه و مرز و بوم و عصبیتهای جاهلی، و هماهنگ خروشـیدن بر دشـمن مشترک است که دشمن اسلام عزیز است و در این عصـر از آن سـیلی خورده است و آن را مانع غارتگریهای خود می داند و با تفرقه افکنی و نفاق پراکنی می خواهد این مانع ملموس را از سر راه خود بردارد. و عمال مزدور آنان که

۱- سنگباران؛ رمی جمرات ثلاثهسنگ افکندن به ستونهای سه گانه) یکی از اعمال حاجیان در «منا» است.

در رأس آنهـا آخونـدهای حسود دنیـاگرای درباری انـد و در هر جا و هر وقت خصوصاً در ایام حـج و مراسم الهی آن، مأمور اجرای این مقاصد شوم می باشـند. مسـلمانان در مواقف و مراسم این عبادت که یکی از مقاصد بزرگ آن، اجتماع مسلمین از تمـام بقـاع زمین برای منـافع مستضـعفان جهـان است، و کـدام نفع بالاتر از کوتاه کردن دست جهانخواران از ممالک اسـلامی است، لازم است با هوشـیاری مراقب اعمال ضد اسـلامی و قرآنی این عمال خبیث و آخوندهای نفاق افکن باشند و آنان را که با نصیحت به اسلام و منافع مسلمین وقعی نخواهند گذاشت، از خود برانند که اینان از طاغوتیان شیطانتر و پستترند.

اینک اینجانب به تذکراتی که لازم می دانم، حسب معمول می پردازم و از خداوند توفیق همگان را برای خدمت به اسـلام می خواهم:

۱- به زائران بیت اللَّه الحرام- ایّـدهم اللَّه تعالی- عرض می کنم که اعمال و مناسک را به طور دقیق از روحانیون محترم که در کاروانها هسـتند فراگیریـد و به هیچ عملی بدون راهنمایی آنان دست نزنید، چه بسا باشد که خدای نخواسـته با سـهل انگاری، عملتـان باطـل شود و جبران را تـا آخر نتوانیـد بکنیـد و یـا به احرام باقی بمانیـد و در برگشت موجبات زحمت خود و نزدیکان خویش شویـد و این یـک تکلیف شـرعی است که از آن غفلت نبایـد کرد. و به روحـانیون محترم عرض می کنم که علاوه بر آنکه مسائل را به طور وضوح که همه کس بفهمـد در جلسات متعـدد به گروه خود یاد دهید، در وقت اعمال آنان نیز مواظب آنها باشید و آنها را هدایت فرمایید.

۲- به زائران محـترم تـذکر می دهم که در این مواقـف معظمه و در طـول سـفر به مکه مکرمه و مـدینه منـوره، از انس بـا قرآن کریم، این صـحیفه الهی و کتاب هـدایت، غفلت نورزند که مسـلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشـته و آینده از برکات سرشار این کتاب مقدس است. و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تِبیان کُلِّ شَی ءٍ (۱)

است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تابیده است، غفلت

۱- اشارت است به آیه ۸۹ سوره نحل.

نفرمایند. این کتاب آسمانی- الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات و بینات است و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع مَنْ خُوطِبَ بِهِ (۱)

از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضتهای قلبیه، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن، که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است، خدای نخواسته مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم و معرفت و استعدادهای اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی صلی الله علیه و آله بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان با بررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته، براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم (۲) از «ادَّبَنی رَبِّی» (۳)

دریافت فرموده، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مؤدب به آداب اللّٰه تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت بارقه ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هُدیً لِلْمُتَقین (۴)

هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت اللّٰه به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم

۱- اشارت است به حدیث شریف: «انَّما یعرف القرآنَ مَن خوطِبَ بِهِ» همانا کسی قرآن را عارف است که مورد خطاب آن قرار گرفته است؛ یعنی ذات مقدس نبی اکرم صلی الله علیه و آله.

۲- وجود با برکت نبی خاتم صلی الله علیه و آله که قلب عالم امکان است.

۳- «پروردگارم مرا تربیت کرد».

۴- بخشی از آیه ۲ سوره بقره.

شود این کتاب سرچشمه همه چیز است؛ از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و رؤسای جمهور و اهل دنیاست. یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است. و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشأن آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق! بپاخیزید و قرآن کریم را از شرّ جاهلان مُتنسِّک و عالمان متهتک (۱) که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته و می تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جِد، نه تعارف معمولی، می گویم از عمر به باد رفته خود در راه اشتباه و جهالت تأسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه ها و دانشگاهها را از توجه به شئونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را مَحطّ نظر (۲) و مقصد اعلای خود قرار دهید. مبادا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تأسف بر ایام جوانی بخورید همچون نویسنده.

۳- باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، (۳) تا قیام ساعت نازل گردیده است، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست. و گمان نشود قصد ابراهیم و موسی و محمد- علیهم و علی آلهم السلام- مخصوص به زمان خاصی است. فریاد برائت از مشرکان مخصوص به زمان خاص نیست، این دستور است و جاوید، در صورتی که مشرکان حجاز منقرض شده اند. و «قیام ناس» (۴) مختص به زمانی نیست و دستور هر زمان و مکان

۱- جاهلان زاهدنما و عالمان پرده درو بی تقوا).

۲- مورد توجه؛ منظورنظر.

۳- اقلیم؛ ناحیه.

۴- اشارت است به آیه ۹۷ سوره مائده: «جعل اللَّه الکعبه البیت الحرام قیاماً لِلناس».

است و در هر سال در این مجمع عمومی بشری از جمله عبادات مهم است الی الابد. و همین است نکته سفارش اکید ائمه مسلمین علیهم السلام بر اقامه عزای سید مظلومان تا آخر ابد و فریاد مظلومیت آل بیت رسول اللَّه صلی الله علیه و آله ظالمیت بنی امیه- علیهم لعنهاللَّه- با آنکه بنی امیه منقرض شده اند، فریاد مظلوم بر سر ظالم است. و این پرخاش و فریاد باید زنده بماند و برکاتش امروز در ایران در جنگ با یزیدیان واضح و ملموس است. و لازم است حجاج بیت اللَّه الحرام در این مجمع عمومی و سیل خروشان انسانی فریاد برائت از ظالمان و ستمکاران را هر چه رساتر برآورند و دست برادری را هر چه بیشتر بفشارند و مصالح عالیه اسلام و مسلمین مظلوم را فدای فرقه گرایی و ملیگرایی نکنند و برادران مسْلم خود را هر چه بیشتر متوجه به توحید کلمه و ترک عصبیتهای جاهلی که جز به نفع جهانخواران و وابستگان آنان تمام نمی شود بنمایند، که این خود نصرت خداوند تعالی است و وعده حق تعالی به امید واثق شامل حالشان می شود. و اگر خدای نخواسته از عمال جهانخواران که در رأس آنان آخوندهای جیره خوار تفرقه افکن واقعند پیروی کنند، به معصیت بزرگی دست زده اند و مشمول غضب قادر جبار خواهند شد و در قید و بند ابرقدرتها باقی خواهند ماند و باید به خداوند از آن پناه برد.

۴- از زائران محترم کشور ایران تقاضا دارم که توجه کنند از چه کشوری می روند و به سوی کی رو آورده اند. از کشوری می روند که برای اسلام عزیز و اجرای احکام نورانی آن به جای احکام طاغوت بپاخاسته و زن و مرد و پیر و جوان هر چه داشته اند فدا کردند. جوانان عزیز متعهدی که هر یک از آنها ارزشهای الهی ای دارند که ما از درک آن عاجزیم، شهید شده اند و معلول گردیده اند و به اسارت درآمده اند و ملتی که مشتاقانه در راه خدا از جان و جوان و مال و منال خود گذشته اند و داغ عزیزان خود را به جان خریده اند. و به سوی کشوری می روند که خانه خداوند تعالی و کعبه آمال انبیای عظام و اولیای کرام و مَحطّ (۱) وحی و مَهبط (۲) جبرئیل امین و ملائکهاللَّه است. به سوی خدا

۱- محل نزول.

۲- محل فرود و هبوط.

می روند تا هر حرکت و سکونشان الهی باشد و به سوی قربانگاه اسماعیل عزیز می روند که دستور گذشتن از هر چیز را در راه او به ما داد، و به سوی مدینه محمد صلی الله علیه و آله می روند تا محمدی شوند و چگونه زیستن و چگونه مجاهدت کردن و چگونه رفتن به سوی معشوق را بیاموزند. رفته اند به سوی قبر رسول عظیم الشأن و قبور اولیای عظیم المنزله ای که لحظه ای به دنیا و زخارف آن توجه نکرده اند و بجز به خدا و اوامر او نیندیشیده اند و به جز رضای او قدم بر نداشته اند، پس آگاه باشید که از کجا به کجا می روید. پس تکلیف شما جداً زیاد است و حرکات و اعمال شما علاوه بر آنکه در محضر حق تعالی و حضور اوست و در مراقبت اولیاءاللّٰه و ملائکهاللّٰه است، در پیش چشمان هزاران زائری است که از کشورهای اسلامی و از سراسر جهان به آنجا آمده اند و چه بسا تحت تأثیر تبلیغات دامنه دار رسانه های گروهی دشمنان اسلام و ایران قرار گرفته اند که از هر صبح تا شام بسیاری از وقت خود را صرف دروغ پردازی درباره اسلام و ملت ایران و دست اندرکاران خدمتگزار این کشور مظلوم کرده و می کنند و مردم بپاخاسته این مرز و بوم را به غیر از آنچه هستند معرفی می کنند، که شاید به واسطه این تبلیغات بسیاری از مردم مسلمان جهان یا باور نموده یا در ابهام به سر برند.

و نیز از ملت عزیزمان، معلولین و شهیدان زنده و بازماندگان و وابستگان به آنان که در کاروانها کم نیستند، مراقب اعمال شما هستند و اینک شمایید و این بار سنگین امانت الهی و تکلیف اسلامی و وجدان و فطرت خود، یا ان شاءاللّٰه تعالی به پاس خون شهیدان و به پاس آبروی اسلام و ملت مظلوم عزیزتان با سرافرازی منادی حق و مبلّغ عملی و قولی اسلام و جمهوری اسلامی می شوید و علاوه بر ثواب عظیم زیارت بیت اللّٰه و قبور اولیای خدا بویژه رسول اکرم صلی الله علیه و آله مورد عنایات حق تعالی و دعای بقیهاللّٰه- ارواحنا لمقدمه الفداء- و غریق رحمت باری تعالی و خیر و ثواب در دنیا و آخرت خواهید شد و یا خدای نخواسته منادی شیطان و مروّج تبلیغات دشمنان اسلام و موجب هتک حرمت اسلام و جمهوری اسلامی و شهیدان شاهد و رنجدیدگان امت خود می شوید و دست رد الهی بر سینه شما نامحرمان می زنند.

اکنون شما عزیزان بر سر دوراهی سعادت ابدی و تحصیل رضای حق و خاصان او

و شـقاوت و محرومیت ابـدی هستید و امیدوارم به برکت مَواقیت (۱) و مواقف متبرّک (۲) و دعای ملت محروم که بـدرقه راه شماست، از طبقه اول باشید و اسلام وشهدا و جانبازان و ملت و میهن خود را سرافراز کنید و دست رد به سینه دشمنان اسلام و مسلمانان زنید و دشمنان را مخذول (۳) و دل شکسته و دوستان را شاد نمایید. وشما گرچه می دانید بایدچه بکنید و از چه پرهیز نمایید لکن اینجانب نیز برای ادای تکلیف و اتمام حجت به مهمات آنها اشاره می کنم:

الف- اخلاق کریمه انسانی- اسلامی را بـا همه زوّار از هر طبقه و هر طـایفه و هررنگ و هر زبان و هر کشور باشند، با دقت مراعات نماییـد و در برخوردهـا و رفت وآمـدها در جمیع اوقات و احوال و پیشامـدها صـبور و بردبار باشـید و کریمانه با همه رفتار نمایید و در مقابل درشتیها، نرمی و سلم و در مقابل بدرفتاریها، خوبی و محبت کنید و برای رضای خداوند تعالی تحمل هر پیشامـد بـدی از هر کس باشـد، با روی گشاده و سعه صـدر نمایید که آن مواقف کریمه و بقاع شـریفه محل نزاع و جدال نیست. و آنچنان کنید که معلوم شود شـما از کشور امام صادق علیه السـلام آمده اید و این خودیک خدمت شایان به اسـلام و جمهـوری اسـلامی و هم میهنـان عزیز است. و بدانیـد که پس از رجوع از سـفر، لـذت این امر را به طور شایسـته خواهیـد برد، علاوه بر تحصـیل رضای حق و پیامبر عظیم الشأن صـلی الله علیه و آله و حضـرت بقیهاللّه- روحی لمقـدمه الفـداء- که شاهد و حاضر است.

ب- در راهپیماییها لازم است در وقت و کیفیت، شعار و امثال آنها از متصدیان امور پیروی کنید و نظم و آداب اسـلامی را به طور شایسته مراعات نمایید و به هیچ کس اجازه ندهید که سرِخود و بدون دسـتور شعار دهد، که ممکن است عمال دشمنان اسـلام و جمهوری اسـلامی که برای تفرقه افکنـدن و بـدنام نمودن شـما آمـده باشـند در بین شـما نفوذ کننـد و با تحریکات و شعارهای غلط مخالف اخلاق اسـلامی، به آبروی شماو ملت شما و اسلام و مذهب لطمه وارد کنند و در هر صورت لازم است همه گوش به دستورات و

۱- جمع میقات؛ محلهای پنجگانه ای که حاجیان از آنجا احرام بسته و قصد زیارت خانه خدا کنند.
۲- وقوف حاجیان در عرفات و مشعر و منا با شرایط و اعمالی خاص بخشی از مناسک حج است.
۳- خوار و سرافکنده.

شعارهای نماینده اینجانب، جناب حجت الاسلام آقای کروبی و دیگر متصدیان امور فرا دهید و از غیر آنها جداً پرهیز نمایید.

ج- کالاهـایی که در حجـاز به حجـاج محترم عرضه می شود، آنچه مربوط به امریکـای مخالف با آرمانهای اسـلامی و اساسـاً مخـالف با اسـلام است، خریـداری آنهاکمک به دشـمنان اسـلام است و ترویـج باطل است و از آنها بایـد احتراز شود. انصاف نیست که جوانان عزیز ما در جبهه ها جان دهند و جانبازی کنند وشـما با خرید این کالاها به جنایتکاران جنگی کمک کنید و به اسـلام و جمهوری اسـلامی و ملت مظلوم خود بـا این اعمـال دهن کجی نماییـد. شـما برای خودتان یا دوسـتانتان می توانید چیزهای مناسب از خود ایران تهیه نمایید که به دشـمنان ایران و اسلام کمک نشود. اینجانب وظیفه خود را ادا نمودم و شمایید که در زیارت خـدا و رسول، به دشـمنان آنان کمک ننماییـد و موجب سـرافکندگی ملت و میهن خود نشویـد. اینها تـذکراتی است که به واسطه اهمیت آن در سالهای قبل داده شد و تکرار آن وظیفه اینجانب است.

۵- خوب است که سـران کشورهـای اسـلامی در مسائل روزِ کشورهای اسـلامی تحت سـتم و ملتهای مظلوم تحت چکمه های اجانب و غارتگرهای شـیطانهای بزرگ و سایر شـیاطین دیگر که ذخایر غنی آنان را چپاول می نمایند و ملتها در فقر و فاقه می سوزنـد، تفکر نموده و به خود آیند و خوف و وحشتی را که ابرقدرتها با تبلیغات خود بر آنها تحمیل کرده اند تامصالح کشور خود و سایر مسـلمانان و مظلومان را نادیده گرفته و تن به مذلت مرگبار دهند، با ارزیابی صـحیح سنجش نموده و با وجدان به قضاوت بنشینند و بیش از این برای خویش و کشورهای خود ننگ به بار نیاورند و در حال ملت و دولت ایران مطالعه کنند که خود را از زیر بار قلدریهای هر دو قطب خارج کرده و پرتو پیروزی آن و اسلام عزیز در سراسر جهان نورافشانی می کند و در راه شـرف اسـلام و عزت میهن اسـلامی خویش بپاخاسـته و در این راه که همان راه انبیای عظام- علیهم وآلهم السـلام- است، ازهمه چیزمادی خود گذشته و فریاد «هَیهاتَ مِنّا الذله» را به گوش جهانیان رسانده است.

و اگر دولتهـای منطقه به جـای هماهنگ شـدن با ملت ایران، کمک به حزب عفلقی عراق که اسـلامزدایی جزء مرام آن اسـت نمی کردند، در همان ماههای اول کوبیده شده بود و

ملت عزیزاسلامی عراق از شرّ اوراحت شده بودند وکشورایران وعراق و سایر کشورهای منطقه با برادری زیست می نمودند. و اکنون نیز که بازیگران حرفه ای با ترفندهای مختلف می خواهند سلطه غارتگرانه سالهای طولانی را حفظ و از وحدت مسلمین و از اسلام بزرگ که سیلی خورده اند وسخت آشفته هستند، عمال معلوم الحال خود را به راه انداخته اند تا نگذارند اسلام به پیروزی برسد؛ همچون حسن مراکشی (۱) که با ملاقات و دست دوستی دادن به «پِرِز» (۲) به اسلام و ملتهای مسلمان بویژه ملت عرب و فلسطین خیانت فاحش نابخشودنی نموده و بر ملت و دولتهای اسلامی و عربی است که با برخورد قاطع دست این خیانتکار را قطع کنند؛ و چون حسین اردنی، (۳) این دلال دوره گرد خیانتکار که تا دولتهای منطقه را به دام شیطان بزرگ نیندازد از پای نخواهد نشست؛ و چون «حسنی مبارک» (۴) نسخه دوم انورسادات و دیگر خائنین به اسلام را از خود برانند که اینانند که شما را بازیچه خود قرار داده اند تا متعمداً یا بدون عمد سد راه شرف و عزت اسلام شوند.

ما ازدولتهای منطقه می خواهیم که دست ازحمایت دشمنان اسلام و بشریت بردارند و بیش از این با مصالح اسلامی که مصالح خودشان و میهنشان و مظلومان جهان است معارضه نکنند و با همسویی وهمکاری جمهوری اسلامی، دست رد به سینه فتنه گران و جهانخواران زنند و باید بدانند این حزب مرده (۵) زنده نخواهد شد «وَالْعاقِبَهُ لِلمُتَّقین».

اینجانب به حسب وظیفه اسلامی آنچه صلاح مسلمانان و حکومتهای کشورهای منطقه است، گوشزد کردم و از خداوند متعال خواهانم آنان را به راه راست هدایت فرماید و از کجرویها باز دارد. والسلام علی عباد اللَّه الصالحین.

یکم ذی حجهالحرام ۱۴۰۶

روح اللَّه الموسوی الخمینی

۱- ملک حسن، شاه مراکشمغرب).

۲- شیمون پرز، نخست وزیر رژیم صهیونیستی.

۳- ملک حسین، شاه اردن.

۴- رئیس حاکم بر رژیم مصر.

۵- حزب بعث حاکم بر عراق.

پیام

زمان: ۶ مرداد ۱۳۶۶/ ۱ ذی الحجه ۱۴۰۷

مکان: تهران، جماران

موضوع: برائت از مشرکان و تبیین وظایف مسلمین و مشکلات جهان اسلام

مخاطب: مسلمین ایران و جهان و زائران بیت اللَّه الحرام

مناسبت: برگزاری مناسک عظیم حج

برائت از مشرکان و تبیین وظایف مسلمین و ...

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

وَ مَنْ یَخْرُجْ مِنْ بَیْتِهِ مُهاجِراً الَی اللَّه وَ رَسُولِهِ ثُمَّ یُدْرِکْهُ الْمَوتُ فَقَدْ وَقَعَ اجرُهُ عَلَی اللَّه (۱) الحَمْدُللَّه عَلی آلائِهِ و الصَّلوهُ وَ السَّلامُ عَلی انبیائِهِ سیّما خاتَمِهِم وَ افْضَلِهِم وَعَلی اوْلِیائه وَ خاصَّهِ عِبادِهِ سیّما خاتَمِهِم وَ قائِمِهِمْ ارْواحُ العالَمینَ لِمَقْدَمِهِ الفِداء.

قلمها و زبانها و گفتارها و نوشتارها عاجز است از شکر نعمتهای بی پایانی که نصیب عالمیان شده و می شود. خالقی که با جلوه سراسر نورانی خود، عوالم غیب و شهادت و سرّ و عَلَن را به نعمت وجود آراسته و به برکت برگزیدگانش به ما رسانده که؛ اللَّه نُورُ السَّموات وَالارضِ (۲)

و با ظهور جمیلش پرده از جمالش برافکنده که؛ هُوَ الْاوَّلُ وَالاخِرُ وَالظّاهِرُ وَالْباطِنُ (۳)

و به کتب مقدس آسمانی اش که از حضرت غیب بر انبیائش از صفی اللَّه تا خلیل اللَّه و از خلیل اللَّه تا حبیب اللَّه- صلوات اللَّه و سلامه علیهم و سلم- نازل فرموده، راه وصول به کمالات و فنای در کمال مطلق را تعلیم فرموده و سلوک الی اللَّه را گوشزد

۱- بخشی از آیه ۱۰۰ سوره نساء: «و هرکس از خانه خویش خارج شود و در حال هجرت به سوی خدا و پیامبر او، مرگش فرا رسد، هرآینه پاداشش بر خداست».

۲- بخشی از آیه ۳۵ سوره نور: «خداوند نور آسمانها و زمین است».

۳- سوره حدید، آیه ۳.

کرده چون کریمه وَ مَنْ یَخْرُجْ مِنْ بَیْتِهِ مُهاجِرَاً اِلَی اللَّه و طریق برخورد با مؤمنین و دوستان خود و ملحدین و مستکبرین و دشمنان خویش را آموخته: مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّه وَ الَّذینَ مَعَهُ اشِدَّآءُ عَلَی الْکُفَّار رُحَماءُ بَیْنَهُمْ. (۱)

و هزاران شکر که ما را از امت خاتم النبیین محمد مصطفی صلی الله علیه و آله قرار داد، افضل و اشرف موجودات و از پیروان قرآن مجید، اعظم و اشرف کتب مقدسه و صورت کتبیه حضرت غیب مستجمع جمیع کمالات به صورت وحدت جمیعه و ضمانت حفظ و صیانت آن را از دستبرد شیاطین انس و جن فرموده؛ انَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِکْرَ وَ انَّا لَهُ لَحافِظُونَ (۲)

قرآنی که نه یک حرف بر آن افزوده شده و نه یک حرف کاسته. کتاب کریمی که ما را از برخورد انبیای معظم الهی با مستکبرین جهان و جهانخواران طول تاریخ آگاه نموده و از طریقه حضرت خاتم الرسل صلی الله علیه و آله با مشرکان و زورگویان و کفار و در رأس آنان منافقان، مطلع کرده و این برخورد، جاویدان و برای هر عصری و هر مصری (۳) است.

در این کتاب جاوید می بینیم که فرموده: قُلْ انْ کانَ اباؤُکُم وَ ابناؤُکُمْ وَ اخوانُکُمْ وَ ازْواجُکُم وَ عَشیرَتُکُم وَ امْوالٌ اقْتَرَفْتُمُوها وَ تِجارَةٌ تَخْشَوْنَ کَسادَها وَ مَساکِنُ تَرْضَوْنَها احَبَّ الَیکُم مِنَ اللَّه وَ رَسُولِهِ وَ جِهادٍ فی سَبیلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتّی یَأتِیَ اللَّه بِامْرِهِ وَ اللَّه لا یَهْدِی الْقَومَ الفاسِقینَ؛ (۴)

خطاب به مصلحت اندیشان و سازشکاران و متأسفان برای شهادت جوانان و از دست رفتن مالها و جانها و خسارتهای دیگر وارد شده و جالب آنکه بعد از حبّ خدای تعالی و رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بین تمام احکام الهی، جهاد فی سبیل اللَّه را ذکر فرموده و تنبه داده که جهاد فی سبیل اللَّه در رأس تمام احکام است که آن حافظ اصول

۱- بخشی از آیه ۲۹ سوره فتح: «محمد فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران بسیار سختگیر، وبا یکدیگر بسیار مهربانند».

۲- سوره حجر، آیه ۹: «البته ما قرآن را بر تو نازل کردیم و ما هم محققاً آن را محفوظ خواهیم داشت».

۳- شهر، ناحیه.

۴- سوره توبه، آیه ۲۴: «بگو اگر شما پدران و پسران و برادران و زنان و خویشان خود را و اموالی که جمع آورده اید و کالا و مال التجاره که از کسادی آن بیمناکید، و مسکنهایی که بدان دل خوش کرده اید، بیش از خدا و رسول او و جهاد در راه او دوست می دارید، پس منتظر باشید تا امر نافذو قضای حتمی) خدا جاری گردد؛ و خداوند بدکاران را هدایت نخواهد کرد».

است و تـذکر داده که در صورت قعود از جهـاد، منتظر عواقب آن باشـید، از ذلت و اسـارت و بر بادرفتن ارزشـهای اسـلامی و انسانی و نیز از همان چیزها که خوف آن را داشتیـد از قتل عام صـغیر و کبیر و اسارت ازواج و عشـیره. و بدیهی است که همه اینهـا پیامـد ترک جهاد، خصوصاً جهاد دفاعی است که ما اکنون گرفتار آن هستیم و اشاره به این امر است آیه کریمه فَلْیَحْـذَرِ الَّذینَ یُخالِفوُنَ عَنْ امْرِهِ انْ تُصیبَهُم فِتْنَهٌ اوْ یُصیبَهُمْ عَذابٌ الیمٌ. (۱)

و کدام فتنه و بلیه بالاتر از آنچه دشـمنان اسلام، خصوصاً در این زمان برای برچیدن اساس اسلام و برپا کردن حکومتهایی مثل ستمشاهی و برگرداندن مستشاران غارتگر و بربادرفتن حرث و نسل ملت و بر سر کشور و ملت ایران، آن آید که بر سر کشور عراق و ملت مظلوم آن در این چند سال آمد.

و حمـد و شـکر بی پایـان بر ذات مقـدس ربوبیت که بـا تربیتهـای معنوی خود ملت ایران را از غرقـاب فسـاد سـتمشاهی نجات بخشـیده و راه و رسم زیسـتن مسـتقل در پنـاه بیرق شـکوهمند اسـلام را به آنـان آموخت و امروز در جهان کشوری نیست جز ایران که از دخالت ابرقـدرتها پیراسـته باشد و سـرنوشت خویش را خود بر اساس اسـلام عزیز تعیین کند و دست به سـینه اغیار زنـد و خداونـد بر مـا منت نهـاد که در سـایه این ملت زنـدگی می کنیم. و شـکر بی پایـان بر عنایات حق- جل و علا- که در آسـتان عزیمت حجاج محترم ایرانی به سوی معبد عشق و مرقد معشوق و هجرت به سوی خدای تعالی و رسول معظمش صـلی الله علیه و آله نـدای اسـلام بر اقصـا بلاد جهان طنین افکنـده و بیرق معنوی اسـلام در اقطار عالم به اهتزاز درآمـده و چشـمهای جهانیان به سوی کشور ولی اللَّه اعظم- ارواحنا لمقـدمه الفـداء- دوخته شده و به رغم بدخواهان و منحرفان که کوس رسوایی شان بر سـر بازارها زده شده و برخلاف خوابهای خرگوشـی آنان که وعده سـقوط جمهوری اسلامی را در سه ماه یا یک سال به خود و اربابان خود می دادند، امروز پس از سالها، کشور عزیز اسلامی ایران از همیشه پایدارتر و ملت عظیم آن سرافرازتر و قوای مسلحه آن پرقدرت تر و جوانان و سالمندان آن مصمم تر و حوزه های مقدس علمیه آن در سایه

۱- بخشی از آیه ۶۳ سوره نور: «کسانی که امر خدا را مخالفت می کنند باید بترسـند از اینکه فتنه و یا عذابی دردناک آنان را در برگیرد».

مراجع معظم و علمای اعلام- کثّراللّه امثالهم- پرشورتر و پیوند حوزه ها و دانشگاهها استوارتر و قوای سه گانه آن فعالتر و جهات سیاسی و فرهنگی و نظامی آن رو به رشدتر. و دشمنان آن، که در حقیقت دشمنان اسلام و استقلال کشور هستند ضعیفتر و زبونتر و کاخهای مستکبران لرزانتر و رسوایی کاخ سیاه بر ملاتر و پریشان گویی و دلهره کاخ نشینان افزونتر و سردرگمی رسانه های گروهی جهان- که انعکاس سردرگمی کاخ نشینان زورگو است- واضحتر گردیده و لازم است در این جوّی که پیش آمده است، مسلمین و مستضعفان جهان آگاهانه از آن استفاده کرده و جمیع فِرَق مسلمین و مستضعفان دست در دست هم داده و خودشان را از قید اسارت ابرقدرت ها خارج نمایند. اینک تذکراتی را عرض می کنم:

۱- اعلان برائت از مشرکان که از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است، باید در ایام حج به صورت تظاهرات و راهپیمایی با صلابت و شکوه هرچه بیشتر و بهتر برگزار شود و حجاج محترم ایرانی و غیرایرانی با هماهنگی کامل با مسئولین حج و نماینده اینجانب، جناب حجت الاسلام آقای کروبی در کلیه مراسم شرکت نمایند و فریاد کوبنده برائت ازمشرکان وملحدان استکبار جهانی و در رأس آنان امریکای جنایتکار را در کنار خانه توحید طنین اندازند و از ابراز بغض و کینه خود نسبت به دشمنان خدا و خلق غافل نشوند. مگر تحقق دیانت جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود و کدام خانه ای سزاوارتر از کعبه و خانه امن و طهارت و ناس که در آن به هر چه تجاوز و ستم و استثمار و بردگی و یا دون صفتی و نامردمی است عملًا و قولًا پشت شود و در تجدید میثاق اَلَسْتُ بِرَبِّکُم (۱)

بت آلهه ها و اربابان مُتِفَرِّقُونَ (۲)

شکسته شود و خاطره مهمترین و بزرگترین حرکت سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله در وَاذانٌ مِنَ اللَّه وَرَسوُلِهِ الَی

۱- بخشی از آیه ۱۷۲ سوره اعراف، که خداونددر عالم ذَر) از فرزندان آدم سؤال کرد: «آیا من پروردگارشما نیستم؟».

۲- اشاره به آیه ۳۹ سوره یوسف.

النَّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الاکبَرِ (۱)

زنـده بمانـد و تکرار شود، چرا که سـنت پیامبر صـلی الله علیه و آله و اعلان برائت کهنه شـدنی نیست و نه تنها اعلان برائت به ایام و مراسم حج منحصـر نشود، که باید مسـلمانان فضای سراسـر عالم را از محبت و عشق نسـبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشـمنان خـدا لبریز کنند و به وسوسه خناسان وشـبهات تردید آفرینان ومتحجرین ومنحرفین گوش فرا ندهند و لحظه ای از این آهنگ مقدس توحیدی و جهان شمولی اسلام، غفلت نکنند که مسلماً جهانخواران و دشمنان ملتها، بعد از این آرام و قرار نخواهنـد داشت و به حیله هـا و تزویرهـا و چهره های گوناگون متمسک می شونـد و روحانی نماها و آخونـدهای درباری و اجیرشدگان سلاطین و ملیگراها و منافقین به فلسفه ها و تفسیرها و برداشتهای غلط و منحرف روی می آورند و برای خلع سـلاحهای مسلمانان و ضربه زدن به صلابت و ابهت و اقتدار امت محمد صلی الله علیه و آله به هر کاری دست می زنند و چه بسـا جاهلان مُتنسّک (۲) بگوینـد که قـداست خـانه حق و کعبه معظمه را به شـعار و تظـاهرات و راهپیمایی و اعلان برائت نباید شکست و حج جای عبادت و ذکر است نه میدان صف آرایی و رزم و نیز چه بسا عالمان مُتهتّک (۳) القا کنند که مبارزه و برائت و جنـگ و سـتیز، کـار دنیـاداران و دنیـا طلبـان بـوده است و ورود در مسائـل سیاسـی، آن هم در ایـام حـج دون شـأن روحانیون و علما می باشد. که خود این القائات نیز از سـیاست مخفی و تحریکات جهانخواران به شـمار می رود که مسـلمانان بایـد با همه امکانات و وسایل لازم به مقابله جدی و دفاع از ارزشـهای الهی و منافع مسـلمین برخیزند و صـفوف مبارزه و دفاع مقدس خویش را محکم و مستحکم نمایند و به این بیخبران و دلمردگان و پیروان شیاطین بیش از این مجال حمله رابه صفوف عقیده و عزت مسـلمانان ندهند و از همه جا وهمه سرزمینها و خصوصاً از کعبه حق به جنود خدا متصل شوند و زائران عزیز، از بهترین و مقدسترین سرزمینهای عشق و شعور و جهاد به کعبه بالاتری رهسپار شوند و

۱- بخشی از آیه ۳ سوره توبه: «اعلانی است از خدا و رسولش به مردم در روز حج اکبر».

۲- جاهلان زاهد.

۳- عالمان پرده دررسوا و بیحیا).

همچون سید و سالار شهیدان حضرت ابی عبداللّه الحسین علیه السلام از احرام حج به احرام حرب و از طواف کعبه و حرم به طواف صاحب بیت و از تَوضّوء زمزم به غسل شهادت و خون رو آورند و به امتی شکست ناپذیر و بنیانی مرصوص مبدل گردند که نه ابرقدرت شرق یارای مقابله آنان را داشته باشد نه غرب که مسلماً روح و پیام حج چیز دیگری غیر از این نخواهد بود که مسلمانان، هم دستورالعمل جهاد با نفس را بگیرند و هم برنامه مبارزه با کفر و شرک را.

به هر حال اعلان برائت در حج، تجدید میثاق مبارزه و تمرین تشکل مجاهدان برای ادامه نبرد با کفر و شرک و بت پرستها است و به شعار هم خلاصه نمی شود که سرآغاز علنی ساختن منشور مبارزه و سازماندهی جنود خدای تعالی در برابر جنود ابلیس و ابلیس صفتان است و از اصول اولیه توحید به شمار می رود و اگر مسلمانان در خانه ناس و خانه خدا از دشمنان خدا اظهار برائت نکنند، پس در کجا می توانند اظهار نمایند؟ و اگر حرم و کعبه و مسجد و محراب، سنگر و پشتیبان سربازان خدا و مدافعان حرم وحرمت انبیا نیست، پس مأمن و پناهگاه آنان در کجاست؟

خلاصه، اعلان برائت مرحله اول مبارزه و ادامه آن مراحل دیگر وظیفه ما است و در هر عصر و زمانی جلوه ها و شیوه ها و برنامه های متناسب خود را می طلبد و باید دید که در عصری همانند امروز که سران کفر و شرک همه موجودیت توحید را به خطر انداخته اند و تمامی مظاهر ملی و فرهنگی و دینی و سیاسی ملتها را بازیچه هوسها و شهوتها نموده اند چه باید کرد. آیا باید در خانه ها نشست و با تحلیلهای غلط و اهانت به مقام ومنزلت انسانها و القای روحیه ناتوانی و عجز در مسلمانان، عملًا شیطان و شیطان زادگان را تحمل کرد و جامعه را از وصول به خلوص که غایت کمال و نهایت آمال است، منع کرد و تصور نمود که مبارزه انبیا با بت و بت پرستها منحصر به سنگ و چوبهای بیجان بوده است و نعوذباللّه پیامبرانی همچون ابراهیم در شکستن بتها پیشقدم و اما در مصاف با ستمگران، صحنه مبارزه را ترک کرده اند؟ و حال آنکه تمام بت شکنیها و مبارزات و جنگهای حضرت ابراهیم با نمرودیان و ماه و خورشید و ستاره پرستان مقدمه

یک هجرت بزرگ و همه آن هجرتها و تحمل سختیها و سکونت در وادی غیر ذی زرع و ساختن بیت وفدیه اسماعیل، مقدمه بعثت و رسالتی است که در آن، ختم پیام آوران، سخن اولین و آخرین بانیان و مؤسسان کعبه را تکرار می کند و رسالت ابدی خود را با کلام ابدی انَّنیِ بَری ءٌ مِمَّا تُشْرِکُون (۱)

ابلاغ می نماید که اگر غیر از این تحلیل و تفسیری ارائه دهیم، اصلًا در زمان معاصر، بت و بت پرستی وجود ندارد و راستی کدام انسان عاقلی است که بت پرستی جدید ومدرن را در شکلها و افسونها و ترفندهای ویژه خود نشناخته باشد و از سلطه ای که بتخانه هایی چون کاخ سیاه بر ممالک اسلامی و خون وناموس مسلمین و جهان سوم پیدا کرده اند، خبر نداشته باشد.

امروز فریاد برائت ما از مشرکان و کافران، فریادِ از ستم ستمگران و فریاد امتی است که جانشان از تجاوزات شرق و غرب و در رأس آنان امریکا و اذناب آن به لب رسیده است وخانه و وطن و سرمایه اش به غارت رفته است. فریاد برائت ما، فریاد ملت مظلوم و ستم- دیده- کشیده افغانستان است و من متأسفم که شوروی به تذکر و هشدار من در مورد افغانستان عمل ننمود و به این کشور اسلامی حمله کرد. بارها گفته ام و اکنون نیز تذکر می دهم که ملت افغانستان را به حال خود رها کنید، مردم افغانستان سرنوشت خودشان را تعیین نموده واستقلال واقعی خود را تضمین می کنند و به ولایت کرملین یا قیمومت امریکا احتیاجی ندارند و مسلم بعد از خروج نظامیان بیگانه از کشورشان، به سلطه دیگری گردن نمی نهند و پای امریکا را اگر قصد دخالت و تجاوز در کشورشان کرده باشد، می شکنند.

و نیز فریاد برائت ما فریاد مردم مسلمان افریقا است، فریاد برادران و خواهران دینی ما که به جرم سیاه بودن، تازیانه ستمِ سیه روزان بی فرهنگِ نژادپرست را می خورند. فریاد برائت ما، فریاد برائت مردم لبنان و فلسطین و همه ملتها و کشورهای دیگری است که ابرقدرتهای شرق و غرب، خصوصاً امریکا و اسرائیل به آنان چشم طمع دوخته اند و سرمایه آنان را به غارت برده اند ونوکران و سرسپردگان خود را به آنان تحمیل نموده اند و

۱- بخشی از آیه ۱۹ سوره انعام: «و من از آنچه شما شرک می ورزید، بیزارم».

از فواصل هزاران کیلومتر راه به سرزمینهای آنان چنگ انداخته و مرزهای آبی و خاکی کشورشان را اشغال کرده اند.

فریاد برائت ما، فریاد برائت همه مردمانی است که دیگر تحمل تفرعن امریکا و حضور سلطه طلبانه آن را از دست داده اند و نمی خواهند صدای خشم و نفرتشان برای ابد در گلوهایشان خاموش و افسرده بماند و اراده کرده اند که آزاد زندگی کنند و آزاد بمیرند و فریادگر نسلها باشند.

فریاد برائت ما، فریاد دفاع از مکتب و حیثیات و نوامیس، فریاد دفاع از منابع و ثروتها و سرمایه ها، فریاد دردمندانه ملتهایی است که خنجر کفر و نفاق قلب آنان را دریده است.

فریاد برائت ما، فریاد فقر و تهیدستی گرسنگان و محرومان و پابرهنه هایی است که حاصل عرق جبین و زحمات شبانه روزی آنان را، زراندوزان و دزدان بین المللی به یغما برده اند و حریصانه از خون دل ملتهای فقیر و کشاورزان و کارگران و زحمتکشان، به اسم سرمایه داری و سوسیالیزم و کمونیزم مکیده و شریان حیات اقتصاد جهان را به خود پیوند داده اند و مردم جهان را از رسیدن به کمترین حقوق حقه خود محروم نموده اند.

فریاد برائت ما، فریاد امتی است که همه کفر و استکبار به مرگ او در کمین نشسته اند و همه تیرها و کمانها و نیزه ها به طرف قرآن و عترت عظیم نشانه رفته اند و هیهات که امت محمد صلی الله علیه و آله و سیراب شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان به مرگ ذلت بار و به اسارت غرب و شرق تن در دهند و هیهات که خمینی، در برابر تجاوز دیوسیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول خدا و امت محمد صلی الله علیه و آله و پیروان ابراهیم حنیف ساکت و آرام بماند و یا نظاره گر صحنه های ذلت و حقارت مسلمانان باشد. من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم.

قدرتها و ابرقدرتها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه وتنها هم بماند به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی است ادامه می دهد و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابرهنه های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت

را از دیدگان جهانخواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویشتن اصرار می نمایند سلب خواهد کرد. آری، شعار «نه شرقی و نه غربی» ما، شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم کننده سیاست واقعیِ عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهایی است که در آینده نزدیک و به یاری خدا اسلام را به عنوان تنها مکتب نجاتبخش بشریت می پذیرند و ذره ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد و کشورهای اسلامی ومردم مسلمان جهان نباید وابسته به غرب و اروپا و امریکا و نه وابسته به شرق، شوروی، که ان شاءاللّه تعالی به خدا و رسول خدا و امام زمان وابسته است و به طور قطع و یقین، پشت کردن به این سیاست بین المللی اسلام، پشت کردن به آرمان مکتب اسلام و خیانت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام است ونهایتاً مرگ کشور و ملت ما و تمامی کشورهای اسلامی است و کسی گمان نکند که این شعار، شعار مقطعی است که این سیاست، ملاک عمل ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است. چرا که شرط ورود به صراط نعمت، حق برائت و دوری از صراط گمراهان است که در همه سطوح و جوامع اسلامی باید پیاده شود. مسلمانان بعد از شرکت در راهپیماییهای برائت و اعلان همبستگی با ملت دلاور ایران، باید به فکر رمی استعمار از کشورها و سرزمینهای اسلامی خود باشند و برای بیرون راندن جنود ابلیس و برچیدن پایگاههای نظامی شرق و غرب از کشورهای خود تلاش نمایند و نگذارند دنیاخواران از امکانات آنان، در جهت منافع خود و ضربه زدن به کشورهای اسلامی استفاده کنند که این بزرگترین ننگ و عار کشور و سران ممالک اسلامی است که بیگانگان به مراکز سرّی و نظامی مسلمانان راه پیدا کنند. مسلمانان از هیاهو وطبلهای توخالی و تبلیغاتِ ظالمانه نهراسند که کاخها و قدرتهای نظامی و سیاسی استکبار جهان، همانند لانه عنکبوت سست و در حال فرو ریختنند. مسلمانان جهان باید به فکر تربیت و کنترل و اصلاح سران خود فروخته بعض کشورها باشند و آنان را با نصیحت یا تهدید از این خواب گرانی که هم خودشان و هم منافع ملتهای اسلامی را به باد فنا می دهد، بیدار نمایند و به این سرسپردگان و نوکران هشدار بدهند و خودشان هم با بصیرت کامل از خطر منافقین و دلالان استکبار جهانی غافل نشوند و دست روی دست نگذارند و نظاره گر صحنه

شکست اسلام و غارت سرمایه ها و منابع و نوامیس مسلمین نباشند.

ملتهای مسلمان بایـد به فکر نجات فلسطین باشند و مراتب انزجار و تنفر خویش را از سازشکاری و مصالحه رهبران ننگین و خودفروخته ای که به نام فلسطین، آرمان مردم سرزمینهای غصب شده و مسلمانان این خطه را به تباهی کشیده اند به دنیا اعلام و نگذارند این خائنان بر سر میز مذاکره ها و رفت وآمدها، حیثیت و اعتبار و شرافت ملت قهرمان فلسطین [را] خدشه دار کنند، که این انقلابی نماهای کم شخصیت و خودفروخته به اسم آزادی قدس به امریکا و اسرائیل متوسل شده اند. عجبا که هر روز از فاجعه خونبار غصب فلسطین بیشتر می گذرد، سکوت و سازش سران کشورهای اسلامی و طرح مماشات با اسرائیل غاصب بیشتر وحتی از تبلیغ و شعار رهایی بیت المقدس هم خبری به گوش نمی رسد و اگر دولت و مردم کشوری همانند ایران که خود نیز در حالت دفع تجاوز و جنگ و محاصره است، به پشتیبانی از مردم فلسطین برخاسته و فریاد می زند، او را محکوم می کنند و حتی از اینکه یک روز هم به نام قدس برگزار شود، وحشت نموده اند.

نکنـد که اینان تصور کرده اند که گذشت زمان، سیرت و صورت جنایتهای اسرائیل و صهیونیزم را دیگرگون ساخته است و گرگهـای خون آشام صهیونیزم، از فکر تجاوز و غصب سرزمینهای از نیل تا فرات دست برداشته انـد. مسئولین محترم کشور ایران و مردم ما و ملتهای اسلامی از مبارزه با این شجره خبیثه و ریشه کن کردن آن، دست نخواهند کشید و به یاری خداوند تعالی از قطرات پراکنده پیروان اسلام و توان معنوی امت محمد صلی الله علیه و آله و امکانات کشورهای اسلامی باید استفاده کرد و با تشکیل هسته های مقاومت حزب اللّه در سراسر جهان اسرائیل را از گذشته جنایت بار خود پشیمان و سرزمینهای غصب شده مسلمانان را از چنگال آنان خارج کرد. من همان گونه که بارها و در سالهای گذشته قبل و بعد از انقلاب هشدار داده ام، مجدداً خطر فراگیری غـده چرکین و سرطانی صهیونیزم را در کالبـد کشورهای اسلامی گوشزد می کنم و حمایت بیدریغ خود و ملت و دولت و مسئولین ایران را از تمامی مبارزات اسلامی ملتها و جوانان غیور و مسلمان در راه آزادی قدس، اعلام می نمایم و از جوانان عزیز لبنان که موجب سرافرازی امت اسلام در خواری و ذلت جهانخواران گردیده اند، تشکر می کنم و برای موفقیت همه عزیزانی

که در داخل سرزمینهای اشغالی و یا در کنار این کشور غصب شده، با تکیه به سلاح ایمان و جهاد به اسرائیل و منافع آن ضربه می زنند دعا می کنم و اطمینان می دهم که ملت ایران، شما را تنها نخواهد گذاشت. به خدای تعالی توکل کنید و از قدرت معنوی مسلمانان بهره جویید و با سلاح تقوا و جهاد و صبر و مقاومت بر دشمنان حمله برید که انْ تَنصُرُوا اللَّه یَنْصُرْکُمْ وَ یُثَبِّتْ اقدامَکُمْ. (۱)

۲- از آنجا که جنگ در رأس امور و برنامه های کشور ماست، جهانخواران در آستانه پیروزی قاطع ملت ایران بر نظام پوسیده و رو به زوال عفلقیان، تلاش گسترده ای را در جهت مشوه ساختن افکار عمومی جهانیان به کار گرفته اند تا بعد از آنهمه تجاوزات و جنایات صدامیان و سکوت مجامع بین المللی، ما را جنگ طلب معرفی نمایند. و چه بسا با این حربه جدید، افراد ناآگاهی را تحت تأثیر قرار داده باشند. لازم است برای روشن شدن افکار عمومی ملتهای دربند و خصوصاً زائران محترم نکاتی را یادآور شوم.

دنیا از آغاز جنگ تاکنون و در تمام مراحل دفاعی ما، هیچ گاه با زبان عدالت و بیطرفی با ما سخن نگفته است. آن روزی که صدام و حزب بعث از روی غرور و بیخردی به منظور ساقط نمودن نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران به کشور عزیزمان ایران حمله نمود و قراردادهای بین المللی را پاره کرد و شخصاً تجاوزات هوایی و دریایی و زمینی ارتش را رهبری می نمود و نه تنها خانه های یک شهر و روستا، که مراکز دهها شهر و صدها روستا را با خاک یکسان می کرد و کودکان معصوم ملت ما را در آغوش مادرانشان به شهادت می رساند و تجاوزات و وحشیگریها را تا آنجا ادامه داد که قلم از نوشتن و زبان از بیان آنان شرم می کند و نیز در آن روزی که صدام اولین جرقه و شعله های آتش جنگ را در خرمن امنیت همه کشورهای اسلامی و خلیج فارس برافروخت، هیچ کس ازاین مدعیان صلح، جلوی آتش افروزی او را نگرفته و از امکانات و اهرمهای فشار و قراردادهای خود در جهت کنترل و مهار او بهره نجست و به دفاع از ملت مظلوم و ستمدیده ایران و عراق برنخاست و به صدام، این آغاز کننده جنگ، نگفت که به کدام

۱- بخشی از آیه ۷ سوره محمد صلی الله علیه و آله: «اگر خداوند را یاری کنید، شما را یاری کرده و گامهایتان را استوار خواهد ساخت».

گناه و به چه جرمی ملت ایران باید کشته شوند! و به کدام گناه میلیونها زن و مرد و پیر و جوان آواره شوند و یا خانه و کاشانه شان ویران گردد! و به کدام جرم و گناه حاصل زحمات دهها ساله تلاش و سرمایه گذاری یک ملت در صنایع و کارخانجات و مزارع و کشتزارها سوخته و بر باد برود! آیا جرم ما، ایرانی بودن ما است، جرم ما فارسی بودن ما است، جرم ما اختلافات و تنازعات گذشته مرزی ما است؟ خیر، چنین نیست. امروز همه می دانند جرم واقعی ما از دید جهانخواران و متجاوزان، دفاع از اسلام و رسمیت دادن به حکومت جمهوری اسلامی به جای نظام طاغوت ستمشاهی است، جرم و گناه ما احیای سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و عمل به دستورات قرآن کریم و اعلان وحدت مسلمانان اعم از شیعه و سنی، برای مقابله با توطئه کفر جهانی و پشتیبانی از ملت محروم فلسطین و افغانستان و لبنان و بستن سفارت اسرائیل در ایران و اعلام جنگ با این غده سرطانی و صهیونیسم جهانی و مبارزه با نژادپرستی و دفاع از مردم محروم افریقا و لغو قراردادهای بردگی رژیم کثیف پهلوی با امریکای جهانخوار بوده است. و نزد جهانخواران و نوکران بی اراده آنان چه گناهی بالاتر از اینکه کسی از اسلام وحاکمیت آن سخن بگوید و مسلمانان را به عزت و استقلال و ایستادگی در مقابل ستم متجاوزان دعوت کند.

ما به این نکته نه فقط در جنگ تحمیلی، که از روز نخست شروع مبارزه و از ۱۵ خرداد تا بیست و دوم بهمن رسیده ایم و به خوبی دریافته ایم که برای هدف بزرگ و آرمانی اسلامی، الهی باید بهای سنگینی پرداخت نماییم و شهدای گرانقدری را تقدیم کنیم و جهانخواران ما را راحت و آرام نخواهند گذاشت و با استفاده از ایادی داخلی و خارجی شان به ما شبیخون زده و خون عزیزان ما را بر بستر کوچه ها و خیابانها و مرزهایمان جاری می کنند و همین گونه شد وقتی که فریاد اسلامخواهی مردم کشور ما در ۱۵ خرداد به گوش امریکا رسید و وقتی که برای اولین بار غرور امریکا و اقتدار و ابرقدرتیِ او در اعتراض به مصونیت کارگرانش در ایران شکسته شد و امریکا متوجه اقتدار و رهبری علما و روحانیت اسلام و عزم جزم و اراده پولادین ملت ایران برای کسب آزادی و استقلال و رسیدن به نظام عدل اسلامی گردید، به نوکر بی اراده و وطن فروش و فرومایه خود، محمدرضاخان دستور داد که صدای اسلامخواهی ملت ما

را خاموش کند و از او پیمان گرفت تا همه افرادی که در برابر امریکا قدعلم کرده اند را نابود کند و همه دیدیم که این خائنان و سرسپردگان در این مأموریت شوم لحظه ای درنگ ننمودند و به نام مأموریت و آزادی و رسیدن به دروازه تمدن بزرگ، از کشته های این ملت پشته ها ساختند و در و دیوار کشور ما را از فیضیه گرفته تا دانشگاه و از دانشگاه تا کوچه و بازار و خیابان و از خیابان تا مسجد و محراب به خون عزیزان و جوانان تکبیر گوی پیرو خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله را رنگین کردند و در شرایطی که جلادان رژیم ستمشاهی پرو بال و برگ و شاخه شجره طیبه آزادی را می شکستند، همه جهانخواران در یک اقدام هماهنگ تبلیغاتی و بین المللی شاه را متمدن و مترقی، و آزادی طلبان و مسلمانان را مرتجع و خواسته های اسلامی آنان را ارتجاع سیاه معرفی کردند و در ادامه همان سیاست سرکوب بود که در کربلای خونرنگ ایران جنایات یزیدیان را دهها بار در عاشوراها و تاسوعاها تکرار نمودند و مملکت ما را به جزیره آرام و ثبات امریکا و به قبرستان و خرابه این ملت مبدل ساختند که من در روز ورود به کشور عزیز ایران در بهشت زهرا گفتم که شاه مملکت ما را ویران و قبرستانهای آن را آباد نمود و الآن نیز همان سخن را تکرار می کنم که شاه کشور ما را ویران و قبرستانها را آباد کرد ولی شاه که بود و به دستور چه کسی عمل می کرد؟ که اگر او به تنهایی و به فکر فاسد و تبهکار خود عمل می کرد چه بسا قضایا بعد از رفتن او خاتمه می یافت. ولی چه کسی است که نداند شاه نوکر و مأمور امریکا و تمامی شهیدان و عزیزان ما، خونبها و قربانیانی بودند که به خاطر آزادی از آنان گرفته شد و کار او مأموریتی بوده است که برای اربابان خود به انجام رسانید و تا توانست انتقام امریکا را از اسلام و مسلمین گرفت ولی کارگزار اصلی ماجرا یعنی خود امریکا در پشت صحنه باقی مانده بود، امریکایی که از اسلام راستین می ترسید و از قیام منتهی به حکومت عدل واهمه داشت.

امریکا به تصور اینکه ملیگراها و منافقین و دیگر وابستگان چپ و راست او بزودی پاشنه سیاست انقلاب و حاکمیت نظام و اداره کشور را به نفع او به حرکت درمی آورند چند روزی سیاست خوف و رجا را در پیش گرفت و به طرح و اجرای کودتا و اعمال سیاست فشار و ترویج چهره های وابسته خود و نیز به ترور شخصیت انقلاب و انقلابیون

واقعی کشور پرداخت که خداوند مجدداً بر ما منت نهاد و در صحنه حماسی تسخیر لانه جاسوسان، مردم ایران برائت مجدد خویش را از امریکا و اذناب آن اعلام نمودند، که دوباره امریکا همان تیغی که به دست محمدرضا سپرده بود در کف صدام این زنگیِ مست نهاد. صدام چه کرد؟ آیا صدام همان کاری را که شاه قبل از انقلاب انجام داده بود انجام نداد؟ شاه قبرستانهای ما را از سروهای بلند آزادی پرنساخت؟ آیا صدام که از قدرت برتر و مانور بیشتری برخوردار بود غیر از این کرد؟ آیا شاه کشورمان را به امریکا نفروخته بود؟ آیا صدام برای فروختن ایران به امریکا به صورت دیگری عمل نکرد؟

گفتم که خرابیهای شاه را اگر مهلتمان دهند با تلاش همه دست اندرکاران و ملت شریف در بیست سال هم نمی توانیم آباد کنیم. آیا خرابیهای صدام را می شود در کمتر از بیست سال آباد نمود؟ مردم شریف ایران و مسلمانان و آزادیخواهان تمامی جهان باید بدانند که اگر بخواهند بدون گرایش به چپ و راست و مستقل از هر قدرت و ابرقدرتی روی پای خویش بایستند، باید بهای بسیار گران استقلال و آزادی را بپردازند.

تجربه انقلاب اسلامی در ایران، با خونبهای هزاران شهید و مجروح و خراب شدن منزلها و به آتش کشیده شدن خرمنهای کشاورزان و کشته شدن تعداد بسیاری در بمبگذاریها و اسیر شدن فرزندان انقلاب و اسلام به دست دژخیمان بعث عراق و هزاران گونه تهدید و فشار اقتصادی و جانی به دست آمده است. ملت ایران تجربه پیروزی بر کفر جهانی را در خراب شدن منازل خود بر سر کودکان در خواب به دست آورده و با فداکاریها و مجاهدات، انقلاب و کشور خود را بیمه نموده است. و ما به تمام جهان تجربه هایمان را صادر می کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچکترین چشمداشتی، به مبارزان راه حق انتقال می دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه ها، جز شکوفه های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملتهای دربند نیست. روشنفکران اسلامی همگی با علم و آگاهی باید راه پر فراز و نشیب دگرگون کردن جهان سرمایه داری و کمونیسم را بپیمایند و تمام آزادیخواهان باید با روشن بینی و روشنگری، راه سیلی زدن بر گونه ابرقدرتها و قدرتها، خصوصاً امریکا را بر مردم سیلی خورده کشورهای مظلوم اسلامی و جهان سوم ترسیم کنند. من با اطمینان

می گویم: اسلام ابرقدرتها را به خاک مذلت می نشاند، اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد.

ملت شریف ایران توجه داشته باشید که کاری که شما مردان و زنان انجام داده اید آنقدر گرانبها و پرقیمت است که اگر صدها بار ایران با خاک یکسان شود و دوباره با فکر و تلاش فرزندان عزیز شما ساخته گردد، نه تنها ضرری نکرده اید، که سود زیستن در کنار اولیاءاللّٰه را برده اید و در جهان ابدی شده اید و دنیا بر شما رشک خواهد برد، خوشا به حالتان!

من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می کنم که اگر جهانخواران بخواهند در مقابلِ دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست، یا همه آزاد می شویم و یا به آزادی بزرگتری که شهادت است می رسیم و همان گونه که در تنهایی و غربت و بدون کمک و رضایت احدی از کشورها و سازمانها و تشکیلات جهانی، انقلاب را به پیروزی رساندیم، و همان گونه که در جنگ نیز مظلومانه تر از انقلاب جنگیدیم و بدون کمک حتی یک کشور خارجی متجاوزان را شکست دادیم، به یاری خدا باقیمانده راه پر نشیب و فراز رابا اتکای به خدا، تنها خواهیم پیمود و به وظیفه خویش عمل خواهیم کرد، یا دست یکدیگر را در شادی پیروزی جهان اسلام در کل گیتی می فشاریم و یا همه به حیات ابدی و شهادت روی می آوریم و از مرگِ شرافتمندانه استقبال می کنیم ولی در هر حال پیروزی و موفقیت با ما است و دعا را هم فراموش نمی کنیم.

خداوندا! بر ما منت بنه و انقلاب اسلامی ما را مقدمه فرو ریختن کاخهای ستم جباران و افول ستاره عمر متجاوزان در سراسر جهان گردان. و همه ملتها را از ثمرات و برکات وراثت و امامت مستضعفان و پابرهنگان برخوردار فرما.

حال با این مقدمه ها قضاوت در جنگ با خود مسلمانان است که تعقل و اندیشه کنند که ما در مسیر چه هدف و آرمانی مورد تهاجم قرار گرفته ایم و شهیدان گرانقدری را به پیشگاه مقدس حق تقدیم کرده ایم و صدام پلید چه نیاتی از تهاجم خود در سر

پرورانده است؛ دنیا نیز به چه انگیزه ای به حمایت ضمنی و علنی از او برخاسته است و تا امروز هم متجاوزین در تنگنای تسلیحات و امکانات نظامی و اقتصادی و سیاسی نبوده اند و دنیا هر روز به بهانه ای آنان را به بهترین و مدرنترین سلاحها مسلح نموده است ولی از دادن امکاناتی که حق مسلّم ملت ما است و حتی پول آنها را گرفته اند خودداری نموده است، ولی با تمام این احوال ما افتخار می کنیم که در این نبرد طولانی و نابرابر فقط با تکیه برسلاح ایمان و توکل بر خدای بزرگ و دعای بقیهاللّه- عجل اللّه تعالی فرجه- و اعتماد به نفس و همت دلاور مردان و شیرزنان صحنه کارزار به پیروزی رسیده ایم و خدا را سپاس می گزاریم که منت هیچ قدرت و کشوری و ابرقدرتی در جنگ، بر گردن ما نیست و مردم کارآزموده و متوکل ما با استعانت از ذات مقدس کبریا یکه و تنها و مظلومانه برمشکلات بسیاری از طرح و عملیات و بسیج و آموزش نیروها تا نیاز تسلیحاتی کشورمان فائق آمده است. و علاوه بر موفقیتهای اعجاز گونه ای که در صحنه های دفاع از کشور اسلامی و بیرون راندن متجاوزین از هزاران کیلومتر، به تحولات شگرف صنعتی از قبیل راه اندازی کارخانجات و دیگرگونی در خطوط تولید و ساختن و اختراع دهها وسایل پیشرفته و مدرن نظامی، آن هم بدون حضور هیچ مستشاری و بدون هیچ گونه کمک خارجی، دست یافته ایم، و هم اکنون که به مرز پیروزی مطلق رسیده ایم و قدمهای آخرمان را برمی داریم، صدای ناآشنای صلح طلبی آن هم از کام ستمگران و جنگ افروزان به گوش می رسد و در جهان غوغا به راه انداخته و عزا و ماتم صلح طلبی برپا نموده است و مدافع آزادی و امنیت انسانها شده و برای خون جوانان و سرمایه های مادی و معنوی در کشور ایران و عراق مرثیه سرایی می کند. راستی چه شده است استکبار جهانی و در رأس آن امریکا اینقدر طرفدار ملتها شده است و جنگ افروزان و آتش بیاران معرکه ها و جلادان قرن به شرف انسانیت و همزیستی مسالمت آمیز اعتقاد پیدا کرده اند و از عطش سیراب ناشدنی و خصلت خونخواری خود که طبیعت فرهنگ سرمایه داری و کمونیسم است، منصرف شده اند و شمشیرها و خنجرها و قداره های فرو رفته در قلب و جگر ملتها را به غلاف کشیده اند! آیا این حقیقت است یا فریب و آیا این همان جلوه های دیگر شبیخونها و بی انصافیهایی نیست که روزی سکوت را مصلحت

خویش می دید و امروز صلح طلبی را؟ آیا براستی از این طریق جهانخواران نمی خواهند از ضربه آخر ما جلوگیری کنند و برای حفظ منافع خویش سیاست جنگ و صلح جهانی را به تصمیمات و فکرهای پوسیده و شیطانی خود گره بزنند و عملًا جان و مال و مملکت و امنیت ملل عالم را به قبضه قدرت خود درآورند که به طور قطع و یقین، علت و فلسفه سماجت و اصرار جهانخواران در تحمیل صلح بر ملت ایران، نشأت گرفته از همین تفکر است. و از همه اینها که بگذریم این مسئله که چه کسی خواهان صلح واقعی است و چه کسی جنگ طلب است خود اولِ بحث ما است.

آیا واقعاً صدام از گذشته ها و کرده ها و تجاوزات و ظلمها و ستمهای خود پشیمان شده است و اظهار ندامت می کند و از خیانتی که به ملتها و کشورهای اسلامی و در جهت تضعیف بنیه دفاعی ملل اسلامی نموده است عذر تقصیر می خواهد؟ آیا صلح طلبی صدام از روی دلسوزی و تنبه و آگاهی او است و اصلًا با اینهمه جنایت و غارتگریها، برای صدام وجدان و شعور و عاطفه ای می توان تصور کرد، یا اینکه این افعی زخم خورده به خاطر استیصال و درماندگی خود به طناب صلح طلبی چسبیده است؟ و عجبا که بعض مدعیان عقل و سیاست و دوراندیشی چگونه طرح می دهند و با تحریفِ آیاتِ کتاب خدا و استناد به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله مسیر عزت و کرامت مسلمین را دیگرگون و مردم ما را از شرافت جهاد برحذر می دارند، که خداوند را سپاس می گزاریم که به ملت ایران آگاهی و رشد مرحمت فرموده است که نه تنها تحت تأثیر این القائات نرفته و نمی رود، بلکه این موضعگیریهای ناشیانه و بچگانه را دلیل کمبود و ضعف مبانی فکری و عقیدتی صاحبان این تحلیلها دانسته و به آن لبخند تمسخر می زند. کدام انسان عاقلی است که با وجود همه شرایط مناسب و مقدمات لازم و فداکردن هزاران قربانی بزرگ، از نبرد با دشمن رو به احتضار [از] مکتب و جامعه و کشور خود چشم پوشی نموده و به او مهلتِ توان دوباره دهد تا در موقع مناسب به کشور ما حمله کند؟ آیا ریاست چند روزه دنیا ارزش اینهمه خفت و زبونی را دارد؟ دنیا در شروع تجاوز به ما پیشنهاد می نمود که برای جلوگیری از تهاجم بیشتر به کشورتان، حاکمیت و خواسته های صدام را بپذیرید و به زورگویی صدامیان گردن نهید و امروز هم در راستای همان سیاستها و در زیر بمباران

مناطق مسکونی و حمله شیمیایی و حمله به نفت کشها و هواپیمای غیرنظامی و قطارهای مسافربری به زبان دیگری ما را به پذیرش حکومت زور و تجاوز صدامیان دعوت می کند. و این را دیگر همه آگاهان جهان درک کرده اند که نه تنها صدام از خلق و خوی سبعیت و درندگی ذره ای عدول ننموده است که متأسفانه با حمایت جهانخواران و یا سکوت سازمانها و مراکز بین المللی به گرگ زخم برداشته ای بدل شده است و می رود تا شعله های آتش و جنگ را در کشورهای منطقه و خصوصاً خلیج فارس بر افروزد.

و من با وجود چنین شرایطی به همه سران کشورهای خلیج فارس و همه ابرقدرتهای شرق و غرب و خصوصاً امریکا و شوروی هشدار می دهم و آنان را از دخالت و ماجراجویی و تصمیمات عجولانه بر حذر می دارم و به ملت امریکا از اینکه عنان عقل و اراده خویش را در مهمترین مسائل سیاسی و بین المللی و نظامی به دست افرادی چون ریگان بسپارد نصیحت می کنم. چرا که ریگان در کارها و خصوصاً در مسائل سیاسی و تصمیم گیریها ناتوان شده است و به کمک عقلا و اندیشمندان نیازمند شده است که مردم امریکا را به ورطه سقوط نکشاند. من به سران کشورهای خلیج فارس سفارش می کنم که به خاطر یک عنصر ورشکسته سیاسی، نظامی، اقتصادی بیش از این خود و مردم کشورتان را تحقیر نکنید و با توسل به دامن امریکا ضعف و ناتوانی خود را برملا نسازید و از گرگها و درنده ها برای شبانی و حفظ منافع خود استمداد نطلبید ابر قدرتها آن لحظه ای که منافعشان اقتضا کند شما و قدیمیترین وفاداران و دوستان خود را قربانی می کنند و پیش آنان دوستی و دشمنی و نوکری و صداقت ارزش و مفهومی ندارد.

آنان منافع خود را ملاک قرار داده اند و به صراحت و در همه جا از آن سخن می گویند.

چه خوب است که بعض سرانِ سرسپرده کشورهای اسلامی به اربابان و خدایان زر و زور و تزویر خود، این نکته را جدی گوشزد کنند که اینقدر از منافع خود در خلیج فارس سخن نگویید، برای اینکه همین مسئله موجب حساسیت شدید مردم منطقه است که امریکا و فرانسه و انگلیس چه منافعی در آبهای خلیج فارس دارند تا پای دخالت نظامی و جنگ هم می خواهند آن را حفظ کنند؟ البته سیاست ما در مورد خلیج فارس از اول تاکنون صریح و روشن بوده است. جمهوری اسلامی ایران به امنیت در خلیج فارس

اهمیت زیادی می دهد و به همین دلیل و علی رغم فراهم بودن همه نوع امکانات دریایی و هوایی و زمینی در بستن تنگه هرمز و صدمه وارد کردن به کشتیها و نفت کشها و منافع و مراکز صدور نفت و پالایشگاهها و بنادر منطقه تا به حال از سیاست صبر و انتظار و جلوگیری از گسترش جنگ پیروی نموده است و فقط در حد نشان دادن مقدار کمی از قدرت و حضور و توانایی خود و مقابله به مثل وارد عمل گردیده است. و دنیا به این حقیقت رسیده است که ناامنی در خلیج فارس فقط به ضرر ایران تمام نمی شود، بلکه قویترین قدرتها و ابرقدرتها هم اگر مثل امریکا تمامی امکانات هوایی و دریایی و جاسوسی- خبری خود و هم پیمانان خود در منطقه را بسیج کنند، که حتی یک کشتی را بدون خطر اسکورت و حفاظت نمایند، از این خطر و ضرر مصون نخواهند ماند و در این گرداب ناامنی غرق می شوند و علی رغم آنهمه مقدمات و تمهیدات و جار و جنجالهایی که درجهانْ امریکا برپا نموده است و دهها خبرنگار و فیلمبردار را به منطقه گسیل داشته اند تا خبر موفقیت نقشه های شوم امریکا را مخابره کنند، خداوند زمینه رسوایی و زبونی امریکا را به دست غیب خود فراهم می آورد و اقتدار معنوی پرچم لااله الا اللّه را بر پرچم کفر به نمایش می گذارد و دل بندگان خالص خویش را شادمان می سازد و چه بهتر که امریکا و ریگان از مسیر سیاست مین گذاری شده خلیج فارس که کوس رسوایی آنان را در جهان به صدا درآورده است مجدداً عبور نکند و بر مرکب غرور و جهلی که تا به حال دهها بار صاحب خود را بر زمین کوبانیده است، سوار نشود و لااقل شبح قدرت و قدرت نمایی خود را پیش نوکران خود مثل کویت حفظ کند و بیش از این آنان را از شکست و خفت خود شرمسار و سرافکنده نسازد و مطمئن باشند که ادامه جولان در خلیج فارس منطقه را به کانون خطر و بحران ناخواسته علیه خود آنان سوق می دهد. و دنیا اگر خودش را آماده بحران نفت و به هم خوردن همه معادلات اقتصادی و تجاری و صنعتی کرده است، ما هم آماده ایم و کمربندها را محکم بسته ایم و همه چیز برای عملیات آماده است. و حتماً امریکا باید به این نکته برسد که دخالت نظامی در خلیج فارس صرفاً یک آزمایش نیست که یک دام بزرگ و یک بازی خطرناک است و ما و همه مسلمانان منطقه خلیج فارس، حضور نظامی ابرقدرتها را نقشه و مقدمه تهاجم و حمله به ممالک

اسلامی و کشور جمهوری اسلامی ایران و در ادامه حمایت از صدام تلقی می کنیم.

مسلمانان جهان با همراهی نظام جمهوری اسلامی ایران عزم خود را جزم کنند تا دندانهای امریکا را در دهانش خرد کنند و نظاره گر شکوفایی گل آزادی و توحید و امامت جهان نبی اکرم باشند.

البته لازم است این نکته را برای چندمین بار به سران کشورهای اسلامی حاشیه خلیج فارس بازگو کنم که القای شبهه و بزرگ جلوه دادن خطر اسلام و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برای کشورهای منطقه همان ترفند قدیم و جدید جهانخواران بوده و است، که از این طریق از پیدایش جوّ تفاهم و همکاری مسالمت آمیز جلوگیری نمایند و احساس نیاز کشورها را به شرق و غرب تشدید کنند. جمهوری اسلامی ایران مایل است بر اساس حفظ وحدت و حمایت از منافع کشورها و ملتهای اسلامی آنان را در مشکلات یاری نماید و در بروز حوادث تحمیلی سیاسی- نظامی از ناحیه استکبار جهانی با قدرت و نفوذ خود آنها را رفع و در جهت کنترل و نفی سلطه سیاسی شرق و غرب برنامه ای قوی و دقیق ارائه دهد، ولی ما مطمئنیم که با وجود صدام و حزب عفلقی عراق این مسئله به کندی پیش می رود، چرا که به همان میزانی که ابرقدرتها از ائتلاف و وحدت ملتهای اسلامی واهمه دارند، صدام نیز از همکاری ایران با کشورهای اسلامی در هراس است. به هر حال اصرار ما در نبرد، تا رفتن صدام و حزب کثیف عراق و رسیدن به شرایط بر حق و عادلانه دیگرمان یک تکلیف شرعی و واجب الهی است که از آن هرگز تخطی نمی کنیم که ان شاءاللّٰه با تحقق آن، در کنار کشورهای اسلامی، سیاستی محکم و بنیادین برای همه کشورها و ملتهای اسلامی پایه ریزی شده است و در پرتو آن منافع مردم از آفت و خطر مهاجمین و متجاسرین محفوظ خواهد ماند و همه کسانی که به فکر تجاوز به حریم کشورهای اسلامی شده اند از سرنوشت صدامیان عبرت می گیرند و خودشان را به غضب و خشم ملتها گرفتار نخواهند ساخت.

امروز بدون شک سرنوشت همه امتها وکشورهای اسلامی به سرنوشت ما در جنگ گره خورده است. و جمهوری اسلامی ایران در مرحله ای است که پیروزی آن به حساب پیروزی همه مسلمانان وخدای نخواسته شکست آن، به ناکامی و شکست

وتحقیر همه مؤمنان می انجامد و رها کردن یک ملت و یک کشور و یک مکتب بزرگ در نیمه راه پیروزی، خیانت به آرمان بشریت و رسول خداست، لذا تب جنگ در کشور ما جز به سقوط صدام فرو نخواهد نشست و ان شاءاللّٰه تا رسیدن به این هدف فاصله چندانی نمانده است. و خدا را سپاس می گزاریم که ملت و دولت و مسئولین و ارتش و سپاه و بسیج و نیروهای مردمی و همه اقشار دلاور کشورمان در آمادگی کامل به سر می برند و همه اهل جنگ و هنرآفرینان مدرسه عشق و شهادتند و به خوبی از پس توطئه های استکبار و ایادی جاسوس و منافق آنان برآمده اند و می روند که به یاری خداوند بزرگ آخرین معابر پیروزی را باز کنند و علاوه بر حضور برتر خود در خلیج فارس و جزایر و سواحل و مناطق غرب و جنوب، هم اکنون نیز به سازماندهی و بسیج و تشکل مردم ستمدیده عراق پرداخته اند که این از مهمترین خواسته ها و هدفهای ما بوده است، چرا که از اول جنگ به صراحت اعلام کرده ایم که ایران حتی به یک وجب از خاک عراق چشم ندوخته است و مردم عراق در تصمیم گیریها و انتخاب حکومت خود آزادند و چه بهتر آنکه قبل از سقوط حاکمیتِ مطلق بعث عراق، به دست رزمندگان دلاور اسلام در جبهه های نبرد، حکومت دلخواه و موردنظر خود را انتخاب کنند که بحمداللّٰه طلیعه این حرکت بزرگ آشکار شده است وهمه ابرقدرتها وحامیان رژیم رو به زوال بعث مطمئن باشند که بین المللی کردن درگیریها در جنگ وایجاد جوّ فشار و جریانات ساختگی سیاسی و تبلیغاتی و دیپلماسی علیه جمهوری اسلامی ایران در جهان و دخالتهای نظامی و غیرنظامی در خلیج فارس و بزرگ نمایی مشکلات و اختلاف تراشی و ارائه تحلیلهای کور و بی ثمر، ما را از هدف سرنگونی صدام و حزب بعث عراق و تنبیه متجاوز باز نخواهد داشت و به لطف خدا تمامی فشارها و محاصرههای جهانی را برای نیل به این هدف بزرگ تحمل می کنیم و از جنگ کردن در راه خدا خسته نمی شویم. و این ملت بزرگ ایران است که با قامتی استوار بر بام بلند شهادت و ایثار ایستاده است و هر روز نشاط و تحرک و فریاد او برای ادامه راه بیشتر می شود. البته ممکن است غربزده ها و بزدلان و همانهایی که نه در روزهای آغازین در میدان دفاع بوده اند و نه تا به امروز به حمایت از حماسه آفرینان و وطن بانان خدمتی کرده اند و نه در آینده

لیاقت حضور در جنود و سربازان خدا را خواهند یافت، برای خوش خدمتی به اربابان و دلگرم نمودن آنان از خستگی و بن بست در جنگ تحمیلی، داد سخن دهند و به خیال خام خود افکار را از جنگ منحرف نمایند و احیاناً آنهاکه در خارج از مرزها نشسته اند باورشان بیاید که مردم و مسئولین و ارتش و سپاه و بسیج از جنگ و ادامه آن خسته شده اند و یا در میان آنان بر سر جنگ اختلاف افتاده است. و حال آنکه به لطف خدا در حاکمیت جمهوری اسلامیِ ما اختلافی بر سر مواضع اصولی، سیاسی و اعتقادی وجود ندارد و همه مصممند تا توحید ناب را در بین الملل اسلامی پیاده نموده و سر خصم را به سنگ بکوبانند، تا در آینده ای نه چندان دور به پیروزی اسلام در جهان برسند.

الحمدللّه این کشور رسول خدا صلی الله علیه و آله امروز میلیونها جوان داوطلبِ جنگ و شهادت در خود پرورانده است و دل و دیدگان ملت ما را جز رضایت حق چیزی پر نخواهد کرد و به همین جهت از بذل مال و جان و فرزندان خویش در راه خدا لذت می برند و ملاک ارزش و برتری در نزد آنان تقوا و سبقت در جهاد گردیده است و از تفرعنها و خودنماییهای جاهلیت قدیم و جدید متنفرند و من خودم را خادم یک چنین ملتی می دانم و به این خدمت افتخار می کنم و همه این برکات معنوی را از توجه پیامبر رحمه للعالمین و خاتم المرسلین صلی الله علیه و آله می دانم و مردم و جوانان کشورهای اسلامی را به کشف و شناخت وایجاد روابط گرم و برادرانه با این عصاره های فضیلت و تقوا دعوت نموده و در این فرصت به همه مسئولان کشورمان تذکر می دهم که در تقدم ملاکها، هیچ ارزش و ملاکی مهمتر از تقوا و جهاد در راه خدا نیست و همین تقدم ارزشی و الهی باید معیار انتخاب و امتیاز دادن به افراد و استفاده ازامکانات و تصدی مسولیتها و اداره کشور و بالاخره جایگزین همه سنتها و امتیازات غلط مادی و نفسانی بشود، چه در زمان جنگ و چه در حالت صلح، چه امروز و چه فردا، که خدا این امتیاز را به آنان عنایت فرموده است و صِرف امتیاز لفظی و عرفی کفایت نمی کند، که باید هم در متن قوانین و مقررات و هم در متن عمل و عقیده و روش و منش جامعه پیاده شود و مصلحت زجر کشیده ها و جبهه رفته ها و شهید و اسیر و مفقود و مجروح دادهها و در یک کلام، مصلحت پابرهنه ها و گودنشینها و مستضعفین، بر مصلحت قاعدین درمنازل و مناسک و متمکنین و مرفهین

گریزان از جبهه و جهاد و تقوا و نظام اسلامی مقدم باشد و نسل به نسل و سینه به سینه شرافت و اعتبار پیشتازان این نهضت مقدس و جنگ فقر و غنا محفوظ بماند و باید سعی شود تا از راه رسیده ها و دین به دنیا فروشان، چهره کفرزدایی و فقرستیزی روشن انقلاب ما را خدشه دار نکنند و لکه ننگ دفاع از مرفهین بیخبر از خدا را بر دامن مسئولین نچسبانند و آنهایی که در خانه های مجلل، راحت و بی درد آرمیده اند و فارغ از همه رنجها و مصیبتهای جانفرسای ستون محکم انقلاب و پابرهنه های محروم، تنها ناظر حوادث بوده اند و حتی از دور هم دستی بر آتش نگرفته اند، نباید به مسئولیتهای کلیدی تکیه کنند، که اگر به آن جا راه پیدا کنند چه بسا انقلاب را یکشبه بفروشند، و حاصل همه زحمات ملت ایران را بر باد دهند، چرا که اینها هرگز عمق راه طی شده را ندیده اند و فرق و سینه شکافته نظام و ملت را به دست از خدا بیخبران مشاهده نکرده اند و از همه زجرها و غربتهای مبارزان و التهاب و بیقراری مجاهدان که برای مرگ و نابودی ظلم بیگانگان دل به دریای بلا زده اند، غافل و بیخبرند.

۳- روحانیون و مدیران و مسئولین محترم کاروانها و حج با توجه به مسئولیت خطیری که در اداره و توجیه زائران محترم پذیرفته اند و با در نظر گرفتن شرایط استثنایی کشور جمهوری اسلامی ایران باید تمام همت وتلاش خود را در برگزاری صحیح و منظم حج به کار گیرند و با سعه صدر و به دور از هر گونه توقع و منتی زائران محترم بیت اللّه را در آموزش و تعلیم مناسک و مسائل حج همراهی نمایند و متناسب با حضور قشرهای مختلف اعم از بیسواد و باسواد برای آنان برنامه ریزی کنند و از نقش سازنده خود و تأثیر بزرگی که حج برای همیشه در سرنوشت انسان می گذارد غافل نشوند، چرا که در آن فضاو شرایط معنوی همه دلها برای تحول و پذیرفتن حق آماده است، لذا از اعمال نظرهای شخصی در امور حج و خصوصاً در مسائل و مناسک جداً خودداری شود و مسائل حج را با علم و یقین و در موارد ضرورت با مراجعه به اشخاص مطلع و یا منابع فقهی آن بیان فرمایند، چرا که در اعمال و مناسک حج مسائل جدید و مورد ابتلا فراوان است و خدای ناکرده بیان ناقص و غلط مسائل، موجب بطلان عمل و گرفتاری حجاج محترم و عسر و حرج می گردد.

روحانیون عزیز در عین حالی که مسائل را به طور واضح و دقیق بیان می کنند ولی از مشکل تراشی و حالتهای وسواس گونه که زائران [را] در شک و تردید و احتیاطهای بیمورد قرار می دهد خودداری کنند، چرا که وسواس در برنامه و مراسم وعبادتها و ادعیه موجب کسالت و بی توجهی در واجبات می شود. و یکی از فرصتهای بسیار مناسب و مغتنم برای روحانیون، ارتباط با صاحبنظران و اندیشمندان و علمای کشورهای اسلامی است. هر چند که استکبار جهانی، یا سران بعض کشورهای اسلامی بشدت از این نوع ملاقاتها و رابطه ها بیمناک و از آن جلوگیری و مراقبت می نمایند، ولی برنامه ریزی سالم و استفاده کردن از این موقعیت مناسب برای تبادل افکار و اندیشه ها و پیداکردن راه حل برای معضلات جوامع اسلامی از خواسته های جمهوری اسلامی ایران بوده است و در این فرصت مغتنم، روحانیون معظم و مسئولین تبلیغات حج برای انتقال تجارب انقلاب و ارائه خط مشی های سیاسی در پرتو احکام قرآن و نقش عظیم روحانیت اسلام در رهبری مردم و جامعه، نقش کارسازی باید ایفا بنمایند.

متأسفانه نه تنها مردم کشورها، بلکه روحانیون ممالک اسلامی اکثراً از کارآیی و نقش سازنده و تعیین کننده خود در مسائل روز و سیاستهای بین المللی بیخبر هستند و متأثر از القائات و برداشتهای مادی، تصور می کنند که در عصر تمدن و تکنیک و صنعت و تحولات علمی وپیشرفتهای مادی، نفوذ روحانیت کم شده است و نعوذباللّٰه اسلام از اداره کشورها عاجز مانده است، که بحمداللّٰه پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری روحانیت، خلاف این تصورات را ثابت نمود و علی رغم همه کارشکنیها و سنگ اندازیها و توطئه های شرق و غرب و حسادت و کینه توزی ایادی آنان، توانمندی و اقتدار روحانیت اسلام آشکار گردید. که من از تمامی علما و متفکرین و دانشمندان اسلامی سراسر جهان دعوت می کنم که در فرصتهای مناسب به کشور عزیز اسلامی ایران سفر کنند و در وضع گذشته این مملکت که نظام شاهنشاهی آن را به مملکتی غربزده و تهی از ارزشهای اسلامی مبدل ساخته بود و ایران می رفت تا پایگاهی برای اسلام زدایی و محو آثار رسالت گردد و از تاریخ تا فرهنگ و همه مظاهر اسلام نابود شود، فکر نمایند و همچنین به بررسی وضعیت کنونی بپردازند که اساس قوانین ومقررات این کشور را

وحی و اسلام معیّن نموده است و تمامی مظاهر کفر و شرک و معاصی علنی حتی المقدور بر چیده شده و علی رغم همه نغمه های شوم التقاطیها و چپها و راستها و ملیگراها که در روزهای اول پیروزی انقلاب و برای قبضه نمودن قدرت و تفکر ملت ایران از حلقوم آنان برمی خاست، خداوند بر ما منت نهاد که توطئه آنان کشف و در تمامی کشور ما قوانین و برنامه های اسلامی در حال پیاده شدن است و از میدانهای نبرد و کارزار گرفته تا مراکز تحقیقات علمی، دانشگاهها و حوزهها و از مجالس قانونگذاری و تدوین همه مقررات کشوری و لشکری تا قوه مجریه که دست اندرکاران حل و فصل بزرگترین مسائل اداری و اجرایی یک کشور بزرگ و در حال جنگ و محاصره وبا جمعیتی متجاوز از پنجاه میلیون نفر است و از قوه قضاییه که مسئولیت اجرای حدود و احکام الهی و در حقیقت بار سنگین تأمین امنیت جان و نوامیس و اموال و شخصیت یک جامعه انقلابی را به عهده دارد تا فرماندهی قوای نظامی وانتظامی که مسئولیت امنیت مرزهاو داخل کشور و خنثی نمودن صدها توطئه رنگارنگ به عهده آنان است و باید جلوی تخریب و جنایات منافقین و ضدانقلاب واشاعه فحشا و منکرات و دزدیها و قتلها و موادمخدر را بگیرند، که همه اینها با رهبری روحانیت متعهد و به برکت احکام نورانی اسلام و کتاب آسمانی پیامبر اکرم حضرت محمد بن عبداللّه صلی الله علیه و آله و پیروی از ائمه هدی علیهم السلام اداره می شود و خدا را سپاس می نهیم که با تکیه بر آیات وحی و کتاب خدا توانسته ایم کشورمان را از وابستگیها نجات دهیم. البته تا پیاده کردن تمامی احکام و مقررات اسلامی وعمل کامل در همه سطوح جامعه راه زیادی در پیش داریم ولی به یاری خداوند همچنان به تلاش و کوشش خود ادامه می دهیم و در عمل به همه غربزدگان و شرقزدگان و خودباختگانی که از مطرح کردن شعار اسلام و اعتماد به قرآن کریم واهمه داشته اند، نشان می دهیم که چگونه می توان جامعه را از سرچشمه های معرفت کتاب خدا و هدایت اسلام عزیز سیراب نمود، که بحمداللّه همه اینها از برکات و ورود علما در مسائل سیاسی و استنباط احکام در مسائل مستحدثه بوده است، که روحانیت کشور ایران فقط به خطابه و وعظ و ذکر مسائل روزمره اکتفا ننموده است و با دخالت در مهمترین مسائل سیاسی کشور خود و جهان توانسته است قدرت مدیریت روحانیت اسلام را به

نمایش بگذارد و اتمام حجتی برای همه قائلین به سکوت و سازشکاران بی تعهد و علم فروشان بی عمل باشد وتعجب است که چگونه بسیاری ازعلما و روحانیون کشورها و بلاد اسلامی از نقش عظیم و رسالت الهی و تاریخی خود در این عصری که بشریت تشنه معنویت و احکام نورانی اسلام است غافلند و عطش ملتها را درک نمی کنند و از التهاب و گرایش جوامع بشری به ارزشهای وحی بیخبرند و قدرت و نفوذ معنوی خود را دست کم گرفته اند، که در همین شرایط پر زرق و برق حاکمیت علوم وتمدن مادی بر نسل معاصر، علما و خطبا و ائمه جمعه بلاد و روشنفکران اسلامی با وحدت و انسجام و احساس مسئولیت و عمل به وظیفه سنگین هدایت و رهبری مردم، می توانند دنیا را در قبضه نفوذ و حاکمیت قرآن در آورند و جلوی اینهمه فساد و استثمار و حقارت مسلمین را بگیرند و از لانه کردن شیاطین کوچک و بزرگ خصوصاً امریکا در ممالک اسلامی جلوگیری کنند و به جای نوشتن و گفتن لاطائلات و کلمات تفرقه انگیز و مدح و ثنای سلاطین جور و بدبین کردن مستضعفان به مسائل اسلام و ایجاد نفاق در صفوف مسلمین به تحقیق و نشر احکام نورانی اسلام همت بگمارند و با استفاده از این دریای بیکران ملتهای اسلامی، هم عزت خود را و هم اعتبار امت محمدی صلی الله علیه و آله را پایدار نمایند.

آیا برای علمای کشورهای اسلامی ننگ آور نیست که با داشتن قرآن کریم و احکام نورانی اسلام و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام احکام و مقررات کفر در ممالک اسلامی تحت نفوذ آنان پیاده شود و تصمیمات دیکته شده صاحبان زر و زور و تزویر و مخالفان واقعی اسلام اجرا گردد و سیاستگذاران کرملین یا واشنگتن دستورالعمل برای ممالک اسلامی صادر کنند؟ علمای بلاد و کشورهای اسلامی باید راجع به حل مشکلات و معضلات مسلمین و خروج آنان از سیطره قدرت حکومتهای جور با یکدیگر به بحث و مشورت و تبادل نظر بپردازند و برای حفظ منافع مسلمین سینه ها را سپر کنند و جلوی تهاجم فرهنگهای مبتذل شرق و غرب را که به نابودی نسل و حرث ملتها منتهی شده است را بگیرند، و به مردم کشورهای خود آثار سوء و نتایج خود باختگی در مقابل زرق و برق غرب و شرق را بازگو کنند و به مردم و به دولتها خطر استعمار نو و شیطنت ابرقدرتها که جنگ و مسلمان کشی در جهان به راه انداخته اند،

گوشزد کنند.

من مجدداً تأکید می کنم که دنیا امروز تشنه حقایق و احکام نورانی اسلام است و حجت الهی بر همه علما و روحانیون تمام گردیده است، چرا که وقتی جوانان کشورهای اسلامی برای دفاع از مقدسات دینی خود تا سر حد شهادت پیش رفته اند و برای بیرون کردن متجاوزان، خود را به دریای حوادث و بلا زده اند و زندانها و شکنجه ها را به جان خریده اند و همچون مسلمانان شجاع و مبارز و عزیزان حزب اللّه لبنان و سایر کشورها مقاومت کرده اند و به جهاد علیه متجاوزان برخاسته اند، چه حجتی بالاتر از این و چه بهانه ای برای سکوت و مماشات و در خانه نشستن و تقیه کردنهای بیمورد مانده است؟

علما و روحانیت متعهد اسلام اگر دیر عمل کنند، کار از کار می گذرد. البته ما درد تنهایی بعض از علما و متعهدینی که در شهرها و کشورهایشان در محاصره سرنیزه ها و فشار تحلیلها و حکمهای نامشروع علمای سوء و درباری گرفتار آمده اند [را] احساس می کنیم ولی به همه این عزیزان که در فشار جباران می باشند، موعظه خدا رایادآور می شویم که انْ تَقُومُوا للَّه مَثْنی وَ فُرادی ثُمَّ تَتَّفَكَّروا؛ (۱)

برای خدا قیام کنید و از تنهایی و غربت نهراسید، مساجد بهترین سنگرها و جمعه و جماعات مناسبترین میدان تشکل و بیان مصالح مسلمین می باشند. امروز دولتها و سرسپردگان ابرقدرتها اگر چه به جنگ جدی با مسلمانان برخاسته اند وهمچون دولت هند مسلمانان بیگناه و بی پناه و آزاده را قتل عام می کنند ولی هرگز جرأت و قدرت تعطیل مساجد و معابد مسلمین را برای همیشه ندارند ونور عشق و معرفت میلیونها مسلمان را نمی توانند خاموش کنند. در عین حال اگر آنان مساجد و محافل مذهبی و سیاسی علمای اسلام را به تعطیلی بکشانند و حتی علمای اسلام را در ملأ عام به دار کشند، خود دلیل مظلومیت اسلام و موجب توجه بیشتر مسلمانان به روحانیت و پیروی از آنان می شود. مگر نه این است که خداوند از علما پیمان گرفته است که در برابر ستم ستمکاران و ظلم جنایت پیشگان ساکت و آرام نمانند؟ مگرنه این است که علما حجت پیامبران ومعصومین بر زمین هستند؟ پس باید علما و

۱- بخشی از آیه ۴۶ سوره سبأ: «بگو شما را به یک موعظه سفارش می کنم) اینکه برای خدا قیام کنید دو نفردو نفر یا به تنهایی، سپس فکر و اندیشه کنید».

روشنفکران و محققان به داد اسلام برسند و اسلام را از غربتی که دامنگیرش شده است نجات دهند و بیش ازاین ذلت و حقارت را تحمل نکنند و بت سیادت تحمیلی جهانخواران را بشکنند و با بصیرت و سیاست چهره منور و پراقتدار خود را آشکار سازند و در این راستا، دو چهره ها و روحانی نمایان و دین به دنیافروشان و قیل و قال کنندگان را از خود و از کسوت خود برانند و اجازه ندهند که علمای سوء و تملق گویان ظلمه و ستمگران، خود را به جای پیشوایان و رهبران معنوی امتهای اسلامی بر مردم تحمیل کنند و از منزلت و موقعیت معنوی علمای اسلام سوء استفاده کنند. روحانیون متعهد اسلام باید از خطر عظیمی که از ناحیه علمای مزور و سوء و آخوندهای درباری متوجه جوامع اسلامی شده است سخن بگویند، چرا که این بیخبران هستند که حکومت جابران و ظلم سران وابسته را توجیه و مظلومین را از استیفای حقوق حقه خود منع و در مواقع لزوم به تفسیق و کفر مبارزان وآزادیخواهان در راه خدا حکم می دهند، که خداوند همه ملتهای اسلامی را از شرور و ظلمت این نا اهلان و دین فروشان نجات دهد.

و یکی از مسائل بسیار مهمی که به عهده علما و فقها و روحانیت است، مقابله جدی با دو فرهنگ ظالمانه و منحط اقتصادی شرق و غرب و مبارزه با سیاستهای اقتصاد سرمایه داری و اشتراکی در جامعه است، هرچند که این بلیه دامنگیر همه ملتهای جهان گردیده است و عملًا بردگی جدیدی بر همه ملتها تحمیل شده و اکثریت جوامع بشری در زندگی روزمره خود به اربابان زر و زور پیوند خورده اند و حق تصمیم گیری در مسائل اقتصاد جهان از آنان سلب شده است و علی رغم منابع سرشار طبیعت و سرزمینهای حاصلخیز جهان و آبها و دریاها و جنگلها و ذخایر، به فقر ودرماندگی گرفتار آمده اند و کمونیستها و زراندوزان و سرمایه داران با ایجاد روابط گرم با جهانخواران، حق حیات وابتکار عمل را از عامه مردم سلب کرده اند و با ایجاد مراکز انحصاری وچند ملیتی، عملًا نبض اقتصاد جهان را در دست گرفته وهمه راههای صدور و استخراج و توزیع و عرضه وتقاضا و حتی نرخ گذاری و بانکداری را به خود منتهی نموده اند وبا القای تفکرات و تحقیقات خود ساخته، به توده های محروم باورانده اند که باید تحت نفوذ ما زندگی کرده و الّا راهی برای ادامه حیات پابرهنه ها، جز تن دادن به فقر باقی نمانده است و این

مقتضـای خلقت و جـامعه انسـانی است که اکـثریت قریب به اتفـاق گرسـنگان در حسـرت یـک لقمه نـان بسوزنـد و بمیرنـد و گروهی اندک هم از پرخوری و اسـراف وتعیشـها جانشان به لب آید. به هر حال این مصـیبتی است که جهانخواران بر بشریت تحمیل کرده انـد و کشورهای اسـلامی به واسـطه ضـعف مـدیریتها و وابسـتگی، به وضـعیت أسـفبار گرفتار شده اند که این به عهـده علمـای اسـلام و محققین و کارشـناسان اسـلامی است که برای جایگزین کردن سیسـتم ناصـحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسـلام، طرحها و برنامه های سازنده و دربرگیرنده منافع محرومین و پابرهنه ها را ارائه دهند و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت به درآورنـد. البته پیاده کردن مقاصد اسـلام در جهان و خصوصاً برنامه های اقتصادی آن و مقابله با اقتصاد بیمار سـرمایه داری غرب و اشتراکی شـرق، بدون حاکمیت همه جانبه اسـلام میسر نیست و ریشه کن شدن آثار سوء و مخرب آن، چه بسـا بعـد از اسـتقرار نظام عـدل و حکومت اسـلامی همچون جمهوری اسـلامی ایران نیازمنـد به زمان باشـد، ولی ارائه طرحهـا و اصولًا تبیین جهت گیری اقتصـاد اسـلام در راسـتای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسـلام با زرانـدوزان، بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به شـمار می رود و بیان این حقیقت که صاحبان مال و منال در حکومت اسـلام هیـچ امتیاز و برتری ای از این جهت بر فقرا ندارنـد و ابداً اولویتی به آنان تعلق نخواهد گرفت، مسلّم راه شـکوفایی و پرورش اسـتعدادهای خفته و سرکوب شـده پابرهنگان را فراهم می کند. و تذکر این مطلب که ثروتمنـدان هرگز به خاطر تمکن مالی خود نبایـد در حکومت و حکمرانان و اداره کنندگان کشور اسـلامی نفوذ کنند ومال و ثروت خود را به بهـانه فخرفروشـی و مباهـات قرار بدهنـد و به فقرا و مسـتمندان و زحمتکشـان، افکـار و خواسـته هـای خود را تحمیل کنند، این خود بزرگترین عامل تعاون و دخالت دادن مردم در امور و گرایش آنان به اخلاق کریمه و ارزشـهای متعالی و فرار از تملق گوییهـا می گردد و حتی بعض ثروتمنـدان را از اینکه تصور کننـد که مـال و امکاناتشـان دلیـل اعتبـار آنـان در پیشگاه خداست متنبه می کند.

خلاصه کلام اینکه بیان این واقعیت که در حکومت اسلامی بهای بیشتر و فزونتر از

آنِ کسی است که تقوا داشته باشد، نه ثروت و مال و قدرت و همه مدیران وکارگزاران و رهبران و روحانیون نظام و حکومت عدل موظفند که با فقرا و مستمندان و پابرهنه ها بیشتر حشر و نشر و جلسه و مراوده و معارفه و رفاقت داشته باشند تا متمکنین و مرفهین، و در کنار مستمندان و پابرهنه ها بودن و خود را در عرض آنان دانستن و قرار دادن، افتخار بزرگی است که نصیب اولیا شده و عملًا به شبهات و القائات خاتمه می دهد، که بحمداللَّه در جمهوری اسلامی ایران، اساس این تفکر و بینش در حال پیاده شدن است.

و همچنین مسئولین محترم کشور ایران علی رغم محاصرات شدید اقتصادی وکمبود درآمدها، تمامی کوشش و تلاش خود را صرف فقرزدایی جامعه کرده اند و همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ما است که روزی فقر و تهیدستی از جامعه ما رخت بربندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند. خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان ازاعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند. معاذاللَّه که این با سیره و روش انبیا و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین علیهم السلام سازگار نیست، دامن حرمت و پاک روحانیت از آن منزه است، تا ابد هم باید منزه باشد و این از افتخارات و برکات کشور و انقلاب و روحانیت ما است که به حمایت از پابرهنگان برخاسته است و شعار دفاع از حقوق مستضعفان را زنده کرده است. از آنجا که محرومیت زدایی، عقیده و راه و رسم زندگی ما است، جهانخواران در این مورد هم ما را آرام نگذاشته اند و برای ناتوان ساختن دولت ودست اندرکاران کشور ما حلقه های محاصره را تنگتر کرده اند و بغض و کینه و ترس و وحشت خود را در این حرکت مردمی و تاریخی تا مرز هزاران توطئه سیاسی- اقتصادی ظاهر ساخته اند و بدون شک جهانخواران به همان میزان که از شهادت طلبی و سایر ارزشهای ایثارگرانه ملت ما واهمه دارند، از گرایش و روح اقتصاد اسلام به طرف حمایت از پابرهنگان در هراسند و مسلّم هر قدر کشور ما به طرف فقرزدایی و دفاع از محرومان حرکت کند، امید جهانخواران از ما منقطع و گرایش ملتهای جهان به اسلام زیادتر می شود و روحانیت عزیز باید به این اصل توجه عمیق داشته باشند و افتخار

تاریخی و بیش از هزار ساله پناهگاهیِ محرومان را برای خود حفظ کننـد و به سایر مسئولین و مردم توصیه نمایند که ما نباید گرایش و توجه بی شائبه محرومین را به انقلاب و حمایت بیدریغ آنان را از اسلام فراموش کنیم و بدون جواب بگذاریم.

البته پرواضح است که همه اقشار کشور ما در انقلاب سهیم و شریکند و همه برای خدا و انجام وظیفه الهی خود وارد صحنه ها شـده اند و مقصد خدا است و هرگز آمال بلند و الهی خود را به مسائل مادی آلوده نمی کنند و با کمبودها ازمیدان به در نمی رونـد، چرا که کسی که برای خدا جان ومال فدا می کند، به خاطر شکم و دنیا از پا در نمی آید، ولی وظیفه ما و همه دست انـدرکاران است که به این مردم خـدمت کنیم و در غم و شادی ومشکلات آنـان شـریک باشیم که گمان نمی کنم عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود داشته باشد. راستی وقتی که پابرهنه ها و گودنشینان و طبقات کم درآمد جامعه ما امتحان و تقید خود را به احکام اسلامی تا سر حد قربانی نمودن چندین عزیز و جوان و بذل همه هستی خود داده اند و در همه صحنه ها بوده اند- و ان شاءاللّه خواهند بود- و سر و جان را در راه خدا می دهند، چرا ما از خدمت به این بندگان خالص حق و این رادمردان شجاع تاریخ بشریت افتخار نکنیم! ما مجدداً می گوییم که یک موی سر این کوخ نشینان و شهیددادگان به همه کاخ و کاخ نشینان جهان شرف و برتری دارد.

و آخرین نکته ای که در اینجا ضمن تشکر از علما و روحانیون و دولت خـدمتگزار حامی محرومان بایـد از باب تذکر عرض کنم و بر آن تأکیـد نمایم، مسئله ساده زیستی و زهـدگرایی علما و روحانیت متعهد اسلام است که من متواضعانه و به عنوان یک پـدر پیر از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است واداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیا را به آنـان محول فرموده است، از زیّ روحـانی خود خـارج نشونـد و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شأن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است، پرهیز کنند و برحذر باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست که بحمداللّه روحانیت متعهد اسلام امتحان زهدگرایی خود را داده است، ولی چه بسا دشمنان قسم خورده اسلام و روحانیت بعد از

این برای خدشه دار کردن چهره این مشعلداران هدایت و نور، دست به کار شوند و با کمترین سوژه ای به اعتبار آنان لطمه وارد آورند که ان شاءاللّٰه موفق نمی شوند.

و اما زائران محترم ایرانی که انصافاً شخصیت و شعور و رشد سیاسی و اجتماعی خود را در مراسم حج سالهای گذشته به نمایش گذارده اند و باعث حفظ آبرو و اعتبار جمهوری اسلامی ایران شده اند، امسال نیز علاوه بر دقت و توجه به اعمال و واجبات حج و استفاده از این نعمت بزرگ تشرف به مکه مکرمه و مدینه منوره و زیارت خانه خدا و مرقد پاک نبی اکرم صلی الله علیه و آله و بقیع و تشرف به جوار تربت مطهر حضرت زهرا علیها السلام و ائمه معصومین علیهم السلام در راهپیمایی کوبنده برائت با هماهنگی و انسجام کامل در صفوف و شعارها و برنامه ها شرکت نمایند و از برکاتِ این اجتماع مقدس عبادی- سیاسی که نشان دهنده اقتدار مسلمین و کشور عزیز و اسلامی ایران است بهره مند شوند و با برخوردهای اخلاقی و سالم و سازنده در تمام مراسم حج و خصوصاً در مسیر راهپیمایی با مردم سایر کشورها و یا مأمورین کشور عربستان سعودی، آنان را به ضرورت حضور در این اجتماعات دعوت کنند و از هرگونه اعمال سلیقه های شخصی و کارهای خودسرانه ای که خدای ناکرده موجب هتک احترام این اجتماع عظیم شود خودداری کنند و از درگیری و اهانت و جدال احتراز نمایند، هرچند که زائران محترم با آگاهی کامل نقشه ها و توطئه ها را خنثی می کنند ولی چه بسا افرادی به منظور برهم زدن شکوه و جلوه اجتماعات حج و مخدوش کردن چهره انقلاب به کارهای بدون حساب و خودسرانه دست زنند. البته بعید به نظر می رسد که دولت یا مأمورین عربستان که میزبان زائران خانه خدا و حرم پیغمبر اکرمند، از این نمایش قدرت اسلام و مسلمین در برابر کفر و ابتکار عملی- سیاسی ملت ما که به خاطر سربلندی جهان اسلام و مسلمین می باشد جلوگیری کنند. در هر حال زائران ایرانی به نقش و رسالت خود در تمامی مراحل حج توجه کنند که تمامی اعمال و رفتار آنان با دقت مورد توجه و نظر دوستان و دشمنان انقلاب ما است، و دشمنان انقلاب درصدد دست یافتن به سوژه ای ولو مختصر جهت تخریب قداست و اعتبار الهی مردم کشور ما می باشند و دوستان و طرفداران انقلاب مشتاق آشنایی با روش و سیره وخصوصیات این ملتی که آوازه نام و نشانش- به یاری خداوند- در سراسر عالم طنین

افکنـده است، گردیـده انـد. و حـج بهـترین میعادگـاه معـارفه ملتهـای اسـلامی است که مسـلمانان بـا برادران و خـواهران دینی واسـلامی خود از سراسر جهان آشنا می شوند و در آن خانه ای که متعلق به تمام جوامع اسلامی و پیروان ابراهیم حنیف است، گِردهم می آینـد و بـا کنـار گـذاردن تشخصـها و رنگهـا و ملیتها و نژادها به سـرزمین و خانه اولینِ خود رجعت می کننـد و با مراعات اخلاق کریمه اسـلامی واجتناب از مجادلات و تجملات، صـفای اخوت اسلامی و دورنمای تشکل امت محمدی صلی الله علیه و آله را در سراسر جهان به نمایش می گذارند.

زائران محترم کشور ایران، ارزش دسـتاوردهای معنوی و سیاسـی جمهوری اسـلامی ایران را در برخورد بـا سایر مسـلمانان بهتر درک می کنند و باتوجه و اطلاع از گرفتاریها و مشـکلاتی که به اشـکال مختلف بر ملتهای اسلامی تحمیل شده است، به ابعاد عظمت انقلاب و عنایات خاصه حق تعالی و توجه امام زمان- ارواحنا فـداه- به این ملت بیشتر پی می برنـد و قـدر برکات این انقلاب را بیشتر از گذشـته می دانند و از کار و تلاش مسـئولین محترم و دولت خدمتگزار که شب و روز خود را وقف خدمت نموده انـد، مطلع می گردنـد و از تحولی که در جوانـان و اقشار دیگر ملت به وجود آمـده است و آنان را به بهشت صـلابت و عفت و حیا و شرافت و آزادی وجهاد رهنمون شده اند، خدا را سپاس می گزارند.

خداونـدا! این نعمتهای بزرگ را از ما و ملت ما نگیر. خداوندا! ما را به ارزش برکات خود بیشتر آشـنا فرما. خداوندا! بربندگی مـا و خلوص مـا و اظهـار عجز و ذلت مـا در برابر خودت بیفزا. خداونـدا! به مـا توکـل و صبر و مقـاومت و رضـا و توفیق جلب عنایت خود کرامت فرما و در مسیر خدمت به بندگانت ما را تا مرز قربانی خود وفرزندان و هستی مان همراهی و مدد بنما.

زائران محترم مبادا که از احساس رشد و عظمت انقلاب خود در برابر مسلمانان دیگر کشورها به غرور و عُجب گرفتار شوند و خـدای نخواسـته به اعمال و رفتار مسـلمانان به دیـده اهانت و تحقیر بنگرند و از همدلی و انس با دوسـتان خدا در مکه مکرمه محروم شوند و از شکر این نعم بزرگ الهی، که تواضع در برابر مسلمانان و مستضعفان و برادران

دینی است، غافل بماننـد. در کنار خانه خدا و مرقد پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله بیعتها و پیوندهای دوستی وارتباط آینده را بـا مسـلمانان محکـم کننـد وحـدیث انقلاب و لطـف خـدا را به آنـان بـازگو نماینـد. و از جـانب من و همه ملت ایران به همه مسـلمانان اطمینان بدهیـد که جمهوری اسـلامی ایران پشتیبان شـما و حامی مبارزات و برنامه های اسـلامی شـما است و در هر سنگری علیه متجاوزان در کنار شـما ایسـتاده است و از حقوق گذشـته و امروز و آینـده شـما ان شاءاللّه دفاع خواهـد کرد و به آنان بگویید که اقتدار و اعتبار جمهوری اسـلامی ایران متعلق به همه ملتهای اسلامی است و دفاع از ملت قهرمان و دلاور ایران در حقیقت دفـاع از همه ملتهـای تحت سـتم است و مـا بـا خواست خـدا دست تجـاوز و سـتم همه سـتمگران را در کشورهـای اسـلامی می شـکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی صلی الله علیه و آله است، به سـیطره و سـلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می دهیم وبه یاری خـدا راه را برای ظهور منجی مصـلح و کل و امامت مطلق حق امام زمان- ارواحنا فداه- هموار می کنیم.

و از نکاتی که حجاج محترم باید به آن توجه کنند، اینکه مکه معظمه و مشاهد مشرفه آینه حوادث بزرگ نهضت انبیا و اسلام و رسـالت پیـامبراکرم اسـت، جـای، جـای این سـرزمین محـل نزول و اجلال انبیـای بزرگ و جبرئیـل امین و یـادآور رنجهـا و مصـیبتهای چنـدین ساله ای است که پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در راه اسـلام و بشـریت متحمل شده اند و حضور در این مشاهد مشـرفه و امکنه مقدسه و در نظر گرفتن شـرایط سخت و طاقتفرسای بعثت پیامبر، ما را به مسئولیت و حفظ دستاوردهای ایـن نهضت ورسـالت الهی بیشـتر آشـنا می کنـد، که واقعاً پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و ائمه هـدی علیهم السـلام در چه غربتهـایی برای دینِ حـق و امحـای باطـل، اسـتقامت و ایسـتادگی نمـوده انـد و ازتهمتهـا و اهانتهـاو زخم زبانهـای «ابـولهب» و «ابوجهل» ها و «ابوسـفیان» ها نهراسـیدند و در عین حال شدیدترین محاصـره های اقتصادی در شعب ابیطالب، به راه خود ادامه داده اند و تسـلیم نشدند و سپس با تحمل هجرتها و مرارتها در مسیر دعوت حق و ابلاغ پیام خدا و حضور در جنگهای پیاپی و نابرابر و مبارزه با هزاران توطئه وکارشـکنیها به هدایت و رشد همت گماشته اند که دل صخره ها و سنگها و بیابانها و کوهها و کوچه ها و بازارهای مکه و مدینه پر است از هنگامه پیام

رسالت آنان که اگر آنها به زبان و سخن می آمدند و از راز و رمز تحقق فَاسْتَقِمْ کَما امِرْتَ (۱)

پرده برمی داشتند، زائران بیت اللّه الحرام در می یافتند رسول خدا برای هدایت ما و بهشتی شدن مسلمانان چه کشیده اند و مسئولیت پیروان او چقدر سنگین است. و ملت شهید داده ایران اگر چه در طول دوران مبارزه و جنگ و حوادثِ دیگر انقلاب مظلومیتها و سختیها و درد و رنجهای فراوان دیده است و جوانان و عزیزان گرانقدری را تقدیم راه خدا کرده است ولی یقیناً وسعت مظلومیتها و سختیهایی که بر پیشوایان ما رفته است، به مراتب بالاتر از مسائل ما است. حجاج محترم سلام خالصانه ملت عزیز و مسئولین پر تلاش و خانواده های معظم شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودین را به پیشگاه مقدس پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله و اهل بیت هدی علیهم السلام ابلاغ کنید و ملتمسانه و عاجزانه از آنان تفقد و رحمت بیشتر برای این پیروان صادق خود خواسته و پیروزی ملت ما را در جنگ بر کفر جهانی از خدا بخواهند و از این فرصت مناسب در دعا کردن به همه مسلمانان و رفع گرفتاریها استفاده کنند.

خداوندا! اگر هیچ کس نداند تو خود می دانی که ما برای برپایی پرچم دینِ تو قیام کرده ایم و برای برپایی عدل و داد در پیروی از رسول تو در مقابل شرق و غرب ایستاده ایم و در پیمودن این راه لحظه ای درنگ نمی کنیم. خداوندا! تو می دانی که فرزندان این سرزمین در کنار پدران ومادران خود برای عزت دین تو به شهادت می رسند و با لبی خندان و دلی پر از شوق و امید به جوار رحمت بی انتهای تو بال و پر می کشند.

خداوندا! تومی دانی که امت رسول تو در ا ین مملکت مواجه با همه توطئه ها است و ایادی شیطان در داخل و خارج او را آرام نمی گذارند و تلاشها هر روز برای در تنگنا و مضیقه قرار دادن این ملت در امور اقتصاد فزونتر می شود.

خداوندا! تو می دانی مردم ما مشکلات را به جان و دل خریده اند و از هیچ چیزی غیر تو ترس و بیم ندارند و تمام زجرها و دردها را تحمل می کنند، همه پیروزیها را از آن تو و به عنایت تو می دانند، پس ما را به عنایت دوباره خود همراهی نما و دلهای ملت ما را

۱- بخشی از آیه ۱۱۲ سوره هود: «همانگونه که امر شده ای استقامت کن».

به نصر وپیروزی خود امیدوارتر ساز و رزمندگان جبهه ما را به مدد غیبی و جنود مخفی خود غالب وپیروز گردان و توان و صبر و استقامت ما را در تحمل سختیها و مشکلات افزون نما و نعمت رضایت در شکست وپیروزی را به ما ارزانی فرما و دل مردم ما را که برای دین تو شهید و مفقود و مجروح و اسیر داده اند و سختی هجران عزیزان را به عشق لقا و رضای تو تحمل کرده اند، شادمان فرما و همه ما را در مسیر بندگی خود عاشق و درد آشنا فرما و شهیدان ما را از کوثر زلال ولایت خود و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام سیراب نما و انقلاب اسلامی ما را به انقلاب مصلح کل متصل فرما. «انک ولیّ النعم».

۱ ذی الحجه الحرام ۴۰۷

روح اللّه الموسوی الخمینی

پیام

زمان: ۱۲ مرداد ۱۳۶۶/ ۷ ذی الحجه ۱۴۰۷

مکان: تهران، جماران

موضوع: جنایتها و خیانتهای آل سعود

مناسبت: فاجعه خونین مکهکشتار زائران ایرانی توسط مأموران آل سعود)

مخاطب: کروبی، مهدینماینده امام خمینی و سرپرست حجاج ایرانی)

جنایتها و خیانتهای آل سعود

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

والَّذینَ هاجَرُوا فی سَبیلِ اللَّه ثُمَّ قُتِلُوا اوْ ماتُوا لَیَرْزُقَنَّهُم اللَّه رِزْقاً حَسَناً وَ إنَّ اللَّه لَهُوَ خَیْرُالرَّازِقینَ (۱)

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروبی- دامت افاضاته

پیام استقامت و مظلومیت شما و زائران عزیزتر از جانمان را از کنار کعبه مظلوم و حرم خون آلود خدا شنیدم. سلام خالصانه اینجانب و همه ملت ایران را به همه عزیزانی که در کنار خانه خود و حرم امن خدا مورد تهاجم و گستاخی اجیر شدگان شیطان بزرگ، یعنی آمریکای جنایتکار قرار گرفته اند، ابلاغ کنید. این حادثه بزرگ نه تنها احساسات و عواطف ملت ایران را که یقیناً دل همه آزادگان جهان و ملتهای اسلامی را جریحه دار و متألم ساخته است ولی برای ملت بزرگ و قهرمانی همچون مردم عزیز کشورمان که تجربه چندین ساله انقلاب را دیده اند و نقاب از چهره ها و نیرنگهای ایادی امریکا چون شاه و صدام را در حمله به عزاداران حسینی و آتش زدن قرآنها و مساجد برداشته اند، این

۱- سوره حج، آیه ۵۸: «و آنانکه در راه رضای خدا از وطن هجرت گزیدند و در این راه کشته شدند، یا مرگشان فرارسید، البته خدا رزق و روزی نیکوییدر بهشت ابد) نصیبشان گرداند، که همانا خدا بهترین روزی دهندگان است».

حوادث غیرمترقبه و شگفت آور نیست که دوباره دست کثیف امریکا و اسرائیل از آستین ریاکاران و سردمداران کشور عربستان و خائنین به حرمین شریفین (۱) به درآید و قلب بهترین مسلمانان و عزیزان و میهمانان خدا را نشانه رود و مدعیان سقایت (۲) حاجّ و عمارت مسجدالحرام، خیابانها و کوچه های مکه را از خون مسلمانان سیراب کنند.

ما در عین حال که شدیداً متأثر و عزادار از این قتل عام بی سابقه امت محمد صلی الله علیه و آله و پیروان ابراهیم حنیف و عاملین به قرآن کریم گردیده ایم ولی خداوند بزرگ را سپاس می گزاریم که دشمنان ما و مخالفین سیاست اسلامی ما را از کم عقلان و بیخردان قرار داده است، چرا که خودشان هم درک نمی کنند که حرکتهای کورشان سبب قوّت و تبلیغ انقلاب ما و معرف مظلومیت ملت ما گردیده است و در هر مرحله ای سبب ارتقای مکتب و کشورمان را فراهم کرده اند که اگر از صدها وسیله تبلیغاتی استفاده می کردیم و اگر هزاران مبلّغ و روحانی را به اقطار عالم می فرستادیم تا مرز واقعی بین اسلام راستین و اسلام امریکایی و فرق بین حکومت عدل و حکومت سرسپردگان مدعی حمایت از اسلام را مشخص کنیم، به صورتی چنین زیبا نمی توانستیم، و اگر می خواستیم پرده از چهره کریه دست نشاندگان آمریکا برداریم و ثابت کنیم که فرقی بین محمدرضاخان و صدام امریکایی و سران حکومت مرتجع عربستان در اسلام زدایی و مخالفتشان با قرآن نیست و همه نوکر امریکا هستند و مأمور خراب کردن مسجد و محراب و مسئول خاموش نمودن شعله فریاد حق طلبانه ملتها، باز به این زیبایی میسر نمی گردید، و همچنین اگر می خواستیم به جهان اسلام ثابت کنیم که کلیدداران کنونی کعبه لیاقت میزبانی سربازان و میهمانان خدا را ندارند و جز تأمین امریکا و اسرائیل و تقدیم منافع کشورشان به آنان کاری از دستشان برنمی آید، بدین خوبی نمی توانستیم بیان کنیم و اگر می خواستیم به دنیا ثابت کنیم که حکومت آل سعود، این وهابیهای پست بیخبر از خدا بسان خنجرند که همیشه از پشت در قلب مسلمانان فرو رفته اند، به این اندازه که کارگزاران ناشی و بی اراده حاکمیت سعودی در این قساوت و بی رحمی عمل کرده اند، موفق نمی شدیم و حقا که

۱- در مقابل ادعای زمامداران آل سعود که خود را «خادم الحرمین الشریفین» می نامند.

۲- آبرسانی، رساندن آب به حاجیان.

این وارثان ابی سفیان و ابی لهب و این رهروان راه یزید روی آنان و اسلاف خویش را سفید کرده اند.

جمهوری اسلامی ایران الحمدللّه در میان زائران خانه حق از ملیتها و نژادها و کشورها و حتی در خود عربستان طرفداران بسیار زیاد و دوستان صادق و وفاداری پیدا نموده است که برای گواه و شهادت حقانیت ما و معرفی ابعاد قتل عام خونبار مسلمانان به دست خادم الحرمین و انتقال حقایق تلخ روز حادثه به مردم جهان ما را یاری دهند. و چه بهتر که بلافاصله و در حالی که اجساد عزیزان ما بر زمین افتاده اند، صدام و حسین اردنی (۱) و حسن مراکشی (۲) به حمایت از جنایت آل سعود اعلام همبستگی نمایند، گویی عربستان سنگر بزرگی را فتح کرده است و در کشتن صدها زن و مرد بی دفاع مسلمان و به رگبار مسلسل بستن آنان و عبور از روی اجساد مطهر آنان به پیروزی نظامی بزرگی نایل آمده است که به یکدیگر تبریک می گویند و حال آنکه جهان در این ماتم نشسته و دل پیامبر خاتم شکسته است. و چه کسی است که نداند توسل به زور و سرنیزه و لشکر کشی در برابر زائران خانه حق و تهیه آن همه مقدمات و توسل به بهانه های پوچ برای درگیری با زنان و مردان و جانبازان و مادران و همسران شهیدان چیزی جز استیصال و خشم و ضعف امریکا و عجز و ناامیدی سرسپردگان آنان نخواهد بود. یقیناً امریکا و عربستان از شرایط خلع سلاح مسلمانان در حرم خدا و احترام مؤمنین به احکام قرآن و پرهیز از جدال در کنار خانه خدا سوءاستفاده کرده اند و با وسایل از پیش فراهم شده و نقشه های دقیق روبه صفتانه به صفوف شیرمردان و شیرزنان ما حمله نموده اند و آنان را غافلگیر کرده اند. حکومت سعودی مطمئن باشد که امریکا لکه ننگی بر دامنش نهاده است که تا قیام قیامت هم باآب زمزم و کوثر پاک نمی شود و خونی که از دل اقیانوس بزرگ ملت ما بر سرزمین حجاز جاری شده است، زمزم هدایتی برای تشنگان سیاست ناب اسلام گردیده است که ملتها و نسلهای آینده از آن سیراب و ستمکاران در آن غرق و هلاک می شوند و ما همه این جنایتها را به حساب امریکا گذاشته ایم و به یاری خدا و در موقع

۱- ملک حسین، پادشاه اردن.

۲- ملک حسن، پادشاه مغربمراکش).

مناسب به حساب آنان خواهیم رسید و انتقام فرزندان ابراهیم را از «نمرود» ها و «شیاطین» و «قارون» ها خواهیم گرفت. و مجدداً تأکید می کنم که اینها بهای گران حاکمیت نه شرقی و نه غربی و استقلال و آزادی و اسلام خواهی ماست.

و اینک از فرصت استفاده کرده به یکی از آیات کتاب کریم اشاره می کنم آن جا که فرموده است: اجَعلْتُمْ سِقايَةَ الحاجِّ وَ عِمارَةَ المَسْجِدِ الحَرامِ كَمَنْ امَنَ بِاللَّه وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَ جاهَدَ فی سَبيلِ اللَّه لايَسْتَوُونَ عِنْدَاللَّه وَاللَّه لايَهْدِی القَوْمَ الظّالِمينَ. (۱)

گویی آیه کریمه در همین عصر نازل شده و گویی برای آل سعود و امثال آل سعود در طول تاریخ و برای ملت مجاهد و بزرگ ایران و حجاج بیت اللَّه الحرام در عصر حاضر و امثال آنان در همه اعصار آمده است. و خداوند تعالی می فرماید: شما کوردلان آب رسانی به حجاج و تعمیر مسجدالحرام را با ارزش آنانی که ایمان به خدا و به روز جزا آورده و در راه خدا مجاهده می کنند، مساوی قرار داده اید، حاشا که اینان با شما مساوی نیستند و خداوند ستمگران را هدایت نمی کند. آیا سعودیها و امثال آنان در طول تاریخ ارزش خود را برای تهیه آب در مواقف حج و زرق و برق تعمیرات مسجدالحرام را با ارزشهای مسلمانانی که به خداوند و روز جزا ایمان دارند و با نثار خون خود و جوانان مجاهد خود در راه خدا و برای دفع دشمنان خدا از حریم اسلام و حرم خداوند تعالی بپا خاسته اند مقایسه نکرده اند؟ و سعودیهای عصر حاضر، پا را فراتر از آن نگذاشته و بر مسلمانان افتخار نمی کنند؟ و با مجاهدان راه خدا آن نمی کنند که روی امریکای جهانخوار و ارباب خود را سفید کرده است؟ و جالب توجه اینکه خداوند در این آیه ایمان به خدا و روز جزا را ذکر فرموده و از میان تمام ارزشهای اسلامی و انسانی مجاهده در راه خدا را با دشمنان خدا و بشریت انتخاب کرده است و در این انتخاب به همه مسلمانان تعلیم فرموده است که ارزش جهاد فوق همه ارزشهاست. و آیا خداوند با ذکر وَاللَّه لايَهْدِی القَوْمَ الظّالِمينَ نمی خواهد بفرماید خداوند سعودیهای عصر را و تمام اعصار تاریخ را

۱- سوره توبه، آیه ۱۹: «آیا آب دادن به حاجیان و تعمیر کردن مسجدالحرام را با مقام آن کس که به خدا وروز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کردند یکسان شمردید؟ هرگز، آن نزد خدا با این یکسان نخواهد بود، که خدا ستمکاران را هرگز هدایت نخواهد کرد».

ستمگرانی بیش نمی داند که قابل هدایت نیستند و خداوند آنان را هدایت نمی فرماید؟

آیا ستمکاری بر حق و خلق و بر رسول خدا و امت بزرگوار حضرت رسول خاتم، بالاتر از آنچه آل سعود با کعبه و حرم امن الهی و با زائران مجاهد آن که همه چیز و همه کس خود را در راه دوست و آرمان اسلام تقدیم کردند، می توان تصور کرد؟ آیا جرم این مجاهدان که به فرمان خداوند تعالی ندای برائت از مشرکین را انجام داده اند، جز برائت از خدایان آل سعود و سعودیهای عصر حاضر و شاه حسین و شاه حسن و مبارک نامبارک (۱) و صدام عفلقی است؟ آیا سکوت در مقابل این ستمگریها که در طول تاریخ سابقه نداشته است، چیزی جز رضای به این جرم و شرکت در ظلم و ستم ظالمین و ستمگران است؟ و در هر صورت آل سعود برای تصدی امور کعبه و حج لیاقت نداشته و علما و مسلمانان و روشنفکران باید چاره ای بیندیشند. زائران شریف ایرانی امسال پیام انقلاب و برائت خود را با خونشان به جهان و به امت اسلام ابلاغ نمودند و با تقدیم شهدای بزرگ به پیشگاه مقدس حق از سازندگان و بانیان سیاست نه شرقی و نه غربیِ کعبه خداوند گشتند و ملت بزرگ ایران نیز با تجلیل گسترده خود از شهدا و شرکت میلیونی خود در راهپیمایی و اعلان برائت از کفر خصوصاً آل سعود به وظیفه انقلابی و الهی خود عمل نموده اند که در اینجا لازم است از حضور گسترده آنان و همه اقشار و خواهران و برادران تشکر کنم. اکنون نوبت زائران دیگر کشورها و خصوصاً علما و روشنفکران و گویندگان است که پیام مظلومیت ما را به جهان ابلاغ کنند. ان شاءاللّٰه زائران محترم ایرانی با مقاومت و صبر بقیه اعمال خود را به اتمام برسانند و با گامهای محکم و دلی آرام و قلبی سرشار از رضایت و لبی خندان، شادی پیروزی خون بر شمشیر و شهادت در کنار خانه خدا را جشن بگیرند و افرادی که به مدینه منوره مشرف می شوند، سلام شهیدان به خون خفته کعبه و مجروحین خانه امن را به رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام ابلاغ کنند و این موفقیت بزرگ را به محضرشان تبریک بگویند و به راه خود با صلابت و

۱- حسنی مبارک، رئیس رژیم حاکم بر مصر. او به همراه صدام حسین، ملک حسین وملک حسن، پس ازواقعه خونبار مکه و شهادت صدها زائر ایرانی به دست عوامل و دژخیمان آل سعود، پیامهای تبریکی برای ملک فهد، پادشاه عربستان سعودی فرستادند!

اطمینان ادامه دهند و مشکلاتی که امریکا و عربستان بر آنان تحمیل نموده اند به حساب خدا و دفاع از پیامبر بگذارند و از اینکه خداوند هدیه ها و قربانیان هاجروار و اسماعیل گونه این ملت بزرگ را در کنار خانه خود پذیرفته است سپاسگزار و شاکر باشند که ان شاءاللّٰه خداوند شهدای بزرگ ما را با شهدای صدر اسلام محشور و به بازماندگان آنان صبر و اجر و به مصدومین و مجروحین شفا عنایت فرماید و شرّ متجاوزان را به خودشان بازگرداند و آنان را به عقوبت خود کیفر دهد.

از خداوند مسئلت می کنم که از این زمان که همه کفر و همه شرک دست به دست هم داده اند و تصمیم و عزم خود را برای شکست امت اسلام جزم کرده اند و همه ضربه ها را بر علیه ما به کار گرفته اند، خود ما را در حصار محکم خود و در لوای مرحمت و لطف خود حفاظت فرماید. والسلام علیکم و رحمهاللّٰه و برکاته.

۷ ذی الحجه سال ۱۴۰۷ هجری قمری

روح اللّٰه الموسوی الخمینی

سخنرانی

زمان: صبح ۱ شهریور ۱۳۶۶/ ۲۷ ذی الحجه ۱۴۰۷

مکان: تهران، جماران

موضوع: فاجعه اسفبار کشتار حجاج در مکه

مناسبت: در آستانه هفته دولت

حضار: خامنه ای، سید علیرئیس جمهور)- موسوی، میرحسیننخست وزیر) و اعضای هیأت دولت

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

ما هیچ هستیم و همه چیز خداست

ما خدای تبارک و تعالی را شکر می کنیم که با این همه مشکلاتی که برای جمهوری اسلامی پیش آوردند و پیش خواهند آورد، جز ذات مقدس او پناهی نداریم. هر چه هست از اوست و هرچه خواهد شد هم از اوست و ما جز یک خدمتگزاری که باز هم توفیقش از اوست، چیزی نیستیم. باید همه ما توجه داشته باشیم به اینکه ما خودمان چیزی نیستیم، هرچه هست اوست. اگر عنایات او نبود ما هیچ بودیم؛ چنانچه از ازل هم هیچ بودیم و بعدها هم از حیث حیثیت خودمان هیچیم. منتها ما هیچها اشتباه داریم؛ خیال می کنیم ما هم یک چیزی هستیم و این یک حجابی است بین ما که امیدوارم خدای تبارک وتعالی این حجاب را بردارد و ما بفهمیم کی هستیم؛ «اللهُمَّ ارِنِی الأشْیاءَ کَما هی». (۱) ارِنِی الأشْیاءَ کَما هُو»، یعنی به حسب احتمال قوی اینکه آن که هستند که صرف

تعلق به او هستند، او رانشان بدهد که اگر او را نشان بدهد، معرفت خدا حاصل می شود. و اگر آن چیزی که ما همه در حجاب هستیم، آن حجاب برداشته بشود، معلوم

۱- خدایا! اشیاء را آنچنانکه هستند به من نشان بده».

می شود که غیر از او کسی نیست و چیزی نیست و همه اشکالات در حجابی است که ما داریم، گمان می کنیم چیزی هستیم. و من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی به همه ما توفیق معرفت عنایت کند و توفیق خدمت به خلق اللَّه.

مشکلات دولت اسلامی

البته من از مشکلات دولت، از مشکلات کارمندان دولت، از مشکلات همه قشرهایی که در بین دولت کار می کنند آگاهم؛ چنانچه شماها بهتر آگاهید. و من می دانم که این دولت و این اقشاری که مربوط به دولت هستند، در عین حالی که محرومترین قشرها هستند، با اخلاصترین قشرها هستند، و در عین حالی که با یک زندگی درویشانه می گذرانند، بحمداللَّه، قدرت معنوی دارند و هر چه زندگی زیادتر بشود، قدرت روحی کمتر می شود.

این مسلّم است هر قدمی که دنیا برای آدم بر می دارد، انسان عقب می گیرد. آنهایی که در کاخهای بسیار مجلل زندگی می کنند، نگرانیشان بیشتر از آنی است که درویش اند و در محله ها زندگی می کنند. پس ما از این جهت هم شکرگزار هستیم که ما را در لباس درویشها درآورده است- نه درویش به معنای اصطلاحی، درویش واقعی- و ما خدمت به خدا و خدمت به خلق خدا را وظیفه خودمان می دانیم و مشکلات را هم ان شاءاللَّه، پشت سر می گذاریم و همان طوری که تاکنون ایستادگی کرده ایم، همه ایستادگی کردند در مقابل همه مشکلات، از این به بعد هم بین همه مشکلات ایستادگی خواهند کرد. و من دعا می کنم که خداوند به شما توفیق بدهد.

و اشخاصی که خارج ایستاده اند و اشکال می کنند، از باب اینکه خودشان در گود نیستند، اشکال کردن یک چیز آسانی است. اما حل اشکال مشکل است. خوب، البته اشخاصی خارج نشسته اند، می گویند: چرا چه شد؟ چرا نشد؟ چرا باید بشود؟ چرا فلان کار باید بشود؟ باید بکنند. لکن وارد نیستند ببینند که مشکلات چی است. در یک همچو زمانی که دولت و ایران مبتلای به همه گرفتاریهایی که می بینید هستند و همه دولتها، همه جهان به استثنای ملتهایشان در صدد محو جمهوری اسلامی هستند؛ یعنی، در صدد محو

اسلام هستند، در عین حال، خدای تبارک و تعالی تأیید کرده است و ما استقامت کردیم، مقاومت کردیم، بعدها هم خواهیم کرد، ان شاءاللّه.

حمله رژیم سعودی به حجاج ایرانی در مکّه

و آن چیزی که من امروز خیال دارم عرض کنم قضیه اسفباری است که در مکه اتفاق افتاد. ما از اول قیام- ان شاءاللّه- برای خدا و برای نجات ملت، شهدا خیلی داشتیم.

چه قبل از اینکه انقلاب واقع بشود- در زمان ستمشاهی- شهدای بزرگ داشتیم و چه بعدش که می بینید شهدای بسیار ارزشمند داشتیم، لکن مسئله حجاز مسئله دیگری است، غیر مسائل است. ما آن وقت هرچه بوده، این [بوده] که کتک می خوردیم یا گاهی می زدیم، گاهی می خوردیم، بعد هم همین طور، ما شهدا خیلی دادیم و در همه جا شهید دادیم. در زمان رضا شاه، آن همه رنج [دیدیم!] هر کس یادش است، می داند چه خبر بود. در زمان محمدرضا هم، که همه یادتان است، چه بساطی داشتیم! چه داشتند و چه شهدایی در آن وقت دادیم و چه شهدایی در بین این وقتها [دادیم!] لکن همه قضیه شهادت بود، قضیه بزرگ بود، لکن قضیه، قضیه مسئله حجاز نبود. مسئله قدس مسئله بزرگی است. روز قدس هم دیدید که چه [شد.] اما روز قدس مسئله ای است و روز جمعه خونین مکه مسئله دیگری است. روز قدس ما برای اینکه نجات بدهیم قدس را از دست غاصب [اعلام کردیم،] لکن آنها این طور نبود که قدس را توهین بهش بکنند، از بین ببرند. آنها هم مدعی بودند که ما قدس را می خواهیم و چه می کنیم. البته نباید قدس دست آنها باشد، ... روز قدس [اعلام شد] برای خاطر اینکه اسلام آن طور صدمه دیده، برای خاطر اینکه قدس، که باید دست صاحبانش باشد، غاصب آمده غصب کرده.

در این انفجارها که حاصل شد، دراین ترورها که شد، بسیار عزیزان بزرگی را ما از دست دادیم که هر خاکِ پای آنها بر این کاخ نشینان ارزشش بیشتر بود- اگر آنها ارزشی داشتند که ندارند- لکن همه این بود که ما کتک می خوردیم و می زدیم. در جنگ با صدام هم که تحمیل به ما کردند، ما خیلی [عزیز] از دست دادیم، شهید از دست دادیم، خیلی ضرر بردیم. لکن ما ضرر بردیم، مسئله [مثل] مسئله حجاز نیست.

مسئله حجاز مسئله ای است که ما باز خواب هستیم، دنیا هم باز خواب است که چه شد. مسئله حجاز، مسئله بزرگترین مقامات قدس اسلامی و دنیایی [است که] شکسته شد.

کعبه احترامش پیش ما تنها نیست، پیش مسلمین تنها نیست؛ کعبه را همه ملل محترم می شمرند؛ همه مللی که به دین [اعتقاد] دارند. کعبه، کعبه ای است که از زمان اول خلقت بوده است و همه انبیا در او خدمتگزار بوده اند. شکستن کعبه مسئله ای نیست که بشود ازش همین طوری گذشت. اگر ما از مسئله قدس بگذریم، اگر ما از صدام بگذریم، اگر ما از همه کسانی که به ما بدی کردند بگذریم، نمی توانیم [از] مسئله حجاز بگذریم. مسئله حجاز یک باب دیگری است، غیر [مسائل] دیگر.

و لازم است زنده نگه داشتن این روز؛ روزی که این خیانت شد به اسلام. و الآن ماه محرم نزدیک می شود. ماه محرم برای ما خیلی عزا هست؛ لکن سیدالشهدا علیه السلام هم فدا شد؛ برای اینکه در مکه نماند که نبادا به ساحت قدس مکه جسارت بشود؛ همه فدای مکه هستند. مکه جایی است که همه انبیا خدمتگزار او بوده اند و حالا گرفتار شده مکه به دست یک دسته اشخاص ملحد که اصلًا نمی فهمند باید چه بکنند؛ و نمی فهمیدند و نمی دانند چه تحمیلی برشان شد. و یک ننگی است الآن برای همه مسلمین دنیا که مکه، محل قدس الهی، محلی که مقدسترین مقامات الهی است، این طور شکسته بشود و مسلمانها نشسته باشند تماشا کنند. مسلمانها خودشان تکلیف خودشان را می دانند. مسئله را باید زنده نگه داشت. در ماه محرم، تمام کسانی که منبر می روند، واعظ هستند، نوحه خوان هستند، تمام دسته جات باید در رأس امورشان این مسئله قرار داده شود.

سیدالشهدا برای این بود شهادتش؛ برای این بود که اقامه بشود عدل الهی. اقامه بشود خانه خدا، محفوظ باشد خانه خدا. و در یک زمان ما که همه نشسته ایم و تماشا می کنیم، ما تماشاچی چی هستیم؟ چه باید بکنیم؟

البته این معنا را من تذکر بدهم که معنای اینکه ما باید با این مسئله برخورد داشته باشیم این نیست که کسانی که الآن در اینجا از سعودی ها هستند یا از سایر، از کویت، از جاهای دیگر، اینها را ما کاری داشته باشیم؛ اینها در پناه ما هستند، باید محفوظ باشند. و این جوانهای ما البته حسن نیت دارند، لکن من بهشان عرض می کنم که در بین شما

ممکن است اشخاصی باشند که حسن نیت نداشته باشند، بخواهند مملکت ایران را، بخواهند دولت ایران را آلوده کنند. شما متوجه باشید که اینها چیزی نیستند که ما به اینها کار داشته باشیم. مسئله بالاتر از این مسائل است و باید ما با همه قوایی که داریم، مسلمین با همه قوایی که دارند و دنیا، آنهایی که به خدا اعتقاد دارند با همه قوایی که دارند، باید با این مسئله محاربه کنند، به هر طوری که خودشان صلاح می دانند. این ننگ را نباید ما به گور ببریم که ما بودیم، دیدیم در حضور ما بزرگترین جنایت واقع شد و حالا هم آنها طلبکار هستند از ما.

کشتار حجاج، توطئه ای از پیش طراحی شده

این توطئه بی اشکال، یک توطئه سابقی بود؛ هیچ اشکالی در این نیست که یک سابقه ای داشت این توطئه؛ بنا داشتند بر اینکه این امر واقع بشود؛ تحمیل کرده بودند بر آل سعود احمق که یک همچو کار احمقانه ای بکند و خودش را در تمام دنیا منحط کند.

با اینکه منحط بود و منحط خواهد بود و ما واقعاً متحیریم که باید چه بکنیم؟ خدای تبارک و تعالی خانه خودش را حفظ می کند: «انّ للّه بیْتاً یَحْمِیهِ» (۱)

و سیلی را خواهد خورد از مسلمین، از مؤمنین، از حجازیها. خود حجازیها که دراین امر وارد نبودند، الّا دسته جاتی که مربوط به این حزب باطل و این دولت باطل است. این توطئه از سابق بود؛ هیچ سابقه نداشت که در سالهای سابق، قبل از اینکه حجاج بروند، ملک سعود برای من پیام بفرستد و از من تشکر کند که شما گفتید که اینجا آرامش باشد و با ما چه بکنند و اینها، بنابراین نبود. امسال این اتفاق افتاد، برای چی؟ برای چی ایشان برای من پیام فرستاد؟

برای اینکه بعد بگوید که من حسن نیت دارم، چه دارم، فلان، یا یک نمایشی بود. بهترین دلیل بر اینکه این مسئله، مسئله توطئه بود همان کیفیت عملشان بود. خودشان اقرار کردند به این معنا. می گویند که ایرانیها می خواستند بیایند کعبه را آتش بزنند و قم را کعبه قرار بدهند- یک همچو حرف ابلهانه. خوب، معلوم می شود از اول، بنا داشتند این کار را

۱- خداوند را خانه ای است که از آن حمایت می کند».

بکنند، به بهانه اینکه ایرانیها آمدند کعبه را خراب کنند، ما هم مهیا شدیم پدرشان را در آوریم. قضیه کشته شدن نیست، قضیه هتک احترام است. مسئله حجاز ابعاد مختلف دارد، منتها بُعد بزرگترش همین است که احترام یک محل مقدسی از بین رفت و مسلمین ساکت نخواهند نشست. بعدها خواهد فهمید فهد، و امثال فهد. خواهد فهمید که چه چیزی تحمیلش کرده اند و چه قضیه ای واقع شده و مسلمین خودشان می دانند تکلیف خودشان را؛ حجازیها هم می دانند این را. اگر این کشتار که در حرم واقع شده بود، اگر در طائف واقع می شد، خوب، باز قابل تحمل بود برای اینکه طائف بود، کشتار بود فقط. ما کشته خیلی داریم، ما در جنگها کشته داریم، قبلش هم داشتیم، بعدها هم داریم. اگر در طائف واقع شده بود، این یک مسئله ای بود؛ می گفتیم کشتند یک عده ای را. اما در حرم واقع شده؛ حرمی که خدا از اول امنش قرار داده و الآن حرم مغصوب است در دست اینها. از اول هم این طور بود؛ برای اینکه اینها چه کاره اند که آمده اند خادم الحَرَمَیْن- خائن الحَرَمَیْن- شده اند؛ کی اینها را خادم الحرمین قرار داده؟ با چه وجهی اینها اسم مملکت اسلامی را تغییر داده اند از آنی که بود؛ «حجاز» را «مملکت سعودی» قرار دادند؟ مملکت سعودی به چه مناسبت؟ اینها مسائلی است که همه اش بغرنج است و ما نمی دانیم که از این عار چطور خارج بشویم. من واقعاً در مسائل خیلی تحمل داشتم؛ در مسائل جنگ، در همه اینها تحمل داشتم. اما این بی تحمل کرده من را. مسئله غیر از این مسائل است. آنچه ما امیدواریم این است که خدای تبارک و تعالی با قدرت خودش حل کند مسائل را. و امیدواریم خداوند به همه ما توفیق بدهد که دراین باره بی تفاوت نباشیم.

دراین ماه محرم بی تفاوت نباشند؛ مسلمین در دنیا بی تفاوت نباشند.

خداوند ان شاءاللَّه، همه شما را توفیق بدهد. و امیدوارم که خدمتگزار باشید به این بندگان خدا که مظلوم هستند و مظلوم بودند. وحفظ کنید این شیوه خدمتگزاری به اینها را. و بحمداللَّه، شما خودتان از آن طبقه هستید؛ از طبقه بالا نیستید؛ یعنی، از طبقه پایین، شما از طبقه ممتاز هستید. آنهایی که آن وقتها متکفل حکومت بودند از طبقه ای بودند که ناچیز بودند و خداوند شما را موفق کند که همیشه خدمتگزار باشید.

والسلام علیکم و رحمه اللَّه

حکم

زمان: ۱۸ شهریور ۱۳۶۶/ ۱۵ محرّم ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب مجدد سرپرست حجاج بیت اللَّه الحرام

مخاطب: کروبی، مهدی

انتصاب مجدد سرپرست حجاج بیت اللَّه الحرام

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروبی- دامت افاضاته

پس از تشکر از مقاومت اسلامی و وصف ناپذیر حجاج مظلوم و محترم بیت اللَّه الحرام در مقابل هجوم آل سعود، این روسیاهان تاریخ و عمال چشم و گوش بسته امریکای جهانخوار، و نیز تشکر از مقاومت متعهدانه و شجاعانه جنابعالی، که با وجود گرفتاری در چنگال خون آشام آل سعود با پیامها و مصاحبه های آتشین پرده از روی چهره کریه این جنایتکاران تاریخ برداشته و کوس رسوایی فراموش ناشدنی امریکای جنایتکار و عمال خبیث آن را در عالَم به صدا درآوردید، جنابعالی را، که بحمداللَّه در صف اول مجاهدان اسلام بوده و هستید، چون سالهای گذشته به نمایندگی از طرف خود به سرپرستی حجاج بیت اللَّه الحرام منصوب می نمایم. جنایت تاریخی شکستن احترام حرم امن الهی، که دل مسلمانان متعهد جهان را آتش زد، (۱) چیزی نیست که تا ابد بشود آن

۱- اشاره به فاجعه قتل عام جمعی از زائران انقلابی ایران و لبنان و پاکستان و ... که به جرم شعار علیه آمریکاو اسرائیل و سر دادن فریاد برائت، در روز ششم ذی الحجه سال ۱۳۶۶ ه. ش. به دست مأمورین رژیم آل سعود مظلومانه به شهادت رسیدند و دولتهای مدعی «حقوق بشر» به خاطر دشمنی شان با جمهوری اسلامی از کنار این فاجعه بزرگ انسانی بی تفاوت گذشتند و بلکه به تأیید و ارسال پیام تبریک برای ملک فهد پرداختند.

را فراموش کرد و یا ساکت بود.

در اینجا لازم می دانم که از زحمات تمامی دست اندرکاران و مسئولین حج و از جناب حجت الاسلام، آقای امام جمارانی- دامت افاضاته- که با تعهد و مقاومت خود موجب سرافرازی جمهوری اسلامی ایران گردیده اند و باعث شادی روح شهدا شده اند، تشکر کرده و توفیق هرچه بیشتر همه را در خدمت به اسلام و احکام نورانی آن از خداوند خواستارم. و برای شهدای گرانقدر مکه خونینمان، که با اهدای خون خود پرچم سرخ توحید، رسالت و امامت، را در آسمان و زمین به اهتزاز درآوردند، طلب رحمت و مغفرت نموده؛ و برای بازماندگان آنان، که افتخار بزرگی نصیبشان شده است، صبر و اجر مسئلت می نماید. والسلام علیکم و رحمهاللَّه.

۱۸ شهریور ۶۶

روح اللَّه الموسوی الخمینی

ص: ۲۴۴

پیام

زمان: ۳۱ شهریور ۱۳۶۶/ ۲۸ محرّم ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: تجلیل از رزمندگان اسلام و شهدا

مناسبت: سالگرد آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایرانهفته دفاع مقدس)

مخاطب: ملت ایران

تجلیل از رزمندگان اسلام و شهدا

بسم اللّه الرحمن الرحیم

وَمَنْ یُقاتِل فی سَبیلِ اللّه فَیُقْتَلْ اوْ یَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤتیهِ اجْراً عَظیماً (۱)

این اجر عظیم که به قلم با عظمت عظیم مطلق وعده داده شده است، چگونه آن را با فکر ناچیز بشر می توان تحلیل کرد. گویی این اجر عظیم همان حب خداوند تعالی است که در سوره مبارکه صف آمده است: انَّ اللّه یُحِبُّ الَّذینَ یُقاتِلُونَ فی سَبیلِهِ صَفّاً کَانَّهُمْ بُنْیانٌ مَرْصُوصٌ. (۲)

محبوبیت نزد بارگاه احدی را کدام فیلسوف توانا یا عارف علمی بزرگ دانا می تواند درک کند تا از آن سخن گوید و یا به سخن قلم درآورد؟ آیا این حب نافله است که در نتیجه تقرب به آن بنده خاکی پا بر سر ملك و ملکوت اعلا نهد و حق- جل و علا- با جاذبه غیبی خویش سمع و بصر و قلب او شود و آنچه بشنود یا ببیند یا ذوق عرفانی کند با سمع و بصر و قلب حق- جل و علا- باشد و نبیند جز به بصر حق و نشنود جز به سمع حق و نداند جز به علم حق و حجابها مرتفع شود و جهان را آنچه که هست

۱- بخشی ازآیه ۷۴ سوره نساء: «مؤمنان باید در راه خدا با آنان که حیات مادی دنیا را بر آخرت برگزیدند جهاد کنند، و هر کس در جهاد به راه خدا کشته شد یا فاتح گردید، زود باشد که او را در بهشت ابدی اجری عظیم دهیم».

۲- سوره صف آیه ۴: «خدا آن مؤمنان را که در صف جهاد کافران مانند سد آهنین همدست و پایدارند، بسیار دوست می دارد».

مشاهده کند که اللَّهُمَّ أَرِنِی الْأَ شْیاءَ کَما هِیَ، (۱)

یا قرب فریضه است که در آن شخص و شخصیت محو شود و صعق (۲) رخ دهد و خود و خودی از میان برود و کثرت به تمام معنی رخت بربندد و نه چشمی باشد و نه گوشی و نه باطنی و نه ظاهری؛ هُوَ الاوَّلُ وَ الآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَ الْباطِنُ. (۳)

دیگرسبیل اللهی در کار نیست و اسم و رسمی به جا نمی ماند، اینان از خانه خارج شدند و موت آنان را ادراک نموده و قدمها و قلمها شکسته شده است.

بارالها! این وصف مجاهدان فی سبیل اللَّه و اجر عظیم آنان است که در صحنه های کارزار با دشمنان تو و دشمنان رسول معظم تو و دشمنان قرآن کریم تو به شهادت رسیده اند یا در این راه پیروز گردیده اند و تو خود شاهدی که در این سال ما جانبازان و مهاجران و مجاهدانی داشتیم که به سوی تو و به سوی خانه امن تو که از صدر خلقت تاکنون مأمن هر موجودی بوده است هجرت کردند و در پیش چشمان حیرتزده مسلمانان کشورهای جهان به دست پلید امریکا که از آستین آل سعود به در آمده است، به خاک و خون کشیده شدند و در آستانه عاشورای ولی اللَّه اعظم- سلام اللَّه علیه- عاشورایی دیگر با ابعاد مختلف در جوار تو و خانه امن تو در جمعه خونین پدید آوردند که ای کاش نبودم تا آن را ببینم و یا بشنوم، نه برای شهادت عزیزانی مجاهد و مهاجر، که شهادت امری است که آرزوی عزیزان ما است و شهدی است آشنا برای زنان و مردان و کودکان ما که در یورشهای مغولانه صدام عفلقی شدیدتر و فجیعتر آن را چشیده اند و دیده ایم، بلکه برای مصیبتی است که نه تنها برای پیغمبر اسلام- صلوات اللَّه علیه- که برای تمامی انبیا و مرسلین از آدم تا خاتم پیش آمد و به فرمان کاخ سیاه (۴) به دست ناپاک آل سعود، این شقیترین جانیان عصر، بالاترین مقام قدس الهی شکسته شد. اگر در عاشورای حسینی ولی خدا با یارانش در راه تو جنگیدند و شهید شدند، در عاشورای جمعه خونین مکه با تو و رسول

۱- خدایا، [حقیقت] اشیاء را آنچنان که هست بر من بنما».

۲- به معنای بیهوشی از شدت ترس یا از شنیدن صدای خوف انگیز است. امّا در اصطلاح عُرفا «صعق» فانی شدن در حق است هنگامی که تجلی ذاتی حق، محترق شود و بر بندگان خاص او وارد شود.

۳- بخشی از آیه ۳ سوره حدید: «اول و آخر و پیدا و نهان وجود، همه اوست».

۴- اشاره طنزآمیز به کاخ سفید واشنگتن، مقر رئیس جمهور امریکا.

تو و زائران مـا، این رسولاـن مکتب رسول تو که به خـاطر دین تو هیـچ گونه وسـیله ای حتی برای دفـاع از خود نداشـتند چنان کردند که تنها از دست امریکا، شـیطان بزرگ و اذنابش میسـر بود. امریکا و دست نشاندگانش در این کشـتار سـبعانه انتقام از اسلام عزیز و مهبط وحی و محل امن خدا باز گرفتند. اسلامی که در آینده ای نه چندان دور مکتب تمامی کشورهای زیر یوغ شرق و غرب می گردد.

خداونـدا! امروز تمامی قـدرتها و ابر قـدرتها مصـمم شده اند تا ریشه اسـلام ناب رسول گرامی مان صـلی الله علیه و آله را قطع کننـد. بار الها! امروز صـدامیان با کینه ای که از دین تو دارنـد، دست در دست تمامی شـیاطین جهان داده اند تا صدای اسـلام محمدی را خاموش سازند.

از تو می خواهم تـا مـا را در راهت صـبورتر و شـکیبایی خانواده های عزیز و بزرگوار شـهدا، جانبازان، مفقودین و اسـرامان را بیشتر گردانی. پروردگارا! شـهدای ما را با سیدالشهدا علیه السلام محشور فرما و جانبازان عزیز و مقتدر انقلاب اسلامی خودت را شـفا عنایت فرما. اسـرا و مفقودین ما را هر چه زودتر به اوطانشان بازگردان. خداوندا! به تمام ملتهای اسـلامی خصوصاً ملت شجـاع و حماسه ساز ایران تحمل بیشتر فشارهای نظامی اسـتکبار از زمین و دریا و هوا وفشارهای اقتصادی و سیاسـی روزافزون کانونهای فساد را عنایت فرما.

خداوندا! باطن دلهای معتقدان به دین رسول اکرم صلی الله علیه و آله را تنها از رضایت خود لبریز گردان.

«انک مجیب الدعوات». (۱) روح اللَّه الموسوی الخمینی

۱- برگرفته شده از آیه ۱۸۶ سوره بقره: «همانا تو برآورنده دعاهایی».

پیام

زمان: ۲۹ تیر ۱۳۶۷/ ۵ ذی الحجه ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه ۵۹۸

مخاطب: ملت ایران

سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه ۵۹۸

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

لَقَد صَدَقَ اللَّه رَسولَهُ الرُّءْیا بِالحَقِّ لَتَدْ خُلُنَّ المَسجِدَالحَرامَ ان شآءَاللَّه آمِنِینَ. (۱)

علی رغم گذشت یک سال از کشتار فجیع و بی رحمانه حجاج بی دفاع و زائران مؤمن و موحّد به وسیله نوکران امریکا و سفاکان آل سعود، هنوز شهر خدا و خلق خدا در بهت و حیرتند. آل سعود با کشتن میهمانان خدا و به خاک و خون کشیدن بهترین بندگان حق نه تنها حرم را، که جهان اسلام را آلوده به خون شهیدان نمود و مسلمانان و آزادگان را عزادار ساخت.

مسلمانان جهان در سال گذشته و برای اولین بار عید قربان را با شهادت فرزندان ابراهیم علیه السلام که دهها بار از مصاف با جهانخواران و اذناب آنان برگشته بودند، در مسلخ عشق و در منای رضایت حق جشن گرفتند. و بار دیگر امریکا و آل سعود، بر خلاف راه و رسم آزادگی، از زنان و مردان، از مادران و پدران شهید، از جانبازان بی پناه ما کشته ها گرفتند؛ و در آخرین لحظات نیز با ناجوانمردی و قساوت بر پیکر نیمه جان سالخوردگان و بر دهان تشنه و خشکیده مظلومان ما تازیانه زدند و انتقام خود را از آنان گرفتند. انتقام از

۱- سوره فتح، آیه ۲۷: «هر آینه خداوند حقیقت خواب رسولش را آشکار ساخت که حتما شمامؤمنین) به خواست خدا، با دل ایمن وارد مسجدالحرام خواهید شد».

چه کسانی و از چه گناهی؟ انتقام از کسانی که از خانه خویش به سوی خانه خدا و خانه مردم هجرت نموده بودند! انتقام از کسانی که سالها کوله بار امانت و مبارزه را بر دوش کشیده بودند. انتقام از کسانی که همچون ابراهیم علیه السلام از بت شکنی برمی گشتند؛ شاه را شکسته بودند؛ شوروی و امریکا را شکسته بودند؛ کفر و نفاق را خرد کرده بودند. همانها که پس از طی آن همه راهها با فریاد: وأَذِّن فِی النَّاس بِالحَجِّ یَأْتُوکَ رِجَالًا (۱)

پا برهنه و سر برهنه آمده بودند تا ابراهیم را خوشحال کنند، به میهمانی خدا

آمده بودند تا با آب زمزم گرد و غبار سفر را از چهره بزدایند، و عطش خویش را در زلال مناسک حج برطرف نمایند و با توانی بیشتر مسئولیت پذیر گردند و در سیر و صیرورت ابدی خود نه تنها در میقات حج، که در میقات عمل نیز لباس و حجاب پیوستگی و دلبستگی به دنیا را از تن به در آورند. همانها که برای نجات محرومان و بندگان خدا راحتی راحت طلبان را بر خود حرام، و مُحرِم به احرام شهادت شده بودند و عزم را جزم کردند تا نه تنها بنده زرخرید امریکا و شوروی نباشند، که زیر بار هیچ کس جز خدا نروند. آمده بودند که دوباره به محمد صلی الله علیه و آله بگویند که از مبارزه خسته نشده اند و به خوبی می دانند که ابی سفیان و ابی لهب و ابی جهل برای انتقام در کمین نشسته اند؛ و با خود می گویند مگر هنوز لات و هُبَل در کعبه اند. آری، خطرناکتر از آن بتها، اما در چهره و فریبی نو. آنها می دانند که امروز حَرَم، حَرَم است اما نه برای ناس، که برای امریکا! و کسی که به امریکا لبیک نگوید و به خدای کعبه رو آورد سزاوار انتقام خواهد شد. انتقام از زائرانی که همه ذرات وجود و همه حرکات و سکنات انقلابشان مناسک ابراهیم را زنده کرده است؛ و حقیقتاً می رود تا فضای کشور و زندگی خویش را با آوای دلنشین «لَبَّیکَ، اللَّهُم لَبَّیکَ» معطر سازد.

آری، در منطق استکبار جهانی هر که بخواهد برائت از کفر و شرک را پیاده کند متهم به شرک خواهد شد، و «مفتی» ها (۲) و مفتی زادگان این نوادگان «بَلعَم باعورا» ها، (۳)

۱- بخشی از آیه ۲۷ سوره حج: «و مردم را به مناسک حج نداده تا پیاده و سواره از دور ترین نقاط به سوی تو گرد آیند.

۲- فتوا دهندگان.

۳- از علمای بنی اسرائیل که در حق حضرت موسی بدی کرد و به مخالفت او برخاست.

به قتـل و کفر او حکم خواهنـد داد. بالاـخره در تاریـخ اسـلام می بـایست آن شمشـیر کفر و نفاقی که در لباس دروغین احرام یزیـدیان و جیره خواران بنی امیه- علیهم لعنهاللَّه- برای نابودی و قتل بهترین فرزنـدان راستین پیامبر اسـلام، یعنی حضـرت ابی عبـداللَّه الحسین علیه السـلام و یاوران با وفای او، پنهان شـده بود مجـدداً از لباس همان میراث خواران بنی سـفیان به درآید و گلوی پـاک و مطهر یـاوران حسـین علیه السـلام را در آن هوای گرم، در کربلاـی حجـاز و در قتلگاه حَرَم، پاره کنـد؛ و همان اتهاماتی را که یزیدیان به فرزندان راستین اسـلام زدند و آنان را «خارجی» و «ملحد» و «مشرک» و «مَهدورالدم» معرفی کردند، درست همان را به رهروان راه آنان وارد آورند؛ که ان شاءاللَّه ما اندوه دلمان را در وقت مناسب با انتقام از امریکا و آل سعود برطرف خواهیم ساخت و داغ و حسـرت حلاوت این جنایت بزرگ را بر دلشان خواهیم نهاد، و با برپایی جشن پیروزی حق بر جنود کفر و نفاق و آزادی کعبه از دست نااهلان و نامحرمان به مسجدالحرام وارد خواهیم شد.

اما زائران کشورها که یقیناً با کنترل و ارعاب دولتها و حکومتهایشان به مکه سفر کرده اند، جای دوستان و برادران و حامیان و همسـنگران واقعی خود را در میان خود خالی خواهند یافت. آل سعود برای پرده پوشـی جنایات هولناک سال گذشـته خود و همچنین توجیه صدٌّعن سبیل اللَّه (۱)

و منع حجاج ایرانی از ورود به حـج، زائران را زیر بمباران شدیـد تبلیغات خود قرار خواهد داد؛ و آخوندهای درباری و «مفتی» هـای خودفروخته- لعنهـاللَّه علیهم- در کشورهـای اسـلامی خصوصـاً حجـاز توسـط رسـانه هـا و مطبوعات دست به نمایشـها و سخنرانیهـا زده و عرصـه را بر تفکر و تحقیـق زائران دربـاره فهـم و درک فلسـفه واقعی حـج و نیز پی بردن به مـاجرای از پیش طراحی شـده شـیطان بزرگ در قتل میهمانان خدا تنگ خواهند نمود. و مسلّم در چنین شـرایطی رسالت زائران بسـیار سـنگین است. بزرگترین درد جوامع اسلامی این است که هنوز فلسفه واقعی بسیاری

۱- بخشی از آیه ۲۱۷ سوره بقره: «باز داشتن مردم از راه خدا».

از احکـام الهی را درک نکرده انـد؛ و حـج با آنهمه راز و عظمتی که دارد هنوز به صورت یک عبادت خشک و یک حرکت بیحاصل و بی ثمر باقی مانده است.

یکی از وظایف بزرگ مسـلمانان پی بردن به این واقعیت است که حج چیست و چرا برای همیشه باید بخشی از امکانات مادی و معنوی خود را برای برپایی آن صرف کنند.

چیزی که تا به حال از ناحیه ناآگاهان و یا تحلیلگران مغرض و یا جیره خواران به عنوان فلسـفه حج ترسیم شده است این است که حـج یک عبادت دسـته جمعی و یک سـفر زیارتی- سـیاحتی است. به حـج چه که چگونه باید زیست و چطور باید مبارزه کرد وبا چه کیفیت در مقابل جهان سـرمایه داری و کمونیسم ایسـتاد! به حـج چه که حقوق مسـلمانان و محرومان را از ظالمین باید سـتاند! به حج چه که باید برای فشارهای روحی و جسـمی مسـلمانان چاره اندیشـی نمود! به حج چه که مسـلمانان باید به عنوان یک نیروی بزرگ و قـدرت سوم جهان خودنمایی کننـد! به حـج چه که مسـلمانان را علیه حکومتهای وابسـته بشورانـد. بلکه حـج همان سـفر تفریحی برای دیـدار از قبله و مـدینه است و بس! و حال آنکه حـج برای نزدیک شدن و اتصال انسان به صاحب خانه است. و حج تنها حرکات و اعمال و لفظها نیست و با کلام و لفظ و حرکت خشک، انسان به خدا نمی رسد. حج کـانون معارف الهی است که از آن محتوای سـیاست اسـلام را در تمامی زوایای زنـدگی بایـد جسـتجو نمود. حـج پیام آور و ایجـاد و بنـای جـامعه ای به دور از رذایل مادی و معنوی است. حـج تجلی و تکرار همه صـحنه های عشق آفرین زنـدگی یک انسان و یک جامعه متکامل در دنیاست. و مناسک حـج مناسک زندگی است. و از آنجا که جامعه امت اسـلامی، از هر نژاد و ملیتی، بایـد ابراهیمی شود تا به خیل امت محمـد صـلی الله علیه و آله پیوند خورد و یکی گردد و یدِ واحده شود، حج تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است.

حج عرصه نمایش و آیینه سـنجش اسـتعدادها و توان مادی و معنوی مسـلمانان است. حج بِسان قرآن است که همه از آن بهره مند می شوند، ولی اندیشـمندان و غواصان و درد آشنایان امت اسلامی اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرو رفتن در احکـام و سیاسـتهای اجتماعی آن نترسـند، از صـدف این دریا گوهرهای هـدایت و رشـد و حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد

سیراب خواهند گشت. ولی چه باید کرد و این غم بزرگ را به کجا باید برد که حج بسان قرآن مهجور گردیده است. و به همان اندازه ای که آن کتابِ زندگی و کمال و جمال در حجابهای خود ساخته ما پنهان شده است و این گنجینه اسرارِ آفرینش در دل خروارها خاک کج فکریهای ما دفن و پنهان گردیده است و زبان انس و هدایت و زندگی و فلسفه زندگی ساز او به زبان وحشت و مرگ و قبر تنزل کرده است، حج نیز به همان سرنوشت گرفتار گشته است، سرنوشتی که میلیونها مسلمان هر سال به مکه می روند و پا جای پای پیامبر و ابراهیم و اسماعیل و هاجر می گذارند، ولی هیچ کس نیست که از خود بپرسد ابراهیم و محمد علیهم السلام که بودند و چه کردند؛ هدفشان چه بود؛ از ما چه خواسته اند؟ گویی به تنها چیزی که فکر نمی شود به همین است. مسلّم حجِ بی روح و بی تحرک و قیام، حج بی برائت، حج بی وحدت، و حجی که از آن هدم کفر و شرک بر نیاید، حج نیست.

خلاصه، همه مسلمانان باید در تجدید حیات حج و قرآن کریم و بازگرداندن این دو به صحنه های زندگی شان کوشش کنند؛ و محققان متعهد اسلام با ارائه تفسیرهای صحیح و واقعی از فلسفه حج همه بافته ها و تافته های خرافاتی علمای درباری را به دریا بریزند.

اما آنچه زائران عزیز باید بدانند اینکه امریکا و آل سعود حادثه مکه را یک مبارزه فرقه ای و نزاع قدرت میان شیعه و سنی ترسیم نموده؛ و ایران و رهبران آن را به عنوان کسانی که هوس رسیدن به یک امپراتوری بزرگ را در سر می پرورانند معرفی می کنند تا بسیاری از کسانی که از مسیر حوادث سیاسی جهان اسلام و نقشه های شوم جهانخواران بیخبرند تصور کنند که فریاد برائت ما از مشرکین و مبارزه ما برای کسب آزادی ملتها در مسیر کسب قدرت سیاسی مان و گسترش قلمرو جغرافیای حکومت اسلامی است. البته برای ما و همه اندیشمندان و محققانی که از نیات پلید تشکیلات آل سعود باخبرند جای تعجب نیست که به ایران و حکومتی که از بدو پیروزی تا به حال فریاد وحدت مسلمین را سر داده است و در همه حوادث جهانِ اسلام خود را شریک غم و شادی مسلمانان می داند تهمت افتراق و جدایی مسلمانان را بزنند؛ و یا بالاتر از آن، زائرانی را که به عشق زیارت مرقد پیامبر و حرم امن الهی به حجاز رفته اند به لشکرکشی و تشکل برای تصرف کعبه و آتش زدن حرم خدا و تخریب مدینه پیامبر متهم نمایند! و دلیل و مدرک این کار را

حضور پاسداران و نظامیان و مسئولین کشورمان در مراسم حج ذکر کنند! آری، در منطق آل سعود نظامی و پاسدار کشور اسلامی باید با حج بیگانه باشد؛ و اینگونه سفرها برای مسئولین کشوری و لشکری تعجب آور و توطئه انگیز می شود. از نظر استکبار، مسئولین کشورهای اسلامی باید به فرنگ بروند، آنها را به حج چه کار! دست نشاندگان امریکا آتش زدن پرچم امریکا را به حساب آتش زدن حرم، و شعار مرگ بر شوروی و امریکا و اسرائیل را به حساب دشمنی با خدا و قرآن و پیامبر گذاشته اند؛ و نیز مسئولین و نظامیان ما را با لباس احرام به عنوان رهبران توطئه معرفی کرده اند!

واقعیت این است که دوَل استکباری شرق و غرب و خصوصاً امریکا و شوروی، عملًا جهان را به دو بخش آزاد و قرنطینه سیاسی تقسیم کرده اند. در بخش آزاد جهان، این ابرقدرتها هستند که هیچ مرز و حد و قانونی نمی شناسند و تجاوز به منافع دیگران و استعمار و استثمار و بردگی ملتها را امری ضروری و کاملًا توجیه شده و منطقی و منطبق با همه اصول و موازین خود ساخته و بین المللی می دانند. اما در بخش قرنطینه سیاسی که متأسفانه اکثر ملل ضعیف عالَم و خصوصاً مسلمانان در آن محصور و زندانی شده اند، هیچ حق حیات و اظهار نظری وجود ندارد؛ همه قوانین و مقررات و فرمولها همان قوانین دیکته شده و دلخواه نظامهای دست نشاندگان و در برگیرنده منافع مستکبران خواهد بود.

و متأسفانه اکثر عوامل اجرایی این بخش همان حاکمان تحمیل شده یا پیروان خطوط کلی استکبارند که حتی فریاد زدن از درد را نیز در درون این حصارها و زنجیرها جرم و گناهی نابخشودنی می دانند. و منافع جهانخواران ایجاب می کند که هیچ کس حق گفتن کلمه ای که بوی تضعیف آنان را بدهد یا خواب راحت آنان را آشفته کند ندارد. و از آنجا که مسلمانان جهان به علت فشار و حبس و اعدام، قدرت بیان مصیبتهایی را که حاکمان کشورشان بر آنها تحمیل کرده اند را ندارند، باید بتوانند در حرم امن الهی مصایب و دردهایشان را با کمال آزادی بیان کنند تا سایر مسلمانان برای رهایی آنان چاره ای بیندیشند. لذا ما بر این مطلب پافشاری و اصرار می کنیم که مسلمانان، حداقل در خانه خدا و حرم امن الهی، خود را از تمامی قید و بندهای ظالمان آزاد ببینند و در یک مانور بزرگ از چیزی که از آن متنفرند اعلام برائت کنند و از هر وسیله ای برای رهایی خود

استفاده نمایند.

حکومت آل سعود مسئولیت کنترل زائران خانه خدا را به عهده گرفته است. و اینجاست که با اطمینان می گوییم که حادثه مکه جدای از سیاست اصولی جهانخواران در قلع و قمع مسلمانان آزاده نیست. ما با اعلام برائت از مشرکین تصمیم بر آزادیِ انرژی متراکم جهان اسلام داشته و داریم. و به یاری خداوند بزرگ و با دست فرزندان قرآن روزی این کار صورت خواهد گرفت. و ان شاءاللّٰه روزی همه مسلمانان و دردمندان علیه ظالمین جهان فریاد زنند و اثبات کنند که ابرقدرتها و نوکران و جیره خوارانشان از منفورترین موجودات جهان هستند.

کشتار زائران خانه خدا توطئه ای برای حفظ سیاستهای استکبار و جلوگیری از نفوذ اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله است. و کارنامه سیاه و ننگین حاکمان بی درد کشورهای اسلامی حکایت از افزودن درد و مصیبت بر پیکر نیمه جان اسلام و مسلمین دارد.

پیامبر اسلام نیازی به مساجد اشرافی و مناره های تزئیناتی ندارد. پیامبر اسلام دنبال مجد و عظمت پیروان خود بوده است که متأسفانه با سیاستهای غلط حاکمان دست نشانده به خاک مذلت نشسته اند. مگر مسلمانان جهان فاجعه قتل عام صدها عالم و هزاران زن و مرد فرقه های مسلمین را در طول حیات ننگین آل سعود و نیز جنایت قتل عام زائران خانه خدا را فراموش می کنند؟ مگر مسلمانان نمی بینند که امروز مراکز وهابیت در جهان به کانونهای فتنه و جاسوسی مبدل شده اند، که از یک طرف اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان، اسلام ملّاهای کثیف درباری، اسلام مقدس نماهای بیشعور حوزه های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه داران بر مظلومین و پابرهنه ها، و در یک کلمه «اسلام امریکایی» را ترویج می کنند؛ و از طرف دیگر، سر بر آستان سرور خویش، امریکای جهانخوار، می گذارند.

مسلمانان نمی دانند این درد را به کجا ببرند که آل سعود و «خادم الحرمین» به اسرائیل اطمینان می دهد که ما اسلحه خودمان را علیه شما به کار نمی بریم! و برای اثبات حرف خود با ایران قطع رابطه می کنند. واقعاً چقدر باید رابطه سران کشورهای اسلامی با

صهیونیستها گرم و صمیمی شود تا در کنفرانس سران کشورهای اسلامی مبارزه صوری و ظاهری هم با اسرائیل از دستور کار آنان و جلسات آنان خارج شود. اگر اینها یک جو غیرت و حمیت اسلامی و عربی داشتند، حاضر به یک چنین معامله کثیف سیاسی و خودفروشی و وطن فروشی نمی شدند.

آیا این حرکات برای جهان اسلام شرم آور نیست؟ و تماشاچی شدن گناه و جرم نمی باشد؟ آیا از مسلمانان کسی نیست تا بپاخیزد و اینهمه ننگ و عار را تحمل نکند؟

راستی ما باید بنشینیم تا سران کشورهای اسلامی احساسات یک میلیارد مسلمان را نادیده بگیرند و صحه بر آنهمه فجایع صهیونیستها بگذارند، و دوباره مصر و امثال آن را به صحنه بیاورند؟ حال، مسلمانان باور می کنند که زائران ایرانی برای اشغال خانه خدا و حرم پیامبر قیام کرده اند و می خواستند کعبه را دزدیده به قم ببرند! اگر مسلمانان جهان باور کرده اند که سران آنها دشمنان واقعی امریکا و شوروی و اسرائیل هستند، تبلیغات آنان هم در مورد ما را باور می کنند.

البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران امریکا نام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می کنیم. ما درصدد خشکانیدن ریشه های فاسد صهیونیزم، سرمایه داری و کمونیزم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظامهایی را که بر این سه پایه استوار گردیده اند نابود کنیم؛ و نظام اسلام رسول اللّه صلی الله علیه و آله را در جهان استکبار ترویج نماییم. و دیر یا زود ملتهای دربند شاهد آن خواهند بود. ما با تمام وجود از گسترش باجخواهی و مصونیت کارگزاران امریکایی، حتی اگر با مبارزه قهرآمیز هم شده باشد، جلوگیری می کنیم. ان شاءاللّه ما نخواهیم گذاشت از کعبه و حج، این منبر بزرگی که بر بلندای بام انسانیت باید صدای مظلومان را به همه عالم منعکس سازد و آوای توحید را طنین اندازد، صدای سازش با امریکا و شوروی و کفر و شرک نواخته شود. و از خدا می خواهیم که این قدرت را به ما ارزانی دارد که نه تنها از کعبه مسلمین، که از کلیساهای

جهان نیز ناقوس مرگ امریکا و شوروی را به صدا درآوریم.

مسلمانان جهان و محرومین سراسر گیتی از این برزخ بی انتهایی که انقلاب اسلامی ما برای همه جهانخواران آفریده است احساس غرور و آزادی کنند؛ و آوای آزادی و آزادگی را در حیات و سرنوشت خویش سر دهند و بر زخمهای خود مرهم گذارند؛ که دوران بن بست و نا امیدی و تنفس در منطقه کفر به سر آمده است، و گلستان ملتها رخ نموده است. و امیدوارم همه مسلمانان شکوفه های آزادی و نسیم عطر بهاری و طراوت گلهای محبت و عشق و چشمه سارِ زلال جوشش اراده خویش را نظاره کنند. همه باید از مرداب و باتلاق و سکوت و سکونی که کارگزاران سیاست امریکا و شوروی بر آن تخم مرگ و اسارت پاشیده اند به درآییم و به سوی دریایی که زمزم از آن جوشیده است روانه شویم؛ و پرده کعبه و حرم خدا را که به دست نامحرمان نجس امریکا و امریکازاده ها آلوده شده است با اشک چشم خویش شستشو دهیم.

مسلمانان تمامی کشورهای جهان، از آنجا که شما در سلطه بیگانگان گرفتار مرگ تدریجی شده اید، باید بر وحشت از مرگ غلبه کنید؛ و از وجود جوانان پرشور و شهادت طلبی که حاضرند خطوط جبهه کفر را بشکنند استفاده نمایید. به فکر نگه داشتن وضع موجود نباشید؛ بلکه به فکر فرار از اسارت و رهایی از بردگی و یورش به دشمنان اسلام باشید؛ که عزت و حیات در سایه مبارزه است. و اولین گام در مبارزه اراده است. و پس از آن، تصمیم بر اینکه سیادت کفر و شرک جهانی، خصوصاً امریکا را بر خود حرام کنید. ما در مکه باشیم یا نباشیم دل و روحمان با ابراهیم و در مکه است. دروازه های مدینهالرسول را به روی ما ببندند یا بگشایند، رشته محبتمان با پیامبر هرگز پاره و سست نمی شود. به سوی کعبه نماز می گزاریم و به سوی کعبه می میریم. و خدا را سپاس می گزاریم که در میثاقمان باخدای کعبه پایدار مانده ایم و پایه های برائت از مشرکین را با خون هزاران هزار شهید از عزیزانمان بنیان نهاده ایم. و منتظر هم نمانده ایم که حاکمان بی شخصیت بعض کشورهای اسلامی و غیر اسلامی از حرکت ما پشتیبانی کنند. ما مظلومین همیشه تاریخ، محرومان و پابرهنگانیم. ما غیر از خدا کسی را نداریم. و اگر هزار بار قطعه قطعه شویم، دست از مبارزه با ظالم بر نمی داریم.

جمهوری اسلامی ایران از مسلمانان آزاده جهان که علی رغم اختناق سیاسی حاکم بر آنها با ترتیب کنفرانسها و مصاحبه ها و سخنرانیها پرده از اسرار جنایتبار امریکا و آل سعود برداشتند و مظلومیت ما را به دنیا نشان دادند تشکر می نماید. مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدّم می شود؛ و هر روز شیطان بزرگ یا شوروی به بهانه حفظ منافع خود حادثه ای را به وجود می آورند. راستی اگر مسلمانان مسائل خود را به صورت جدی با جهانخواران حل نکنند و لااقل خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند، آسوده خواهند بود؟ هم اکنون اگر امریکا یک کشور اسلامی را به بهانه حفظ منافع خویش با خاک یکسان کند، چه کسی جلوی او را خواهد گرفت؟ پس راهی جز مبارزه نمانده است، و باید چنگ و دندان ابرقدرتها و خصوصاً امریکا را شکست، و الزاماً یکی از دو راه را انتخاب نمود: یا شهادت. یا پیروزی. که در مکتب ما هر دوی آنها پیروزی است. که ان شاءاللّه خداوند قدرت شکستن چهارچوب سیاستهای حاکم و ظالم جهانخواران، و نیز جسارت ایجاد داربستهایی بر محور کرامت انسانی را به همه مسلمین عطا فرماید؛ و همه را از افول ذلت به صعود عزت و شوکت همراهی نماید.

بعضی افراد تا قبل از حادثه تلخ و شیرین حج در سال گذشته، فلسفه اصرار جمهوری اسلامی ایران را بر راهپیمایی برائت از مشرکین به خوبی درک نکرده بودند و از خود و دیگران سؤال می کردند که در سفر حج و در آن هوای گرم چه ضرورتی به راهپیمایی و فریاد مبارزه است؛ و اگر هم فریاد برائت از مشرکین هم سر داده شود، چه ضرری متوجه استکبار می شود. و چه بسا افراد ساده دلی تصور می کردند که دنیای به اصطلاح متمدن جهانخواران نه تنها تاب تحمل اینگونه مسائل سیاسی را خواهد داشت، که به مخالفان خود حتی بیش از این هم اجازه حیات و تظاهرات و راهپیمایی خواهند داد. و دلیل این مدعا اجازه راهپیماییهایی است که در کشورهای به اصطلاح آزاد غرب داده می شود. ولی این مسئله باید روشن باشد که آنگونه راهپیماییها هیچ گونه ضرری برای ابرقدرتها و قدرتها ندارد. راهپیمایی مکه و مدینه است که بسته شدن شیرهای نفت عربستان را به دنبال دارد. راهپیماییهای برائت در مکه و مدینه است که به نابودی

سرسپردگان شوروی و امریکا ختم می شود. و درست به همین جهت است که با کشتار دسته جمعی زنان و مردان آزاده از آن جلوگیری می شود، و در پناه همین برائت از مشرکین است که حتی ساده دلان می فهمند که نباید سر بر آستان شوروی و امریکا نهاد.

ملت عزیز و دلاور ایران مطمئن باشند که حادثه مکه منشأ تحولات بزرگی در جهان اسلام و زمینه مناسبی برای ریشه کن شدن نظامهای فاسد کشورهای اسلامی و طرد روحانی نماها خواهد بود. و با اینکه بیشتر از یک سال از حماسه برائت از مشرکان نگذشته است، عطر خونهای پاک شهدای عزیز ما در تمامی جهان پیچیده و اثرات آن را در اقصا نقاط عالم مشاهده می کنیم. حماسه مردم فلسطین یک پدیده تصادفی نیست. آیا دنیا تصور می کند که این حماسه را چه کسانی سروده اند و هم اکنون مردم فلسطین به چه آرمانی تکیه کرده اند که بی محابا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانه صهیونیستها مقاومت می کنند؟ آیا تنها آوای وطنگرایی است که از وجود آنان دنیایی از صلابت آفریده است؟ آیا از درخت سیاست بازان خود فروخته است که بر دامن فلسطینیان میوه استقامت و زیتون نور و امید می ریزد؟ اگر اینچنین بود، اینها که سالهاست در کنار فلسطینیان و به نام ملت فلسطین نان خورده اند! شکی نیست که این آوای «اللّه اکبر» است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران شاه را و در بیت المقدس غاصبین را به نومیدی کشاند. و این تحقق همان شعار برائت است که ملت فلسطین در تظاهرات حج دوشادوش خواهران و برادران ایرانی خود فریاد رسای آزادی قدس را سر داد و «مرگ بر امریکا، شوروی و اسرائیل» گفت؛ و بر همان بستر شهادتی که خون عزیزان ما بر آن ریخته شد او نیز با نثار خون و به رسم شهادت آرمید. آری، فلسطینی راه گم کرده خود را از راه برائت ما یافت. و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین فروریخت، و چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد؛ و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت، و دوباره کوکب درّیه فلسطین از شجره مبارکه «لا شَرقیه ولا غربیه» ما برافروخت. و امروز به همان گونه که فعالیتهای وسیعی در سراسر جهان برای به سازش کشیدن ما با کفر و شرک در جریان است، برای خاموش کردن شعله های خشم ملت مسلمان فلسطین نیز به همان شکل ادامه دارد. و این تنها یک نمونه

از پیشرفت انقلاب است. و حال آنکه معتقدین به اصول انقلاب اسلامی ما در سراسر جهان رو به فزونی نهاده است و ما اینها را سرمایه های بالقوه انقلاب خود تلقی می کنیم و هم آنهایی که با مرکّب خون طومار حمایت از ما را امضا می کنند و با سر و جان دعوت انقلاب را لبیک می گویند و به یاری خداوند کنترل همه جهان را به دست خواهند گرفت.

امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار، و جنگ پابرهنه ها و مرفهین بی درد شروع شده است. و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده اند می بوسم؛ و سلام و درودهای خالصانه خود را به همه غنچه های آزادی و کمال نثار می کنم. و به ملت عزیز و دلاور ایران هم عرض می کنم: خداوند آثار و برکات معنویت شما را به جهان صادر نموده است؛ و قلبها و چشمان پرفروغ شما کانون حمایت از محرومان شده است و شراره کینه انقلابی تان جهانخواران چپ و راست را به وحشت انداخته است. البته همه می دانیم که کشور ما در حال جنگ و انقلاب سختیها و مشکلاتی را تحمل کرده و کسی مدعی آن نیست که طبقات محروم و ضعیف و کم درآمد و خصوصاً اقشار کارمند و اداری، در تنگنای مسائل اقتصادی نیستند؛ ولی آن چیزی که همه مردم ما فراتر از آن را فکر می کنند مسئله حفظ اسلام و اصول انقلاب است. مردم ایران ثابت کرده اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند، ولی تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت. ملت شریف ایران همیشه در مقابل شدیدترین حملات تمامی جهان کفر علیه اصول انقلاب خویش مقاومت کرده است که در اینجا مجال ذکر همه آنها نیست.

آیا ملت دلاور ایران در مقابل جنایات متعدد امریکا در خلیج فارس اعم از حمایت نظامی و اطلاعاتی به عراق و حمله به سکوهای نفتی و کشتیها و قایقها و سرنگونی هواپیمای مسافربری مقاومت نکرده است؟ آیا ملت ایران در جنگ دیپلماسی شرق و غرب علیه خود و ایجاد بازیهای سیاسی مجامع بین المللی مقاومت نکرده است؟ آیا ملت شجاع ایران در مقابل جنگ اقتصادی، تبلیغاتی، روانی و حملات ددمنشانه عراق به شهرها و موشک باران مناطق مسکونی و بمبارانهای مکرر شیمیایی عراق در ایران و

حلبچه، مقاومت نکرده است؟ آیا ملت عزیز ایران در مقابل توطئه منافقین و لیبرالها و زراندوزی و احتکار سرمایه داران و حیله مقدس مآبان مقاومت نکرده است؟ آیا همه این حوادث و جریانات برای ضربه زدن به اصول انقلاب نبوده است؟ که اگر نبود حضور مردم، هر یک از این توطئه ها می توانست به اصول نظام ضربه بزند. که خدا را سپاس می گزاریم که ملت ایران را موفق نمود تا با قامتی استوار به رسالت خود عمل کند و صحنه ها را ترک نگوید.

ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزشهای اسلامی هستند، به خوبی دریافته اند که مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست؛ و آنها که تصور می کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه داری و رفاه طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه اند. و آنهایی هم که تصور می کنند سرمایه داران و مرفهان بی درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می کنند آب در هاون می کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت جویی دو مقوله ای است که هرگز با هم جمع نمی شوند. و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی بضاعت گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلابها هستند. ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم. مسئولین نظام ایرانِ انقلابی باید بدانند که عده ای از خدا بیخبر برای از بین بردن انقلاب هر کس را که بخواهد برای فقرا و مستمندان کار کند و راه اسلام و انقلاب را بپیماید فوراً او را «کمونیست» و «التقاطی» می خوانند. از این اتهامات نباید ترسید. باید خدا را در نظر داشت، و تمام همّ و تلاش خود را در جهت رضایت خدا و کمک به فقرا به کار گرفت و از هیچ تهمتی نترسید. امریکا و استکبار در تمامی زمینه ها افرادی را برای شکست انقلاب اسلامی در آستین دارند، در حوزه ها و دانشگاهها مقدس نماها را که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده ام. اینان با تزویرشان از درون محتوای انقلاب و اسلام را نابود می کنند. اینها با قیافه ای حق به جانب و طرفدار دین و ولایت همه را بی دین معرفی می کنند. باید از شرّ اینها به خدا پناه بریم. و همچنین کسانی دیگر که بدون

استثنا به هر چه روحانی و عالِم است حمله می کنند و اسلام آنها را اسلام امریکایی معرفی می نمایند راهی بس خطرناک را می پویند که خدای ناکرده به شکست اسلام ناب محمدی منتهی می شود. ما برای احقاق حقوق فقرا در جوامع بشری تا آخرین قطره خون دفاع خواهیم کرد.

امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است. و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و زرق و برق کاخهای سفید و سرخ را از بین خواهند برد. امروز خمینی آغوش و سینه خویش را برای تیرهای بلا و حوادث سخت و برابر همه توپها و موشکهای دشمنان باز کرده است و همچون همه عاشقان شهادت، برای درک شهادت روزشماری می کند. جنگ ما جنگ عقیده است، و جغرافیا و مرز نمی شناسد. و ما باید در جنگ اعتقادی مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم. ان شاءاللّه ملت بزرگ ایران با پشتیبانی مادی و معنوی خود از انقلاب، سختیهای جنگ را به شیرینی شکست دشمنان خدا در دنیا جبران می کند. و چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت بزرگ ایران مثل یک صاعقه بر سر امریکا فرود آمده است. چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت ایران سقوط ارکان و کنگره های نظام ستمشاهی را نظاره کرده است و شیشه حیات امریکا را در این کشور شکسته است. و چه شیرینی بالاتر از اینکه مردم عزیزمان ریشه های نفاق و ملیگرایی و التقاط را خشکانیده اند. و ان شاءاللّه شیرینی تمام ناشدنی آن را در جهان آخرت خواهند چشید. نه تنها کسانی که تا مقام شهادت و جانبازی و حضور در جبهه پیش رفته اند، بلکه آنهایی که در پشت جبهه با نگاه محبت بار و با دعای خیر خود جبهه را تقویت نموده اند از مقام عظیم مجاهدان و اجر بزرگ آنان بهره برده اند. خوشا به حال مجاهدان! خوشا به حال وارثان حسین علیه السلام!

اذناب امریکا باید بدانند که شهادت در راه خدا مسئله ای نیست که بشود با پیروزی یا شکست در صحنه های نبرد مقایسه شود. مقام شهادت، خود اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معنویت است. نباید شهادت را تا این اندازه به سقوط بکشانیم که بگوییم در عوض شهادت فرزندان اسلام تنها خرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شد. تمامی اینها خیالات باطل ملیگراهاست. ما هدفمان بالاتر از آن است. ملیگراها تصور نمودند ما

هدفمان پیاده کردن اهداف بین الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است. ما می گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الّا اللّه» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم. پس ای فرزندان ارتشی و سپاهی و بسیجی ام، و ای نیروهای مردمی، هرگز از دست دادن موضعی را با تأثر و گرفتن مکانی را با غرور و شادی بیان نکنید که اینها در برابر هدف شما به قدری ناچیزند که تمامی دنیا در مقایسه با آخرت.

پدران و مادران و همسران و خویشاوندان شهدا، اسرا، مفقودین، و معلولین ما توجه داشته باشند که هیچ چیزی از آنچه فرزندان آنان به دست آورده اند کم نشده است.

فرزندان شما در کنار پیامبر اکرم و ائمه اطهارند. پیروزی و شکست برای آنها فرقی ندارد.

امروز روز هدایت نسلهای آینده است. کمربندهاتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است. امروز روزی است که خدا اینگونه خواسته است. و دیروز خدا آنگونه خواسته بود. و فردا ان شاءاللّه روز پیروزی جنود حق خواهد بود. ولی خواست خدا هر چه هست ما در مقابل آن خاضعیم. و ما تابع امر خداییم؛ و به همین دلیل طالب شهادتیم. و تنها به همین دلیل است که زیر بار ذلت و بندگی غیرخدا نمی رویم. البته برای ادای تکلیف همه ما موظفیم که کارها و مسائل مربوط به خودمان را به بهترین وجه و با درایت و دقت انجام دهیم. همه می دانند که ما شروع کننده جنگ نبوده ایم. ما برای حفظ موجودیت اسلام در جهان تنها از خود دفاع کرده ایم. و این ملت مظلوم ایران است که همواره مورد حمله جهانخواران بوده است؛ و استکبار از همه کمینگاههای سیاسی و نظامی و فرهنگی و اقتصادی خود به ما حمله کرده است. انقلاب اسلامی ما تاکنون کمینگاه شیطان و دام صیادان را به ملتها نشان داده است. جهانخواران و سرمایه داران و وابستگان آنان توقع دارند که ما شکسته شدن نونهالان و به چاه افتادن مظلومان را نظاره کنیم و هشدار ندهیم.

و حال آنکه این وظیفه اولیه ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صلا زنیم که ای خواب رفتگان! ای غفلت زدگان! بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه های گرگ منزل گرفته اید. برخیزید که اینجا جای خواب نیست! و نیز فریاد کشیم

سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست! امریکا و شوروی در کمین نشسته اند، و تا نابودی کاملتان از شما دست بر نخواهند داشت. راستی اگر بسیج جهانی مسلمین تشکیل شده بود، کسی جرأت اینهمه جسارت و شرارت را با فرزندان معنوی رسول اللّه صلی الله علیه و آله داشت؟

امروز یکی از افتخارات بزرگ ملت ما این است که در برابر بزرگترین نمایش قدرت و آرایش ناوهای جنگی امریکا و اروپا در خلیج فارس صف آرایی نمود. و اینجانب به نظامهای امریکایی و اروپایی اخطار می کنم که تا دیر نشده و در باتلاق مرگ فرونرفته اید، از خلیج فارس بیرون روید. و همیشه اینگونه نیست که هواپیماهای مسافربری ما توسط ناوهای جنگی شما سرنگون شود؛ که ممکن است فرزندان انقلاب ناوهای جنگی شما را به قعر آبهای خلیج فارس بفرستند.

به دولتها و حکومتهای منطقه، خصوصاً به عربستان و کویت می گویم که همه شما در ماجراجوییها و جنایاتی که امریکا می آفریند شریک جرم خواهید بود. و ما تا به حال از اینکه همه منطقه در کام آتش و خون و بی ثباتی کامل غوطه ور نشود، دست به عملی نزده ایم. ولی حرکات جنون آمیز ریگان مطمئناً حوادث غیرمنتظره و عواقب خطرناکی را بر همه تحمیل می کند. شما اطمینان داشته باشید که در این برگ جدید بازنده اید. خودتان و کشور و مردم اسلامی را در برابر امریکا اینقدر ذلیل و ناتوان نکنید. اگر دین ندارید، لااقل آزاده باشید.

بحمداللّه از برکت انقلاب اسلامی ایران دریچه های نور و امید به روی همه مسلمانان جهان باز شده است؛ و می رود تا رعد و برق حوادث آن، رگبار مرگ و نابودی را بر سر همه مستکبران فرو ریزد.

نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهانخواران تا کیْ و تا کجا ما را تحمل می کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویتها و ارزشهای معنوی و الهی مان نمی شناسند. به گفته قرآن کریم، هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی دارند مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند. ما چه بخواهیم و

چه نخواهیم صهیونیستها و امریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبیِ مان را لکه دار نمایند. بعضی مغرضین ما را به اعمال سیاست نفرت و کینه توزی در مجامع جهانی توصیف و مورد شماتت قرار می دهند؛ و با دلسوزیهای بیمورد و اعتراضهای کودکانه می گویند جمهوری اسلامی سبب دشمنیها شده است و از چشم غرب و شرق و ایادی شان افتاده است! که چه خوب است [به] این سؤال پاسخ داده شود که ملتهای جهان سوم و مسلمانان، و خصوصاً ملت ایران، در چه زمانی نزد غربیها و شرقیها احترام و اعتبار داشته اند که امروز بی اعتبار شده اند!

آری، اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام را با دستهای خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهانخواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی فرهنگ به رسمیت بشناسند؛ ولی در همان حدی که آنها آقا باشند ما نوکر، آنها ابرقدرت باشند ما ضعیف؛ آنها ولیّ و قیّم باشند ما جیره خوار و حافظ منافع آنها؛ نه یک ایران با هویت ایرانی- اسلامی؛ بلکه ایرانی که شناسنامه اش را امریکا و شوروی صادر کند؛ ایرانی که ارابه سیاست امریکا یا شوروی را بکشد و امروز همه مصیبت و عزای امریکا و شوروی شرق و غرب در این است که نه تنها ملت ایران از تحت الحمایگی آنان خارج شده است، که دیگران را هم به خروج از سلطه جباران دعوت می کند. کنترل و حذف سلاحهای مخرّب از جهان اگر با حقیقت و صداقت همراه بود خواسته همه ملتهاست، ولی این نیز یک فریب قدیمی است. و این همان چیزی است که اخیراً از گفته های سران امریکا و شوروی و نوشته های سیاسیون آنها آشکار گردیده است که مراودات اخیر سران شرق و غرب به خاطر مهار بیشتر جهان سوم و در حقیقت جلوگیری از نفوذ پابرهنه ها و محرومین در جهانِ مالکیتهای بی حد و مرز سرمایه داران است. ما باید خود را آماده کنیم تا در برابر جبهه متحد شرق و غرب، جبهه قدرتمند اسلامی- انسانی با همان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود؛ و آقایی و سروری محرومین و پابرهنگان جهان جشن گرفته شود. مطمئن باشید قدرتهای شرق و غرب همان مظاهر بی محتوای دنیای مادی اند که در برابر خلود و جاودانگی دنیای ارزشهای معنوی قابل ذکر نمی باشند.

من به صراحت اعلام می کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه گذاری می کند. و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و فزون طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم. و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است. و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روشهای مبارزه علیه نظامهای کفر و شرک آشنا می سازد.

و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می دیدم؛ ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلًا خودداری می کنم، و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم؛ و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می دانم. و خدا می داند که اگر نبود انگیزه ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی بودم و مرگ و شهادت برایم گواراتر بود. اما چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم. و مسلّم ملت قهرمان و دلاور ایران نیز چنین بوده و خواهد بود.

من در اینجا از همه فرزندان عزیزم در جبهه های آتش و خون که از اول جنگ تا امروز به نحوی در ارتباط با جنگ تلاش و کوشش نموده اند، تشکر و قدردانی می کنم. و همه ملت ایران را به هوشیاری و صبر و مقاومت دعوت می کنم. در آینده ممکن است

افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی در میان مردم این مسئله را مطرح نمایند که ثمره خونها و شهادتها و ایثارها چه شد. اینها یقیناً از عوالم غیب و از فلسفه شهادت بیخبرند و نمی دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه ای وارد نمی سازد. و ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم. مسلّم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است. خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است. و خدا می داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست؛ و این ملتها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود. و همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود. خوشا به حال آنان که با شهادت رفتند! خوشا به حال آنان که در این قافله نور جان و سر باختند! خوشا به حال آنهایی که این گوهرها را در دامن خود پروراندند!

خداوندا، این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز، و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوندا، کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه اند و نیازمند به مشعل شهادت؛ تو خود این چراغ پر فروغ را حافظ و نگهبان باش. خوشا به حال شما ملت! خوشا به حال شما زنان و مردان! خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده های معظم شهدا! و بدا به حال من که هنوز مانده ام و جام زهرآلود قبول قطعنامه را سر کشیده ام، و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می کنم.

و بدا به حال آنانی که در این قافله نبودند! بدا به حال آنهایی که از کنار این معرکه بزرگِ جنگ و شهادت و امتحان عظیم الهی تا به حال ساکت و بی تفاوت و یا انتقاد کننده و پرخاشگر گذشتند!

آری، دیروز روز امتحان الهی بود که گذشت. و فردا امتحان دیگری است که پیش می آید. و همه ما نیز روز محاسبه بزرگتری را در پیش رو داریم. آنهایی که در این چند سالِ مبارزه و جنگ به هر دلیلی از ادای این تکلیف بزرگ طفره رفتند و خودشان و جان و مال و فرزندانشان و دیگران را از آتش حادثه دور کرده اند مطمئن باشند که از معامله با

خدا طفره رفته اند، و خسارت و زیان و ضرر بزرگی کرده اند که حسرت آن را در روز واپسین و در محاسبه حق خواهند کشید. که من مجدداً به همه مردم و مسئولین عرض می کنم که حساب اینگونه افراد را از حساب مجاهدان در راه خدا جدا سازند؛ و نگذارند این مدعیان بی هنر امروز و قاعدین کوته نظر دیروز به صحنه ها برگردند.

من در میان شما باشم و یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می کنم که نگذارید انقلاب به دست نااهلان و نامحرمان بیفتد. نگذارید پیشکسوتانِ شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره خود به فراموشی سپرده شوند. اکیداً به ملت عزیز ایران سفارش می کنم که هوشیار و مراقب باشید، قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مسئله جنگ نیست. با اعلام این تصمیم، حربه تبلیغات جهانخواران علیه ما کند شده است؛ ولی دورنمای حوادث را نمی توان به طور قطع و جدی پیش بینی نمود. و هنوز دشمن از شرارتها دست برنداشته است؛ و چه بسا با بهانه جوییها به همان شیوه های تجاوزگرانه خود ادامه دهد. ما باید برای دفع تجاوز احتمالی دشمن آماده و مهیا باشیم. و ملت ما هم نباید فعلًا مسئله را تمام شده بداند. البته ما رسماً اعلام می کنیم که هدف ما تاکتیک جدید در ادامه جنگ نیست. چه بسا دشمنان بخواهند با همین بهانه ها حملات خود را دنبال کنند. نیروهای نظامی ما هرگز نباید از کئد و مکر دشمنان غافل بمانند. در هر شرایطی باید بنیه دفاعی کشور در بهترین وضعیت باشد. مردم ما، که در طول سالهای جنگ و مبارزه ابعاد کینه و قساوت و عداوت دشمنان خدا و خود را لمس کرده اند، باید خطر تهاجم جهانخواران در شیوه ها و شکلهای مختلف را جدیتر بدانند. و فعلًا چون گذشته تمامی نظامیان، اعم از ارتش و سپاه و بسیج در جبهه ها برای دفاع در برابر شیطنت استکبار و عراق به مأموریتهای خود ادامه دهند. در صورتی که این مرحله از حادثه انقلاب را با همان شکل خاص و مقررات مربوط به خود پشت سر گذاردیم برای بعد از آن و سازندگی کشور و سیاست کل نظام و انقلاب تذکراتی دارم که در وقت مناسب خواهم گفت. ولی در مقطع کنونی به طور جدّ از همه گویندگان و دست اندرکاران و مسئولین کشور و مدیران رسانه ها و مطبوعات می خواهم که خود را از معرکه ها و معرکه آفرینیها دور کنند؛ و مواظب باشند که ناخودآگاه آلت دست افکار و اندیشه های تند

نگردند؛ و با سعه صدر در کنار یکدیگر مترصد اوضاع دشمنان باشند.

در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و بایدها و نبایدها کنند. هر چند این مسئله به خودی خود یک ارزش بسیار زیباست، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست. چه بسا آنهایی که تا دیروز در برابر این نظام جبهه گیری کرده بودند و فقط به خاطر سقوط نظام و حکومت جمهوری اسلامی ایران از صلح و صلح طلبی به ظاهر دم می زدند، امروز نیز با همان هدف سخنان فریبنده دیگری را مطرح نمایند؛ و جیره خواران استکبار، همانها که تا دیروز در زیر نقاب دروغین صلح، خنجرشان را از پشت به قلب ملت فرو کرده بودند، امروز طرفدار جنگ شوند. و ملیگراهای بی فرهنگ برای از بین بردن خون شهدای عزیز و نابودی عزت و افتخار مردم، تبلیغات مسموم خویش را آغاز نمایند. که ان شاءاللّه ملت عزیز ما با بصیرت و هوشیاری جواب همه فتنه ها را خواهد داد.

من باز می گویم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده تر است؛ ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم. و نکته ای که تذکر آن لازم است این است که در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران به اتکای خود تصمیم گرفته اند. و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است.

مردم عزیز و شریف ایران، من فرد فرد شما را چون فرزندان خویش می دانم. و شما می دانید که من به شما عشق می ورزم؛ و شما را می شناسم؛ شما هم مرا می شناسید. در شرایط کنونی آنچه موجب امر شد تکلیف الهی ام بود. شما می دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم؛ اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود؛ و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم گذشتم؛ و اگر آبرویی داشته ام با خدا معامله کرده ام. عزیزانم، شما می دانید که تلاش کرده ام که راحتی خود را بر رضایت حق و راحتی شما مقدّم ندارم. خداوندا، تو می دانی که ما سر سازش با کفر را نداریم.

خداوندا، تو می دانی که استکبار و امریکای جهانخوار گلهای باغ رسالت تو را پرپر نمودند. خداوندا، در جهان ظلم و ستم و بیداد، همه تکیه گاه ما تویی، و ما تنهای تنهاییم

و غیر از تو کسی را نمی شناسیم و غیر از تو نخواسته ایم که کسی را بشناسیم. ما را یاری کن، که تو بهترین یاری کنندگانی. خداوندا، تلخی این روزها را به شیرینی فرج حضرت بقیهاللّٰه- ارواحنا لتراب مقدمه الفداء- و رسیدن به خودت جبران فرما.

فرزندان انقلابی ام، ای کسانی که لحظه ای حاضر نیستید که از غرور مقدستان دست بردارید، شما بدانید که لحظه لحظه عمر من در راه عشق مقدس خدمت به شما می گذرد.

می دانم که به شما سخت می گذرد؛ ولی مگر به پدر پیر شما سخت نمی گذرد؟ می دانم که شهادت شیرینتر از عسل در پیش شماست؛ مگر برای این خادمتان اینگونه نیست؟ ولی تحمل کنید که خدا با صابران است. بغض و کینه انقلابی تان را در سینه ها نگه دارید؛ با غضب و خشم بر دشمنانتان بنگرید؛ و بدانید که پیروزی از آن شماست. و تأکید می کنم که گمان نکنید که من در جریان کار جنگ و مسئولان آن نیستم. مسئولین مورد اعتماد من می باشند. آنها را از این تصمیمی که گرفته اند شماتت نکنید، که برای آنان نیز چنین پیشنهادی سخت و ناگوار بوده است. که ان شاءاللّٰه خداوند همه ما را موفق به خدمت و رضایت خود فرماید.

من در اینجا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه ها و ذخیره های عظیم الهی و به این گلهای معطر و نوشکفته جهان اسلام، سفارش می کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید؛ و خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید.

و من به همه مسئولین و دست اندرکاران سفارش می کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید؛ و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزشها و نوآوریها همراهی کنید؛ و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید. مبادا اساتید و معلمینی که به وسیله معاشرتها و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اسارت و استعمار رهیده اند، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجیها بت بتراشند و روحیه پیروی و تقلید و گدا صفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه ورسم

استقلال را زنده نگه دارند. ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته ایم آنهمه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفتها داشته باشیم. ان شاءاللّٰه در شرایط بهتر زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می سازیم. مبارزه علمی برای جوانان زنده کردن روح جستجو و کشف واقعیتها و حقیقتهاست. و اما مبارزه عملی آنان در بهترین صحنه های زندگی و جهاد و شهادت شکل گرفته است.

و نکته دیگری که از باب نهایت ارادت و علاقه ام به جوانان عرض می کنم این است که در مسیر ارزشها و معنویات از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید؛ و هیچ گاه و تحت هیچ شرایطی خود را بی نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید. روحانیون مبارز و متعهد به اسلام در طول تاریخ و در سخت ترین شرایط همواره با دلی پر از امید و قلبی سرشار از عشق و محبت به تعلیم و تربیت و هدایت نسلها همت گماشته اند و همیشه پیشتاز و سپر بلای مردم بوده اند؛ بر بالای دار رفته اند و محرومیتها چشیده اند؛ زندانها رفته اند و اسارتها و تبعیدها دیده اند؛ و بالاتر از همه، آماج طعنها و تهمتها بوده اند؛ و در شرایطی که بسیاری از روشنفکران در مبارزه با طاغوت به یأس و ناامیدی رسیده بودند، روح امید و حیات را به مردم برگرداندند و از حیثیت و اعتبار واقعی مردم دفاع نموده اند؛ و هم اکنون نیز در هر سنگری از خطوط مقدم جبهه گرفته تا مواضع دیگر، در کنار مردمند؛ و در هر حادثه غمبار و مصیبت آفرینی شهدای بزرگواری را تقدیم نموده اند.

در هیچ کشور و انقلابی جز انقلاب بعثت و رسالت و زندگی ائمه هدی علیهم السلام و انقلاب اسلامی ایران سراغ نداریم که رهبران انقلاب آنقدر آماج حملات و کینه ها گردند. و این به خاطر صداقت و امانتداری است که در وجود علمای متعهد اسلام متبلور است.

مسئولیت پذیری در کشوری که با محاصره ها و مشکلات اقتصادی و سیاسی و نظامی مواجه است کار مشکلی است. البته روحانیون متعهد کشور ما باید خودشان را برای فداکاریهای بیشتر آماده کنند؛ و در مواقع لزوم و ضرورت از آبرو و اعتبار خود برای حفظ آبروی اسلام و خدمت به محرومان و پابرهنگان استفاده کنند. و جای بسی سپاس و امتنان است که ملت رشید و دلاور ایران قدر خادمان واقعی خود را می شناسد، و فلسفه عشق و ارادت خود را به این نهاد مقدس در یک کلمه خلاصه می کند. علما و روحانیون

متعهد اسلام هرگز به آرمان و اصالت و عقیده و هدف اسلامی ملت خیانت نکرده و نمی کنند. البته تذکر این نکته لازم است که در تمام نوشته ها و صحبتها هر وقت نام «روحانیت» را به میان آورده ام و از آنان قدردانی نموده ام، مقصودم علمای پاک و متعهد و مبارز است؛ که در هر قشری ناپاک و غیرمتعهد وجود دارد. و روحانیون وابسته ضررشان از هر فرد ناپاک دیگر بیشتر است. و همیشه این دسته از روحانیون مورد لعن و نفرین خدا و رسول و مردم بوده اند؛ و ضربات اصلی را به این انقلاب، روحانیون وابسته و مقدس مآب و دین فروش زده اند و می زنند. و روحانیون متعهد ما همواره از این بی فرهنگها متنفر و گریزان بوده اند. من به صراحت می گویم ملیگراها اگر بودند، به راحتی در مشکلات و سختیها و تنگناها دست ذلت و سازش به طرف دشمنان دراز می کردند؛ و برای اینکه خود را از فشارهای روزمره سیاسی برهانند، همه کاسه های صبر و مقاومت را یکجا می شکستند و به همه میثاقها و تعهدات ملی و میهنی ادعایی خود پشت پا می زدند. کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهانخواران را نمی دانیم. ولی هیهات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند! البته ما مطمئنیم که در همین شرایط نیز آنها که با روحانیت اصیل کینه دیرینه دارند و عقده ها و حسادتهای خود را نمی توانند پنهان سازند آنان را به باد ناسزا گیرند. ولی در هر حال آن چیزی که در سرنوشت روحانیت واقعی نیست سازش و تسلیم شدن در برابر کفر و شرک است. که اگر بندبند استخوانهایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله های آتشمان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امان نامه کفر و شرک را امضا نمی کنیم.

علما و روحانیون ان شاءاللّٰه به همه ابعاد و جوانب مسئولیت خودآشنا هستند ولی از باب تذکر و تأکید عرض می کنم امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی مان احساس می کنند که می توانند اندیشه های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرفهای آنان را بشنوند. و اگر بیراهه می روند، با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آنها دهید. و باید به این نکته توجه کنید که نمی شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی

آنان را نادیـده گرفت و فوراً انگِ التقاط و انحراف بر نوشـته هاشان زد و همه را یکباره به وادی تردیـد و شک انداخت. اینها که امروز اینگونه مسائل را عنوان می کنند مسـلماً دلشان برای اسـلام و هدایت مسلمانان می تپد، و الّا داعی ندارند که خود را با طرح این مسائل به دردسر بیندازند. اینها معتقدند که مواضع اسلام در موارد گوناگون همان گونه ای است که خود فکر می کننـد. به جای پرخاش و کنار زدن آنها با پدری و الفت با آنان برخورد کنید. اگر قبول هم نکردند، مأیوس نشوید. در غیراین صورت خـدای نـاکرده به دام لیبرالهـا و ملیگراهـا و یـا چپ و منـافقین می افتنـد؛ و گناه این کمتر از التقاط نیست. وقتی ما می تـوانیم به آینـده کشـور و آینـده سـازان امیـدوار شویم که به آنـان در مسائـل گونـاگون بهـا دهیم، و از اشـتباهات و خطاهـای کوچـک آنـان بگـذریم، و به همه شـیوه هـا و اصولی که منتهی به تعلیم و تربیت صـحیح آنـان می شود احـاطه داشـته باشـیم. فرهنـگ دانشـگاهها و مراکز غیرحـوزه ای به صورتی است که بـا تجربه و لمس واقعیتهـا بیشـتر عـادت کرده است، تـا فرهنگ نظری و فلسـفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله ها، حوزه و دانشگاه درهم ذوب شوند، تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیعتر گردد.

نکته دیگر اینکه من اکثر موفقیتهای روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسـلامی در ارزش عملی و زهد آنان می دانم. و امروز هم این ارزش نه تنهـا نبایـد به فراموشـی سپرده شود، که بایـد بیشتر از گذشـته به آن پرداخت. هیـچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست. و هیـچ وسـیله ای هم نمی تواند بدتر از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند. چه بسا دوسـتان نادان یا دشـمنان دانا بخواهنـد با دلسوزیهای بیمورد مسیر زهدگرایی آنان را منحرف سازند؛ و گروهی نیز مغرضانه یا ناآگاهانه روحانیت را به طرفداری از سـرمایه داری و سـرمایه داران متهم نمایند. در این شـرایط حساس و سرنوشت سازی که روحانیت در مصدر امور کشـور است و خطر سوءاسـتفاده دیگران از منزلت روحـانیون متصـور است، بایـد بشـدت مـواظب حرکـات خـود بود. چه بسـا افرادی از سازمانها و انجمنها و تشکیلات سیاسی و غیر آنها با ظاهری صددرصد اسلامی بخواهند به حیثیت و اعتبار آنان لطمه وارد سازند؛ و حتی علاوه بر تأمین منافع خود، روحانیت را رو در روی یکدیگر قرار دهند. البته آن چیزی که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با

تبلیغات دیگران از میدان به در رونـد حمـایت از محرومین و پا برهنه هاست؛ چرا که هر کسـی از آن عـدول کنـد از عـدالت اجتماعی اسـلام عدول کرده است. ما باید تحت هر شـرایطی خود را عهده دار این مسئولیت بزرگ بدانیم. و در تحقق آن اگر کوتاهی بنماییم، خیانت به اسلام و مسلمین کرده ایم.

در خاتمه، از پیشـگاه مقدس پروردگار، که الطاف بیکران خود را بر این ملت ارزانی داشته است، تشکر و قدردانی می کنم. و از محضـر مقدس بقیهاللّه- ارواحنا فداه- عاجزانه می خواهیم که ما را در مسـیر و هدفمان مدد و رهبری فرماید. خداوند متعال به خـانواده هـای شـهدا صـبر و اجر، و به مجروحین و معلـولین شـفا عنـایت فرمایـد؛ و اسـرا و مفقـودین را به وطن خویش بـاز گرداند. خداوندا، از تو می خواهیم آنچه مصـلحت اسـلام ومسـلمین است را برای ما مقدر فرمایی. انَّکَ قَریبٌ مُجیبٌ. والسلام علیکم و رحمهاللّه وبرکاته.

پنجم ذی حجه ۱۴۰۸/ ۲۹/ ۴/ ۶۷

روح اللّه الموسوی الخمینی

ص: ۲۷۳

نمایه ها

فهرست آیات

حمد

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ آیه ۲، ص ۱۷۶

وَ إِیَّاکَ نَسْتَعِینُ آیه ۵، ص ۱۷۶

هُدًی لِّلْمُتَّقِینَ آیه ۲، ص ۱۸۷

إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّآ إِلَیْهِ رَ جِعُونَ آیه ۱۵۶، ص ۱۲۳

صَدٌّ عَن سَبِیلِ اللَّهِ آیه ۲۱۷، ص ۲۴۹

وَمَکَرُواْ وَمَکَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَیْرُ الْمکِرِینَ آیه ۵۴، ص ۱۶۰

إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّهَ آیه ۹۶، ص ۶۳

وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعًا وَلَا تَفَرَّقُوا آیه ۱۰۳، ص ۲۵، ۲۷، ۵۶

وَمَن یُقتِلْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَیُقْتَلْ أَوْ یَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِیهِ أَجْرًا عَظِیمًا آیه ۷۴، ص ۲۴۴

وَمَن یَخْرُجْ مِن م بَیْتِهِ ی مُهَاجِرًا إِلَی اللَّهِ وَرَسُولِهِ ی ثُمَّ یُدْرِکْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ و عَلَی اللَّهِ آیه ۱۰۰، ص ۱۹۴، ۱۹۵

مائده

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَهَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَمًا لِّلنَّاسِ آیه ۹۷ ص ۷۳

انعام

إِنَّنِی بَرِی ءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ آیه ۱۹ ص ۲۰۰

إِنِّی وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّموَ تِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَآ أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ آیه ۷۹، ص ۱۲۵

اعراف

اَلَسْتُ بِرَبِّكُم آیه ۱۷۲، ص ۱۹۷

انفال

وَلاتَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ آیه ۴۶، ص ۳۷، ۶۶

توبه

وَأَذَ نٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِی ءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِن تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُواْ أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِی اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُواْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ آیه ۳، ص ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۸۱، ۱۹۷

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَهَ الْحَاجِّ وَعِمَارَهَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْأخِرِ وَجهَدَ فِی سَبِيلِ اللَّهِ لَايَسْتَوُونَ عِندَاللَّهِ وَاللَّهُ لَايَهْدِی الْقَوْمَ الظلِمِينَ آیه ۱۹، ص ۱۳۷، ۲۳۳

قُلْ إِن كَانَ ءَابَآؤُكُمْ وَأَبْنَآؤُكُمْ وَإِخْوَ نُكُمْ وَأَزْوَ جُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَ لٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجرَهٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسكِنُ تَرْضَوْنَهَآ أَحَبَّ إِلَيْكُم مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ی وَجِهَادٍ فِی سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُواْ حَتَّى يَأْتِیَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَايَهْدِی الْقَوْمَ الْفسِقِينَ آیه ۲۴، ص ۱۹۵

الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَ نِفَاقًا وَ أَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُواْ حُدُودَ مَآ أَنزَلَ اللَّهُ آیه ۹۷، ص ۶۴

هود

أَلَيسَ الصُّبحُ بِقَريبٍ آیه ۸۱، ص ۱۳۰

فَاسْتَقِمْ کَما امِرْتَ آیه ۱۱۲، ص ۲۲۸

حجر

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ و لَحفِظُونَ آیه ۹، ص ۱۹۵

نحل

تِبْیان كُلِّ شَیءٍ آیه ۸۹، ص ۱۸۶

اسراء

انَّ الباطِلَ كانَ زَهُوقاً آیه ۸۱، ص ۶۲

حج

وَطَهِّرْ بَيْتِىَ لِلطَّآئِفِينَ وَ الْقَآئِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ آیه ۲۶ ص ۱۲۱

وَ أَذِّن فِى النَّاسِ بِالْحَجّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَ عَلَى كُلّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِن كُلّ فَجّ عَمِيقٍ آیه ۲۷، ص ۱۲۱، ۲۴۸

وَ الَّذِينَ هَاجَرُواْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُواْ أَوْ مَاتُواْ لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَ إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّ زِقِينَ آیه ۵۸، ص ۲۳۰

نور

اللَّهُ نُورُ السَّمواتِ وَالْاَرْضِ آیه ۳۵، ص ۱۰۷، ۱۹۴

لَّاشَرْقِيَّةٍ وَ لَاغَرْبِيَّةٍ آیه ۳۵، ص ۲۵۷

فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ ى أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَهٌ أَوْيُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ آیه ۶۳، ص ۱۹۶

احزاب

لَكُمْ فی رَسُولِ اللَّهِ اسوَهٌ حَسَنَهٌ آیه ۲۱، ص ۳۶

سبا

قُلْ إِنَّمَآ أَعِظُكُم بِوَ حِدَهٍ أَن تَقُومُواْ لِلَّهِ مَثْنَی وَ فُرَ دَی ثُمَّ تَتَفَكَّرُواْ آیه ۴۶، ص ۳۷، ۲۲۰

محمد

إِن تَنصُرُواْ اللَّهَ یَنصُرْكُمْ وَیُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ آیه ۷، ص ۱۳۵، ۱۶۹، ۲۰۴

فتح

لَّقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّءْیَا بِالْحَقّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِن شَآءَ اللَّهُ ءَامِنِینَ آیه ۲۷، ص ۲۴۷

مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِینَ مَعَهُ و أَشِدَّآءُ عَلَی الْكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَیْنَهُمْ آیه ۲۹، ص ۸۲، ۱۹۵

حجرات

فَقتِلُواْ الَّتِی تَبْغِی حَتَّی تَفِی ءَ إِلَی أَمْرِ اللَّهِ آیه ۹، ص ۵۷

انَّ اكرَمَكُم عِندَ اللَّهِ اتقْیكُم آیه ۱۳، ص ۶۵

حدید

هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْأَخِرُ وَ الظهِرُ وَ الْبَاطِنُ آیه ۳، ص ۱۹۴، ۲۴۵

صف

إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الَّذِینَ یُقتِلُونَ فِی سَبِیلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُم بُنْیَنٌ مَّرْصُوصٌ آیه ۴، ص ۲۴۴

جمعه

یُزَكّیهِمْ وَ یُعَلّمُهُمُ الْكِتبَ آیه ۲، ص ۱۵۰

فهرست احادیث و دعاها

نمایه موضوعی

آمریکا

آمادگی برای نبرد با ۲۱۳؛، طبل تو خالی ۱۵۵؛، منشأ مشکلات مسلمانان ۹۷؛ اختلاف افکنی ۴۵؛ استثمارگری ۴۹؛ اسرائیل، ولیده ۱۴۱؛ افشای توطئه های در حج ۳۸، ۱۰۸؛ افشای

ص: ۲۸۸

ص: ۲۹۳

ص: ۲۹۶

ص: ۳۰۲

بررسی اتحاد مسلمانان در

طرد دین به ۲۲۱.

دوران رضا شاه

رنج های ۲۳۸.

دوران شاه

مقایسه و جمهوری اسلامی ۱۷۴.

دعا برای ۲۷۲.

مجلس شورای اسلامی

مقایسه بین مجلس شاه و ۱۷۱؛ همدلی نمایندگان ۱۷۱.

اتحاد ایران ۱۹۷؛ ایثار در نگاه ۱۴۸؛ برخورد روحانیت با ۲۷۰؛ تزکیه

ص: ۳۴۳

فهرست اشخاص

فهرست اشخاص

ص: ۳۴۴

فهرست جای ها

ص: ۳۵۰

فهرست ایام و حوادث

فهرست ایام و حوادث

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹